

الكتاب: احكام و آداب حج (فارسي)
المؤلف: السيد الكلپايگاني
الجزء:
الوفاة: ١٤١٤
المجموعة: فقه الشيعة (فتاوى المراجع)
تحقيق:
الطبعة: الأولى
سنة الطبع: ذي القعدة ١٤١٣
المطبعة: باقري - امير
الناشر: دار القرآن الكريم - قم المشرفة - ايران
ردمك:
ملاحظات:

احكام و آداب حج
مطابق با فتاواى
فقيه اهل بيت عصمت حضرت آية الله العظمى
آقاى حاج سيد محمد رضا گلپايگانى مد ظله العالى

احكام و آداب حج
مطابق با فتوای زعيم عاليقدر حضرت آية الله العظمى
آقاى سيد محمد رضا موسى گلپايگانى دام ظلّه العالى
ناشر: دار القرآن الكريم
حروفچينى و صفحه آرئى: دار القرآن الكريم
ليتوگرافى: حميد - قم
چاپخانه: باقرى - امير
نوبت چاپ: اول
تاريخ: ذو القعدة ۱۴۱۳
تيراژ: ۱۰۰۰۰
حقوق طبع براى دار القرآن الكريم محفوظ است
آدرس: ايران - قم - صندوق پستى ۱۵۱ تلفن: ۸ - ۳۳۰۷۶

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطاهرين
ولعنة الله على اعدائهم اجمعين
كعبه مقدسه نخستين خانه‌ای است که به امر و اراده خداوند،
برای مردم و در مسیر رشد و هدایت و منافع آنان در سطح زمین بنا
شده است. چنان که قرآن کریم مفرماید: " إن اول بيت وضع
للناس للذي ببكة مبارکاً وهدى للعالمين... ". (۱)
به راستی اولین خانه‌ای که برای ناس - مردم - قرار داده شد،
همان خانه‌ای است که در مکه است. آن خانه دارای خیر بسیار بوده
و هدایت از برای عالمیان است.
کعبه خانه مقدسی است که به دست توانا و پر برکت دو پیامبر
بزرگ الهی - ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام - بالا رفته، و آن دو بنده

(۱) سورة آل عمران: ۹۶

صالح خدا پس از فراغت از بنای آن، دست به دعا و نیایش برداشته‌اند، که خداوند عمل آنان را قبول فرماید، چنان که قرآن کریم مفرماید: " وَاذِ يَرْفَعُ اِبْرَاهِيمَ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَاسْمَاعِيلَ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ". (۱)

هنگامی که ابراهیم و اسماعیل دیوارهای خانه کعبه را بر افراشتند، عرض کردند: پروردگارا! این خدمت را از ما قبول فرما، که تو شنونده دعا و دانای به همه اسراری. کعبه همان خانه رفیعی است که خدای جهان، ابراهیم و اسماعیل سلام الله علیهما را مأمور به تطهیر آن از لوث وجود ناپاک مشرکان کرده، و خود مفرماید: " وَعَهَدْنَا اِلَى اِبْرَاهِيمَ وَاسْمَاعِيلَ اَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ " (۲)

و از ابراهیم و اسماعیل پیمان گرفتیم که حرم خدا را برای طواف کنندگان و مقیمین و رکوع کنندگان اهل سجود تطهیر نمایند. کعبه همان کانون مقدس و حرم محترمی است که خداوند متعال آن را مایه قیام، و وسیله بقاء و ثبات، و پابرجایی، و استواری امت اسلام، و مرکز راه اندازی امور مسلمین، و سامان بخشیدن به جریانات زندگی آنان قرار داده است. همچنان که در قرآن کریم

(۱) سوره البقرة: ۱۲۷

(۲) سورة البقرة: ۱۲۵

مخوانیم: " جعل الله الكعبة البيت الحرام قياما للناس... " (۱).
 خداوند کعبه را که بیت حرام و خانه محترم است موجب
 ایستادگی و استواری برای مردم قرارداد.
 کعبه آن خانه با جلالتی است که خداوند زیارت آن را حقی برای
 خویشان بر گردن بندگان و اهل استطاعت قرار داده، و تخلف از آن
 را نوعی کفر قلمداد کرده، مفرماید: " و لله على الناس حج البيت
 من استطاع اليه سبيلا و من كفر فان الله غني عن العالمين " (۲)
 برای خداست بر مردم که حج خانه خدا بکنند، آنان که راهی
 بدانجا داشته باشند، و کسی که از این فرمان سرپیچی کند،
 پس برآستی که خداوند از جهانیان بی نیاز است.
 و بالاخره کعبه خانه بلند پایه‌ای است که خدای تعالی حضرت
 ابراهیم علیه السلام را مأمور کرده که بندگان را به سوی این خانه
 مقدس فرا بخواند، و دعوت نماید. چنان که در قرآن میخوانیم:
 " وأذن في الناس بالحج يأتوك رجالا وعلى كل ضامر يأتين من كل فج
 عميق ليشهدوا منافع لهم... " (۳) و در میان مردم اعلان - دعوت -
 حج بنما، که پیاده و سواره از هر راه دوری به سوی تو خواهند آمد،
 تا در آنجا شاهد و ناظر منافع فراوان برای خود باشند...

-
- (۱) سورة المائدة: ۹۷
 (۲) سورة آل عمران: ۹۳
 (۳) سورة الحج: ۲۷ - ۲۸

بنابر این بندگان صالح و مخلصی که برای انجام زیارت بیت الله راهی حج میشوند امر خدای را اجابت نموده، و دعوت حضرت ابراهیم را پاسخ مثبت مدهند، و از این رو در اولین لحظه ورود در اعمال حج یعنی حین احرام با شور و شعفی زائد الوصف، لبیک مگویند یعنی خداوندا! امر تو را اطاعت و دعوت حضرت ابراهیم را اجابت نمودیم.

تحریف در اعمال و مراسم حج در ادوار گذشته و عصر جاهلیت بر اثر محرومیت از درك انبياء الهی، و دوری از تعالیم آسمانی آنان زیارت اسرار آمیز بیت الله و اعمال و آداب سازنده آن دچار تحریف شده، کارهای بی مفهوم و اعمال بیهوده و جاهلانهای را به عنوان مراسم حج انجام میدادند. چنان که قرآن کریم مفرماید: " و ما كان صلاتهم عند البيت الا مكاءا وتصديّة... " (۱). نماز و نیایش آنان در نزد بیت الله چیزی جز صفیر و کف زدن نبود.

(۱) سورة الانفال: ۳۵

نقش ائمه طاهرين در تبیین احکام حج
پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم و ائمه طاهرين در صدد تبیین اعمال
و برنامه‌های صحیح و پویای حج بر آمده، و آداب مناسب با
کانون توحید و اخلاص را در اختیار مردم مگذاشتند، هر چند که
موانع اجتماعی، داخلی و خارجی و بازیگرهای دشمنان نگذاشت
که در همان اوائل امر مردم به خوبی این برنامه‌های افتخار آمیز
را فرا بگیرند.

شیخ مفید - قدس سره - راجع به حضرت امام محمد باقر علیه السلام
مفرماید:

"... واعتمدوا علیه في مناسك الحج التي رواها عن رسول الله
صلى الله عليه وآله " (۱). نقطه اتکاء مردم در اعمال حجشان مناسک
و برنامه‌هایی بود که آن حضرت از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت
مفرمود.

محدث قمی عبارتی دارند بدین صورت: " كانت الشيعة قبل أن
يكون أبو جعفر عليه السلام وهم لا يعرفون مناسك حجهم
وصلاتهم وصيامهم حتى كان أبو جعفر عليه السلام ففتح لهم و بين
لهم مناسك حجهم وحلالهم وحرامهم " (۱).

(۱) الارشاد: ۲۴۸

(۲) الانوار البهية / طبع مشهد: ۱۲۱.

شیعه پیش از دوران امام باقر علیه السلام عارف به مناسک حج و حلال و حرام خود نبود تا آن که آن حضرت آمد و در علوم را بر روی آنان گشود و مناسک حجشان و حلال و حرامشان را برای آنان روشن ساخت.

پاسداری فقهای شیعه از احکام و آداب حج بافرا رسیدن عصر غیبت، فقهاء و مجتهدین شیعه هم چنان در حفظ نظام حج و نگهداری آن از تحریف کوشش کردند، و آداب و دستورات آن را از واجبات و مستحبات روشن ساختند، تا ضیوف الرحمان و زائران خانه خدا بتوانند این عبادت بزرگ و اسرار آمیز را در چهار چوب احکام و مقررات شرع انجام دهند، و در طول این اعصار کتابهای گوناگون اعم از استدلالی و یا فتوایی به زبانهای مختلف به صورت تفصیلی یا به نحو اختصار تألیف شد، و مورد استفاده مردم مسلمان و متعهد قرار گرفت.

کتاب حاضر از جمله کتبی است که در همین راستا تألیف شده، و خود مجموعه‌ای گرانبهاست که حاوی فروع بسیار و مسائل فراوانی است، و به خواست خداوند رفع نیاز حجاج محترم را نموده، و پاسخگوی مشکلات آنان در سفر الی الله خواهد بود.

این کتاب با استفاده از مناسک عربی و فارسی زعیم عالیقدر جهان تشیع، حضرت مستطاب سید الفقهاء والمجتهدین آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی دام ظلّه الشریف تنظیم گردیده، و فروع و استفتاءات تازه‌ای که از آن مرجع عظیم الشأن شده نیز ضمیمه آن گردیده است. تنظیم این مجموعه با نظارت دفتر استفتاء حضرت آیه الله العظمی، توسط حج اسلام آقایان حاج شیخ رضا فاضل کاشانی و حاج سید محمد تقی علوی زید عزمها، انجام گرفته است. امید است مورد استفاده کامل حجاج بیت الله الحرام قرار گیرد.

در پایان توجه حجاج محترم را به نکات زیر جلب منماییم، تا ان شاء الله با توجه کامل مناسک حج خود را به پایان برند.

۱ - سفیان بن عیینه مگوید: حضرت امام زین العابدین علیه السلام به حج آمدند، چون خواستند محرم شوند، مرکب آن حضرت ایستاد، رنگشان زرد شد، و لرزه بر آن حضرت عارض گردید، و نتوانست لبیک بگوید! من عرض کردم: چرا تلبیه نمگویید؟ فرمود: مترسم در جوابم گفته شود: لا لبیک

ولا سعديك. پس چون تلبیه گفت غش کرد، و از راحله‌اش بر زمین افتاد، و پیوسته این حال تا پایان مراسم حج بر او عارض مشد (۱). ۲ - شخصی به نام "افلح" که از غلامان حضرت امام محمد باقر علیه السلام بوده، مگوید: وقتی در خدمت آن حضرت به مکه رفتیم، چون آن بزرگوار داخل مسجد الحرام شد، چون به خانه کعبه نگریم، به گریه افتاد و صدای مبارکش در میان مسجد بلند شد من عرض کردم: پدر و مادرم فدای تو، مردم شما را مبینند، خوب است که صدای مبارك را کوتاه نموده، و آهسته تر گریه کنید. حضرت فرمود: وای بر تو! ای افلح، چگونه گریه نکنم، همانا امید مرود که خداوند به سبب این گریه، نظر رحمتی بر من فرماید، و به آن سبب فردای (قیامت) در نزد او رستگار گردم. پس آن حضرت دور خانه طواف فرمود، و بعد در نزد مقام ابراهیم به نماز ایستاد و به رکوع و سجود رفت، و چون سر از سجده برداشت موضع سجده آن بزرگوار از اشک دیدگانش تر شده بود (۱).

۳ - طاووس یمانی مگوید: داخل حجر اسماعیل شدم، دیدم

 (۱) عوالی اللئالی ابن ابی جمهور احسائی ۴: ۳۵، احیاء العلوم غزالی ۱: ۲۶۸.
 (۱) کشف الغمة فی معرفة الأئمة ۲: ۱۱۷ و ۱۴۸.

که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در سجده است و کلامی را تکرار میکند، با خود گفتم مردی است از خاندان صالح و پاک، گوش دهم ببینم چه میگوید، پس به مناجات او گوش فرا دادم و شنیدم که میگفت: "عبدك بفناءك، مسكينك بفناءك، سائلك بفناءك، فقيرك بفناءك".

یعنی: بنده تو به درگاه تو آمده، مسکین تو به درگاه تو آمده، سائل تو به درگاه تو آمده، فقیر تو به درگاه تو آمده. طاووس میگوید: به خدا سوگند هرگز خدا را با این جملات نخواندم مگر این که گرفتاری من مرتفع گردید و گشایش برایم پیدا شد (۱).

۴ - سعید بن جبیر میگوید: کسی که برای خواسته و حاجتی به سوی بیت الله الحرام بیاید به حاجت خود خواهد رسید، خواه حاجت او مربوط به دنیا باشد یا آخرت (۱).

والسلام علی حجاج بیت الله الحرام و ضیوف الرحمان و رحمة الله وبرکاته

قم - حوزه علمیه
علی کریمی جهرمی

(۱) کشف الغمة في معرفة الأئمة ۲: ۸۰.

(۱) مجمع البیان ۲: ۲۴۷.

بسم الله الرحمن الرحيم

اقسام حج

حج دو گونه است: واجب و مستحب، و حج واجب نیز سه قسم است:

اول - حجة الاسلام، و آن حجی است که بر هر شخص واجد شرایط استطاعت، يك بار در طول عمر شرعا واجب است.

دوم - حجی که با نذر و عهد و قسم واجب شود.

سوم - حجی که با اجیر شدن واجب گردد.

و در غیر موارد مذکور حج مستحب است.

و جوب حج
حج از ارکان دین اسلام است، و وجوب آن بر کسی که واجد شرایط استطاعت باشد، از ضروریات بین مسلمین است، و در قرآن کریم نیز به آن تصریح شده است، و انکارش موجب کفر میباشد، و ترکش اگر به جهت سبک شمردن آن باشد به منزله کفر، و بدون آن از گناهان کبیره محسوب میگردد.

مسأله ۱ - حج در تمام عمر يك بار شرعا واجب است، و بیش از يك بار اگر چه شخص متمکن باشد، وجوب عینی ندارد.

مسأله ۲ - اگر مکه مکرمه خالی از حاجی بماند، بر هر شخص مکلف متمکن بنابر احتیاط واجب، رفتن به حج وجوب کفایی دارد، اگر چه قبلا نیز به حج رفته باشد.

مسأله ۳ - وجوب حج برای واجدان شرایط فوری بوده، و تأخیر آن از سال اول استطاعت حرام است، و بعید نیست که از گناهان کبیره به شمار آید، و در صورت نافرمانی و ترك آن در سال اول استطاعت، در سال دوم نیز وجوب فوری دارد، و ترك آن مانند سال اول گناه کبیره است، و حکم آن نسبت به سالهای بعد تا آخر عمر نیز چنین است.

مسأله ۴ - بر شخص مستطیع واجب است که مقدمات سفر (از قبیل: ثبت نام، و گرفتن گذرنامه، تعیین کاروان، گرفتن بلیط هواپیما، و دیگر لوازم سفر) را به موقع و هر چه زودتر فراهم سازد، به طوری که عرفاً در تهیه مقدمات حج، سهل انگار شمرده نشود، تا بتواند حج را در موقع خود انجام دهد.

شرایط وجوب حجة الاسلام
اول - بلوغ.

پس بر كودك اگر چه نزدیک به حد بلوغ باشد، و سایر شرایط استطاعت را نیز داشته باشد، حج واجب نیست، و در صورت انجام با آن که بنابر اقوی عبادت او صحیح است، و مشروعیت دارد، کفایت از حجة الاسلام نمکند.

مسأله ۵ - حج برای غیر مکلف ممیز مستحب است، ولی کفایت از حجة الاسلام نمسکند، و اذن ولی در صحت حج او شرط نیست، اگر چه در مواردی که حج او موجب تصرف در اموالش میشود، برای تصرف اذن ولی لازم است.

مسأله ۶ - جایز نیست که والدین فرزند را از انجام حج واجب منع نمایند، و در صورت نهی اثری بر آن مترتب نبوده، و حج صحیح است، و هم چنین صحت حج استحبابی منوط به اذن والدین نیست، بلی اگر از انجام آن نهی کردند، به طوری که مخالفتشان موجب رنجش شدید خاطرشان مگردد، حج استحبابی باطل خواهد بود.

مسأله ۷ - برای ولی، محرم کردن کودک غیر ممیز مستحب است، و در محرم کردن دیوانه اشکال است. بلی اگر ولی مجنون او را رجاء - یعنی به امید مطلوبیت و رسیدن به ثواب - محرم نماید، اشکالی در آن نیست، و کیفیت محرم کردن کودک این است: که دو لباس احرام را به او بپوشاند، و بگوید: خداوندا این کودک را محرم کردم به احرام... و از او بخواهد که لبیک های واجب را بگوید، و در صورتی که قادر نیست، او را تلقین نماید، و اگر با

تلقین هم نمیتواند، خودش از طرف او " لَبِیکِ هَا " را بگوید،
و او را از تَرُوكِ احرام باز دارد، و به آنچه از اعمال حج قادر است
و ادا دارد، و در انجام آنچه توانایی ندارد نیابت کند، او را طواف دهد،
و سعی بدهد، و در عرفات و مشعر و قوفش دهد، و اگر میتواند امر
به رمی نماید، و در صورتی که قادر نیست خود از جانب او رمی
کند، او را به طواف و نماز طواف و ادا دارد، و اگر نمیتواند خودش
از طرف او بخواند، و سرش را بتراشد، و هم چنین در بقیه اعمال.
و توجه به این نکته لازم است که کودک در حال طواف و نماز
طواف - اگر خود کودک نماز میخواند - مبیاست پاك و با وضو باشد،
و اگر در طول طواف طاهر بودن و با وضو بودن او ممکن
نیست، ولی از جانب او طواف کرده، و نماز طواف را میخواند،
و احتیاط آن است که در حد ممکن بین طواف و نماز خود، با تطهیر
و وضو گرفتن و یا وضو دادن کودک و واداشتن او به طواف و نماز
جمع نماید.
مسأله ۸ - ولی میتواند کودک را محرم نماید، اگر چه خودش
محل باشد.

مسأله ۹ - قدر متیقن از ولی که متواند كودك غير ممیز را محرم نماید ولی شرعی است، که پدر، پدر پدر، و وصی آن دو، و حاکم شرع، و نماینده او، و وکیل هر يك از اینها است، و صدق ولی در غیر مورد اینها مثل: عمو، دایی، و برادر گرچه تکفل كودك را به عهده گیرند مشکل است، بلی در باره محرم کردن كودك توسط مادر، به خاطر وجود نص خاص اشکالی نیست.

و در باره كودك ممیز نیز اذن غیر ولی شرعی در مواردی که اذن ولی معتبر است کفایت نمکند.

مسأله ۱۰ - مخارج زائده سفر كودك بر عهده ولی او است، مگر آن که حفظ او متوقف بر سفر باشد، و یا آن که آن سفر به مصلحت او بوده، و حج موجب مخارج زائدی بر مخارج سایر سفرها نباشد.

مسأله ۱۱ - قربانی و هم چنین کفاره صید كودك بر عهده ولی او است، و وجوب سایر کفارات بر ولی مورد اشکال است، اگر چه احوط آن است که تکفل نماید.

مسأله ۱۲ - اگر كودکی قبل از بلوغ محرم شود، و وقوف مشعر را پس از بلوغ درك نماید، مشهور آن است که حج او مجزی از حجة الاسلام است، ولی احوط، بلکه اقوی آن است که پس از استطاعت حج را اعاده نماید.

مسأله ۱۳ - اگر کودکی قبل از میقات بالغ شود، و در همان محل مستطیع باشد، مبیاست به نیت حجة الاسلام محرم شده، حج را بجا آورد.

مسأله ۱۴ - اگر کسی به اعتقاد آن که بالغ نبوده، و یا مستطیع نیست، حج استحبابی بجا آورد، کفایت آن از حجة الاسلام محل اشکال و تأمل است، و باید حج را احتیاطاً اعاده نماید، بلی اگر نیت کرد که حجی را که به عهده او است انجام مدهد، و فکر مسکرده حج استحبابی است، ظاهراً از حجة الاسلام کفایت میکند.
دوم - حریت (برده نبودن).

سوم - استطاعت مالی، بدنی و طریقی.

مسأله ۱۵ - وجود استطاعت عقلی به تنهایی برای وجوب حج کافی نیست، بلکه شرط وجوب حج، استطاعت شرعی است، بنابر این قدرت بر تحصیل مخارج حج، موجب آن نیست، و استطاعت در صورتی محقق است که مخارج حج را داشته باشد.

مسأله ۱۶ - همان گونه که داشتن راحله (وسیله سفر) از قبیل: ماشین، کشتی و هواپیما و.. برای شخصی که نیاز به آن دارد شرط وجوب حج است، چه به خاطر قادر نبودن بر پیاده روی، و یا

سخت بودن، و یا خلاف شأن بودن آن، هم چنین بنا بر اقوی داشتن
راحله برای کسی که نیاز به مرکب ندارد نیز شرط است، اگر چه
سزاوار است که احتیاط ترك نشود، خصوصاً نسبت به شخصی که
پیاده و سواره بودن در راه برای او یکسان بوده، و یا پیاده روی برایش
آسان تر باشد.

مسأله ۱۷ - در شرط بودن وجود راحتله در وجوب حج فرقی بین
دور بودن و یا نزدیک بودن مسافت نیست، حتی برای اهل مکه نیز
وجود راحتله شرط است. ولی کسی که توانایی پیاده روی تا
عرفات، و بازگشت از آن را به آسانی دارد، عمل به احتیاط را ترك
ننماید.

مسأله ۱۸ - شرط استطاعت را مبیایست از مکانی که مکلف
فعلاً در آن حضور سنجید، نه از وطن مکلف، مثلاً اگر کسی
که ایرانی است به شام، عراق و یا حجاز سفر کند، اگر چه
متسکعاً، و از آنجا برای حج استطاعت داشته باشد حج بر او واجب
است، و کفایت از حجة الاسلام میکند، حتی برای کسی که از
میقاتی متسکعاً محرم میشود، و از میقات دیگر نیز عبور میکند،
در صورتی که از میقات که دوم مستطیع است، ممکن است که گفته
شود حج بر او واجب است، اگر چه خالی از اشکال نیست.

مسأله ۱۹ - در مواردی که برای رفتن به حج باید از هواپیما و یا وسیله دیگر استفاده کرد، در صورت نبودن وسیله، وجوب حج ساقط میشود.

مسأله ۲۰ - اگر کرایه هواپیما و یا وسیله دیگری که برای سفر لازم است گران باشد، و شخص هزینه آن را دارد، اجاره کردن و رفتن به حج بر او واجب است، و بنا بر اقوی این گرانی از ضررهایی که موجب سقوط وجوب حج میشود نیست، اگر چه در حد اجحاف باشد، مگر آن که اجحاف در حدی باشد که عرف با ملاحظه آن، شخص را غیر مستطیع حساب کند، و تأمین سایر هزینه های حج نیز چنین است.

مسأله ۲۱ - همان گونه که در وجوب حج، داشتن مخارج رفتن به حج و ایامی که در سفر مشغول به اعمال حج است، و هزینه اجرت کسانی که او را برای طواف و سعی واجب در صورت نیاز حمل میکنند شرط است، هم چنین داشتن هزینه بازگشت به وطن عرفی (جایی که در آن زندگی میکند) شرط میباشد، مگر آن که قصد بازگشت به آن را نداشته باشد، بلی اگر میخواهد به شهر دیگری برود، که مخارجش با بازگشت به وطن یکسان است، و یا در صورت بیشتر بودن مضطر به رفتن به آن محل است، آن مبلغ نیز از مخارج سفر محسوب میشود.

مسأله ۲۲ در استطاعت مالی شرط است که مخارج سفر زائد بر ما یحتاج معاش روزانه او بوده باشد، پس اگر با مصرف کردن دارایی خود در حج، زندگی در وطن او مختل مشود مستطیع نیست، اگر چه این کار بر او موجب حرج هم نباشد، بنابر این برای تحصیل مخارج سفر حج، لازم نیست خانه مسکونی و فرش و ظروف و دیگر اثاث خانه و لباسهای خود، حتی لباسهای تجملی و ماشین و کتابهای علمی و وسائل کار و زیور آلات زنانه و دیگر چیزهایی که مورد نیاز است بفروشد. البته مقدار نیاز به حسب حال افراد از نظر کم و کیف متفاوت است، بلی فروش چیزهایی که در حال حاضر مورد نیاز نیست، اگر چه قبلاً مورد نیاز بوده واجب است، مثلاً فروش زیور آلات زنی که پیر شده، و دیگر از آن استفاده نمکنند، و یا وسائل کار شخصی که بازنشسته شده، و دیگر توانایی کار ندارد، برای تدارك لوازم سفر حج واجب است.

مسأله ۲۳ - اگر خانه و یا آنچه را که در مسأله قبل گفته شد که فروش آن واجب نیست فروخت، و مخارج حج را به دست آورد، و میتواند در خانه استیجاری و یا غیر آن بدون آن که بر او حرجی باشد زندگی نماید، حج بر او واجب است، و جایز نیست برای از بین بردن استطاعت خانه جدید بخرد، بلی اگر از ابتدا خانه خود را به قصد تبدیل به خانه دیگر فروخته است، مستطیع نیست، و اشکالی ندارد، که پول اول را صرف خرید خانه دیگر بنماید.

مسأله ۲۴ - اگر خانه وقفی و یا غیر وقفی در اختیار او است، به طوری که کسر شأن او نبوده، و بدون سختی و حرج، از داشتن خانه دیگر بی نیاز است، و احتمال از دست رفتن آن خانه نیست، اگر خانه ملکی ای دارد که قیمت آن وافی به مخارج حج و یا تتمیم آن باشد، واجب است خانه ملکی خود فروخته، و صرف مخارج حج کند، و هم چنین است نسبت به دیگر چیزهایی که مورد نیاز بوده، و از غیر راه ملکیت رفع احتیاجش شده باشد، بلی اگر در حال حاضر در خانه ملکی خود زندگی میکند، ولی میتواند خانه غیر ملکی پیدا کرده و در آن سکونت نماید، بر او تحصیل خانه غیر ملکی و فروش خانه ملکی لازم نیست، و تفاوت بین دو مسأله در این است که در فرض اول استطاعت صادق، و در فرض دوم تحصیل استطاعت است، بلی اگر خانه غیر ملکی تهیه کرد، و خانه ملکی خود را فروخت، حج بر او واجب است.

مسأله ۲۵ - اگر خانه و مرکب و سایر ما یحتاج زندگی او به قدری باشد که از نظر کمی مناسب حال او است، ولی از نظر کیفی زائد بر شأن او میباشد، و میتواند آنها را به لوازمی ارزان تر تبدیل نماید، در صورتی که مقدار زائد به دست آمده به اندازه مخارج حج

و یا مکمل مخارج حج او باشد تبدیل به لوازم ارزان تر واجب است، مگر آن که آن زوائد به حدی کم باشد، که عرف آن را زائد بر حاجت نبیند.

مسأله ۲۶ - فروش خانه مسکونی و سایر ما یحتاج زندگی اگر چه شخص بتواند با خانه غیر ملکی به راحتی زندگی نماید واجب نیست، و صدق استطاعت نمکند.

مسأله ۲۷ - کسی که به مقدار مخارج حج داشته باشد، و لکن خانه مسکونی ندارد، اگر سکونت در خانه غیر ملکی حرجی و یا منافی با شأنش نباشد، حج بر او واجب است، و جایز نیست پول را صرف خرید خانه کند، بلی اگر برای او موجب حرج یا تکلفی باشد که عرف او را غیر مستطیع حساب میکند، میتواند آن پول را صرف خرید خانه کند.

مسأله ۲۸ - اگر کسی به مقدار حج پول دارد ولی ازدواج نکرده است، چنانچه ترك تزویج موجب حرج و مشقت بر او است، به طوری که عرفا او را مستطیع نمدانند، حج بر او واجب نیست، و اگر نه، حج واجب و مقدم است.

مسأله ۲۹ - اگر شخصی طلبی دارد که با وصول آن بتواند به حج مشرف شود، پس اگر وقت آن رسیده است (دین حال) و بتواند ولو با کمک غیر و اقامه دعوی در نزد حاکم شرع و یا با رجوع به حاکم غیر شرعی - در صورتی که استیفاء حق موقوف بر آن باشد، بنابر اقوی - آن را وصول نماید، گرفتن و رفتن به حج واجب است. و اگر دین مؤجل (مدت دار) است، در صورتی که بدهکار بدون مطالبه میپردازد، گرفتن آن و صرف در حج، واجب است، و اگر محتاج به مطالبه از او باشد، مطالبه، تحصیل استطاعت بوده، و واجب نیست، و اگر شك داشته باشد که مدیون با مطالبه میپردازد یا نه، به جهت آن که احتمال استطاعت مدهد، و تمکن از فحص دارد، احتیاط در مطالبه است، و مطالبه در این فرض فحص

از استطاعت است، نه تحصیل استطاعت.

مسأله ۳۰ - کسی که نفقه حج را ندارد، اگر چه میتواند قرض کند، و به راحتی دین خود را ادا نماید، حج بر او واجب نیست. و هم چنین اگر مالی داشته باشد که نزدش نیست، و یا جنسی دارد که فعلاً نمیتواند وصول نماید، استقراض بر او واجب نیست، اگر چه موافق با احتیاط است، بلی در صورت اخیر اگر قرض کند، به خاطر صدق استطاعت، حج بر او واجب است.

مسأله ۳۱ - اگر شخص مقروض به مخارج حج داشته باشد، چنانچه قادر به انجام حج و پرداخت دین باشد - ولو به این که دین مدت دار بوده و متمکن از اداء در وقت باشد - مستطیع است، و حج بر او واجب است، و اگر قادر به پرداخت دین و انجام حج نباشد - به جهت این که دین حال باشد و پول، کافی برای دین و حج نباشد، یا دین مدت دار بوده، و لکن قادر به پرداخت در موعد نباشد - چه طلبکار رضایت به تأخیر داشته باشد یا نداشته باشد، استطاعت صدق نمکند، چون استطاعت در نزد عرف داشتن مخارج حج است علاوه بر مخارج لوازم زندگی، و اداء دین از جمله آنهاست.

مسأله ۳۲ - اگر کسی پس از داشتن هزینه حج بدون تقصیر بدهکار شود، در صورتی که وجه مذکور وافی به حج و اداء دین نباشد مستطیع نیست، و در این فرض تفاوتی نیست در این که دین قبل از حرکت، و یا بعد از حرکت، و قبل از اتمام اعمال به عهده او بیاید، زیر این گونه موارد کاشف از عدم وجود استطاعت است

مسأله ۳۳ - در صورتی که بر ذمه شخصی خمس و زکات و مظالم عباد باشد، حکم سایر دیون را دارد، بلی اگر عین مالی که در حج به کار مرود متعلق خمس و زکات شده باشد، پرداخت خمس و زکات مقدم بر سایر دیون و حج است.

مسأله ۳۴ - اگر دین درازا مدت مثل پنجاه ساله و بیشتر باشد، و مطمئن به قدرت بر اداء در موعد است، و یا مداند که طلبکار از طلب خود خواهد گذشت، و یا بنا بر مسامحه دارد (مثل مهریه بعض زنان) چنین دینی مانع از استطاعت نیست.

مسأله ۳۵ - اگر شخص مالی دارد که احتمال مدهد کافی برای حج باشد، بنا بر احتیاط واجب فحوص لازم است، و پس از فحوص اگر یقین به استطاعت پیدا نکرد، حکم به عدم استطاعت میکند.

مسأله ۳۶ - اگر هزینه رفت و برگشت حج را داشته باشد، و به مقدار رجوع به کفایت مال غائبی دارد که بقاء آن مشکوک است، در صورت امکان احتیاط واجب آن است که نسبت به آن فحوص نماید، و با عدم امکان فحوص و وجوب حج محل تأمل و اشکال است. زیرا موضوع حکم استطاعت است، و استطاعت اثر عقلی بقاء مال بوده، و اثر شرعی آن نیست، بنا بر این با استصحاب بقاء مال به جهت مثبت بودن آن، نمیتوان شرعا استطاعت را اثبات نمود.

مسأله ۳۷ - اگر در سالی که استطاعت مال برای شخصی حاصل شده است استطاعت طریقی وجود نداشته باشد، جایز است آن مال را به مصرف دیگری برساند، بلی اگر علم داشته باشد که در آن سال متمکن از رفتن به حج است، جواز مصرف کردن وجه در غیر حج (خصوصا در اوان خروج مردم برای حج) مشکل است، و اگر

استطاعت مالی بعد از استطاعت طریقی حاصل شده باشد، تصرف در آن مال در زمانی که مردم آماده برای حج میشوند جایز نیست (۱) و چنانچه با تصرف قادر به انجام حج نشود حج بر او مستقر شده، و رفتن به حج اگر چه متسکعا، بر او واجب است، و هم چنین اگر در فرض مذکور قبل از اوان خروج حجاج مبلغ را خرج نماید، بنابر احتیاط واجب، حج بر او مستقر میشود.

مسأله ۳۸ - مجرد مالك بودن کافی برای تحقق استطاعت نیست، بلکه شخص باید قدرت بر تصرف در آن مال را نیز داشته باشد.

مسأله ۳۹ - اگر شخصی که استطاعت مالی برای انجام حج دارد، غافل و یا جاهل به وجوب حج باشد، با تحقق سایر شرایط، حج بر او مستقر میشود، و این که بعضی علم و التفات را از شرایط استطاعت دانسته‌اند، نظر ضعیفی است.

مسأله ۴۰ - اگر پس از علم به استطاعت از آن غفلت کند، و یا گمان کند که مستطیع نیست، و با آن که مستطیع بوده است، حج استحبابی بجای آورد، اگر خصوص حج ندبی را قصد کرده، کافی از حجة الاسلام نیست، و اگر به عنوان انجام وظیفه فعلیه به جای آورده، و خیال کرده است که تکلیف او انجام حج ندبی

(۱) حکم به عدم جواز تصرف تکلیفی بوده، و وضعی نیست. بنابر این معاملات انجام شده در فرض مذکور باطل نمیشود.

است، ظاهراً مجزی است، اگر چه احتیاط مستحب عدم اکتفاء به آن حج است.

مسئله ۴۱ - ملکیت متزلزله کافی در تحقق استطاعت نیست (مثل ملکیت با شرط خیار فسخ و یا هدیه از غیر ذی رحم)، و واجب نیست که شخص موجبات لزوم ملکیت را فراهم آورد، مثلاً در هبه به غیر ذی رحم، تبدیل عین موهوبه واجب نیست، تا هبه لزوم پیدا کرده، و شخص مستطیع گردد.

مسئله ۴۲ - پس از حصول استطاعت در وجوب حج، بقاء آن نیز تا آخر اعمال حج شرط است، و اگر قبل از تمام شدن حج مال تلف شود، و یا بدون تقصیر دینی بر عهده‌اش بیاید (مثل اتلاف خطائی مال غیر)، کشف از عدم استطاعت میکند، بلی اگر با تقصیر، دینی بر عهده او بیاید، حکم اتلاف مؤونه حج را بعد از استطاعت دارد، و حج بر او مستقر شده است.

مسئله ۴۳ - اگر مخارج بازگشت به وطن یا مالی که به آن برای گذران زندگی، پس از بازگشت از حج نیاز دارد، بعد از اتمام اعمال تلف شود، حج بجا آورده شده مجزی از حجة الاسلام است، و نیز اگر در انای حج آن مال تلف شود، در صورتی که مؤونه تتمیم حج را داشته باشد، مجزی از حجة الاسلام است.

مسأله ۴۴ - ظاهر آن است که ملکیت مؤونه حج شرط نیست، بلکه اگر یکی از متعاملین در ضمن عقد لازم بر دیگری شرط کند که بتواند به مقدار کافی برای حج در مال او تصرف نماید، برای وجوب حج کافی است، و مثل کسی است که مالک آن باشد، و نیز اگر کسی وصیت کند که از مالش دیگری به حج برود بعد از مرگ او حج بر شخص مذکور واجب میشود، به خلاف وصیت تملیکیه، که قبول در آن شرط است، و حکم تحصیل استطاعت را دارد، و قبول واجب نیست.

مسأله ۴۵ - اگر قبل از استطاعت نذر کرده که هر عرفه به زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام) مشرف شود، و سپس مستطیع گردیده است، حج بر او واجب است، و کشف از عدم تحقق موضوع نذر میکند، و در این صورت به منزله نذر بعد از حصول استطاعت است.

مسأله ۴۶ - اگر واجب فوری دیگری بر عهده شخص باشد که با اتیان آن از انجام حج باز مماند، وظیفه او انجام واجب اهم است، و چون وجود واجب دیگر مانع از تحقق استطاعت نیست، بنابراین اگر به وظیفه انجام واجب اهم عمل نکرد، و حج را بجای آورد، مجزی از حجة الاسلام خواهد شد.

مسأله ۴۷ - اگر به کسی گفته شود " به حج برو، و نفقه تو و عیالت بر عهده من " حج بر او واجب، و کفایت از حجة الاسلام میکند، و اگر مقدار خاصی معین شده، و گفته شود " با این مال به حج برو "، چنانچه مال، کافی برای مؤونه حج باشد، و یا به مقداری است که به ضمیمه اموال خود شخص استطاعت حاصل میشود، حج بر او واجب، و کافی از حجة الاسلام است.

مسأله ۴۸ - اقوی آن است که دین، مانع از استطاعت بذلیه است، به شرطی که دین حال باشد، و طلبکاران تقاضای طلب را داشته باشند، و بدون رفتن به حج قادر به پرداخت باشد. ولی چنانچه دین مدت دار است، یا مهلت داده میشود، و یا مداند اگر به حج هم نرود قادر به تحصیل ورد دین نیست، قبول بذل و رفتن به حج واجب است.

مسأله ۴۹ - در استطاعت بذلیه رجوع به کفایت شرط نیست.

مسأله ۵۰ - اگر کسی مالی به شخصی ببخشد، که به حج برود، و یا اگر خواست به حج برود، و یا او را مخیر بین حج و غیر حج کند، قبول بر او واجب است، و حج بر او مستقر میشود. اما اگر مالی به مقدار مؤونه حج به او داده شود، و ذکری از حج تعیین یا تخیرا به میان نیاید، قبول واجب نیست.

مسأله ۵۱ - اگر مالی وقف برای حج شده باشد، و یا نذر یا وصیتی برای حج باشد، و متولی و وصی و ناذر شخصی را معین کنند، قبول و انجام حج بر شخص واجب میشود.

مسأله ۵۲ - اگر به فقیر خمس و زکات داده شود، و شرط کنند که با آن حج بجای آورد، در صحت شرط و وجوب حج اشکال است، بلی اگر به عنوان سبیل الله که یکی از مصارف زکات است، به کسی برای انجام حج، هزینه آن پرداخت گردد، حج بر او واجب میشود.

مسأله ۵۳ - جایز است که باذل قبل از دخول در احرام رجوع به بذل کند، و اما بعد از آن احوط ترك است.

مسأله ۵۴ - در صورتی که باذل در اثناء طریق رجوع به بذل کند، حکم به وجوب پرداخت مخارج بازگشت به وطن شخص، بر عهده باذل، خالی از وجه نیست.

مسأله ۵۵ - اگر به یکی از چند نفر بذل شود، قبول بر آنها واجب کفائی است، که اگر همه ترك کردند حج بر تمام آنها مستقر شده، و با انجام آن توسط يك نفر، از بقیه ساقط است، بلی اگر کسی بداند که در صورت قبول مورد مزاحمت دیگران قرار نمگیرد، قبول بر او وجوب عینی پیدا میکند.

مسأله ۵۶ - اگر مبذول له از کسانی باشد که به لحاظ داشتن تمکن مالی، هدی بر آنها واجب است، پول قربانی بر عهده باذل است، و الا تبدیل به صوم میشود، و اما کفارات اگر عمدا شخص مرتکب موجبات آن شده، بر عهده خود او است، و اگر از روی جهل و یا نسیان و یا اضطرار، تروك احرام را در مواردی که کفاره دارد انجام دهد، اگر متمکن از ادای آن باشد، بر عهده باذل است، زیرا از مخارج حج محسوب میشود، و اگر نه حکم غیر متمکن را دارد، که در جای خود ذکر میشود.

مسأله ۵۷ - آنچه به وسیله بذل بر آفاقی (۱) واجب میشود حج تمتع است، و برای اهل مکه حج قران و افراد همراه با عمره مفرده است، و این حکم مخصوص به کسی است که حجة الاسلام به جای نیاورده باشد، اما کسی که حجة اسلام را بجا آورده است قبول بذل بر او واجب نیست، مگر آن که حج با نذر و یا افساد حج قبلی، و یا غیر آن بر او مستقر شده باشد، و متمکن از ادای آن نداشته باشد.

(۱) آفاقی به کسانی گفته میشود که وطن آنها از مکه تقریباً شانزده فرسخ، و یا بیش از شانزده فرسخ فاصله دارد، و غیر آنها را حاضر و یا اهل مکه مگویند.

مسأله ۵۸ - اگر مال بذل شده برای حج در بین راه سرقت شود، و یا بذل کننده در بین راه رجوع از بذل کند، وجوب حج ساقط مگردد، مگر آن که شخص از همان مکان برای حج مستطیع باشد.

مسأله ۵۹ - اگر قبل از احرام معلوم گردد که مقدار بذل شده برای حج کفایت نمکند، برای بذل کننده تتمیم آن واجب نیست، اما اگر عدم کفایت پس از احرام آشکار شود، احتیاط واجب آن است که آن را تتمیم نماید، مگر آن که باذل از ابتداء گفته باشد " اگر با این مبلغ متوانی به حج بروی برو، من میپردازم " که در این صورت پرداخت بیش از مبلغ مذکور بر او لازم نیست.

مسأله ۶۰ - اگر کسی به شخصی بگوید: " پولی را قرض کن، و حج بجا آور، و من دین تو را میپردازم " در وجوب حج بر او تردید است، و هم چنین اگر بگوید: " برای من قرض کن، و با آن پول حج برو "، قبول این کار بر او واجب نیست، لکن اگر قرض کرد در صورت دوم مطلقاً حج بر او واجب میشود، و در صورت اول اگر به گفته آن شخص اطمینان دارد حج بر او واجب است.

مسأله ۶۱ - اگر پس از حج روشن شود که مال بذل شده غصبی است، حج او صحیح، و مجزی از حجة الاسلام است، لکن احتیاط مستحب در این است که به آن حج اکتفاء نشود.

مسأله ۶۲ - اگر برای طی طریق و یا خدمت در مسیر حج به مبلغی که به آن مستطیع مشهود اجیر شود، حج بر او واجب مگردد، و لازم نیست که طی طریق او به نیت حج انجام گیرد.

مسأله ۶۳ - شخص مستطیع متواند خود را برای خدمت در مسیر حج، و یا نفس حرکت در مسیر حج اجیر نماید، بلی اگر برای حج بلدی قبلا اجیر شده باشد، برای طی طریق در مسیر حج نمیتواند اجیر شود.

مسأله ۶۴ - قبول اجاره‌ای که شخص را مستطیع میکند بر او واجب نیست، بلی در صورتی که متناسب با شغل و عادت باشد، چون عرفا استطاعت صدق میکند، سزاوار است احتیاط به قبول ترك نشود.

مسأله ۶۵ - حج غیر مستطیع و حج از جانب دیگری تبرعا و اجارتا، مجزی از حجة الاسلام خود شخص نیست.

مسأله ۶۶ - در استطاعت شرط است که علاوه بر هزینه رفت و برگشت، هزینه عیالاتی که تحمل نفقه آنان بر شخص شرعا واجب است، و یا عرفا ملتزم به پرداخت نفقه آنان شده است (مثل: برادر و خواهر)، را داشته باشد.

مسأله ۶۷ - در استطاعت بنابر اقوی رجوع به کفایت معتبر است (از طریق تجارت زراعت، صناعت، و یا منافع ملك و باغ، و یا مغازه، و مثل آنها)، یعنی: باید شخص پس از بازگشت از حج عرفا قادر بر تحصیل معاش خود اگر چه بالقوه، باشد.

مسأله ۶۸ - افرادی که از وجوه خاصی مثل سهم سادات و وجوهات شرعی و نذورات استفاده میکنند، مانند: طلاب و سادات و اشخاص دیگری که مورد توجه مردم هستند، در صورتی که هزینه حج و مخارج عیالات را تا بازگشت داشته باشند، بعید نیست که حج بر آنان واجب باشد.

مسأله ۶۹ - فقرایی که قدرت کسب معمول را ندارند، و عادتاً با گرفتن وجوه تبرعی و صدقات از مردم زندگی خود را مگذرانند، در صورت داشتن مخارج سفر، و نفقه عیالات تا بازگشت از سفر، بعید نیست که حج بر آنان واجب باشد، و هم چنین است حکم هر کسی که با رفتن به حج زندگی او تغییر نکرده، و حال او پس از بازگشت از حج، با قبل از رفتن به حج تفاوتی پیدا نکند.

مسأله ۷۰ - برای فرزند جایز نیست که بدون رضایت پدر مال او را صرف حج نماید همان گونه که بر پدر نیز پرداخت مخارج حج فرزند واجب نمیشود، و هم چنین جایز نیست که پدر بدون رضایت فرزند از مال او به حج برود، و بر فرزند نیز پرداخت هزینه حج پدر واجب نیست.

مسأله ۷۱ - در صحت حج، برای مستطیع شرط نیست که با مال خود شخص انجام گیرد پس اگر با خرج دیگری و یا متسکعاً حج بجا آورد، حج او صحیح است، و هم چنین است اگر با مال غصبی حج بجا آورده شود، مگر آن که در لباس غصبی نماز بخواند، و یا محرم شود، و یا محل نماز طواف، و وقوف در عرفات و مشعر غصبی باشد.

مسأله ۷۲ - همان گونه که در وجوب حج، استطاعت مالی شرط است، استطاعت بدنی نیز شرط است، به این معنا که شخص از نظر سلامت و نیروی بدنی باید در حدی باشد که انجام مناسک حج بر او موجب مشقت و حرج نباشد، و در غیر این صورت حج بر او واجب نیست، و با خوف ضرر، عدم جواز بعید نیست.

مسأله ۷۳ - پس از داشتن استطاعت مالی و بدنی، داشتن فرصت کافی برای انجام مناسک حج نیز شرط است، و برای کسی که چنین فرصتی ندارد، و یا به جهت ضیق وقت در انجام مناسک حج به مشقت و حرج مافتد حج واجب نیست، و در صورت بقاء استطاعت مبیاست در سال بعد حج بجا آورد.

مسأله ۷۴ - در وجوب حج استطاعت طریقی شرط است، به این معنا که باید راه رفت و برگشت در طول سفر باز بوده، و شخص حاجی از نظر جان و مال و عرضش در راه احساس امنیت کند.

مسأله ۷۵ - اگر برای رفتن به حج چند راه وجود دارد که یکی از آنها امن و بعضی نا امن است، واجب است که از طریق امن اگر چه دور تر است به حج برود، مگر آن که آن راه مستلزم مشکلاتی باشد که با وجود آن، عرفاً استطاعت صدق نکند.

مسأله ۷۶ - اگر رفتن به حج واجب موجب از بین رفتن مال معتد به (قابل توجه) بدون عوض شود، و یا مستلزم ترك واجب فوری اهم گردد، و یا متوقف بر انجام فعل حرامی باشد، که اهم از ترك حج است، حج واجب نیست.

مسأله ۷۷ - اگر به گمان آن که واجد شرایط وجوب حج بوده، و مانعی برای انجام آن ندارد حج را بجا آورد، و کشف خلاف شود، حج او از حجة الاسلام کفایت نمکند.

مسأله ۷۸ - اگر به اعتقاد عدم بلوغ و یا عدم استطاعت حج بجا آورد، و بعد معلوم شود که بالغ و یا مستطیع بوده است، اگر به عنوان انجام وظیفه فعلیه حج بجا آورده، لکن فکر مکرده که وظیفه او حج استحبابی است، مجزی از حجة الاسلام است، ولی اگر به طور جزم حج ندبی را قصد کرده است، کفایت آن از حجة الاسلام خالی از اشکال نیست.

مسأله ۷۹ - اگر با اعتقاد به فقدان بعض شرایط حج، و یا وجود موانع حج، به حج نرود، و سپس کشف خلاف شود، حج بر او مستقر شده است، و باید اگر چه متسکعا حج را انجام دهد، مگر آن که اعتقاد به وجود ضرری داشته باشد که مجوز ترك حج است،

که در این صورت اگر استطاعت تا سال بعد باقی بماند حج بر او واجب است، و گرنه واجب نیست، بلکه در مورد خوف ضرر عقلایی نیز، همین مطلب صادق است.

مسأله ۸۰ - اگر حج را عمدًا ترك نماید، در حالی که به حسب ظاهر واجد جمیع شرایط تا پایان اعمال حج بوده است، حج بر او مستقر شده، و باید اگر چه متسکعا حج را بجا آورد.

مسأله ۸۱ - چنانچه متسکع و یا شخص نا بالغی که پس از وقوف عرفات، و قبل از وقوف مشعر بالغ میشود حج بجای آورد، حج او از حجة الاسلام کفایت نمکند.

مسأله ۸۲ - اگر کسی که احساس نا امنی طریقی میکند حج بجا آورد، در صورتی که احساس نا امنی مربوط به قبل از میقات میشود، ولی بعد از میقات امن است، با تحقق سایر شرایط، حج او از حجة الاسلام کفایت میکند، زیرا با وصول به میقات، شخص مستطیع شده است. ولی اگر بقیه مسیر از میقات به بعد نا امن است، به گونه‌ای که اقدام بر آن حرام باشد، حج او مجزی از حجة الاسلام نخواهد بود، و اگر نا امنی فقط نسبت به اموال باشد، در حدی که اقدام بر آن جایز است، مجزی از حجة الاسلام خواهد بود.

مسأله ۸۳ - اگر کسی که همه شرایط وجوب حج را دارد به حج رود، با آن که حج او با واجب اهمی مزاحمت دارد، یا با ترك حرام اهمی معارضه میکند، در صورتی که احراز اهمیت در بین آن دو شده باشد، مسأله از باب متزاحمین است، و اقوی آن است که مجزی از حجة الاسلام بوده، اگر چه نسبت به ترك اهم گنه کار است.

مسأله ۸۴ - اگر در مسیر حج مانعی باشد که جز با قتال برداشته نمیشود، اقوی عدم وجوب است، اگر چه علم به غلبه بر خصم داشته باشد، ولی اگر خطر مقابله با دشمن آن قدر ناچیز باشد که عرفاً بگویند راه باز است، حج بر او واجب است.

مسأله ۸۵ - اگر در مسیر حج مانعی وجود داشته باشد که رفع آن نیاز به صرف مال دارد، اقوی آن است که در صورت تمکن باید با صرف مال مانع را بر طرف سازد، و اگر اتلاف مال محسوب نشود از هزینه حج به حساب میآید، و چنانچه اتلاف و تضييع مال به حساب آید، مثل سرقت و غارت، اگر ضرر قابل اعتنا است اقوی عدم وجوب صرف مال است، بلی در صورتی که اقدام بر چنین عملی کند، و استطاعت او هم باقی بماند، حج او مجزی از حجة الاسلام خواهد بود.

مسأله ۸۶ - اگر راه رفتن به حج منحصر به طریقی باشد که منجر به ترك نماز واجب مشود، اقوی عدم وجوب حج است، و در صورت تخلف گناه کرده، و لکن حج او مجزی از حجة الاسلام است.

مسأله ۸۷ - اگر انجام حج متوقف بر سوار شدن بر مرکب غضبی باشد، حج واجب نیست، لکن در فرض عصیان اگر به میقات رسید، به شرط تمکن از انجام واجبات حج بدون ارتکاب غضب حج بر او واجب است، ولی اگر حج مستلزم خوردن و یا نوشیدن نجس باشد، حج واجب است.

مسأله ۸۸ - کسی که حج بر او استقرار پیدا کرده است، اگر بر او حقوق الهی مثل خمس و زکات و... واجب باشد، در صورت عدم تمکن از جمع بین انجام حج و پرداخت حقوق الهی، حج بر او واجب نیست، و چنانچه اداء حقوق الهی را ترك و حج بجا آورد، اگر چه عصیان کرده، ولی حج او صحیح است، مگر آن که با عین مال خمس و زکات نداده حج بجا آورده باشد، که در این صورت حکم مال غضبی را دارد.

مسأله ۸۹ - مباشرت حج در صورت تمکن واجب است، و حج دیگری از طرف شخص مستطیع متمکن چه با اجاره و چه به صورت تبرع، کفایت نمکند.

مسأله ۹۰ - کسی که حج بر او مستقر شده است اگر تمکن از مباشرت در حج را نداشته باشد، چه به خاطر کسالتی که امید به بهبودی آن ندارد، و یا به خاطر زندانی بودن و یا پیری و ناتوانی و حرجی بودن اعمال حج برای او، نایب گرفتن برای انجام حج بر او واجب است، بلکه در باره کسی که حج بر او مستقر نشده است، اگر از نظر مالی در مشکل نمافتد نایب گرفتن مطابق احتیاط است، اگر چه امید به زوال عذر هم وجود داشته باشد، پس اگر عذر تا هنگام مرگ باقی ماند حج نایب مجزی از حج منوب عنه است، و اگر عذر بر طرف گردید در صورتی که قبلاً امید به زوال عذر نداشته است باز هم مجزی از منوب عنه است، ولی اگر امید به بهبودی وجود داشته بنابر احتیاط پس از رفع عذر، خود او باید حج بجا آورد، و هم چنین است حکم کسی که قادر بر رفع عذر بوده، چه حج بر او مستقر شده باشد یا نشده باشد، و اگر عذر او وقتی بر طرف شود که منوب عنه توانایی انجام اعمال حج را به طور کامل نداشته باشد حج نایب از طرف او مجزی خواهد بود، و اگر توانایی انجام حج را دارد باید خود او حج را بجا آورد، و رفع عذر کاشف از بطلان اجاره است، و اگر عذر منوب عنه پس از حرکت نایب قبل از احرام مرتفع گردد اجاره باطل، و حج مجزی نخواهد بود، اگر چه منوب عنه در آن سال تمکن از مباشرت نسبت به انجام حج را نداشته باشد.

مسأله ۹۱ - مسائلی که در باره وجوب نیابت از حجة الاسلام در مسأله قبل آمد بنا بر احتیاط واجب در باره حجی که فاسد شده نیز تعمیم دارد، ولی در حج نذری نایب گرفتن واجب نیست.

مسأله ۹۲ - کسی که به جهت عدم وجود نایب، یا گران بودن اجرت او (در حدی که منوب عنه قادر به پرداخت آن نباشد، و یا اجحاف باشد) نتواند نایب بگیرد، وجوب استنابه از او برداشته میشود، و قضاء آن بعد از موت واجب است، همان طور که اگر تمکن از استنابه داشته باشد، و عصیانا ترك کند، قضاء آن واجب است.

مسأله ۹۳ - اگر چه جواز نیابت تبرعی و یا نیابت از میقات (با وجود تمکن از بلد) بعید نیست، لکن احتیاط مستحب آن است که نیابت از بلد بوده، و تبرعی نباشد.

مسأله ۹۴ - اگر کسی پس از احرام و دخول در حرم بمیرد مجزی از حجة الاسلام است، چه برای خودش محرم شده باشد، یا به نیابت دیگری، و قضا لازم نیست، اگر چه قبلا حج بر او مستقر شده باشد، و فرق نمکنند موت در حال احرام باشد یا غیر آن (مثل بین احرام عمره و حج)، و داخل حرم باشد یا خارج از آن (مثل آن که پس از احرام و دخول در حرم، از حرم خارج شده باشد)، و اگر قبل از دخول در حرم بمیرد گرچه محرم شده باشد، یا بعد از دخول

در حرم بدون احرام (ناسی و جاهل) از دنیا برود، بنا بر اقوی مجزی از حج نیست.

و چون عمره و حج در حج افراد و قران دو عمل مستقل هستند، اگر در یکی از آنها بمیرد اجزاء از دیگری مشکل است، به خلاف موت در عمره تمتع که مجزی از حج تمتع است.

مسأله ۹۵ - در مواردی که در مسأله قبل حکم به عدم کفایت از حجة الاسلام شد، اگر شخص در سال اول استطاعت بوده قضاء آن واجب نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که ورثه کبار از سهم الارث خودشان قضای آن را بجای آورند، و اگر حج از قبل بر او مستقر شده قضاء آن واجب است.

مسأله ۹۶ - اگر مخالف مستبصر شود اعاده حجی که بنا بر مذهب خود صحیح انجام داده لازم نیست، و فرقی بین فرقه‌های مختلف اسلامی نیست، البته شمول این حکم نسبت به غلاة چون محکوم به کفر هستند مشکل است، بلی حج ناصبی، حروریه، قدریه، و مرجئه به خاطر وجود نص خاص صحیح نیست.

مسأله ۹۷ - اذن زوج برای حج واجب زوجه مستطیعه، و زنی که در عده رجعیه است لازم نیست، و منع از حج واجب برای زوج جایز نمیشد، و هم چنین است حکم حجی که زوجه با اذن زوج نذر کرده است، بلی در حج استحبابی اذن زوج شرط است، و هم

چنین زنی که در عقد موقت است اگر حج او مستلزم تفویت حق زوج شود در حج استحبابی استیذان از زوج واجب است. و احتیاط آن است که در حج استحبابی و حجی که بدون اذن زوج نذر شده است، زوجه استیذان نماید، و زوج منع نکند.

مسئله ۹۸ - اگر زن نسبت به خود و عرض و آبرویش ایمن باشد، همراهی محرم با او شرط نیست، چه شوهر داشته باشد و یا نداشته باشد، و در صورت خوف، همراهی محرم و لو با پرداخت اجرت در صورت تمکن واجب است، و چنانچه قادر به پرداخت هزینه نباشد مستطیع نیست، و اگر تحصیل محرم تنها با ازدواج میسر است بنابر اقوی ازدواج واجب است.

مسئله ۹۹ - اگر زن بدون همراهی محرم خوف از ضرر داشته باشد، و حج بجای آورد، چنانچه قبل از میقات ایمن گردد، حج او صحیح است، و گرنه محل اشکال است، اگر چه اقوی صحت حج او است.

مسئله ۱۰۰ - کسی که پس از استطاعت و استقرار حج کوتاهی کند تا بعضی شرایط از بین برود، واجب است به هر نحو که ممکن است حج بجای آورد، و اگر بمیرد قضای آن از ترکه او لازم است.

مسئله ۱۰۱ - برای وجوب حج، استطاعت مالی و بدنی و طریقی تا زمانی که بازگشت به وطن برای شخص ممکن باشد لازم است، اما داشتن عقل تا پایان اعمال برای وجوب حج کافی است.

مسأله ۱۰۲ - قضای حجة الاسلام و حج نذری از اصل ترکه پرداخت میشود، هر چند شخص به آن وصیت نکرده باشد، بلی اگر وصیت کرده که از ثلث پرداخت شود مقدم بر سایر وصایای مستحبیه، از ثلث کسر میشود، و چنانچه ثلث کافی نباشد، مازاد آن از اصل ترکه پرداخت میشود.

مسأله ۱۰۳ - اگر بر عهده میت خمس، زکات، حج، و بدهی به مردم مستقر شده باشد، و ترکه کافی برای همه آنها نباشد، چنانچه عین مال متعلق خمس و یا زکات است، خمس و زکات مقدم است، چون به عین تعلق گرفته است، و قبل از اداء، صرف مال در حج جایز نیست، و اگر خمس و زکات بر ذمه باشد حج مقدم است، و در این حال اگر ترکه وافی به حج نباشد، وجوب صرف در حج ساقط، و بین دیون و خمس و زکات توزیع میگردد.

مسأله ۱۰۴ - قبل از پرداخت اجرت حج به ولی امر میت، ورثه حق تصرف در اموال او را ندارند، و حتی در صورتی که ترکه بیش از مخارج حج باشد، بنابر احتیاط واجب تصرف در اموال میت جایز نیست.

مسأله ۱۰۵ - اگر بعض ورثه اقرار به وجوب حج بر مورث داشته باشند، و بعض دیگر منکر باشند، بر مقرر واجب است سهم خود را از مخارج حج بپردازد، پس اگر آن مقدار به تنهایی و یا با

كمك مال ديگري كافي به حج (و لو ميقاتي) باشد بايد صرف در حج نمايد، و گرنه پرداخت آن واجب نيست، و ميتواند براي امر ديگري آن را صرف نمايد.

مسأله ۱۰۶ - اگر ترکه ميت وافي به حج و لو ميقاتي نباشد، مال در ديون ميت صرف مشود، و اگر دين نداشته باشد، بين ورثه تقسيم مگردد، بلي اگر احتمال عقلايي داده مشود كه بعدا آن پول كفايت ميكند (به علت پايين آمدن اجرت حج، و يا افزايش قيمت ترکه، و يا جبران كسري آن به وسيله شخص متبرع) حفظ آن لازم است.

مسأله ۱۰۷ - اگر با قصور وصي يا وارث در استيجار حج، ترکه ميت تلف شود، ضامن هستند.

مسأله ۱۰۸ - اگر اعتبار حج ميقاتي و يا بلدي به جهت اختلاف در تقليد ميت و وصي مورد ترديد واقع شود، و در وصيت ذكر نشده باشد، ملاك تقليد متصدي است (وصي يا وارث). و در صورت تعدد بايد به حاكم شرع رجوع كنند، طبق نظر او عمل نمايند، و چنانچه به جهت اختلاف در تقليد، در اصل وجوب حج اختلاف شود مثلاً مقلد ميت رجوع به كفايت را شرط مديانند، و مقلد وصي شرط نمديانند، ملاك تقليد ورثه است.

مسأله ۱۰۹ - در صورتی که استیجار چند نفر ممکن باشد، اقوی و احوط استیجار کسی است که با احراز صحت عمل مزد کمتر مگیرد، مگر آن که ورثه راضی به زیاده باشند، و قاصر (صغیر و مجنون) در میان آنها نباشد.

مسأله ۱۱۰ - در صورتی که وجود همه شرایط استقرار حج بر میت احراز نشده باشد، قضاء آن بر ورثه واجب نیست.

مسأله ۱۱۱ - اگر وصی یا وارث علم به استقرار حج بر میت داشته باشد، ولی نداند که او حج را بجای آورده یا خیر، قضای آن واجب است، لکن در صورتی که شك در صحت حجی که بجای آورده دارند، باید بنا را بر صحت بگذارد، و قضای آن واجب نیست.

مسأله ۱۱۲ - استیجار حج به تنهایی مبرء ذمه میت نیست، بلکه علاوه بر آن باید با سؤال از اجیر و یا طرق دیگر علم به انجام حج پیدا کنند، و اگر یقین کنند که اجیر آن را انجام نداده است، و نتوانند مال الاجاره را مسترد نمایند، مجددا باید از اصل ترکه، استیجار حج انجام گیرد.

مسأله ۱۱۳ - اگر وصی یا وارث بدون توجه به کفایت حج میقاتی، حج بلدی استیجار کرده باشد، نسبت به سهم ورثه ای که رضایت ندارند یا قاصرند، مقدار تفاوت قیمت را ضامن است.

مسأله ۱۱۴ - اگر میت مالی نداشته باشد، استیجار حج بر ورثه واجب نیست.

مسأله ۱۱۵ - کسی که حج بر او مستقر شده، و تمکن از انجام آن دارد، نمیتواند قبل از آن که برای خود حج انجام دهد، از جانب دیگری حج بجای آورد (تبرعی و یا اجاره ای)، و نیز جایز نیست که حج استحبابی انجام دهد، و در صورت تخلف، در صحت آن اشکال است، پس احتیاط ترك نشود، چه عالم به استقرار حج بر خودش باشد، و یا علم به استقرار نداشته باشد. ولی اگر تمکن از انجام حج برای خود ندارد، اشکالی در صحت حج او از جانب دیگری، و یا حج استحبابی او نیست، و اگر پس از آن که اجیر شد تمکن از انجام حج برای خود پیدا کرد، کشف از بطلان اجاره او میکند، مگر آن که این تمکن به سبب اجاره حاصل شده باشد.

مسأله ۱۱۶ - اگر غیر از حجة الاسلام، حج واجب دیگری مثل حج نذری بر عهده او باشد، در صورتی که وجوب آن فوری باشد (از این جهت که نمیتواند در آن سال اجیر دیگری شود)، حکم حجة الاسلام را دارد، ولی اگر تخلف کرد، و از جانب دیگری حج بجا آورد، بعید نیست که حج او صحیح باشد، اگر چه به جهت ترك واجب فوری گناه کرده است.

مسائل متفرقه استطاعت

۱۱۷ س - آیا بر زنی که شوهرش بدهکار میباشد و ماهیانه مقدار زیادی نزول مدهد حج واجب میشود یا نه؟
ج - اداء دین شوهر بر زن واجب نیست، و اگر استطاعت دارد واجب است حج بجای آورد.

۱۱۸ س - کسی که به اندازه منخرج حج دارد، ولی برای پسرش ازدواج نکرده، و یا فرزندش مریض و محتاج به معالجه و درمان است، در این صورت حج مقدم است، یا ازدواج و معالجه فرزند؟

ج - اگر از جهت ترك تزویج فرزند، پدر در عسر و حرج واقع نمیشود حج مقدم است، و اگر امر دائر شد بین حج و معالجه مرض، معالجه مقدم است، و مستطیع نیست.

۱۱۹ س - اشخاصی که به عنوان روحانی و یا مدیر و کارمند با کاروانها و یا سازمانهای مربوط به مکه میروند، و فقط مخارج رفت و برگشت آنها به عهده گرفته میشود، در این فرض حج بر آنها واجب میشود یا نه؟ و در صورت عدم وجوب، آیا میتوانند حج نیایی بجا آورند یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اگر بعد از رسیدن به میقات، دارایی آنها وافی به لباس احرام و قربانی و مخارج عائله شان در این مدت باشد، با رجوع به کفایت مستطیع میباشند، و واجب است برای خود حج بجا آورند، و اگر وافی نیست یا در سالهای قبل حج خود را انجام داده‌اند، میتوانند از دیگری در حج نیابت نمایند.

۱۲۰ س - کسی که مستطیع بوده ولی هنوز به مکه مشرف نشده، اگر در غیر ماه‌های حج برای عمره مفرده به مکه مشرف شود، از استطاعت مالی مافند و نمیتواند در ایام حج به مکه برود، آیا میتواند برای عمره برود، یا نه؟

ج - در فرض سؤال اگر در همان سال استطاعت پیدا کرده، و هنگام فراهم نمودن مقدمات سفر حج نرسیده، و علم به تمکن از حج در وقت خود ندارد، جایز است آن مال را صرف عمره مفرده نماید، و لکن اگر علم دارد که متمکن از حج در وقت آن است، در این صورت قبل از اوان حج، احتیاط واجب عدم صرف آن مال در عمره مفرده است، و در اوقاتی که باید مقدمات و وسائل سفر حج را تهیه نماید جایز نیست.

۱۲۱ س - این جانب قصد زیارت بیت الله را دارم، و با این که شوهرم ثروتمند است مانع از رفتن من به حج است، و راضی نمیشود که مقداری از اموالم را جهت حج به فروش برسانم، در این صورت تکلیفم چیست؟ اطاعت شوهر مقدم است و یا حج؟
ج - حج مقدم است، و در ترك واجب نباید از شوهر اطاعت نمود.

۱۲۲ س - زنی که مقداری آب و ملك از ارثیه پدر دارد، و در ذمه شوهرش مهریه هم دارد، و در ضمن عوائد این آب و ملك مخارج سالانه او و شوهرش میباشد، زیرا شوهر او مالی از خود ندارد، آیا این زن مستطیعه است یا نه؟

ج - در صورتی که قبلا حج بر او مستقر نشده، و فعلا هم اگر بخواهد برود و برگردد امر معاش او و شوهرش مختل میشود، استطاعت ندارد.

۱۲۳ س - زنی که مستطیع نیست، فرزندش میخواهد او را با خود به مکه ببرد، ولی شوهرش مگوید: من راضی نیستم، آیا حج بر این زن واجب است یا نه؟

ج - در فرض سؤال حج بر زن واجب است، و زوج حق منع ندارد.

۱۲۴ س - این جانب چند سال قبل ازدواج کرده‌ام، و مهریه‌ام به مقداری بود که متوانستم در آن زمان با آن به حج بروم، ولی چون شوهرم مهریه مرا نداده بود از تشریف محروم ماندم، و اکنون هزینه حج سنگین شده و مهریه من وافی به آن نیست، آیا حج بر من مستقر شده است یا نه؟

ج - در فرض سؤال اگر شوهر شما متمکن بوده که مهریه شما را بدهد، و مع ذلك مسامحه کرده‌اید و نگرفته‌اید، حج بر شما مستقر شده، و باید حج بجا آورید، و اگر متمکن نبوده و یا متمکن بوده ولی به هیچ وجه حاضر نبوده مهریه شما را ادا کند، و شما هم قدرت بر گرفتن نداشتید حج بر شما واجب نشده است.

۱۲۵ س - زنی که مهریه‌اش به مقدار هزینه حج است، و شوهرش هم قدرت بر اداء آن دارد، آیا آن زن مستطیعه است، و مطالبه نمودن مهریه - هر چند منجر به نزاع شود - واجب است یا نه؟

ج - اگر شوهر قدرت بر اداء داشته باشد، و زن بتواند از او وصول نماید، مستطیعه است، و واجب است از او بگیرد، و حج را بجای آورد، اگر چه با اوقات تلخی باشد.

۱۲۶ س - زنی است که مهریه‌اش وافی به حج است، ولی احتمال دارد بعد از صرف مهریه در حج، شوهر او را طلاق دهد، و با این که شوهر مسخواهد از مهریه او برای اداء دیون خود استفاده کند، در این صورت زن چه تکلیفی دارد؟

ج - در فرض سؤال که مهریه وافی به مخارج حج باشد زن مستطیع است، و واجب است مهریه خود را صرف حج نماید، و مجرد طلاق باعث عدم وجوب حج نیست، بلی اگر صرف مهریه در حج باعث شود که زندگی او مختل گردد، حج بر او واجب نیست.

۱۲۷ س - شخصی عیال ندارد و به مقدار مخارج حج پول دارد، آیا حج مقدم است یا ازدواج، و در صورتی که ترك ازدواج موجب عسر و حرج بر او باشد، و یا موجب ارتکاب گناه گردد، حکم او چیست؟

ج - در صورتی که عدم ازدواج او موجب حرج مشود، ازدواج مقدم است، و الا باید به حج برود.

۱۲۸ س - کسی که در آمد خود را ذخیره کند که بعد از مدتی خانه کوچک خود را که به سختی در آن زندگی میکند تبدیل به خانه وسیع نماید، حال اگر بتواند قبل از خرید خانه به حج برود، آیا حج بر او واجب است، یا این که لزوم خانه مانع از وجوب حج است؟

ج - در مورد سؤال اگر سکونت در خانه فعلی حرجی و یا منافی با شأن او نباشد، باید به حج برود.

۱۲۹ س - کسی ملکی دارد که برای مخارجش کافی نیست، و از سهم مبارك امام (علیه السلام) مصرف میکند، و اگر آن ملك را بفروشد به اندازه مخارج مکه هست، و لکن در مراجعت باز باید از سهم مبارك امام (علیه السلام) مصرف نماید، آیا استطاعت برای چنین شخص حاصل است یا نه؟

ج - لازم نیست شخص مذکور ملك را بفروشد، بنابر این مستطیع نیست، ولی در صورتی که فروخت، حجة الاسلام بر او واجب میشود.

۱۳۰ س - شخصی جهت اعمال حج نایب میشود، و پس از نایب شدن، خودش استطاعت پیدا میکند، در این صورت اجاره باطل میشود یا نه؟

ج - در فرض سؤال که استطاعت از غیر جهت اجاره حاصل شده، کشف میشود که اجاره باطل بوده، و باید حج خود را بجای آورد.

۱۳۱ س - شخصی در حجة الاسلام بعد از اعمال عمره در روز هفتم در اثر تصادف با ماشین در حال بیهوشی او را به ایران آوردند، حال آیا در سالهای بعد باید خودش به مکه برود و یا نایب بگیرد، و یا اصلاً بریء الذمة شده و چیزی بر او واجب نیست، و استقرار حج در سالهای قبل برای او و یا عدم استقرار، فرق دارد یا نه؟ و در صورت وجود نیابت، حج میقاتی جهت او کافی است یا نه؟

ج - در فرض سؤال اگر در سال او استطاعت او بوده، و فعلا استطاعت ندارد حج بر او واجب نیست، ولی اگر فعلا استطاعت دارد واجب است عمره و حج تمتع را ثانيا بجا آورد، و هم چنین اگر از سالهای قبل مستطیع بوده باید عمره و حج را بجای آورد، و با عذر شرعی گرفتن نایب کافی است، و در مواردی که جایز باشد نایب بگیرد حج میقاتی کافی است.

۱۳۲ س - آیا شخص لال اگر مستطیع باشد واجب است برای انجام عمل حج به مکه برود یا نه؟

ج - بلی واجب است، و در گفتن لبیکها و قرائت نماز به اشاره اکتفا کند، و در صورتی که بتواند، زبان را نیز به حرکت در آورد.
۱۳۳ س - آیا برای ساکنین مکه مکرمه همه ساله حج واجب است یا نه؟

ج - بر هر مستطیع خواه ساکن حرم باشد یا دور از حرم، در تمام عمر، بیش از يك مرتبه حجة الاسلام واجب نیست. بلی از جهات دیگر ممکن است در سالهای دیگر حج بر بعضی واجب باشد.
۱۳۴ س - طلبه‌ای که قیمت کتابهای او از هزینه حج بیشتر است آیا واجب است که کتابهایش را بفروشد، یا قرض نماید و به حج برود، در حالی که برایش ممکن است که بعدها تدریجا همان کتابها را تهیه نموده، و یا قرض را اداء نماید؟

ج - در صورتی که کتابها مورد حاجت فعلی او نباشد، و فروش آنها ممکن باشد، واجب است (ولو با استقراض) به حج برود. ۱۳۵ - س - شخصی مدیون است، و زمان پرداخت دین رسیده، و قادر بر اداء آن میباشد، و دائن جدا دین خود را مطالبه ننماید، و به هیچ وجه راضی به تأخیر نیست، آیا جایز است چنین شخصی قبل از اداء به حج مشرف شود یا نه؟ و حج واجب و یا مستحب از او صحیح است یا نه؟

ج - در صورتی که شخص مدیون ثروتمند باشد، اداء دین و بجا آوردن حج هر دو بر او واجب است، و اگر عصیانا اداء دین نکرده مکه برود، حج او صحیح است، ولی گناه کرده، بلی اگر قبلاً مستطیع نبوده و فعلاً هم اگر دین را اداء کند نمیتواند به مکه برود حج بر او واجب نیست، زیرا مستطیع نیست، لکن مع ذلك اگر معصیت کند و حج برود حج او صحیح است، ولی کفایت از حجة الاسلام نمیکند، و پس از حصول استطاعت، واجب است دوباره به مکه برود، و در صحت حج، فرقی بین حج واجب و مستحب نیست.

۱۳۶ - زنی که خودش استطاعت مالی جهت رفتن به حج دارد - ولو به این که مهریه خود را از شوهر بگیرد - ولی اگر اموال خود را صرف حج نماید بعداً زندگی بر او سخت میشود، از این نظر که شوهرش نمیتواند وسائل زندگی او را مانند قبل فراهم نماید، آیا این زن باید به حج برود یا نه؟

ج - اگر طوری است که با مصرف کردن اموال خود، زندگی آنان مختل مشود مستطیعه نیست.

۱۳۷ س - چند سال قبل شخصی به شبهه استطاعت رجاءا به حج مشرف شده، و پس از مراجعت قرضهای او اداء شده، و اخلاالی هم در امر معاشش پیدا نشده، در این صورت حج مذکور، کفایت از حجة الاسلام میکند یا نه؟

ج - اگر فعلا هم شك در استطاعت خود در آن سال دارد، آن حج مجزی از حجة الاسلام نیست.

۱۳۸ س - کسی که نوبت او قانونا مربوط به سالهای بعد مشود، آیا میتواند به نحوی نوبت خود را جلو بیندازد؟

و در صورتی که چنین کرد حج او چه صورتی دارد؟

ج - اگر به طرق متعارف و مشروع بتواند اقدام نماید، اقدام واجب و حج او صحیح است.

۱۳۹ س - شخص غیر مستطیع وام گرفته، و میخواهد با آن به حج مشرف شود، و اقساط آن را بعدا به تدریج پردازد، آیا حج او حجة الاسلام محسوب مشود یا خیر؟

ج - در فرض سؤال که به مقدار مؤونه حج ندارد، و با وام قصد تشراف دارد، مستطیع نیست و حجة الاسلام محسوب نمشود.

۱۴۰ س - بنده که یکی از دبیران آموزش و پرورش تهران هستم، در سال گذشته در اثر اضافه کاری که يك جا دریافت نمودم پولم به اندازه سفر حج رسید، و من تصمیم به ثبت نام گرفتم، و تمام مدارك را حاضر کردم، ولی در موقع ثبت نام گفتند باید حتما برگ پایان خدمت داشته باشی، و چون من در آن موقع خدمت سربازی را در وزارت آموزش و پرورش و محل کارم مسگذراندم، از ثبت نام من جلوگیری به عمل آمد. حال در خرداد ماه امسال سربازی من تمام میشود، در این صورت آیا در سال گذشته، واجب الحج بوده‌ام یا نه، در صورتی که در آن موقع تازه متأهل شده بودم، و با پدرم زندگی میکردم، و خانه جداگانه نداشتم، و بعد از رد شدن از سفر، پول را صرف خریدن ماشین که یکی از ضروریات زندگی من در آن موقع و در حال حاضر است نمودم؟

ج - در فرض مرقوم، اگر در سال گذشته متمکن از رفع مانعی که برای شما پیش آمده نبوده‌اید، تمکن از سفر حج نداشته‌اید، و فعلا هم که استطاعت مالی ندارید حج بر شما واجب نیست، و در آینده هر زمان که إن شاء الله مستطیع شدید مشرف شوید.

۱۴۱ س - شخصی پول برای حج به حساب ریخته، و امسال که نوبت تشریف او است فوت نموده، و وصیت کرده که شخص خاصی بجای او حج بجای آورد، و لکن این شخص خودش استطاعت مالی و بدنی دارد، فقط از جهت طریق برایش امکان رفتن نیست، آیا میتواند با استفاده از نوبت موصی، به حج برود، اگر چه او و وصی و هم چنین ورثه میت رضایت نداشته باشند؟

ج - برای مستطیع انجام حج نیابی جایز نیست، و اگر با استفاده از فیش مذکور خود را به میقات برساند، باید حج را برای خود بجا آورد، و با عدم رضایت ورثه ضامن قیمت سوقیه فیش است، و بر ورثه لازم است که شخص دیگری را اجیر نموده، و حج موصی را به تأجیر نیاندازند.

۱۴۲ س - کسی که با وجود تقلید صحیح قبلا به حج مشرف شده، و چون رجوع به کفایت را مجتهد او شرط استطاعت نمدانسته، حجة الاسلام را قصد نموده و بجا آورده است با این که رجوع به کفایت نداشته است، و فعلا همه شرایط استطاعت برای او موجود است، و از حضرتعالی تقلید میکند، آیا باید حج سابق را اعاده نماید یا خیر؟

ج - نیاز به اعاده حجة الاسلام نیست.

۱۴۳ س - اگر شخص مقلد مرجعی بوده، که در استطاعت شرط مسکرده (که پس از رجوع از حج، شخص نیاز به استفاده از وجوهات شرعیه نداشته باشد)، از این رو چون خود را مستطیع نمدانسته برای حج نیابی اجیر شده و حج نیابی بجا آورده است، و اکنون از حضرتعالی تقلید میکند، و شما در رجوع به کفایت در صورتی که شهریه و یا وجوه شرعی دریافتی برای مخارج زندگی او کافی است او را مستطیع بدانید، و استطاعت هم مانع از قبول نیابت است، حال بفرمایید تکلیف حج قبلی چه میشود؟ و وظیفه فعلی او چیست؟

ج - نیابتی که طبق فتوای مرجع قبل از انجام داده است صحیح میباشد، و اگر بعدا مستطیع شد باید حجة الاسلام خود را بجا آورد.

۱۴۴ س - اگر پدری پس از ثبت نام برای حج فوت کرده است، و چند پسر دارد، و اجازه رفتن به حج به یکی از پسران داده میشود، آیا در چنین موردی استطاعت طریقی برای کدام يك حاصل میشود؟

ج - اگر به عنوان نیابت پدر است بر هیچ يك از آنها رفتن به حج و قبول نیابت واجب نیست، مگر آن که بالخصوص مورد وصیت باشد، و اگر منظور این است که یکی از آنها میتواند با استفاده از فیش پدر برای خود حج بجای آورد، در صورت داشتن سایر شرایط استطاعت، باید هر کدام سعی کنند که خودشان به حج بروند، و در صورت مشاجره بین آنها، با قرعه تعیین شود، و در هر صورت ارزش فیش را به ورثه مدیون است، و چنانچه پدر واجب الحج بوده است، باید برای او استیجار نمایند.

۱۴۵ س - کسی که در کشورهای غیر اسلامی زندگی میکند، اگر بخواهد به حج برود باید مبلغ زیادی به آن حکومت کمک کند، و قهرا آن پول برای تقویت چنین حکومتی مصرف خواهد شد، در صورتی که راه رفتن به حج منحصر به این کار باشد، آیا اولاً حج بر چنین شخصی واجب است یا نه؟ و ثانياً اگر این مقدار پول را بدهد و به حج برود از حجة الاسلام کفایت میکند یا نه؟

ج - این گونه پرداختها منافات با استطاعت ندارد، و در صورت امکان باید مبلغ را پرداخته و به حج برود، و آن حج از حجة الاسلام کفایت میکند.

۱۴۶ س - زنی برای حج ثبت نام کرده است، ولی شوهرش که او هم استطاعت داشته به عللی ثبت نام ننموده است، آیا زن میتواند شرعا نوبت خود را به شوهرش بدهد، به این امید که در آینده هر دو با هم ثبت نام نمایند؟

ج - اگر زن مستطیع باشد جایز نیست.

۱۴۷ س - اگر شخصی مستطیع بود، و در رفتن به حج مسامحه کرد، تا نوبت او از دست رفت، حال که ثبت نام نمیشود، آیا با کمک واسطه و سفارش در ایران یا خارج از ایران، یا با صرف مبالغی زیاد جایز و یا لازم است به حج مشرف شود یا خیر؟ زیرا در غیر این صورت سالها فریضه او تأخیر مافتد، و خوف این را دارد که خدای ناکرده از تارکین حج به حساب آید؟

ج - در صورت تمکن اگر چه با صرف مبلغ زیادتر، لازم است به حج برود.

۱۴۸ س - شخصی قبلا حج بر او مستقر نشده، اما در موقع ثبت نام جهت حج تمتع مستطیع بوده و ثبت نام نموده، ولی بعدا از نظر مالی محتاج شده، آیا میتواند پول سپرده را پس بگیرد یا خیر و چنانچه در سال اول یا سالهای بعد قرعه به نام او اصابت کند فرق دارد یا نه؟

ج - در فرض سؤال اگر در سال اصابت قرعه برای رفتن به حج، از استطاعت افتاده بتواند پول سپرده را پس بگیرد، و فرقی بین سال اول و غیر آن نیست.

۱۴۹ س - شخصی که حج بجا آورده، لکن چون رجوع به کفایت او از وجوه و امثال آن بوده، و آن زمان نیز متذکر مسأله مربوط به عدم استطاعت چنین شخصی طبق فتوای مرجع آن زمانش نشده، و گمان کرده که حج واجب خود را انجام داده است، پس از آن و در حال استطاعت قطعی نیابتاً حج بجا آورده است، آیا حج نیابتی وی صحیح است، یا باید پس از انجام حج واجب مستقر خودش، نیابت را تکرار نماید؟

ج - در فرض سؤال اگر فعلاً از مرجعی تقلید میکند که امرار معاش از وجوه شرعیه را مانع از صدق استطاعت نمیداند، حجة الاسلام او صحیح و حج نیابتی او نیاز به تکرار ندارد. ۱۵۰ س - شخصی که طبق شئوناتش مایست برای فامیل سوغات بخرد، و در صورت خرید سوغات، فقط پول قربانی را ندارد و میتواند روزه بگیرد، آیا مستطیع است و حج بر او واجب است یا خیر؟

ج - شخص مذکور مستطیع است، و حج بر او واجب است، و باید قربانی کند و روزه از او به جای قربانی صحیح نیست.

۱۵۱ س - در مواردی که نهاد و یا ارگان دولتی، فردی را به حج دعوت میکند بدون این که ملزم باشد کاری را انجام دهد، آیا از موارد حج بذلی است و قبول آن واجب است یا خیر؟
ج - در فرض سؤال چنانچه دعوت مشروع باشد، حج بذلی است، و قبول آن برای کسی که حجة الاسلام خود را انجام نداده واجب است.

۱۵۲ س - شخصی که معتاد به خوردن تریاک است، و دولت از رفتن او به حج جلوگیری میکند، و هم چنین زنی که حامل است، و یا مریضی که به جهت کسالت خاص ممنوع از سفر شده است، از نظر شرعی تکلیف او نسبت به حج چیست؟ مستطیع است یا غیر مستطیع؟ و آیا جایز است با توسل بعضی از حیلها مشکل اعزام خود را حل کند؟ و بر فرض آن که چنین کرد، آیا مجزی از حجة الاسلام هست یا خیر؟

ج - اشخاص مذکور در صورتی که بتوانند با توسل به طرق مشروع به حج مشرف شوند مستطیع هستند، و باید به حج بروند، و حجة الاسلام محسوب میشود، لکن اگر شخص مریض و یا حامل، خوف ضرر داشته باشد مستطیع نیست.

۱۵۳ س - کسی که واجد شرایط حج است، و نوه او شرعا و عرفا نیاز به ازدواج دارد، و اگر ازدواج نکند به حرام مافتمد، وظیفه پدر بزرگ چیست؟

ج - مخارج ازدواج نوه از نفقات واجبه بر پدر بزرگ نیست، و اگر مستطیع است باید به حج برود.

۱۵۴ س - کسی که چهار پسر دارد و برای همه آنان زن گرفته است، و خرج سالانه خود را هم دارد و قرض هم ندارد، و با پسرانش درآمدشان يك جا است، الآن خرج دو نفر را دارند که به حج بروند، آیا حج واجب است یا نه، و اگر واجب شده است، آیا تنها بر پدر واجب شده، یا بر پسر هم واجب شده است، و اگر بر پسر هم واجب شده است کدامشان حق اولویت دارند؟

ج - اگر پدر مالك سرمایه است، و فرزندان برای او کار میکنند و پدر مخارج آنان را تأمین منماید؟ پدر مستطیع است، و فرزندان از جهت این سرمایه مستطیع نیستند، بلی اگر هر يك از آنها را برای حج مهمان کند، قبول واجب، و حج بر او مستقر میشود، و اگر مال مشترك بین آنهاست، هر يك باید با توجه به سهم خودش از مال، استطاعت را لحاظ کند.

۱۵۵ س - مقداری پول دارم که برای رفت و آمد به سفر مکه کافی است، ولی هنوز از طرف دولت وقتی برای ثبت نام اعلام نشده است، آیا نگهداری آن پول لازم است، و من مستطیع هستم یا نه؟

ج - نگهداری آن لازم نیست.

۱۵۶ س - در حال حاضر هر کسی که بخواهد به حج مشرف شود باید قبلاً برای ثبت نام و مقدمات حج اقدام نماید، اگر کسی ثبت نام کرد ولی نوبت او را برای چند سال دیگر اعلام نمودند، اگر قبل از رسیدن آن نوبت، از راه دیگر وسیله رفتن برای او فراهم شد، و پول قرض کرد و به مکه رفت، آیا حج او حجة الاسلام است یا خیر؟

ج - در فرض سؤال اگر ارزش فیش و سایر اموال اضافی او معادل مخارج حج امسال او است مستطیع بوده، و کفایت از حجة الاسلام میکند.

۱۵۷ س - اشخاصی که در وقت نام نویسی برای حج، استطاعت مالی دارند، و از طرف دولت برای پنج سال یا بیشتر اسم نویسی میکنند، آیا نام نویسی واجب است یا نه؟ و بر فرض وجوب اگر مسامحه کردند و ننوشتند، و بعد از مدت پنج سال مردند، و یا از استطاعت مالی افتادند، فقط ترك واجب کرده‌اند، یا این که حج هم بر آنان مستقر است؟

ج - در مورد سؤال نام نویسی واجب است، و چنانچه مسامحه کرد و بعد از پنج سال فوت نمود، چون علی الظاهر در طول پنج سال متمکن از رفتن به حج بوده است حج بر او مستقر شده، و باید برای او استیجار نمایند.

۱۵۸ س - کسی که استطاعت مالی دارد، اگر پس از ثبت نام و قرعه کشی نامش برای سالهای بعد در آمد، آیا میتواند نسبت به سالهای بعد خودش را از استطاعت بیرون بیاورد، و پول خود را از بانک پس بگیرد؟ اگر چه ضرورت هم نباشد.

ج - اگر مطمئن است در سالی که نوبت حج او است تمکن از انجام حج دارد، پس گرفتن پول جایز نیست، و در صورت تخلف چنانچه در سال مذکور به جهت پس گرفتن پول خود نتواند به حج برود، حج بر او مستقر شده است.

۱۵۹ س - پولی که به عنوان ودیعه برای ثبت نام حج به بانک پرداخت میشود، اگر سال بر آن بگذرد، آیا خمس به آن تعلق میگیرد یا نه؟ و هم چنین پول دیگری که برای مخارج حج کنار گذاشته شده است، و در صورتی که خمس به آن تعلق بگیرد اگر پرداخت خمس موجب سلب استطاعت شود، حجة الاسلام بر او واجب است یا خیر؟

ج - پولی که برای حج واریز کرده، اگر از در آمد همان سال باشد صرف در مؤونه شده و خمس ندارد، ولی اگر متعلق خمس باشد (مثل آن که سال بر آن گذشته است) پرداخت خمس مقدم است، اگر چه موجب سلب استطاعت شود. و پولی که برای مخارج حج کنار میگذارد، اگر سال بر آن بگذرد، و قبلاً خمس آن را نداده باشد، واجب است خمس آن را بپردازد، اگر چه موجب سلب استطاعت شود.

۱۶۰ س - اگر شخصی مستطیع اقدام به ثبت نام کرده، ولی اسمش برای سالهای بعد اعلان شده است، و یا با آن که مستطیع بوده اهمال کرده و ثبت نام ننموده است، و فعلا با ثبت نام فوق العاده از طریق اداره اوقاف با مبلغ بیشتر، و یا با خرید فیش به طور آزاد، و یا با گرفتن گذرنامه برای کشورهای دیگر و از آنجا با گرفتن ویزا برای کشور عربستان میتواند به حج برود، آیا بر او واجب است که برای تعجیل در انجام حج از این راهها اقدام نماید، و یا وجوب ندارد و در صورت انجام مجزی از حجة الاسلام است یا خیر؟

ج - در فرض سؤال چنانچه متمکن از انجام حج با صرف مبلغ بیشتر و یا خرید فیش حج باشد، اقدام بر آن واجب است تا حج را زودتر انجام دهد، و در صورت اهمال در ثبت نام و رسیدن او ان خروج برای حج، بنا بر احتیاط واجب حج بر او مستقر شده، و به هر نحو ممکن باید آن را بجا آورد.

۱۶۱ س - اگر شخصی قبل از تحقق استطاعت نذر کرده است که هر سال در ماه رمضان افطاری بدهد، و یا مخارج عزاداری فلان هیئت و یا مجلس را در ماه محرم پردازد و با پرداخت آن مخارج سنگین به طور معمول استطاعت مالی برای حج پیدا نمکند، در این صورت عمل به نذر مقدم است، و یا آن که باید ولو در يك سال به نذر عمل ننماید و به حج برود. و در هر صورت اگر قرض کرد و به حج رفت حج او چه صورتی دارد؟

ج - اگر این گونه مخارج و ضیافت منافات با شأن او ندارد، عمل به نذر کند، و مستطیع نیست.

۱۶۲ س - در حج بذلی اگر شخص مداند که باذل بر او منت مگذارند، و یا در بعض محافل مگوید: من فلانی را به حج فرستادم، و این عمل موجب ذلت برای شخص باشد قبول واجب است یا خیر؟

ج - در فرض سؤال قبول واجب نیست.

۱۶۳ س - آیا هزینه مهمانهای قبل و بعد از حج و سوغات متناسب با شئونات شخص جزء هزینه حج محسوب میشود، که شخص با نداشتن آن مستطیع نباشد، و در هر صورت اگر کسی برای این امور قرض کرد، و به حج رفت حج او چه صورتی دارد؟

ج - جزء استطاعت محسوب نمیشود.

حج نذری

مسأله ۱۶۴ - اگر شخص بالغ عاقل با خواندن صیغه شرعی، نذر و یا عهد و یمین را منعقد نماید که به حج برود، انجام حج بر او واجب میشود، و اگر نذر مقید به سال خاصی باشد، در صورت تخلف با تمکن از انجام حج، حنث نذر کرده، و علاوه بر انجام حج، کفاره بر او واجب است، و در صورتی که نذر مقید به سال خاصی نباشد، با داشتن تمکن، تأخیر جایز نیست، و در صورت عصیان اگر تأخیر تا موت او ادامه داشت، کفاره و قضا از اصل مال او واجب است.

مسأله ۱۶۵ - اگر نذر حج، مطلق و یا مقید به سال خاصی بوده باشد، ولی در هر دو صورت تا دم مرگ تمکن از انجام آن را نداشته باشد، قضا و کفاره بر او واجب نیست.

مسأله ۱۶۶ - اگر شخص مستطیع حجة الاسلام را نذر نماید، نذر او منعقد میشود، و اگر ترك کند تا بمیرد، واجب است کفاره نذر و هزینه قضاء حج را از ترکه او تدارك نمایند.

مسأله ۱۶۷ - اگر نذر حجة الاسلام مقید به سال اول استطاعت باشد، در صورتی که حج را با تأخیر انجام دهد، فقط کفاره حنث نذر بر او واجب است.

مسأله ۱۶۸ - اگر شخص مستطیع در سال اول استطاعت، غیر حجة الاسلام را نذر نماید نذر او منعقد نمیشود، اگر چه استطاعت او از بین برود، بلی اگر او علم به استطاعت و یا به عدم صحت حج دیگر در سال استطاعت نداشته باشد، و یا نذرش مقید به زوال احتمالی استطاعت باشد، در صورت زوال استطاعت، نذر او صحیح است.

مسأله ۱۶۹ - اگر غیر مستطیع نذر کند که به حج برود، و سپس مستطیع شود، اگر نذر او مطلق بوده و یا مقید به غیر سال استطاعت است، نذرش صحیح، و حجة الاسلام در صورت استطاعت مقدم خواهد بود.

مسأله ۱۷۰ - یمین زوجه بدون اذن زوج، و یمین فرزند بدون اذن پدر منعقد نمیشود، اگر چه بعد از یمین هم اجازه بدهند، و نذر زوجه حکم یمین او را دارد، ولی نذر فرزند حکم یمین را ندارد.

احکام نیابت

مسأله ۱۷۱ - شرایطی که در نیابت معتبر است عبارتند از: بلوغ، عقل، ایمان (شیعه دوازده امامی) آشنایی به اعمال حج، و این که ذمه خود نیابت از قبل مشغول به حج واجب نباشد.

مسأله ۱۷۲ - در نیابت عدالت شرط نیست، و اگر غیر عادل نیابتاً حج بجای آورد، کفایت میکند، و پس از علم به اصل انجام فریضه حج، و شك در صحت عمل او میتوان بنا را بر صحت گذارد، ولی اگر شك در انجام اصل عمل باشد، احتیاط واجب عدم اکتفاء به آن حج است.

مسأله ۱۷۳ - در نیابت مماثله نیابت و منوب عنه شرط نیست، بنابراین این مرد میتواند به جای زن نیابت کند و بالعکس، اگر چه بعید نیست که نیابت مرد مطلقاً افضل باشد.

مسأله ۱۷۴ - در حج واجب باید منوب عنه عاجز از انجام عمل باشد، و یا مرده باشد، بنابراین نیابت از کسی که زنده و قادر بر انجام مناسک در حج واجب است، جایز نیست.

مسأله ۱۷۵ - نیابت شخص ضروره (کسی که تاکنون به حج نرفته است) اگر غیر مستطیع باشد، مانعی ندارد.

مسأله ۱۷۶ - در حج نیابی قصد نیابت لازم است، به این معنا که خود را به جای شخص منوب عنه در نظر بگیرد، و یا عمل خود را به جای عمل او قرار دهد، و برای این جهت تعیین منوب عنه با اشاره ذهنیه کافی است، هر چند مستحب است نام منوب عنه را به هنگام نیت برای احرام و سایر اعمال ذکر کند.

مسأله ۱۷۷ - همان گونه که نیابت تبرعا و با اجاره صحیح است، با جعاله نیز صحیح میباشد، و ذمه منوب عنه در تمام موارد پس از انجام عمل حج بریء میشود.

مسأله ۱۷۸ - بنابر احتیاط واجب باید از اجاره کسی که در انجام بعض اعمال حج معذور است خودداری شود، و اگر شخص معذور تبرعا نیابت کرد، بنابر احتیاط نباید به عمل او اکتفاء نمود.

مسأله ۱۷۹ - اگر نایب در اثناء عمل عذر پیدا کند، و به تکلیف مربوط به خود عمل نماید کافی است، و مبرء ذمه است.

مسأله ۱۸۰ - اگر نایب پس از احرام و دخول در حرم بمیرد مجزی از منوی عنه میباشد، و مستحق تمام اجرت است، و در غیر این صورت مجزی نیست.

مسأله ۱۸۱ - در اجاره مبیاست نوع حج (تمتع، قرآن، افراد) معین شود و در صورتی که هر يك از انواع حج برای منوب عنه مجزی باشد، برای نایب عدول از نوع تعیین شده - ولو به افضل از آن - بدون رضایت منوب عنه، و یا مستأجر، بلکه بدون اذن او جایز نیست، و در صورت تخلف مستحق اجرت نخواهد بود، و هم چنین است حکم سایر خصوصیات که تعیین میشود.

مسأله ۱۸۲ - اگر شخص در سال معین برای حج از طرف کسی اجیر شود، جایز نیست نیابت دیگری را در همان سال به عهده گیرد، و در صورت تخلف اجاره دوم باطل است.

مسأله ۱۸۳ - اگر شخص در سال معینی برای انجام حج اجیر شود، تقدیم و تأخیر بدون رضایت و اذن مستأجر جایز نیست، و با تخلف معصیت کرده، و مستأجر میتواند اجاره را فسخ نماید.

مسأله ۱۸۴ - اگر اجیر محصور و مصدود شود باید به وظیفه خود در این مورد عمل نماید، و لکن میرء ذمه منوب عنه نیست، و بنابر این اگر اجاره به نحو مطلق بوده، حج بر ذمه او مستقر میشود، و اگر مقید به سال معین بوده اجاره منفسخ میگردد، و اگر مشروط به سال حاضر بوده است مستأجر خیار تخلف شرط خواهد داشت.

مسأله ۱۸۵ - اگر نایب کاری کند که موجب کفاره شود، باید از مال خود تدارك نماید.

مسأله ۱۸۶ - مقتضای اجاره مطلق، تعجیل است، بنابر این در صورت امکان هر چه زودتر باید حج بجا آورده شود، مگر آن که مستأجر راضی به تأخیر باشد.

مسأله ۱۸۷ - اگر اجرت حج کافی برای عمل حج نباشد، بر مستأجر اتمام آن واجب نیست، کما این که اگر اجرت زیادتیر باشد مستأجر نمیتواند زائد را پس بگیرد، و استرداد آن بر اجیر نیز واجب نیست.

مسأله ۱۸۸ - اقتضای اجاره مباشرت در فعل است، و بدون رضایت و اذن مستأجر اجیر نمیتواند انجام حج را به دیگری واگذار نماید.

مسأله ۱۸۹ - استیجار کسی که به جهت ضیق وقت مجبور به عدول از حج تمتع به حج افراد است، به جای کسی که بر او حج تمتع واجب بوده است، جایز نیست، ولی اگر به طور اتفاقی چنین چیزی پیش آمد، عدول از تمتع به افراد بر نایب واجب، و مجزی از منوب عنه بوده، و مستحق اجرت است.

مسأله ۱۹۰ - میتوان از میت در حج واجب - تبرعا و یا با اجاره - نیابت نمود همان گونه که میتوان در حج استحبابی از او نیابت کرد، اگر چه بر عهده او حج واجب هم باشد که هنوز برای آن اجیر نگرفته‌اند، و از طرف شخص حی نیز در حج واجب نیابت تبرعی در صورتی که خودش تمکن از مباشرت اعمال حج را ندارد جایز است، و در این فرض وجوب استیجار از حی ساقط میشود. ولی در حج استحبابی نیابت - چه تبرعی و چه با اجاره - جایز است، مگر در موردی که بر منوب عنه حج واجب مستقر شده باشد، و خودش تمکن از مباشرت نداشته باشد، و مأیوس از تمکن هم باشد، که در این صورت احتیاط اقتضاء میکند که قبل از فراغ ذمه از انجام حج واجب، برای حج استحبابی کسی را استیجار ننماید.

مسأله ۱۹۱ - يك حج واجب را به نیابت از چند نفر نمیتوان بجای آورد، و لکن در حج استحبابی نیابت از چند نفر مانعی ندارد، و هم چنین جایز است حج استحبابی را برای خود نیت کرده، و ثواب آن را برای عده‌ای اهداء نماید، و هم چنین اگر چند نفر مشترکا نذر کرده باشند که يك نفر را از طرف خودشان به حج بفرستند، نیابت از آنها جایز است.

مسأله ۱۹۲ - اجیر حق تصرف در مال الاجاره را به مجرد عقد اجاره دارد، بلی چنانچه عمل حج را صحیح بجای نیاورد، ضامن مال الاجاره است.

مسأله ۱۹۳ - نیابت چند نفر از يك نفر در سال واحد برای حج مستحب جایز است، و در حج واجب واحد نیز، نیابت چند نفر حتی با علم به صحت عمل هر يك از آنها جایز است، و در صورتی که چند حج واجب به جهات مختلف بر عهده شخص آمده باشد، جواز نیابت چند نفر از طرف يك نفر واضح است.

وصیت به حج
مسأله ۱۹۴ - اگر وصیت به حجة الاسلام یا حج نذری شود، از اصل ترکه برداشته میشود، مگر آن که موصی تصریح کرده باشد که از ثلث پردازند، و در این صورت اگر ثلث کافی برای اجرت نباشد، بقیه از اصل مال برداشته میشود و اجرت حجی که به جهت فاسد شدن حج قبلی به عهده آمده است از ثلث کسر میشود، و در صورت وافی نبودن ثلث احتیاط آن است که کبار ورثه از سهم خود پردازند، و در حج استحبابی شکی نیست که مبیاست از ثلث مال پرداخت شود، و در صورت بیشتر بودن مخارج از ثلث، اگر بعض ورثه و یا کسی دیگر مخارج زائد را تبرعا میپردازد، مبیاست به وصیت عمل شود، و گرنه وصیت باطل خواهد بود.

مسأله ۱۹۵ - اگر کسی وصیت به حج نموده، و کلام او صراحت و یا ظهور در واجب دارد - ولو با قرینه - هزینه حج از اصل مال برداشته مشود، و هم چنین است حکم کسی که کلامش صراحت و ظهور در واجب ندارد، ولی وصی یا وارث علم دارند که سابقاً ذمه او مشغول به حج بوده است، و اگر نه حکم حج مندوب را داشته، و از ثلث مال کسر مگردد.

مسأله ۱۹۶ - اگر وصیت صراحت و یا ظهور - ولو به انصراف - در حج بلدی داشته باشد، باید از بلد برای او حج استیجار کنند، و اگر وصیت انصراف به حج بلدی نداشته باشد، استیجار میقاتی کافی است، و مخارج حج واجب به مقدار میقاتی از اصل، و مخارج مازاد از میقاتی و هم چنین هزینه حج استحبابی از ثلث برداشته مشود.

مسأله ۱۹۷ - اگر موصی اجرت خاصی را برای حج تعیین نکرده است، باید بر اجرة المثل اقتصار نمود، و اگر متبرعی پیدا شود قبول آن و ترك استیجار واجب نیست، بلی اگر متبرعی حج را صحیحا بجای آورد، بر وصی جایز نیست مجددا حج را از مال او استیجار نماید، چون مال الوصیة در این صورت ملك ورثه شده است. بلی اگر مال الوصایة برای مطلق خیرات باشد، استیجار مجدد هم مانعی ندارد.

مسأله ۱۹۸ - اگر در سال اول کسی که راضی به اجرة المثل باشد پیدا نشود، باید به بیشتر از آن شخص را اجیر نمایند، و تأخیر تا سال آینده ولو با علم به یافتن اجیر ارزان تر جایز نیست.

مسأله ۱۹۹ - بنابر احتیاط مبیاست فردی را که با کمترین مبلغ اجیر مشود اجاره نمود، اگر چه اقوی جواز استیجار شخصی است که متناسب با شئون میت باشد، ولو آن که اجرت بیشتری طلب کند.

مسأله ۲۰۰ - اگر شخص مبلغ بیشتری از اجرة المثل را برای حج واجب وصیت کند، مازاد از اجرة المثل از ثلث برداشته مشود، و اگر ثلث هم کافی نبود، مازاد از سهم کبار ورثه با رضایت آنان پرداخت مشود، و با عدم رضایت، بر همان مقدار ثلث اکتفاء مشود، و چنانچه مبلغی مازاد بر ثلث برای اجرت حج مندوب وصیت کند، با عدم کفایت ثلث و عدم جبران از طرف ورثه، در صورتی که حج مقید (۱) به مبلغ مذکور باشد، وصیت باطل

(۱) توضیح این که: گاه از نظر موصی فهمیده مشود که حج مقید به قیود خاصی برای او مطلوب بوده است، به این معنا که حج بدون آن خصوصیات را نمخواهد، که در این صورت اگر آن قیود تحقق پیدا نکند، چون مطلوب موصی واحد است، اصلاً مطلوب او تحقق پیدا نکرده است، مثل این که مگوید: من حج در امسال را میخواهم، و یا اجاره حج با فلان مقدار فقط مطلوب من است، و اگر نه نمخواهم. - ولی گاهی حج فی حد نفسه مطلوب است، و میخواهد بالاخره برای او حجی را بجای آورند، لکن به خاطر مطلوب بودن بعض شرایط میخواهد این حج با آن شرایط انجام شود، که در این صورت به خاطر این که تعدد مطلوب مطرح است، عدم امکان تحقق بعض شرایط لطمه‌ای به مطلوبیت اصل حج نمزند، و این توضیح در بسیاری از فروع دیگر نیز جاری است.

مشود، و الا باید حج مندوب او - اگر چه از میقات - استیجار شود.

مسأله ۲۰۱ - اگر برای حج واجب، شخص خاصی مورد وصیت قرار گرفت، با پرداخت اجرة المثل از اصل ترکه میت نیابت به او واگذار میشود، و چنانچه راضی نشود مگر به مبلغ بیشتر، اضافه آن از ثلث پرداخت میگردد، و اگر ثلث در مصارف دیگری خرج شده و یا کافی نباشد وصیت باطل است، و باید شخص دیگری را با اجرة المثل برای او اجیر نمایند.

مسأله ۲۰۲ - اگر برای حج مندوب مبلغ معینی را وصیت کنند، که کسی راضی به انجام آن نشود، با عدم امید به یافتن اجیر با مبلغ مذکور، وصیت باطل، و باید وجه در سایر خیرات مصرف شود، بلی اگر مدانند وصیت مقید به حج بوده، با بطلان وصیت، آن وجه به ورثه میرسد.

مسأله ۲۰۳ - اگر کسی وصیت به بیش از يك حج بنماید، و اعتراف کند که همه آنها بر من واجب است، اجرت آنها از اصل مال کسر میشود، مگر آن که وصیت در مرض موت باشد، که در صورت اتهام، اقرارش در بیش از ثلث مسموع نیست.

مسأله ۲۰۴ - اگر وصی بعد از اخذ اجرت حج از ترکه بمیرد، و ورثه شك کنند که استیجار نموده یا خیر؟ باید مجدداً از اصل ترکه موصی در حج واجب، و از ثلث در حج مندوب، حج بجای آورده شود، و اکتفاء به ظاهر حال وصی در انجام حج مشکل است، همان گونه که حکم به ضمان نیز مشکل است، بلی اگر عین مأخوذه در اموال وصی موجود باشد، میتوانند آن را مسترد نمایند، اگر چه احتمال بدهند که او با مال خودش استیجار نموده است. و نیز اگر وصی پس از برداشتن مال الاجاره بمیرد، و ما ترکی نداشته باشد، باید از اصل ترکه موصی استیجار حج شود.

مسأله ۲۰۵ - اگر اجرت حج در نزد وصی بدون تقصیر تلف شود ضامن نیست، و استیجار از بقیه ترکه لازم است، و اگر هم بین ورثه تقسیم شده است باید مسترد گردد، و هم چنین اگر در تقصیر او شك داشته باشند حکم به عدم ضمان او میشود.

مسأله ۲۰۶ - طواف به تنهایی مستحب است بنابر این نیابت برای طواف، از حی معذور و میت و یا غایب جایز است، لکن سایر افعال حج مثل سعی و وقوفین و رمی جمرات استحباب آنها مستقلاً معلوم نیست.

مسأله ۲۰۷ - اگر شخص از دنیا برود، و در نزد کسی امانتی و یا دینی داشته باشد، و آن شخص علم دارد که بر عهده متوفی حج و یا خمس و یا دیون دیگر است، و مداند که اگر امانت یا دین او را به ورثه بدهد، از اداء حقوق واجب میت امتناع مورزند، واجب است با اجازه حاکم شرع شخصا برای او با آن مال حج بجا آورد، و یا دیگری را برای حج استیجار نماید، و یا دیون او را پردازد، و در صورت تخلف ضامن است، بلی اگر احتمال بدهد که ورثه به تکلیف خود عمل میکنند بر مدیون جایز نیست شخصا اقدام نماید، بلکه باید آن را در اختیار ورثه قرار دهد، و در این گونه موارد اذن اجمالی حاکم شرع کفایت میکند، و لازم نیست که دین و یا وجوب حج و... را بر عهده میت نزد حاکم شرع به اثبات برساند.

مسأله ۲۰۸ - نایب میتواند پس از انجام اعمال منوب عنه، برای خود عمره مفرده یا طواف مستحب بجا آورد، بلکه احوط برای نایبی که حجة الاسلام خود را بجای نیاورده، اتیان عمره مفرده برای خود پس از عمل نیابی است، اگر چه نسبت به شخص نائی اقوی عدم وجوب است.

مسأله ۲۰۹ - اگر مالی را در اختیار شخصی قرار دهند که استیجار حج کند، اگر علم ندارد که مقصود استیجار دیگری بوده، میتواند خودش نیز آن حج را بجا آورد، اگر چه احتیاط آن است که در صورتی که علم به عدم خصوصیت غیر ندارد، خودش مباشرت ننماید.

مسأله ۲۱۰ - اگر وجهی را برای استیجار حج در اختیار فردی قرار دهند، و شخص خاصی را تعیین کنند، باید به او داده شود، مگر آن که واسطه علم داشته باشد که تعیین فرد مذکور از باب ذکر یکی از افراد بوده است و یا علم به عدم اهلیت او داشته باشد، و بداند که در انتخاب خود خطا کرده است.

مسائل متفرقه نیابت

۲۱۱ س - آیا بر نایب واجب است که حج نیابی را خودش انجام دهد، و یا بتواند دیگری را اجیر کند که حج را انجام دهد؟
ج - جایز نیست که نایب دیگری را اجیر کند، مگر با اذن مستأجر.

۲۱۲ س - اگر کسی چند سال قبل، نیابت حج میتی را تعهد کرده، و الآن خود مستطیع شده، کدام يك از اینها را مقدم بدارد؟
ج - در فرض مسأله، واجب است برای خودش حج بجا آورد.
۲۱۳ س - اگر کسی چند سال قبل، نیابت حج میتی را به مبلغی قبول کرده، و الآن مخارج حج دو برابر شده، فعلا که اجیر منخواهد حج را بجا بیاورد میتواند از ورثه میت بقیه مخارج را مطالبه کند یا نه؟

ج - اگر نیابتی را که قبول کرده و اجیر شده، مقید به سال اول بوده، و از بجا آوردن حج مانع داشته، اجاره باطل شده، و فعلاً بر ورثه است که برای مورث به مقداری که وصیت کرده حج میقاتی یا از هر جا بشود حج استیجار کنند. و اگر بدون عذر و مانع تأخیر انداخته، قیمت سال اول را که او باعث فوت حج در آن سال شده ضامن است، و اگر به نحو مطلق اجیر شده باشد به ذمه اجیر است که بعد از رفع مانع، به هر قیمت که باشد حج را بجا آورد، و به ورثه مربوط نیست.

۲۱۴ س - شخصی مستطیع است، ولی هنوز حج خود را بجا نیاورده، و جهی از ورثه میتی قبول میکند، و در همان سال به مکه مرود، و لکن آن سال حج نیابتی را انجام نمدهد، بلکه برای خودش مرود، و تصمیم قطعی دارد سال آینده برای متوفی برود، این عمل جایز است یا نه؟

ج - اجاره برای خصوص سال اول که خود شخص مستطیع است باطل است، و مال الاجاره را مالک نمشود، و پول نزد او غصب میباشد، و واجب است رد کند، ولی حج خود او که سال اول مشرف میشود صحیح است، و سال بعد اگر طرف مایل بود که این شخص مشرف شود باید تجدید اجاره نمایند، و اگر بدون اطلاع برود مال الاجاره را طلب ندارد.

۲۱۵ س - شخصی که در طواف حج یا عمره مفرده یا عمره تمتع نایب شده، آیا بعد از اداء مناسک خود، آن را بجا آورد؟ یا مخیر است در تقدیم و تأخیر طواف نیابتی؟

ج - در فرض سؤال اگر در طواف عمره مفرده یا عمره تمتع نایب شده است احوط آن است که بعد از فراغ از اداء مناسک خود، طواف نیابتی را قبل از تقصیر و خروج از احرام انجام دهد، و اگر در طواف حج نایب شده است پس از انجام اعمال حج خود، طواف نیابتی را انجام دهد.

۲۱۶ س - آیا جایز است برای نایب در طواف عمره تمتع یا حج که طواف را در غیر موسم بجا آورد یا نه؟

ج - طواف عمره تمتع و طواف حج به عنوان نیابت از غیر، واجب است در موسم حج انجام بگیرد، یعنی طواف عمره تمتع را در اشهر حج و طواف حج را در ذیحجه روز عید و بعد از آن باید بجا آورد، مگر این که منوب عنه طواف را فراموش کرده باشد، و بعد از گذشتن موسم متذکر شود، که در این صورت خود او و در فرض عدم تمکن، نایب او میتواند طواف را در غیر اشهر حج بجا آورد.

۲۱۷ س - شخصی نماز طواف را بلا فاصله بجا آورده، و بعد از سعی و تقصیر چون قرائتش درست نبوده، برای نماز طواف نایب گرفت، آیا این نماز صحیح است یا نه؟ و به حج او ضرر میزند یا نه؟

ج - نایب باید نماز را بعد از طواف بخواند، و در فرض مسأله که بعد از تقصیر بجا آورده خلاف احتیاط عمل کرده، ولی مضر به حج نیست.

۲۱۸ س - شخصی را جهت اعمال حج اجیر میکنند، مقداری از مقدمات را انجام میدهد، بعد از طریق دوائر دولتی ممنوع السفر میشود، و بجای او دیگری را مفرستند، آیا این شخص در ازاء آن مقدار از مقدمات که انجام داده استحقاق اجرتی دارد یا نه و آیا حق دارند دیگری را بفرستند یا نه؟

ج - در فرض سؤال که اجیر ممنوع السفر شده، اجیر کنندگان حق دارند که شخص دیگری را اجیر کنند، و راجع به استحقاق اجرت، اگر او را برای خصوص اعمال حج در همان سال که ممنوع السفر شده اجیر کرده‌اند استحقاق اجرت ندارد، مگر این که مقدمات را به امر مستأجر بجا آورده باشد، که چون عمل مسلم محترم است، اجرة المثل عمل خود را استحقاق دارد، و اگر او را اجیر کرده‌اند برای حج و مقدمات، مال الاجاره تقسیط میشود، و به مقداری که مقابل مقدمات واقع شده حق دارد.

۲۱۹ س - شخصی برای انجام حجة الاسلام اجیر شده، و تا سوریه رفته، و موفق به انجام عمل نشده، و به کشور خود مراجعت کرده، آیا میتواند بابت مخارجی که در این سفر نموده و جهی از منوب عنه مطالبه کند یا نه؟

ج - بر حسب ظاهر حال که اجرت را مقابل رفتن و برگشتن و عمل حج قرار مدهند، اجیر از اجرة المسمى به اندازه‌ای که از راه پیموده مستحق است، هر چند عمل برای منوب عنه فایده نداشته باشد.

۲۲۰ س - آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است یا نه؟

ج - بلی جایز است.

۲۲۱ س - در حج نیابتی و عمره مفرده نیابتی طواف نساء و نماز آن را باید نایب از طرف خود انجام دهد یا از طرف منوب عنه؟

ج - باید به قصد منوب عنه انجام دهد.

۲۲۲ س - آیا ولی در حالی که محرم است قبل از انجام اعمال خود میتواند نیابتاً از طرف طفل، اعمال او را انجام دهد یا نه؟

ج - لازم است اول طواف و نماز آن سعی خود را بجا آورد، و احتیاطاً قبل از تقصیر، نیابتاً اعمال طفل را بجا آورد.

۲۲۳ س - شخصی ملکی را جهت استیجار حج معین کرده، و در موقع فروش ملك، قیمت آن، زائد بر مال الاجاره نیابت حج است، در این صورت باید تمام آن را تسلیم نایب بنمایند، یا آن که زائد آن را تسلیم ورثه نمایند؟

ج - در فرض سؤال در صورتی که آنچه زائد بر مال الاجاره حج میقاتی است بیشتر از ثلث نباشد تمام آن را به نایب بدهند، مگر آن که معلوم باشد که غرض او استیجار اصل حج است، و خصوصیت استیجار آن به تمام قیمت ملك مذکور، در نظر موصی نبوده است. ۲۲۴ س - بر نایب واجب است که بر طبق فتوای مرجع تقلید منوب عنه اعمال حج را انجام دهد، یا مطابق وظیفه خودش از تقلید یا اجتهاد، عمل نماید؟

ج - اجیر باید مطابق وظیفه خودش عمل نماید، بلی اگر با او شرط کنند که علاوه بر واجبات و شرایط صحت به نظر اجیر، بعضی از امور لازمه به نظر منوب عنه را نیز بجا آورد، یا بعضی منافیات به نظر او را ترك کند، باید به شرط عمل نماید. ۲۲۵ س - اگر کسی در موقع عمل حج و عمره ناچار است سر خود را بپوشاند، یا زیر سایه قرار بگیرد و نمیتواند در آفتاب باشد، در این صورت چنین شخصی میتواند از دیگری نیابت کند یا نه؟

ج - در فرض سؤال که نایب معذور در انجام بعضی محرمات احرام است، نیابت و استیجار او مانع ندارد، و کفاره آن بر عهده خود نایب است.

۲۲۶ س - زنی از دنیا رفته و به شوهرش وصیت کرده که برای او حج استیجار نمایند، ولی قید بلدی و یا میقاتی نکرده، و شوهرش قبول وصیت او نموده، لکن مسامحه کرده، و جهت همسرش حج استیجار ننموده، و اموال هم از بین رفته، و شوهر آن زن که وصی او بوده فوت کرده است، و قبل از فوت به يك نفر وصیت نموده که حج همسرم در گردن من مانده اداء کنید، و آن شوهر متوفی دارای صغار است، اگر خواسته باشند حج بلدی آن زن را از مال او بردارند، صغار به زحمت مافتند، آیا اجازه مفرماید که حج میقاتی جهت آن زن بدهند یا نه؟

ج - در فرض مسأله که وصیت به حج شده، چون منصرف به بلدی است، واجب است بر وصی حج بلدی استیجار نماید، و اگر مال را تلف کرده ضامن حج بلدی است، و فعلا باید از مالش حج بلدی استیجار شود، هر چند صغیر داشته باشد.

۲۲۷ س - شخصی در زمان حیاتش اهل نماز و روزه بوده، و حج هم بجا آورده، با این حال وصیت کرده که برای او حج استیجار نمایند، فعلا فوت کرده، و ورثه نمودانند حجی که وصیت نموده برای این است که حجة الاسلام خود را باطل دانسته، یا حج احتمالی و احتیاط است، تکلیف چیست؟

ج - ظاهر آن است که حج احتیاطی است، مگر قرینه باشد که مستحبی و یا واجبی است، و در هر صورت باید بر طبق وصیت عمل شود.

۲۲۸ س - کسی که به قصد حج مستحبی، عمره تمتع برای خود بجا آورده، آنگاه در مکه اجیر شده، و مجدداً به میقات ادنی الحل برگشته، و سپس عمره و حج تمتع را به نیابت از شخص متوفی بجا آورده است، تکلیف او چیست؟

ج - اجاره باطل، و حج او نیز مجزی از حج منوب عنه نیست بنا بر احتیاط واجب.

۲۲۹ س - کسی که برای حج تمتع استحبابی به مکه رفته، و عمره تمتع را انجام داده، و از روی جهل به مسأله برای حج تمتع میقاتی در مکه اجیر شده، و به میقات رفته، و برای عمره تمتع محرم شده، و به مکه آمده، و اعمال عمره را انجام داده، سپس مسأله را فهمیده، معلوم است که حج میقاتی صحیح نیست، بفرمایید نسبت به اعمال خود چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - احرام او برای عمره حج میقاتی درست نبوده، و باید بقیه اعمال خود را بجا آورد، یعنی در مکه برای حج محرم شود، و به عرفات برود، و مناسک را انجام دهد، و حج تمتعش صحیح است.

۲۳۰ س - عمره و حج به نیابت حضرت حجة بن الحسن (علیهما السلام) با آن که آن حضرت در مراسم حج شرکت دارند، صحیح است یا خیر؟

ج - جواز آن بعید نیست.

۲۳۱ س - شخص مستطیع که حج بر او مستقر شده فوت نموده، و وصیت کرده که شخص معینی که امسال اجیر دیگری است سال بعد از طرف او نیابتاً به حج برود، و حال آن که ممکن است امسال شخص دیگری از او نیابت نماید، و نیز محتمل است سال آینده موانعی ایجاد شود که نتوان استیجار کرد، در این صورت مطابق وصیت، باید شخص معین نایب شود، و یا امسال به دیگری رجوع نمایند؟

ج - ظاهر این است که عمل به این وصیت مشروع نیست، و واجب است با تمکن فوراً نایب بگیرند.

۲۳۲ س - شخصی از ایران حرکت میکند که برای خود، یا به نیابت از دیگری حجة الاسلام بجا آورد، حال میخواهد که قبل از حج برای خود یا دیگری عمره مفرده بجا آورده، و بعد بر گردد به مدینه و احرام حج ببندد، بفرمایید که این عمل جائز است یا نه؟ و اگر چنین کرد حج از ذمه خود او و یا از ذمه منوب عنه ساقط میشود یا نه؟

ج - کسی که حج واجب خود را بجا نیاورده جایز نیست در ایام حج، عمره مفرده بجا آورد، و هم چنین کسی که نایب حج بلدی است، جایز نیست عمره مفرده را قبل از اعمال حج بجا آورد، و در صورتی که قبل از حج بجا آورد عمره مفرده او باطل است

و لکن حج صحیح است، و از ذمه او یا منوب عنه ساقط میشود. بلی اگر نایب حج بلدی بوده، استحقاق اجرت ندارد. ولی اگر برای حج میقاتی اجیر شده باشد، استحقاق اجرت دارد، و عمره مفرده او هم صحیح است.

۲۳۳ س - اگر کسی که نیابت از دیگری گرفته و به حج آمده، از بعضی اعمال از قبل معذور است، یعنی عذر او طاری نیست، آیا میتواند در این اعمال نایب بگیرد؟ و آیا میتواند پول نیابت را به دیگری بدهد که اصل حج را بجا آورد؟

ج - نمیتواند نایب بگیرد، و بدون اذن موجر جایز نیست شخص دیگری را اجیر کند.

۲۳۴ س - آیا عمره مفرده یا طواف استحبایی را میتوانیم به نیابت از چند نفر انجام دهیم، و در اعمال آن - از جمله طواف نساء - نیت همه باید بشود، یا نیت بعضی کافی است؟
ج - بلی میتوانند، و باید در اعمال تمام افراد را در نیت داشته باشد.

۲۳۵ س - افرادی که هر سال به حج میروند - از قبیل خدمه کاروانها - در محل خود از کسی نیابت قبول میکنند، ولی در میقات بر اثر اشتغال زیاد از نیابت غافل و محروم میشوند، بعد که متوجه شدند دوباره نیت نیابت میکنند، آیا حج نیابتی آنان درست است، یا حج برای خودشان حساب میشود؟

ج - با فرض آن که مستطیع نبوده، و از قبل اجیر برای انجام حج شده است، نیت احرام برای خود او منعقد نشده است، و در صورتی که مجدداً به نیت منوب عنه محرم شده است، حج نیابی او صحیح است.

۲۳۶ س - شخصی در میقات برای خودش محرم میشود، و تلبیه مگوید، بعد به فکر مسافتد که چون خودش حج واجب را در سالهای گذشته بجا آورده، برای پدر یا مادر یا یکی از خویشاوندان دیگرش حج تبرعی بجا آورد، آیا میشود از نیت عدول کند، و دوباره به نیت شخص مورد نظر محرم شود یا خیر؟
ج - باید طبق احرامی که برای خود بسته حج را تمام کند، و رفع ید از آن جایز نیست، و عدول از نیت صحیح نیست.

۲۳۷ س - نایبی در احرام عمره تمتع بعد از این که وارد مکه شد، شك میکند که نیت نیابت کرده یا نه، آیا باید به میقات برگردد و مجدداً به نیابت محرم شود، یا اصلاً حج برای خودش حساب میشود، و دیگر نمیتواند نایب باشد؟

ج - در صورتی که فعلاً خود را نایب بدانند، و شك در نیت احرام گذشته خود دارد و وظیفه او حمل به صحت است، و به عنوان نیابت بقیه اعمال را بجا آورد.

۲۳۸ س - هر گاه کسی مریض شود، به طوری که بعد از احرام عمره قادر به انجام اعمال نباشد، آیا کسی که برای عمره تمتع مستحبی محرم شده، و عمره را انجام داده است، میتواند در حج نایب او شود یا خیر؟

ج - شخص مذکور نمیتواند نایب شود، و شخص مریض باید به وظیفه خود عمل نماید.

۲۳۹ س - شخصی به عنوان نیابت در مسجد شجره محرم شده، و به مکه آمده، در مکه فهمید که خودش مستطیع بوده است آیا باید اعمال عمره را به قصد خود بجا آورد، یا به قصد نیابت، و اگر باید حج را به قصد خود بجا آورد نسبت به حج نیابی چه وظیفه دارد، و آیا میتواند برای آن نایب بگیرد یا نه؟

ج - احرام او باطل است، و باید به میقات برگردد، و برای خود محرم شود، و در صورتی که از طرف صاحبان وجه مجاز باشد برای حج منوب عنه خود، نایب دیگری بگیرد.

۲۴۰ س - شخصی تمام اختیارات اموال پدرش را دارد، و پدر نمیتواند بالمباشره حج را بجا آورد، پسر بدون تذکر دادن به پدر شخصی را اجیر برای حج پدر نموده، و خودش هم برای حج خود مشرف شده، در این فرض آیا حج اجیر برای حج پدر مجزی است یا خیر؟ و هر گاه در مدینه تصمیم بگیرد که آنچه را از مال پدر به اجیر داده است با پدر حساب نکند و از مال خودش باشد، رفع اشکال میشود یا نه؟

ج - اجیر گرفتن برای پدر از مال او بدون اطلاع پدر صحیح نیست، بلی در صورتی که مبلغ اجاره را از مال خود تبرعا بپردازد، در فرض سؤال که پدر عاجز از انجام حج است مانعی ندارد، و مجزی از حجة الاسلام پدر میباشد.

۲۴۱ س - شخصی وصیت کرده که فلان قسمت از ملك مرا بفروشید، و دو حج جهت خودم و پدرم خریداری کنید و اکنون ملك مورد وصیت زائد بر قیمت دو حج است، آیا مبلغ زیادی را واجب است در امور خیریه دیگر مانند نماز و روزه مصرف کنند، یا به ورثه بر مگردد، با این که تمام ملك مورد وصیت، از ثلث مالش بیشتر نیست؟

ج - در این صورت ممکن است بر کیفیت حج بیفزایند، مثل این که شرط کنند بعضی مستحبات انجام داده شود، یا شخصی را که عالم تر به مسائل و احکام باشد استیجار نمایند، و اگر باز هم زیاد آمد ملك ورثه است.

۲۴۲ س - نایب چند ماه قبل از حج به بلد منوب عنه مرود، و به عنوان نیابت حج حرکت مسکنند، و به وطن خودش یا محل دیگری مرود، و در ماه ذیحجه که عازم حج میشود، دیگر به بلد منوب عنه نمرود، کافی است یا نه؟ و چه وقت باید برود؟
ج - در فرض مذکور کافی است.

۲۴۳ س - کسی که حج نیایی انجام مدهد، اگر در قربانی شخص ثالثی را وکیل کرد، ذابح چگونه نیت کند؟ آیا باید نیت کند که به وکالت از میت قربانی میکنم، یا باید نیت وکالت از نایب میت کند؟ در هر صورت آیا باید نام میت را هم ببرد؟

ج - ذابح نیت کند: ذبح منماینم این گوسفند را برای آنچه در ذمه موکل من است قربانۀ الی الله و اگر نام میت را هم ذکر کند بهتر است.

۲۴۴ س - کسی که برای حج اجیر میشود، اگر شرط کند که مثلاً برای طواف نساء یا یک عمل دیگری که نیابت بردار است نایب بگیرم، آیا این شرط نافذ است، و میتواند عمل نماید یا نه؟

ج - اجیر میتواند برای ذبح قربانی نایب بگیرد، لکن در سایر اعمال اجیر باید شخصاً اعمال را بجای آورد، و اگر کسی از اول معذور از مباشرت باشد، استنابه او خلاف احتیاط است، و شرط مذکور نافذ نیست، و موجب بطلان اجاره است.

۲۴۵ س - در مناسک آمده است که معذور نمیتواند نایب شود، معذور به چه کسی گفته میشود؟ لطفاً حد آن را معین کنید، مثلاً کسی که نمیتواند نماز طواف را صحیح بخواند، یا نمیتواند خودش رمی جمرات کند، و یا نمیتواند قربانی نماید، و یا نمیتواند یکی دیگر از واجبات حج را اعم از ارکان و غیر ارکان انجام دهد، معذور است یا خیر؟

ج - در قربانی مباشرت شرط نیست، و نایب هم میتواند دیگری را در قربانی وکیل نماید، ولی کسی که از مثل نماز طواف ورمی جمرات معذور باشد، احتیاط آن است که نایب نشود، و استنابه او خلاف احتیاط است.

۲۴۶ س - نایبی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است، و بعد از عقد اجاره در موقع عمل یا قبل از محرم شدن جزء معذورین شده، و در هر عذری که پیش آمده طبق وظیفه معذورین رفتار نمود، آیا حج او از منوب عنه کافی است؟ و آیا نسبت به نحوه عذر فرقی هست یا نه؟ و آیا نسبت به اجرت استحقاق دارد یا ندارد؟

ج - اگر نایب قبل از احرام عذر نداشته، ولی بعد از محرم شدن عذری برای او پیش آمده، و به وظیفه معذور عمل کرده، حج او صحیح و کفایت از منوب عنه میکند، و مستحق اجرت میباشد.

۲۴۷ س - خدمه‌ای که از روی جهل به مسأله اجیر شده‌اند، و وقوف اختیاری مشعر را درك نکرده‌اند، فعلا تکلیفشان چیست، و هم چنین سایر معذورینی که حج ناقص از این قبیل انجام داده‌اند - تبرعا یا با اجرت -؟

ج - اگر عذر آنان طاری نبوده، صحت حج و کفایت آن از منوب عنه محل اشکال است.

۲۴۸ س - کسانی که مجاز هستند در شب عید قربان بعد از درك اضطراری مشعر به منی بروند، آیا همه آنان از ذوی الاعذار میباشند، که نیابت - ولو تبرعا - مورد اشکال است، یا نیست به بعضی استثناء شده است؟

ج - زنان از این گروه مستثنی هستند.

۲۴۹ س - کسی که احتمال قوی عقلایی مدهد که نتواند اعمال را به نحو عادی انجام دهد، و ممکن است حج تمتع را بدل به افراد کند، آیا میتواند از حج واجب نیابت کند؟ و هم چنین اگر یقین داشته باشد که حج تمتع او بدل به افراد میشود حکم او چیست و آیا زنها که معمولا یکی از دو فرض گذشته در باره آنها پیش میآید حکمشان با دیگران یکی است و یا فرق دارد؟

ج - در فرض سؤال احوط ترك نیابت است.

۲۵۰ س - آیا معذورین از ائمه اطهار و انبیاء و یا علماء ماضین و یا پدر و مادر تبرعا میتوانند نیابتا حج بجا آورند؟

ج - اگر تبرع از حج استحبابی باشد، صحت آن بعید نیست.

۲۵۱ س - شخصی چند سال قبل مستطیع بوده، و حج نرفته، و نزد چند نفر ظاهر الصلاح اقرار نموده: قدرت بدنی ندارم که به حج مشرف شود و ناامید هستم که بعدا بتوانم حج نمایم، لذا شخصی را اجیر منماید که از طرف او حج کند، و مبلغی تعیین میکند و صیغه اجاره بین آنها جاری میشود، و اجیر تمام مبلغ را در تصرف مگیرد، و مخارجی که مقدمه گذرنامه و غیره است منماید، بعد از چند روز زیدی به منوب عنه مگوید: برو ادعا کن که خودم حج مروم، در صورتی که از نقاهت بدنی که داشته در سال گذشته نتوانسته به حج مشرف شود، آیا این صیغه فسخ میشود یا خیر؟ و تکلیف نایب در باره مخارجی که نموده چیست؟

ج - در فرض سؤال اگر برای حجة الاسلام اجیر شده، و بعد معلوم شود که منوب عنه متمکن از انجام حج شده، اجاره باطل است، و مقداری که اجیر به امر مستأجر خرج کرده، اجیر ضامن نیست، و اگر برای مطلق حج اجیر شده - اعم از حجة الاسلام و غیره - و اختیار فسخ برای مستأجر قرار نداده باشند، اجاره لازم است، و منوب عنه نمیتواند فسخ کند، و اجیر باید عمل را انجام دهد.

۲۵۲ س - شخصی که قرائت و یا اذکار واجبه نمازش صحیح نیست، آیا جایز است که نیابت حج را قبول نماید، و بعد از این که خودش نماز طواف را خواند، دیگری را نیز برای نماز نایب کند یا نه؟ و بر فرض عدم جواز چون جاهل به مسأله بوده، و چنین کاری کرده، تکلیفش چیست؟

ج - استیجار چنین شخصی خلاف احتیاط است، و در فرض دوم هم احوط این است که از مستأجر استرضا کند، و یا وجه را مسترد دارد.

۲۵۳ س - شخصی که قرائت و یا اذکار واجبه نمازش صحیح نیست، لکن فکر مکرده است که تصحیح نماز کار سهلی است، و در فرصتی که قبل از حج دارد میتواند قرائت نمازش را اصلاح نماید، در هر صورت با این گمان و یا با سهل انگاری نسبت به تکلیف خود، در میقات به عنوان نیابت محرم شده است، ولی وقت انجام نماز طواف هر چه سعی شده ولو با تلقین نتوانسته است نمازش را صحیح بخواند. بفرمایید فعلا که در مکه است تکلیف او چیست؟ آیا به طور قطع مقداری را که به نیابت انجام داده باطل است، و اگر چنین است وظیفه بعدی او چیست، آیا واجب است به میقات و یا ادنی الحل برگردد، و برای خودش - اگر چه به عنوان حج استحبابی - محرم شود، و بدین وسیله جبران ورود به حرم را که

بدون احرام صحیح انجام داده است بنماید، و یا چنین کاری وجوب ندارد، ولی میتواند چنین کند؟
و یا با آن که نباید به آن حج اکتفاء شود، باید احتیاطا آن اعمال را با همان نیت قبلی ادامه دهد، و در مواردی که مثل نماز طواف پیش میآید، هم خودش تا حدی که میتواند بخواند، و هم احتیاطا نایب بگیرد؟ و یا آن که وظیفه اش این است که احتیاطا به میقات برگردد، و برای عمره تمتع به نیت خود محرم شود، و اعمال عمره تمتع را انجام دهد، ولی برای حج تمتع نیت ما فی الذمه کند، که اگر عمره تمتع اول صحیح است این حج مکمل آن باشد، و اگر عمره تمتع دوم که برای خود انجام داده صحیح است باز این حج بتواند آن را تکمیل نماید؟

ج - در فرض سؤال صحت عمره مذکور برای منوب عنه محل اشکال است، بنابر احتیاط به قصد منوب عنه محرم به احرام حج شود، و اعمال را به جای آورد، و نسبت به اجرت مصالحه نمایند و بنابر احتیاط واجب حج دیگری برای منوب عنه استیجار نمایند.
۲۵۴ س - زن و یا مردی که روز دهم و یازدهم و دوازدهم قادر به رمی جمرات نیست، ولی میتواند شبها رمی جمره نماید، و یا در روز سیزدهم قضای هر سه روز را بجای آورد، آیا میتواند نیابت کند یا خیر؟ و در صورت امکان آیا همه صور مذکوره یکسانند و یا آن که فرق دارند؟
ج - نمیتواند نیابت کند.

۲۵۵ س - در سالهای اخیر به طور معمول ذبح در منی ممکن نیست، آیا لازم است نایب خود را به زحمت انداخته، و از طرق غیر معمول کاری کند که ذبح در منی انجام گیرد، و یا لزومی ندارد، و در صورتی که این کار را نکرد، حکم او چیست؟
ج - با عدم تمکن از ذبح در منی، ذبح در مسلخ‌های موجود کافی است.

۲۵۶ س - نایبی که بیتوته در مشعر و منی را انجام نداده، و یا نتوانسته انجام دهد، حکمش چیست؟
ج - اگر معذور و عذرش طاری بوده، حج او صحیح، و مجزی از منوب عنه میباشد، و در غیر این صورت نیابت او محل اشکال است.

۲۵۷ س - اگر فرزند و یا شخص دیگری که وصیت شده است به حج برود مستطیع باشد، آیا با توجه به این که حج واجب فوری است، این وصیت باطل است، و باید هر چه زودتر دیگری را استیجار نمایند، و یا آن که باید صبر کنند که او حجة الاسلام خود را انجام داده، و پس از آن حج نیابتی را که وصیت شده است انجام دهد؟
ج - تأخیر جایز نیست و باید شخص دیگری را اجیر کنند.

۲۵۸ س - شخصی پس از حصول استطاعت کارهای سفر حج را انجام داده، ولی در جده و یا قبل از احرام مبتلی به جنون شده است، و چون از صحت او نا امید شده‌اند او را به ایران اعزام کرده‌اند، اگر جنون او طولانی شود وظیفه چیست؟ آیا متوانند برای او نایب بگیرند، یا خیر؟

ج - در مورد سؤال چنانچه سال اول استطاعت او بوده، فعلا چیزی بر او نیست، پس اگر افاقه حاصل شد، و استطاعت مالی باقی بود، باید حج را انجام دهد، و الا لازم نیست. و اگر حج قبلا بر او مستقر بوده، در صورت بهبودی خود او بجای آورد و چنانچه با همان حال از دنیا برود، باید جهت او حج استیجار شود.

حج استحبایی

مسأله ۲۵۹ - برای کسی که استطاعت برای حج ندارد یا حجة الاسلام خود را بجای آورده است انجام حج مستحب است، و ترك آن در پنج سال متوالی کراهت دارد، و تکرار آن در هر سال مطلوب است، اگر چه موجب استقراض شود در صورتی که قدرت بر پرداخت آن داشته باشد.

مسأله ۲۶۰ - نیت بازگشت به مکه برای کسی که از مکه خارج میشود مستحب است و در خبر آمده است که نیت بازگشت موجب طول عمر و نیت عدم بازگشت موجب کوتاهی عمر مگردد.

مسأله ۲۶۱ - مستحب است انسان تبرعا برای بستگان و سایر برادران ایمانی که در مکه نیستند و یا از انجام اعمال معذورند حج و یا عمره مفرده و یا طواف مستقل بجای آورد.

- مسأله ۲۶۲ - انجام حج و عمره مفرده و طواف مستقل به نیابت از ائمه معصومین و حضرت حجة ابن الحسن العسکری (صلوات الله علیهم اجمعین) مستحب است.
- مسأله ۲۶۳ - فرستادن افراد غیر مستطیع به حج مستحب است، حتی جایز است از سهم سبیل الله به فقیر زکات داده شود تا برای حج استطاعت پیدا کند. بلکه از دیگر سهم‌های زکات نیز میتوان يك جا به او پرداخت تا مستطیع شود.
- مسأله ۲۶۴ - انجام حج مستحبی افضل از آن است که پول آن را صدقه بدهند.
- مسأله ۲۶۵ - در حج مستحبی اجازه پدر و زوج لازم است.
- مسأله ۲۶۶ - شخصی میتواند به حج استحبابی برود که حج واجب بر عهده او نباشد.
- ۲۶۷ - اهداء ثواب حج قبل از عمل و در حین عمل و پس از آن برای غیر، صحیح است.
- مسأله ۲۶۸ - کسی که مالی برای رفتن به حج ندارد مستحب است حتی با اجیر شدن به مکه برود، و در روایت آمده است که نه سهم از ثواب حج به اجیر داده میشود، و يك سهم آن به منوب عنه میرسد.

احکام عمره

عمره نیز مانند حج به واجب بالإصالة و بالعرض و مندوب تقسیم مگردد.

مسأله ۲۶۹ - عمره بر کسانی که مستطیع بوده و اهل مکه هستند، و یا فاصله منزلشان تا مکه کمتر از شانزده فرسخ میباشد در طول عمر يك بار واجب است، و برای کسانی که استطاعت برای حج تمتع پیدا میکنند نیز عمره تمتع وجوب دارد، و برای کسانی که وظیفه شان حج افراد و قران است در صورت تمکن عمره مفرده واجب میشود، و اگر فقط تمکن از حج افراد یا قران داشته باشند حج بر آنها واجب است، عمره مفرده واجب نیست، و هم چنین اگر فقط تمکن از عمره مفرده دارند عمره مفرده بر آنها واجب است، و حج افراد و یا قران واجب نیست.

مسأله ۲۷۰ - عمره مانند حج قابل استیجار و نیابت است، و کلیه شرایط مذکوره در نیابت و استیجار حج در مورد آن جاری است.

مسأله ۲۷۱ - عمره با نذر و عهد و قسم و شرط در ضمن عقد لازم مانند نکاح و اجاره و مصالحه واجب میشود، و نیز با افساد عمره، عمره دیگر واجب مگردد.

مسأله ۲۷۲ - عمره مفرده بر تمام کسانی که قصد ورود به حرم را داشته باشند واجب میشود، و عبور از میقات بدون احرام جایز نیست، ولی کسانی که به حج تمتع میروند برای ورود به حرم باید به عمره تمتع محرم گردند.

مسأله ۲۷۳ - برای کسانی که قصد دخول در حرم ندارند، و پس از عبور از میقات و قبل از دخول در حرم مراجعت منمایند، احرام از میقات لازم نیست.

مسأله ۲۷۴ - برای کسی که عمره به جای آورده و از حرم خارج شده است در صورتی که مجددا در همان ماه به مکه باز گردد محرم شدن واجب نیست.

مسأله ۲۷۵ - تکرار عمره مانند حج مستحب است و اقوی عدم اعتبار فاصله بین دو عمره است و حتی تکرار عمره در يك روز هم جایز است.

اقسام حج

حج سه قسم است: حج تمتع، حج قران، حج إفراد.
حج تمتع، حجتی است که بر هر مکلف مستطیعی که وطن او تا مکه مکرمه حدود هفتاد و هشت کیلو متر فاصله داشته باشد واجب است، و حج قران و حج إفراد بر افراد مکلف مستطیعی واجب میشود که فاصله وطنشان تا مکه مکرمه کمتر از فاصله مذکوره باشد.

مسأله ۲۷۶ - کسی که وظیفه‌اش در حجة الاسلام انجام حج تمتع است اگر حج قران و یا حج افراد انجام دهد از حجة الاسلام کفایت نمکند، ولی در حج استحبابی و یا نذری و حجتی که به وصیت واجب شده است اگر مقید به قسم خاصی نباشند مکلف میتواند هر يك از اقسام حج را انجام دهد، ولی بهتر آن است که به صورت حج تمتع بجا آورد.

مسأله ۲۷۷ - اگر مکلف دو وطن داشته باشد که یکی کمتر از مسافت هفتاد و هشت کیلومتر، و دیگری بیشتر از مسافت مذکور با مکه فاصله داشته باشد، اگر در یکی از آن دو بیشتر مماند باید به وظیفه کسانی که در آن وطن زندگی میکنند عمل نماید، و اگر در هر دو وطن یکسان زندگی میکند مخیر بین انجام هر يك از سه قسم حج است، ولی بهتر آن است که حج تمتع بجا آورد.

مسأله ۲۷۸ - کسی که وطن او رأس هفتاد و هشت کیلومتر است باید حج تمتع بجا آورد، و کسی که شك دارد که وطنش تا مکه هفتاد و هشت کیلو متر فاصله دارد یا خیر، مبیاست به وسیله اهل خبره تحقیق کند.

مسائل متفرقه اقسام حج
۲۷۹ - کسانی که از هند و پاکستان به سعودیه مآیند و در مکه
معظمه مقیم میشوند آیا حجشان تمتع است، یا وظیفه دیگری
دارند؟

ج - چنانچه به قصد مجاورت در مکه بمانند، و بعد از دو سال
مستطیع شوند، حکم اهل مکه را پیدا میکنند.
۲۸۰ س - اگر شخصی در دو سال مجاورت خود در مکه،
مستطیع شود، یا در وطن خود مستطیع شود بخواهد حجة الاسلام
را بعد از دخول در سال چهارم مجاورت، انجام دهد آیا حج تمتع
بجا آورد یا افراد؟

ج - در فرض سؤال که استطاعت در بین دو سال مجاورت
حاصل شده، واجب است حج تمتع بجا آورد، لکن اگر بعد
از گذشتن دو سال حج را بجا آورد اولی مراعات احتیاط است.

۲۸۱ س - اگر در سال چهارم مجاورت خود در مکه مستطیع شود
و قبل از اتیان حج واجب معرضاً عن المجاوره، به وطن خود
بر گردد، آیا حج مستقر در ذمه را تمتعاً بجا آورد یا افراداً؟
ج - حج افراد بجا آورد.

۲۸۲ س - اگر کسی در سال استطاعت به قصد استيطان در مکه
بدون اعراض از وطن اصلی به مکه مشرف شود آیا حج تمتع انجام
دهد یا افراداً؟
ج - تمتع بجا آورد.

صورت اجمالی حج تمتع
حج تمتع از دو قسمت تشکیل میشود، که به ترتیب عبارت
است از: عمره تمتع و حج تمتع.

عمره تمتع

و آن دارای شش عمل است به این ترتیب:

- ۱ - نیت حج تمتع میکند.
- ۲ - از میقات برای عمره تمتع محرم میشود، و به مکه میآید.
- ۳ - به دور خانه خدا (کعبه) هفت شوط طواف میکند.
- ۴ - پشت مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) دو رکعت نماز طواف میگذارد.
- ۵ - هفت بار بین صفا و مروه سعی میکند.
- ۶ - کوتاه کردن مقداری از مو و یا ناخن که به آن تقصیر گویند، و با این عمل از احرام عمره تمتع خارج میشود، و عمره تمتع به پایان رسیده، و تا زمانی که برای حج دوباره محرم نشده است همه کارهایی که به وسیله احرام بر او حرام شده بود، جز حلق (تراشیدن سر) حلال میشود.

حج تمتع

و آن سیزده عمل است.

- ۱ - قبل از رفتن به عرفات برای انجام حج از مکه محرم میشود، و واجب است این احرام در وقتی انجام شود که حاجی بتواند وقوف عرفات را از ظهر روز نهم درك نماید، و بهتر آن است که در روز ترویبه که روز هشتم ماه ذیحجه است محرم شود.
- ۲ - به عرفات مرود، و از ظهر روز نهم تا غروب آفتاب در آن محل وقوف منماید.
- ۳ - و به مشعر مرود، و لازم است که از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز دهم در آنجا وقوف نماید.
- ۴ - و پس از آن که به منی رفت، در روز دهم جمره عقبه را رمی منماید.
- ۵ - و پس از آن در منی قربانی میکند.
- ۶ - اگر حج اول او است در منی سر متراشد، و گرنه، مختار است که با تقصیر و یا حلق از احرام بیرون آید، و با این عمل تمام تروك احرام جز بوی خوش و استمتاع از زنان بر او حلال میشود. و صید کردن نیز از جهت آن که در حرم است بر او حرام است.

- و پس از انجام اعمال روز دهم در منی، بهتر است هر چه زودتر به مکه بیاید، و اعمال مکه را انجام دهد، و میتواند تا آخر ذیحجه آن را به تأخیر بیندازد، اگر چه احوط آن است که تأخیر نیاندازد.
- ۷ - هفت شوط خانه خدا، کعبه را طواف منماید.
- ۸ - پس از طواف دو رکعت پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام نماز طواف منخواند.
- ۹ - و هفت بار بین صفا و مروه سعی منماید، و با انجام آن بوی خوش نیز بر او حلال میشود.
- ۱۰ - پس از سعی به مسجد الحرام برگشته، و هفت شوط طواف نساء را بجا مآورد.
- ۱۱ - دو رکعت نماز طواف نساء منخواند، و پس از آن استمتاع از زن بر او حلال میشود.
- ۱۲ - به منی ولو بعد از ثلث شب باز مگردهد، و بیتوته در منی در شب یازدهم و دوازدهم (و برای بعضی شب سیزدهم) را تدارك منماید.
- ۱۳ - رمی جمرات سه گانه را در روز یازدهم و دوازدهم (و بعضی روز سیزدهم نیز) انجام مدهد، و با انجام همه این اعمال حج او کامل میشود، وان شاء الله ذمه او از حج تمتع فارغ خواهد شد.

- شروط صحت حج تمتع
- شرایط صحت حج تمتع شش چیز است:
- ۱ - نیت در وقت احرام از میقات، و به همین مقدار کفایت میکند که در حال احرام قصد انجام حج تمتع را به آنگونه که در رساله موجود است، و یا راهنمای مطمئنی به او تعلیم مدهد داشته باشد.
 - ۲ - عمره تمتع و حج تمتع او در ماه‌های حج (شوال، ذیقعده و ذیحجه) واقع شود.
 - ۳ - حج و عمره تمتع در يك سال واقع شود.
 - ۴ - انشاء احرام عمره تمتع (مگر در حال ضرورت) از میقات باشد.
 - ۵ - انشاء احرام حج در صورت امکان از مکه باشد، بنابر این با تمکن اگر عمداً از غیر مکه محرم شود احرامش باطل است، و باید به مکه بازگشته و تجدید احرام کند، و اگر نه حج او باطل خواهد بود.
 - ۶ - عمره و حج تمتع به وسیله يك نفر و برای يك نفر انجام گیرد، بنابر این استیجار دو نفر، یکی برای انجام عمره، و دیگری

برای انجام حج جایز نیست، همان گونه که برای شخص واحد جایز نیست که عمره تمتع را برای يك نفر، و حج آن را برای دیگری انجام دهد.

صورت اجمالی حج افراد
حج افراد دارای سیزده عمل است.

۱ - نیت حج افراد.

۲ - کسی که مکلف به چنین حجی است از میقات و یا منزلش اگر نزدیکتر از میقات به مکه است، برای انجام حج افراد محرم میشود.

۳ - وقوف در عرفات روز نهم ذیحجه از ظهر تا غروب آفتاب.

۴ - وقوف به مشعر از طلوع فجر روز دهم تا طلوع آفتاب. ۵ - رمی جمره عقبه روز دهم.

۶ - اگر حج اول او است سر متراشد، و در غیر این صورت منخیر بین حلق و یا تقصیر است.

۷ - طواف خانه خدا.

۸ - دو رکعت نماز طواف پشت مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام)

۹ - سعی بین صفا و مروه.

۱۰ - طواف نساء.

- ۱۱ - نماز طواف نساء.
- ۱۲ - بیتوته در منی در شب یازدهم و دوازدهم (و برای بعضی شب سیزدهم).
- ۱۳ - رمی جمرات سه گانه در روز یازدهم و دوازدهم (و برای بعضی روز سیزدهم)
- و با انجام این اعمال حج افراد او به پایان میرسند، و باید پس از آن عمره مفرده را انجام دهد، و اگر حج استحبابی و یا نذری است انجام عمره مفرده ضرورت ندارد.
- شرایط صحت حج افراد
- ۱ - نیت در هنگام احرام.
 - ۲ - انعقاد احرام از میقات، و یا از منزلش همان گونه که گذشت.
 - ۳ - حج افراد باید در ماههای حج انجام گیرد، و پس از آن عمره مفرده بجا آورد، که انجام آن در تمام سال جایز است، اگر چه احتیاط آن است که پس از حج افراد؟ عمره مفرده را هر چه زودتر انجام دهد.
- مسأله ۲۸۳ - عدول از حج افراد استحبابی به عمره تمتع اگر برای خود شخص باشد جایز است، ولی عدول از حج افراد به عمره مفرده برای این که بتواند پس از آن برای انجام حج تمتع نیابت کند جایز نیست.

صورت اجمالی عمره مفرده

صورت عمره مفرده مانند عمره تمتع است، با این تفاوت که در عمره مفرده کسانی که در مکه هستند از ادنی الحل مثل مسجد تنعیم میتوانند محرم شوند، و پس از تقصیر مبیاست طواف نساء و نماز طواف نساء را نیز انجام دهند.

صورت اجمالی حج قران

سوم از انواع حج، حج قران است، و کیفیت آن مانند حج افراد است، و فرقی که دارد این است که حاجی در حج قران، قربانی خود را هنگام احرام با خود مآورد، و بر او لازم است که همان حیوانی را که به عنوان قربانی همراه آورده است قربانی نماید، ولی حج افراد قربانی ندارد.

و در حج قران، حاجی مخیر است بین این که احرام خود را با تلبیه و یا با اشعار حیوان و یا قلاده انداختن بر گردن آن، منعقد نماید

لکن اگر حیوانی را که برای قربانی همراه آورده، گاو و گوسفند باشد فقط میتواند دمپائی هایی را که در آنها نماز مگزارده است به گردن آن به شکل قلاده بیندازد، ولی اگر برای قربانی شتر همراه

آورده است مخیر است که به گردن آن دمپائهای (۱) موقع نماز خود را قلاده نماید، یا آن که آن را اشعار کند، بدین صورت که کوهان شتر را از جانب راست بشکافد، و با خون خود او آغشته سازد، و جمع بین هر دو عمل مستحب است، و نیز مستحب است در صورتی که شتر برای قربانی همراه آورده است لبیک های واجب را نیز بگوید.

(۱) مراد از دمپائهایی که در نماز همراه دارد، آن دمپائهایی است که در موقع نماز مانع از قرار گرفتن دو سر انگشت بزرگ پا روی زمین نباشد

کیفیت تفصیلی عمره تمتع
واجبات عمره تمتع شش چیز است:

۱ - نیت:

هنگام شروع در اعمال حج تمتع شخص باید قصد کند که " حج تمتع را به جای مآورم و آغاز میکنم به عمره تمتع که جزئی از حج تمتع است قرۃ الی الله " .

خطور نیت در دل کافی است، ولی در تمام اعمال عمره و حج مستحب است نیت را به زبان بیاورد.

۲ - احرام:

احرام لازم است در میقات انجام گیرد، از این رو مقدماتا به بیان معنای میقات و انواع آن و معرفی مواقیت میپردازیم:

میقات

میقات در لغت به محلی که در وقت معین در آن اجتماع میکنند، و همچنین به زمان خاصی که برای کار خاصی قرار داده میشود، گفته شده است. بنابر این میقات احرام به دو نوع زمانی و مکانی تقسیم میگردد.

میقات زمانی حج: به میقات زمانی حج در قرآن مجید با بیان "الحج اشهر معلومات" اشاره شده است که به ماههای شوال و ذیقعده و ذیحجه تفسیر گردیده است.

عمره مفرده در طول سال ممکن بوده، و وقت خاصی ندارد. میقات مکانی حج: مواقیت مکانی حج مکان های خاصی است که پیامبر گرامی اسلام آن را مشخص و تعیین فرموده است، و گذشتن از آن و یا محاذی آن بدون احرام برای حاج و معتمر جایز نیست و پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) شش مکان را به عنوان میقات معین فرموده است.

۱ - مسجد شجرة: که (ذو الحلیفه یا آبار علی) هم نامیده میشود، و آن میقات اهل مدینه و کسانی است که از طریق مدینه به مکه مشرف میشوند و آن دور ترین میقات نسبت به مکه است که از مدینه تقریباً هفت کیلو متر فاصله دارد، و فاصله آن تا مکه

۴۸۶ کیلومتر است. و میقاتی است که رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم از آن برای رفتن به مکه محرم شدند، و برای کسی که قصد تشریف به مکه را دارد جایز نیست از مسجد شجره و یا محاذی (۱) آن بدون احرام بگذرد، و تأخیر احرام حتی تا جحفه که میقات بعدی است بدون ضرورت (مرض، ضعف و...) جایز نیست.

مسئله ۲۸۴ - اگر از طریقی عبور کند که از مسجد شجره یا محاذی آن نگذرد، تأخیر احرام تا سایر مواقیت جایز است.

مسئله ۲۸۵ - بر جنب و حائض جایز نیست داخل مسجد شجره بشوند، مگر آن که از دری وارد و از درب دیگر خارج شوند، و در حال حرکت محرم شده و تلبیه گویند، و میتوانند در خارج مسجد شجره با فاصله نزدیک محرم شوند.

مسئله ۲۸۶ - در تمام مسجد شجره که جدیداً ساخته شده است احرام جایز است.

مسئله ۲۸۷ - کسی که قصد دارد از مدینه منوره از طریق زمینی به جده رفته، و سپس به مکه برود واجب است در هنگام عبور از مسجد شجره محرم شود.

(۱) محاذی شرعی میقات مکانی است که اگر انسان رو به قبله بایستد، میقات بدون فاصله زیاد در سمت راست یا چپ او قرار گیرد.

مسأله ۲۸۸ - کسی که در مدینه منوره است، و قصد دارد از طریق هوایی به جده رفته و از آنجا به مکه برود میتواند از مدینه با نذر محرم شده، و در صورت احساس ضرورت و مشقت و حرج با هواپیما به جده برود، و برای استظلال در روز کفاره پردازد، و اگر شب باشد کفاره ندارد.

۲ - وادی عقیق: وادی عقیق با فاصله تقریبی یکصد کیلو متر به مکه، میقات کسانی است که از طریق عراق و نجد به مکه میآیند، ابتدای آن از طرف عراق " مسلخ " و وسط آن " غمره " و آخر آن " ذات عرق " نامیده میشود، و اگر محل مسلخ را شناسد، افضل آن است که از آنجا محرم شود، و الا بنابر احتیاط واجب تا زمانی که علم به وصول به وادی عقیق پیدا میکند باید احرام را تأخیر بیندازد، ولی نباید تا ذات عرق احرام به تأخیر افتد.

مسأله ۲۸۹ - اگر به جهت تقیه ناچار به احرام در ذات عرق شود چنانچه میتواند قبل از ذات عرق جامه احرام بپوشد و تلبیه بگوید و محرم شود، سپس به خاطر تقیه لباسهای احرام را در آورده جامه های دوخته خود را بپوشد، و اگر قادر بر انجام این نحوه احرام نیست در لباسهای خود محرم شود، و وقتی به ذات عرق رسید آنها را بیرون بیاورد، و بخاطر پوشیدن لباس دوخته فدیة بدهد.

۳ - قرن المنازل: و آن میقات کسانی است که از طریق طائف به مکه می‌آیند. و فاصله آن تا مکه حدود ۹۴ کیلو متر است.

۴ - یلملم: کوهی از کوههای تهامه است، و میقات کسانی است که از طریق یمن به مکه می‌آیند. و فاصله آن تا مکه حدود ۸۴ کیلومتر است.

۵ - جحفه: با فاصله حدود ۱۵۶ کیلومتر از مکه، میقات کسانی است که از طریق شام و مصر به مکه می‌آیند، و نیز افرادی که از طرق دیگر آمده ولی به میقاتی بر خورد نکرده‌اند، و افرادی که از میقاتی بدون احرام عبور نموده‌اند، و قادر به بازگشت به آن نیستند، که در این صورت احرام از جحفه بر آنان متعین میشود.

۶ - ادنی الحل: که حدود حرم است، و میقات کسانی است که در راه مکه از یکی از مواقیت و یا محاذی نزدیک آنها عبور نکرده‌اند، و متمکن از رفتن به مواقیت دیگر نیستند.

مسأله ۲۹۰ - کسانی که با هواپیما و کشتی به جده می‌آیند، و قصد تشریف مکه را دارند، جایز نیست از جده با نذر محرم شوند، زیرا جده بعد از میقات است نه قبل از میقات، و یافتن محاذات میقات نیز در هواپیما میسر نیست تا بتوان از آنجا محرم شد، بنابر این لازم است به جحفه رفته، و از آنجا محرم شوند.

مسأله ۲۹۱ - کسانی که منزلشان نزدیکتر از مواقیت به مکه است میقاتشان منزل آنهاست.

مسألة ۲۹۲ - کسی که احرام از میقات را به جهت فراموشی، و یا ندانستن حکم و جوب احرام، و یا نشناختن میقات ترك کرده است، و یا این که در هنگام عبور از میقات قصد دخول مکه را نداشته، و سپس تصمیم به انجام حج و یا تشریف به مکه را گرفته است، واجب است در صورت تمکن به میقات قبلی رجوع نماید، اگر چه در مسیر از میقات دیگری نیز عبور میکند، و اگر متمکن نیست، از میقات بعدی محرم شود، و اگر میقات دیگری در مسیر نیست به مقداری که بتواند به طرف میقات برگردد، و اگر هیچیک از این طرق ممکن نیست در همان محل محرم گردد.

مسألة ۲۹۳ - اگر شخصی که در مسأله قبل ذکر شد، بدون احرام داخل حرم شده باشد، در صورت تمکن واجب است به میقات یا به طرف آن مقداری که ممکن است برگردد، و الا از حرم خارج شود، و در ادنی الحل محرم گردد، و اگر به این مقدار نیز ممکن نباشد در همان محل محرم گردد، و عمره او صحیح است.

مسألة ۲۹۴ - عمره کسی که احرام را تا پایان مناسک فراموش کرده است صحیح است، و نیز کسانی که جاهل به حکم و جوب احرام بوده‌اند، و یا از مکانی غیر محاذی میقات به توهم محاذات محرم شده‌اند، و یا به جهت سایر عذرهای اصلاً محرم نشده‌اند، عمره آنها صحیح است.

مسأله ۲۹۵ - کسانی که احرام را عمدا ترك کرده‌اند، و از رجوع به میقات برای تدارك احرام متعذر هستند، سه گروه‌اند:

اول - کسانی که فقط قصد مکه را دارند، ولی تصمیم به انجام مناسك را ندارند، این افراد به جهت ترك احرام و دخول مکه بدون احرام گناهکارند، و قضاء احرام بر آنان لازم نیست.

دوم - کسانی که قصد عمره مفرده داشته‌اند، احرام آنها از ادنی الحل کافی است، اگر چه به جهت عبور بدون احرام از میقات معصیت کرده‌اند.

سوم - کسانی که قصد حج دارند که بر این گروه همان تکلیفی است که در مسأله قبل برای ناسی بیان شده، به این گونه که با تمکن به میقات باز مگرده، و از آنجا محرم مشود، و یا از میقات بعدی محرم شده و حج را به پایان مرساند، و اگر میقات دیگری در پیش نیست اقوی بطلان عمره و حج او است، اگر چه احتیاط مستحب آنست که از ادنی الحل محرم شود و حج بجای آورد، و اگر مستطیع بوده در سال آینده حج را قضا نماید.

مسأله ۲۹۶ - کسی که بدون نذر شرعی قبل از میقات محرم شده باشد حکمش حکم تارك احرام است، که باید در میقات یا محاذی آن مجددا محرم شود، و دخول حرم و انجام مناسك بدون احرام جدید برایش جایز نیست.

مسأله ۲۹۷ - ورود به مکه مکرمه و نیز ورود به حرم اگر چه قصد دخول به مکه را نداشته باشد جز با احرام صحیح از میقات جایز نیست.

مسأله ۲۹۸ - برای کسی که مرتباً به جهت شغلی که دارد به مکه مکرمه رفت و آمد میکند، مثل هیزم شکن و یا راننده، دخول بدون احرام جایز است.

مسأله ۲۹۹ - کسی که با احرام صحیح داخل مکه گردیده و سپس خارج شده است، اگر قبل از گذشتن يك ماه (سی روز) از محل شدن، قصد رجوع داشته باشد، احرام جدید لازم نیست.

مسأله ۳۰۰ - احرام قبل از میقات جایز نیست، مگر آن که نذر کند که قبل از میقات محرم شود، یا قصد عمره مفرده در ماه رجب را کرده و خوف داشته باشد که اگر احرام را تا میقات تأخیر بیندازد موفق به احرام در ماه رجب نخواهد شد، و در این دو صورت احتیاط مستحب است که در هنگام عبور از میقات تلبیه را تجدید کند.

مسائل متفرقه میقات

۳۰۱ س - شخصی در غیر اشهر حج با احرام عمره مفرده، وارد مکه شد، و اعمال عمره مفرده را بجا آورد، و در مکه ماند تا ایام حج، آیا برای احرام عمره تمتع متواند از تنعیم محرم شود، یا باید به یکی از مواقیت برود؟

ج - باید به یکی از مواقیت پنجگانه برود، و از آنجا محرم شود.
۳۰۲ س - کسی که برای عمره مفرده عازم مکه است، آیا جایز است که از جده - با نذر یا بدون نذر - احرام ببندد؟ و بر فرض جواز، آیا جایز است از حدیبیه و یا ادنی الحل احرام ببندد؟ صور مسأله را بیان فرمایید.

ج - عبور از میقات یا محاذی آن برای قاصد مکه، بدون احرام جایز نیست، هر چند بخواهد عمره مفرده بجا آورد، و لکن اگر معصیت نمود و از ادنی الحل که میقات عمره مفرده است محرم شد، عمره او صحیح است، و کسی که عازم عمره مفرده است

جایز است قبل از رسیدن به ادنی الحل نذر کند و محرم شود، خواه در جده باشد، و یا قبل از آن، و هم چنین است اگر عابر، قاصد مکه نبوده، و بعد از عبور از میقات یا محاذی آن قصد نماید به مکه مشرف شود جایز است با نذر از جده مثلاً برای عمره مفرده محرم شود، و اما اعمال حج واجب در مناسک مذکور است.

۳۰۳ س - اگر کسی نذر احرام پیش از میقات کرده باشد، و پیش از میقات محرم شود، و بعد از ورود به جده وسائل حرکت او به مدینه فراهم شود، آیا میتواند محل شود، و به مدینه برود، و بعد از آن از میقات محرم شده، و وارد مکه شود؟

ج - انصراف از نیت احرام، سبب بیرون آمدن از احرام نمیشود، و با آن که احرام بسته، تجدید احرام بنحو جزم مشروع نمیشود، بلی اگر بخواهد رجاء در مسجد شجره تجدید نیت کند مانعی ندارد.

۳۰۴ س - کسی که در میقات برای عمره تمتع، و یا در مکه برای حج، محرم شد اگر بی اختیار او را از میقات یا از مکه بیرون ببرند و برگردانند چه صورت دارد؟

ج - مانعی به نظر نمیرسد، لکن در عمره تمتع، احتیاط آن است که در مراجعت و مرور به میقات یا محاذی آن، نیت و تلبیه را تکرار کند.

۳۰۵ س - کسی که عمره انجام داده، آیا جایز است برای او قبل از يك ماه، همه روزه از حدود میقاتگاه خارج شود، و بدون احرام وارد مکه گردد یا نه؟

ج - مانعی ندارد، بلی بعد از عمره تمتع، خروج از مکه بدون احرام برای حج تمتع جایز نیست، لکن اگر نسیانا یا عصیانا خارج شد، قبل از يك ماه بدون احرام داخل مکه شود، و عمل حج را انجام دهد.

۳۰۶ س - نظر به این که مسجد جحفه و مسجد تنعیم اخیرا تخریب و بازسازی شده، و وسعت یافته است، آیا حجاج یا معتمرین باید حتما در حدود مسجد قبلی محرم شود، و یا محرم شدن در تمام مسجد فعلی معتبر است؟

ج - میقات در جحفه خصوص مسجد نیست، و از هر جای جحفه میتوانند محرم شود، و هم چنین مسجد تنعیم خصوصیت ندارد، و احرام از ادنی الحل صحیح است، هر چند در مسجد نباشد. بنابر این در صورت توسعه مسجد با صدق جحفه در اول، و ادنی الحل در دوم، احرام اشکال ندارد.

۳۰۷ س - شخصی که قبل از اشهر حج و یا در اشهر حج محرم به احرام عمره مفرده شده است، و وارد مکه گردیده، و اعمال را انجام داده، اکنون که موقع حج رسیده میخواهد برای حج تمتع به میقات برود، و نمگذارند، یا خوف دارد او را دستگیر کنند، وظیفه اش چیست؟

ج - در فرض سؤال به ادنی الحل (میقات عمره مفرده) برود، و محرم به احرام عمره تمتع بشود، و تمام اعمال حج تمتع را انجام دهد، و سال بعد هم احتیاطاً حج تمتع را بجا آورد.

۳۰۸ س - کسی که وسائش در جحفه مانده است، آیا میتواند برای آوردن وسائل خود، از احرام خارج گردد، در حالی که برای عمره تمتع محرم شده، و وارد حرم گردیده است؟

ج - میتواند قبل از خروج از احرام عمره، برود و وسائل خود را بیاورد، و اگر اعمال عمره تمتع را انجام داده و محل شده است، نمیتواند از مکه خارج شود، مگر در حال ضرورت، محرماً به احرام حج علی الاحوط.

۳۰۹ س - کسی از جده محرم شده، و اعمال عمره تمتع را انجام داده است، تکلیف او چیست؟

ج - اگر از رفتن به میقات معذور نبوده، و وقت برای انجام عمره تمتع هست، باید به میقات برود و محرم شود، و عمره تمتع را اعاده کند، و اگر رفتن به میقات ممکن نیست، به خارج حرم برود، و از آنجا محرم شود. و اگر احرام از میقات را عمداً ترك کرده، اقوی بطلان عمره و بنابر احتیاط واجب اعاده حج تمتع در سال آینده است

۳۱۰ س - آیا جایز است کسی که به احرام عمره تمتع در یکی از میقاتها محرم شده است به طرف خلاف مکه برود، و بعد از چند روز بیاید مکه، مثلاً مسجد شجره به مدینه و بعد از همان راه یا راه دیگر به مکه برود؟

ج - مانع ندارد.

۳۱۱ س - زن بدون اذن شوهرش نذر میکند، و با نذر محرم

میشود، آیا احرامش درست است؟ و چنانچه با همان احرام

اعمالش را بجا آورده باشد چگونه است؟

ج - اگر قبل از میقات محرم شده، احرام او صحیح نیست،

اگر چه در صورتی که بعد از تمام شدن حج فهمید عملش صحیح

است، ولی اگر بعد از عمره متوجه شد، در صورتی صحیح است

که قابل جبران نباشد. و در صورتی که میتواند باید به میقات برود

و از آنجا محرم شود، و اگر میتواند به میقات برود هر مقدار که

امکان دارد به طرف میقات برود، و الا از خارج حرم محرم شود.

۳۱۲ س - آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است؟

ج - اشکال ندارد.

۳۱۳ س - هر گاه حائض یا جنب عصیاناً وارد مسجد شجره

شود، و مانند دیگران توقف نماید، و محرم شود، آیا احرام او

صحیح است یا نه؟

ج - چنانچه قصد قربت از او متمشی شود، احرام صحیح است

۳۱۴ س - جماعتی از راه طائف عازم مکه بودند، قبل از رسیدن به قرن المنازل آنان را از راه وادی عقیق فرستادند، و از راه قرن المنازل منع کردند، و لذا در وادی عقیق محرم شدند. آیا احرام آنان چه صورت دارد؟

ج - صحیح است.

۳۱۵ س - آیا مراد از ادنی الحل که در مواقیت فرموده‌اید، ادنی الحل فی کل جانب است که با حدود حرم منطبق میشود، وجعرانه و وادی نمره را شامل میشود، و یا مراد فقط همان حدی است که مسجد تنعیم در آن بنا شده است، و نزدیکترین حل نسبت به کعبه محسوب میشود؟

ج - ادنی الحل من کل جانب است، و منحصر به مسجد تنعیم نیست.

کیفیت نذر احرام

کیفیت نذر احرام بدین گونه است که شخص بگوید: "لله علی إن أبقانی الله تعالی إلى مدة ساعة (مثلاً) أن احرم من المكان الفلانی" برای خدا به عهده من باشد که اگر تا یک ساعت دیگر "مثلاً" زنده ماندم از فلان مکان محرم شوم. که پس از گذشتن مدت تعیین شده احرام بر او واجب میشود، و قبل از پایان وقت، احرام او از غیر میقات صحیح نیست.

و میتواند این گونه نیز نذر کند " لله على أن احرم من هنا " برای خدا به عهده من باشد که از این جا محرم شوم، و پس از نذر و جوبا از همان جا محرم مشود.

واجبات احرام

و آن سه چیز است:

اول - پوشیدن دو جامه احرام

جامه احرام باید دوخته نباشد، یکی مانند لنگ از ناف تا زانو را پیوشاند، و دیگری مانند عبا به دوش انداخته شود، و حداقل دو کتف را پیوشاند.

مسأله ۳۱۶ - زنها نیز در حال انعقاد احرام مبیاست دو جامه احرام دوخته نشده پیوشند اگر چه کندن لباس دوخته بر آنها واجب نیست، و جایز است پس از انعقاد احرام دو جامه احرام را کنار بگذارند.

مسأله ۳۱۷ - کندن لباسهای دوخته حتی لباسهای زیر در حال انعقاد احرام برای مردها واجب است، ولی برای زنها واجب نیست.

مسأله ۳۱۸ - جامه احرام نباید بقدری نازک باشد که حاکی از بشره باشد.

مسأله ۳۱۹ - جامه احرام باید از چیزهایی باشد که نماز در آن برای مردان صحیح است، پس در جامه متنجس (به نجاساتی که

نماز در آنها معفو نیست)، و غیر مأكول اللحم، و غضبی، و زربافت، و حریر نمیتوان محرم شد، و بنا بر احتیاط واجب زنها نیز در حال احرام از لباس طلا باف و حریر اگر چه غیر جامه احرام باشد اجتناب نمایند.

مسأله ۳۲۰ - احتیاط واجب آن است که لباس احرام از پوست حیوانات حتی حیوانات مأكول اللحم نباشد.

مسأله ۳۲۱ - در لباس احرام شرط است که از منسوجات بوده، و مانند لباسهای نمدی نباشد. و هم چنین از اجناس جدید مثل پلاستیک و نایلون و امثال آن نباشد، ولی اگر از اجناس مذکور بافته شده باشد اشکال ندارد.

مسأله ۳۲۲ - قبل از انعقاد احرام مباحیست لباسهای احرام را بپوشد، و نیت کند که این لباسها را برای انجام عمره تمتع و یا حج تمتع و یا... به جهت امتثال امر الهی میپوشم.

مسأله ۳۲۳ - سنجاق زدن و گره زدن حوله احرام، و سنگ گذاشتن بین دو طرف حوله، به نحوی که حوله به صورت یقه پیراهن در آید جایز نیست، و نیز نباید پارچه احرام را چاک داده و مانند پیراهن بپوشد، بلی قرار دادن سنگ کوچک، در جامه احرام برای آن که آن را سنگین کرده، و ردا را حفظ نماید مانعی ندارد.

مسأله ۳۲۴ - محرم میتواند بر روی لباسهای احرام چیز دیگری که واجد شرایط احرام باشد اضافه کند.

مسأله ۳۲۵ - در حمام و یا اطاق و امثال آن، جایز است که محرم لباسهای احرام را از خود دور نماید.

مسأله ۳۲۶ - اگر لباس احرام در بعض حالات احرام نجس شود، احوط و اولی آن است که آن را عوض کند، و یا تطهیر نماید، بلکه احوط و اولی آن است که اگر محرم بدنش هم نجس شود، نجاست را از آن زایل نماید.

مسأله ۳۲۷ - احرام بستن بدون داشتن وضو حتی در حال جنابت و حیض و نفاس صحیح است.

دوم - نیت

و آن این که قصد کند که به خاطر امثال امر الهی با پوشیدن جامه احرام، و گفتن لبیک های واجب (جهت عمره یا حج) محرم مشوم، و بر خود اجتناب از جمیع تروک احرام را واجب گرداند. مسأله ۳۲۸ - اگر شخصی دو حج واجب به عهده او باشد (مثلاً یکی به جهت استطاعت و دیگری به خاطر نذر)، باید در هنگام نیت، حجی را که میخواهد انجام دهد تعیین نماید.

سوم - تلبیه

و آن گفتن لبیک های واجب است، که احرام بدون آن منعقد

نمیشود. (مگر در حج قران که احرام با تلبیه، یا اشعار و تقلید محقق میشود، که قبلا به آن اشاره شد).
تلبیه واجب: برای انعقاد احرام گفتن لبیک‌های چهارگانه واجب است، به این صورت که بگوید: " لبیک اللهم لبیک لبیک لا شریک لك لبیک ".
و بنابر احتیاط واجب این جمله را نیز اضافه کند: " إن الحمد والنعمة لك والملك، لا شریک لك ".
مسأله ۳۲۹ - گفتن لبیک‌ها اگر صحیحا انجام شود، بیش از یک بار واجب نیست.

مسائل متفرقه احرام
۳۳۰ س - کسی که در مکه است اگر برای انجام کاری به جده
رفت، آیا موقع برگشتن باید محرم گردد، و با احرام داخل حرم
شود یا نه؟ و اگر احرام لازم است، به چه نیت باید محرم شود،
و پس از دخول مکه چه کار باید بکند؟
ج - شخص مذکور اگر معتمر به عمره تمتع بوده، تا حج را بجا
نیآورد، حرام است از مکه بیرون برود، مگر حاجت پیدا کند،
و بیرون رفتن موجب فوت حج نشود، که در این صورت باید محرم
به احرام حج شود، و از مکه بیرون رود، و بعد از مراجعت به همان
احرام، اعمال حج را بجا آورد. بلی اگر در خارج کاری داشته
باشد، و رفتن به آنجا با احرام برای او حرج باشد، جایز است بدون
احرام خارج شود، و در هر حال اگر جهلا یا عصیانا بدون احرام
بیرون رفت، چنانچه مراجعتش در همان ماه باشد که عمره اولی را

بجا آورده، همان عمره اول کافی است، و جایز نیست دوباره محرم شود به احرام عمره، و اگر از عمره اول سی روز گذشته باشد، باید در میقات محرم به احرام عمره تمتع شود، و بعد از وارد شدن به مکه، عمره تمتع را انجام دهد، و عمره اول مفرده مشهود، و بعد محرم به احرام حج گردد، و اگر فاصله کمتر از سی روز باشد، و در غیر آن ماهی که عمره اول را بجا آورده وارد شود، به احتیاط واجب در میقات محرم به احرام عمره تمتع شود، و بعد از انجام اعمال عمره، محرم به احرام حج شود، و کسی که بعد از عمره تمتع بدون احرام از مکه خارج شده، و پس از گذشتن يك ماه یا بیشتر عصبیانا یا جهلا یا نسیانا بدون احرام وارد مکه شده، همان عمره اول را که انجام داده عمره تمتع محسوب میشود، و اگر بعد از حج بیرون رفت، و خواست مراجعت به مکه نماید، اگر در همان ماهی که احرام بسته مراجعت کرد احرام لازم نیست، و اگر از احرام سابق سی روز گذشته، باید محرم شود به احرام عمره مفرده، و اگر فاصله کمتر از سی روز باشد، و در غیر آن ماهی که احرام سابق را بسته بخواهد مکه برود احتیاط واجب آن است که محرم شود به احرام عمره مفرده، و پس از دخول مکه، اعمال عمره مفرده را بجا آورد.

۳۳۱ س - جوانی پس از احرام و ورود به مکه، مجنون
مشود، و جنون او ادواری است، البته چنین شخصی برای
سالهای آینده اگر افاقه پیدا کرد، و استطاعت باقی بود، حکمش
معلوم، ولی در همان سال که جنون عارض شده، آیا حکم موت را
دارد، و یا حکم مصدود و محصور را؟

ج - در فرض سؤال، شخص مزبور به حال احرام باقی است،
و اگر بعد از گذشتن ایام حج افاقه پیدا کرد، باید به اعمال عمره
مفرده محل شود، و اگر حج بر او مستقر بوده، واجب است بعد از
افاقه بجا آورد، و در صورت استقرار حج و ادامه جنون تا زمان
موت، بر ورثه لازم است از ترکه او حجش را بجا آورند.

۳۳۲ س - اگر به واسطه عذری مثل مرض نتواند لباس دوخته
خود را بکند، و لباس احرام بپوشد، چه وظیفه ای دارد؟

ج - باید در میقات یا محاذات آن نیت عمره و یا حج کند، و لبیک
بگوید، و کافی است، و هر وقت عذرش بر طرف شد جامه دوخته را
بکند، و اگر لباس احرام نپوشیده بپوشد، و لازم نیست به میقات
بر گردد، ولی برای پوشیدن لباس دوخته باید يك گوسفند قربانی کند.

۳۳۳ س - کسی که با احرام عمره تمتع وارد جده شد، و چون
وسیله یافت، احرام را بهم زد، و به مدینه منوره رفت، که
در مراجعت از مسجد شجره محرم شود، حکمش چیست؟

ج - شخص مذکور اگر احرام اول او صحیح بوده، تا اعمال عمره را تمام نکند از احرام بیرون نمرود، اگر چه قصد بهم زدن آن را کرده باشد، و باید با همان احرام عمره را تمام کند، و تجدید احرام بعد از برگشتن از مدینه، لازم نیست. بلی اگر رجاء بخواید در مسجد شجره تجدید احرام کند مانعی ندارد، ولی لازم نیست، و اگر به گمان این که احرامش بهم خورده، مرتکب یکی از محرمات شود، حکم آن در کفارات محرمات احرام گفته شده است.

۳۳۴ س - بعضی از مدیران کاروان حج، یا بعض کارمندی که سالهای زیاد به حج مشرف میشوند، و حج واجب خود را انجام داده‌اند، در بعضی از سالها اگر چه در اشهر حج باشد فقط يك عمره مفرده بجا مآورند و محل میشوند، و به منظور سهولت رسیدگی به حجاج برای رفتن به عرفات هم محرم نمیشوند، آیا اشکالی دارد یا خیر؟

ج - در فرض سؤال که واجبی در ذمه آنها نیست، بعد از بجا آوردن عمره مفرده جایز است از مکه خارج گردند، و تا يك ماه بعد جایز است بدون احرام داخل مکه شوند.

۳۳۵ س - معنی نية الاحرام هو توطین النفس علی ترك المحرمات، فعليه ان الشخص الذی یحرم من بلده قبل الميقات بالنذر، وهو يعلم انه یسافر بالطائرة (تحت الظل)، فهل ینعقد نذره فی هذه الصورة، ویصح احرامه أم لا؟

ج - الظاهر ان نية الاحرام لا يعتبر فيها العزم على ترك المحرمات، وتوطين النفس عليه، بل هو انشاء التحريم على نفسه، وهو لا ينافي العلم بارتكاب بعضها ولو مختاراً، فعلى هذا ينعقد النذر ويصح الاحرام.

۳۳۶ س - شخصی برای حج تمتع مشرف شد، در موقع احرام نمدانست باید برای عمره محرم شود، لذا نیت کرد که احرام برای حج مبندم، و اعمال را طبق دستور عمره انجام داد، و تقصیر کرد، و محل شد، بعد گفت شاید عمره من صحیح نباشد، به علت این که در موقع احرام عمره، نیت حج کرده، و دوباره در مسجد الحرام محرم شد، و نیت عمره کرد، و دوباره عمره تمتع بجا آورد، و بعد حج تمتع انجام داد، در این صورت عمره اول چون نیت حج کرده، چه صورت دارد؟ و اگر عمره اول باطل است، عمره دوم صحیح است یا نه؟ چون به میقات نرفته، و از مکه خارج نشده، و نمدانست که وقت بیرون رفتن را ندارد، و امکان داشت که گم هم بشود.

ج - در فرض سؤال اگر به نیت حج تمتع محرم شده، عمره اول او صحیح است.

۳۳۷ س - کسی يك مرتبه به حج مشرف شده ولی مگوید دلچسبم نیست میخواهد دو مرتبه حج نماید آیا نیت احتیاط کند یا ما فی الذمة؟

ج - قصد ما فی الذمه نماید.

۳۳۸ س - حاج در حج تمتع یا عمره تمتع قبل از وقوف به عرفات یا در عرفات فهمید که تلبیه او چه در عمره تمتع و چه در حج، صحیح نبوده، اکنون وظیفه او چیست؟

ج - در فرض سؤال که از جهت نسیان یا جهل بوده، اگر قبل از اعمال عمره متوجه شود چنانچه ممکن است به میقات برگردد و با تلبیه صحیح محرم شود، اگر ممکن نیست هر مقدار میتواند به طرف میقات برگردد و محرم شود و اگر آن هم ممکن نیست، در همانجا که مفهمد محرم شود و عمره او صحیح است، و هم چنین اگر بعد از اعمال عمره بفهمد عمره او صحیح است، و اگر در عرفات بفهمد و برگشتن ممکن باشد، برگردد به مکه، و ثانیاً محرم شود و اگر ممکن نیست هر قدر میتواند به طرف مکه برگردد و محرم شود و اگر آن نیز ممکن نیست در همان محل محرم شود و حج او صحیح است.

۳۳۹ س - شخصی خیال کرده که تلبیه، مختص به عمره است برای احرام حج، تلبیه نگفته و بدون تلبیه محرم شده و به عرفات رفته و اعمال را تا آخر انجام داده، بعداً فهمیده که باید در احرام حج نیز تلبیه بگوید، تکلیف او چیست؟

ج - در فرض سؤال که بعد از اتمام اعمال فهمیده که تلبیه نگفته حج او صحیح است.

۳۴۰ س - کسانی که محرم به احرام عمره تمتع میشوند و بعد وظیفه آنها حج افراد میشود، آیا باید ثانیاً به نیت حج افراد تلبیه بگویند و محرم شوند، یا خود به خود عمره مبدل به حج افراد میشود و تلبیه و احرام مجدد لازم نیست؟

- ثانیاً تلبیه و احرام لازم نیست، بلکه با همان احرام و تلبیه‌ای که برای عمره تمتع گفته با قصد حج افراد، به عرفات مرود.

۳۴۱ س - بعد از محرم شدن و گفتن تلبیه، میتواند به عنوان احتیاط ثانیاً تلبیه بگوید و محرم شود یا خیر؟ و آیا تکرار تلبیه مضر به حج او هست یا نه؟

ج - اگر احتمال عدم صحت تلبیه و احرام اول را بدهد رجاء و احتیاطاً مانعی ندارد.

۳۴۲ س - اگر زن تکبیره الاحرام یا قرائت را در نماز، و تلبیه را در موقع محرم شدن بلند بگوید بطوری که اجنبی بشنود جایز است یا نه؟ و بر فرض عدم جواز باطل است یا نه؟

ج - اگر با شنیدن اجنبی جهر به تلبیه کرده، احوط لزومی، اعاده است.

۳۴۳ س - يك نفر از حجاج به کلی شنوایی خود را از دست داده، و زبان او هم لکنت دارد که قادر به تکلم صحیح نیست، مسئولین و سایر حجاج همراه به این موضوع توجه نداشته‌اند، و این آقا بدون نیت و تلبیه وارد مکه شده است، تکلیف او و همراهانش چیست؟

ج - باید به میقات برگردد، و با نیت و تلبیه محرم شود، هر چند با بردن همراه باشد، و اگر نمیتواند به میقات برود باید در خارج حرم محرم شود، و اگر نمیتواند تلبیه را صحیح بگوید ولو با تلقین، احوط آن است که به هر نحو میتواند بگوید، و ترجمه اش را نیز بگوید.

۳۴۴ س - اگر کسی بداند در صورت صحیح نگفتن تلبیه محرم نمیشود، و تلبیه را غلط بگوید، و اعمال حج را انجام دهد، آیا اعمالش صحیح است یا نه؟

ج - چنانچه از روی عمد بوده صحیح نیست، و اگر عمدی نبوده و از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بوده، در فرض مرقوم صحت عمل بعید نیست.

۳۴۵ س - اگر کسی تلبیه را غلط بگوید، و بعد از وقوفین و قبل از اتمام اعمال حج فهمید که صحیحا محرم نشده است، آیا وظیفه او نسبت به سایر اعمال، و همچنین عمره قبلی او چگونه است؟

ج - با فرض این که بعد از وقت جبران متوجه شده، بعید نیست صحت عمل، لکن احوط عدم اکتفاء به این حج است، و این احتیاط ترك نشود.

۳۴۶ س - ترجمه تلبیه " لبيك اللهم لبيك، لبيك لا شريك لك لبيك، إن الحمد والنعمة لك والملك لا شريك لك " چیست؟
ج - ترجمه جمله مذکور چنین است: " خدایا دعوت تو را با کمال میل اجابت میکنم، با کمال میل اجابت میکنم دعوت تو را، اجابت میکنم دعوت تو را با کمال میل، شریکی نیست مر تو را، اجابت میکنم با کمال میل دعوت تو را، همانا ستایش و نعمت و ملک برای تو است، شریکی برای تو نیست. و اگر کلمه دعوت را هم نگوید (در مواردی که باید ترجمه را بگوید) کفایت میکند.
۳۴۷ س - اگر بعد از خروج از میقات در بین راه متوجه شود که تلبیه را نگفته، یا نیت نکرده، و یا به جهت دیگر احرامش درست نیست، و چنانچه بخواهد از همانجا به میقات برگردد میسر نیست ولی اگر بیاید مکه امکان دارد برگردد، آیا میتواند بیاید مکه و به میقات برگردد، یا باید از همانجا محرم شود؟

ج - اگر میتواند ولو از مکه به میقات برگردد، برای عمل واجب نمیتواند از غیر میقات محرم شود، ولی برای دخول مکه از ادنی الحل به نیت عمره مفرده محرم شود، و بعد از اعمال آن، به یکی از مواقیت معروف برود، و برای عمره تمتع احرام ببندد.

۳۴۸ س - در غیر حال طواف و نماز آن اگر جامه احرام یا بدن محرم نجس شود مثل نجس شدن بدن یا لباس در قربانگاه، آیا برای احرام او اشکال دارد یا نه؟

ج - برای احرام او اشکال ندارد؟ و لکن احوط آن است که در صورت امکان، تطهیر یا تبدیل نماید.

۳۴۹ س - کس که جهلا یا نسیانا در حال احرام تا مکه شورت را بیرون نیاورد چه صورت دارد؟

ج - احرام، صحیح است و کفاره ندارد، باید شورت را فوراً از بدن بیرون کند.

۳۵۰ س - مردی که میخواهد محرم شود اگر لباس دوخته را بیرون نیاورد و لباس احرام را روی آن بپوشد، به احرامش ضرر میزند یا نه؟

ج - بنابر احتیاط باید لباس را بکند و محرم شود، تا قطع به صحت احرام نماید.

۳۵۱ س - اگر لباس احرام کوتاهتر از حد شرعی باشد، آیا احرام با آن محقق میشود یا نه؟

ج - در صورت جهل، احرام محقق میشود، و در صورت عمد نیز تحقق آن بعید نیست هر چند در ترك شرایط لباس احرام معصیت کرده است.

۳۵۲ س - اگر جامه احرام را با پول خمس یا زکات نداده خریده باشند، احرام در آن صحیح است یا خیر؟
ج - اگر معامله به عین پول خمس یا زکات نداده انجام شده است، تصرف در آن بدون اذن از حاکم شرع یا مستحقین خمس و زکات جایز نیست.

۳۵۳ س - لباس احرامی که معلوم نیست از در آمد منبر است یا وجوهات شرعیه، آیا لازم است خمس آن را بدهد؟
ج - با فرض شك، لازم نیست، هر چند احتیاط مطلوب است.
۳۵۴ س - مردها معمولاً برای احرام، يك حوله به عنوان لنگ به کمر میندند، و یکی هم بر روی شانه ها میاندازند، ولی بعضی افراد برای این که موقع وزش باد و یا سوار شدن ماشین عورت آنان ظاهر نشود اضافه بر آن دو حوله، يك متر پارچه ندوخته از وسط پا عبور میدهند به نحوی که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر حوله قرار بگیرد، آیا این عمل صحیح است، یا اشکال دارد؟
ج - اشکال ندارد.

۳۵۵ س - زنی قبل از احرام برای عمره تمتع مدانست که عادت ماهانه او ده روز است، و قبل از احرام حج اعمال عمره تمتع را نمیتواند انجام دهد، معذلك، نیت عمره تمتع کرد، آیا در بر گرداندن نیت احرام عمره تمتع به حج افراد باید چه کند؟

ج - نیت را به حج افراد بر گرداند و اشکال ندارد، بلی با التفات به اینکه نمیتواند عمره تمتع را انجام دهد و اگر انجام دهد صحیح نیست، اگر به نیت عمره تمتع محرم شود صحت این احرام، بلکه حصول جد به آن، محل اشکال است.

۳۵۶ س - وظیفه زنی که مداند طبق عادت موفق به انجام عمره تمتع قبل از حج نمیشود در وقت احرام چیست؟ آیا از اول نیت احرام برای حج افراد کند، و یا نیت احرام برای عمره تمتع نماید، و بعد در ضیق وقت به حج افراد عدول نماید؟

ج - چون علمی که برای زن در این موارد از طریق عادت حاصل میشود، علم عادی است و امکان تخلف از آن وجود دارد، در وقت احرام قصد ما فی الذمه کند، و اگر از عادت ماهانه پاك شد عمره تمتع بجا آورد، و اگر تا ضیق وقت پاك نشد حج افراد بجای آورد.

۳۵۷ س - زنی که مداند با تأخیر در تشریف به مکه امکان انجام اعمال عمره تمتع را از دست مدهد، وظیفه او چیست؟

ج - در صورت تمکن باید زودتر به مکه مشرف شود، و مبادرت به انجام عمره تمتع قبل از ایام عادت بنماید، و چنانچه اقدام نکند معصیت کرده، و با ضیق وقت باید به نیت حج افراد محرم شود، لکن احتیاط واجب اعاده حج در سال آینده است.

۳۵۸ س - اگر محرم، زیر لباس احرام شالی به گردن ببندازد، و شال گردن را از زیر بغل تا زیر ناف چندین دور بپیچد، این عمل از جهت شبیه بودن به لباس دوخته موجب فدیة میشود یا نه؟
ج - بستن شاله به گردن و سینه به نحوی که ذکر شده جایز نیست، و لکن انداختن پارچه غیر دوخته روی شانه نظیر حول مانعی ندارد، و چنانچه به نحو مرقوم در سؤال، شال به گردن و سینه ببندد احتیاط لازم، دادن کفاره است.

محرمات احرام
محرمات احرام اعمالی هستند که بر محرم واجب است که آنها را ترك نماید (۱)، از این رو بر کسی که میخواهد محرم شود علم به آنها (اگر چه به صورت اجمال) لازم است، و به همین مقدار که قصد داشته باشد طبق فتوای مرجع تقلیدش در این خصوص عمل نماید کافی است و آن محرمات که ترك احرام نیز نامیده میشوند ۲۵ چیز میباشند.

(۱) بعض از ترك احرام ذاتا حرام میباشند، اگر چه شخص محرم نباشد، مثل استمناء، نگاه با لذت به نامحرم، فسوق، صید در حرم و.... و با محرم شدن حرمت آنها تشدید شده، و احیانا انجام آنها موجب کفاره میشود، و اگر گفته شده است حاجی پس از تقصیر از احرام بیرون میآید و ترك احرام بر او حلال میشود، حلیت از جهت احرام است، اگر چه حرمت قبل از احرام به حال خود باقی است، و بعض از ترك احرام فقط در حال احرام حرام بوده، و در غیر حال احرام هیچ گونه حرمتی ندارند مثل نگاه کردن در آینه، استعمال عطریات، سایه بر سر قرار دادن و پوشیدن چکمه و کفش و جوراب و لباس دوخته برای مردها، سرمه به چشم کشیدن و....

اول - صید حیوان صحرائی و نگهداری آن و کشتن و خوردن گوشت آن و هر نوع راهنمایی و همراهی در صید آن حرام است، چه حلال گوشت و چه حرام گوشت، پرنده یا غیر پرنده، و درندگان که محرم از ضرر رساندن آنان خائف باشد، یا پرندگان درنده‌ای که به کبوتران حرم آزار برسانند، از این حکم مستثنی هستند.

مسئله ۳۵۹ - اگر کسی حیوانی را در حال احرام صید کند یا ذبح نماید حکم میته را دارد، و خوردن گوشت آن حرام و نماز با پوست آن نیز باطل است.

مسئله ۳۶۰ - صید و کشتن حیوانات دریایی و نیز ذبح حیواناتی که اهلی هستند، مثل مرغ، گاو و گوسفند جایز است، اگر چه بعداً وحشی شده باشند.

مسئله ۳۶۱ - ملخ جزو حیوانات صحرائی است و صید و خوردن آن در حال احرام جایز نیست.

مسئله ۳۶۲ - در صورتی که صحرائی بودن حیوانی مشکوک باشد اجتناب از صید کردن آن نیز واجب نیست.

مسئله ۳۶۳ - حکم جوجه و تخم حیوانات مانند حکم مادر آنهاست.

مسأله ۳۶۴ - همان گونه که صید برای محرم حتی در غیر حرم جایز نیست برای محل نیز صید در حرم جایز نمیشود، و در صورت ارتکاب، کفاره بر او واجب میگردد، ولی اگر محرم در حرم صید کند دو کفاره بر او واجب است: قیمت صید و کفاره آن. هر يك از حیواناتی که صید آنها حرام است کفاره خاصی دارند، که به جهت اختصار ذکر نشد.

دوم - استمتاع از زن اگر چه زوجه خود او باشد بر محرم حرام است، بنابر این وطی و بوسیدن و لمس و نگاه با شهوت به زن حرام است، بلی نگاه و لمس و مانند اینها بدون شهوت اشکال ندارد، و برای زنان نیز همین حکم نسبت به مردان صادق است، اگر چه از محارم زن باشند.

سوم - خواندن عقد نکاح برای محرم جایز نیست، چه عقد دائم باشد و چه موقت، چه برای خودش عقد را بخواند و چه برای غیر، چه آن غیر محرم باشد و چه محل، حتی اجرای عقد فضولی و یا با وکالت نیز جایز نیست، و هم چنین اگر وکیل از طرف محرم برای محرم عقد بخواند، اگر چه محرم قبل از محرم شدن برای خواندن صیغه عقد وکالت داده باشد.

مسأله ۳۶۵ - در حال احرام بنا بر احتیاط واجب از خواستگاری زن نیز باید اجتناب شود، لکن رجوع در طلاق حرام نیست. چهارم - شاهد شدن برای عقد نکاح، اگر چه عقد برای شخص محل باشد، و نیز اداء شهادت بر عقد نکاح، اگر چه تحمل شهادت قبل از احرام باشد.

پنجم - استمناء، یعنی انجام کاری که موجب خروج منی از انسان شود به هر نحوی که باشد بر محرم حرام است. ششم - هر گونه استعمال بوی خوش حرام است، و این حکم علاوه بر آن که شامل انواع عطریات و گلاب مگر در حد حتی زعفران و کافور و عود و هل و زنجبیل را نیز در بر میگیرد، و تفاوتی در این جهت نیست که استفاده از مواد خوشبو به وسیله خوردن و یا آشامیدن و یا معطر کردن لباس و بخور دادن و یا روغن مالی با مواد خوشبو باشد.

مسأله ۳۶۶ - اگر محرم مجبور به استفاده از شیء خوشبو گردد، باید بینی خود را گرفته و از آن استفاده نماید. و هم چنین کسی که میخواهد از بازار عطر فروشان عبور کند، و یا در مغازه عطار بنشیند، و یا از او عطر بخرد باید بینی خود را بگیرد.

مسأله ۳۶۷ - اگر عطر و امثال آن به لباس محرم بریزد لازم است فوراً آن را با شستن و امثال آن زایل نماید.

مسأله ۳۶۸ - خوردن سیب و گلابی و میوه جاتی که بوی خوش دارند اشکال ندارد، بلی خودداری از بویدن آنها نهایت احتیاط است.

مسأله ۳۶۹ - محرم در هنگام بر خورد با بوهای بد نباید بینی خود را بگیرد.

مسأله ۳۷۰ - احتیاط واجب آن است که بطور کلی محرم از سبزیجات خوشبو مثل ریحان و نعناع استفاده ننماید.

هفتم - پوشیدن لباس دوخته برای مردان حرام است مگر در حال ضرورت که جایز است، ولی باید کفاره بدهد.

مسأله ۳۷۱ - اشیاء ذیل اگر چه دوخته باشد برای محرم اشکال ندارد.

الف: همیان و کمر بند که برای حفظ پول به کمر میندند.

ب: فتق بند، لکن به احتیاط مستحب در صورت استفاده از آن يك گوسفند کفاره بدهند.

ج: کفشی که تمام روی پا را نپوشاند.

مسأله ۳۷۲ - برای زنان پوشیدن لباس دوخته مانعی ندارد، مگر پوشیدن قفازین (که نوعی دستکش است).

هشتم - پوشیدن کفش و جوراب و چکمه و پوتین و امثال آن که تمام روی پا را میپوشاند برای مردان جایز نیست، ولی برای زنان مانعی ندارد.

مسأله ۳۷۳ - پوشیدن شدن روی پا در هنگام راه رفتن و نشستن و خوابیدن به وسیله حوله احرام، و یا ملافه و روانداز، در هنگام خواب اشکال ندارد.

نهم - سرمه سیاه کشیدن در صورتی که زینت برای چشمها محسوب شود، اگر چه محرم قصد زینت هم نداشته باشد حرام است، بلکه بنا بر احتیاط باید از هر سرمه‌ای که برای تزئین است هر چند سیاه نباشد خودداری شود.

دهم - نگاه کردن در آینه مطلقاً برای تزئین و غیر آن حرام است، و مستحب است پس از نگاه کردن تلبیه را تجدید نماید.

مسأله ۳۷۴ - نگاه کردن در آینه به هنگام ضرورت مانند حالت رانندگی جایز است، و نگاه کردن در آب صاف و سایر مایعات و اشیایی که تصویر انسان را نشان میدهد مانعی ندارد، کما این که استفاده از عینک در جایی که زینت محسوب نشود اشکال ندارد. یازدهم - فسوق، یعنی هر گونه کذب و فحش دادن به دیگران، حرام است، و نیز مفاخره کردن، و اظهار فضل برای خود، و سلب آن از دیگران، و اثبات رذائل برای دیگران، و سلب آن از خود، و هم چنین گفتن جملات رکیک و زننده و کلمات قبیح، برای محرم حرام است.

دوازدهم - جدال که عبارت از گفتن (بلی واللّه) و یا (نه واللّه) است حتی در مواردی که خصومتی هم در بین نباشد بر محرم حرام است، و بنابر احتیاط واجب مبایست از مطلق قسم خوردن به خداوند پرهیز شود، بلی به هنگام ضرورت برای اثبات حق یا دفع باطل و یا برای اظهار مودت و دوستی و اکرام مؤمن جایز است. سیزدهم - کشتن جانوری که در بدن به وجود می‌آید مثل شپش بر محرم حرام است، و فرقی نم‌کند که محرم آن را مباشرة بکشد و یا به نحوی سبب قتل آن را فراهم آورد، و همچنین انداختن آن از بدن به نحوی که در معرض تلف شدن قرار گیرد، و یا با حشره‌کش بکشد، و بنابر احتیاط جایز نیست آن را به جایی از بدن که در معرض سقوط باشد منتقل کند، اگر محل اول محفوظ تر باشد، و کشتن کک و پشه و سایر حشرات برای دفاع از خود جایز است، اگر چه احوط لزوم اجتناب است خصوصاً در حرم. مسأله ۳۷۵ - کشتن حشراتی که در بدن انسان بوجود می‌آیند مانند کنه مانعی ندارد و هم چنین است دور کردن آنها از بدن انسان، بلی انتقال آنها از بدن شتر جایز است. چهاردهم - انگشتر به دست کردن برای زینت حرام است، ولی استفاده از انگشتر عقیق و فیروزه و... به قصد استحباب شرعی مانعی ندارد، و احتیاط مستحب آن است که محرم از هر چه زینت محسوب میشود مطلقاً پرهیز کند، و نیز احتیاط آن است که در حال احرام از هر چیزی که منافات با سادگی دارد پرهیزد.

مسأله ۳۷۶ - استفاده از زیور آلات به قصد تزئین برای زن حرام است، مگر مقداری که قبل از احرام عادت به استفاده از آن داشته باشد، به شرط آن که حتی به شوهر و یا محارم دیگر خود نیز (در غیر صورت ضرورت) نشان ندهد.

پانزدهم - روغن مالی بدن ولو با روغنی که بوی خوش نداشته باشد برای محرم حرام است، بلی در حال ضرورت مثل معالجه ترك خوردگی یا معالجات دیگر اشکالی ندارد.

شانزدهم - زایل کردن مو از بدن خود و یا دیگری جز در حال ضرورت جایز نیست، و اگر در صورت ضرورت از بدن خود ازاله مو کرده است، باید فدیة بدهد، ولی ازاله مو از بدن دیگری در حال ضرورت فدیة ندارد.

مسأله ۳۷۷ - لیف زدن بدن در صورتی که انسان مطمئن باشد مو نمریزد، اشکال ندارد.

مسأله ۳۷۸ - اگر در هنگام وضو یا غسل آب رساندن به بشره به نحو متعارف انجام شود، و بدون قصد از بدن مو بریزد اشکالی ندارد، و در صورتی که بیش از اندازه برای رساندن آب به بشره دست بکشد و مظنه ریزش مو وجود داشته باشد حکم به جواز مشکل است، و در صورت ریزش مو احتیاط آنست که دو کف طعام کفاره پردازد.

هفدهم - بنا بر احتیاط حنا بستن برای محرم جایز نیست، و در صورتی که اثر حنا تا هنگام احرام باقی مماند بهتر آن است که قبل از احرام نیز استعمال آن را ترك نماید.

هجدهم - پوشاندن سر و گوشها برای مردان حرام است، و پوشاندن صورت برای آنان اشکالی ندارد، و در این امر تفاوتی بین پوشاندن تمام یا قسمتی از سر نیست، و تفاوتی بین پوشاندن سر با پارچه و یا با حنا، گل، گذاشتن بار بر روی سر، و یا روی دوش به طوری که قسمتی از سر را بپوشاند، و یا ارتماس در آب و امثال آن نباشد، بنا بر احتیاط مستحب نباید با دست هم سر را بپوشاند. بلی مسح سر با دست در هنگام وضو یا دست کشیدن به سر هنگام غسل اشکال ندارد.

مسأله ۳۷۹ - برای محرم رفتن زیر دوش و سر گذاشتن بر روی بالش اگر چه قسمتی از سر را بپوشاند جایز است، و نیز خاراندن سر در صورتی که علم دارد که مو نمیریزد اگر نسبت به این که مو نریزد مراقبت کند اشکالی ندارد، و نیز اگر از روی فراموشی سر را بپوشاند اشکالی ندارد، ولی تا متوجه شد واجب است فوراً و بدون تأخیر پوشش را از روی سر بردارد.

نوزدهم - برای زنها پوشاندن صورت اگر چه قسمتی از آن باشد با پارچه و امثال آن که متصل به صورت مگر در وقت خوابیدن حرام است، بلی به جهت حفظ از نامحرم متوانند چادر و یا مقنعه خود را تا مقابل چانه پایین آورند، ولی باید با دست یا چیز دیگری آن را از صورت دور نگهدارند.

مسأله ۳۸۰ - برای زن محرم در موقع نماز جایز است که مقداری از صورت را بپوشاند تا یقین کند که مقداری را که ستر آن در نماز واجب است پوشانده است، لکن پس از نماز بلا فاصله باید آن مقدار صورت را باز نماید.

مسأله ۳۸۱ - برای زنها جایز است موقع خوابیدن صورت را روی بالش بگذارند، اگر چه تمام صورت پوشانده شود، ولی نباید چیزی روی صورت بیندازند.

بیستم - تظلیل (سایه بر سر قرار دادن) در روز برای مردان محرم در حال سیر جایز نیست، بنابر این مرد محرم نباید از ماشین مسقف و کجاوه و یا چتر و امثال آن در حال طی طریق استفاده نماید.

مسأله ۳۸۲ - زیر سایه رفتن در محلی که شخص منزل کرده است مانعی ندارد، اگر چه برای کارهایش رفتن و آمد نماید، بنابر این پس از منزل کردن در مکه و عرفات و منی تردد با چتر جایز است.

مسأله ۳۸۳ - اگر محرم به خاطر نبودن ماشین بی سقف، و یا وجود سرما و گرمای شدید، و یا ریزش باران و باد شدید، و یا کسالت، مجبور به استفاده از ماشین مسقف باشد، باید به همین صورت به حج برود، لکن واجب است کفاره بدهد.

مسأله ۳۸۴ - راننده و کارمند کاروان ناچار به همراهی با زنها برای محافظت آنهاست جایز است از ماشین سر پوشیدن استفاده نماید، ولی باید کفاره بدهد.

مسأله ۳۸۵ - برای تظلیل در احرام واحد يك فديه كافی است، اگر چه تظلیل متعدد باشد، و احتیاط آنست که در صورت تمکن برای تظلیل در هر روز يك فديه بدهد.

بیست و یکم - محرم نباید به وسیله حمامت، خلال دندان، مسواك زدن، خاراندن بدن و... خون از بدن خود بیرون آورد، بلی اگر ناچار از مثل نیشتر زدن، و یا فشردن دمل، و یا بعض جراحی ها باشد جایز است.

بیست و دوم - دندان کشیدن در صورتی که خون بیاید، بر محرم حرام است، ولی در حال اضطرار جایز است، و لکن بنابر احتیاط واجب کفاره دارد.

بیست و سوم - ناخن گرفتن اگر چه بعضی از يك ناخن باشد بر محرم حرام است، بلی اگر موجب اذیت است مثل آن که قسمتی از ناخن شکسته باشد، و یا معالجه جراحی با کشیدن ناخن میسر باشد، گرفتن ناخن و کشیدن آن جایز است ولی کفاره دارد.

بیست و چهارم - مسلح شدن به اسلحه گرم مثل هفت تیر، مسلسل، نارنجك.... و اسلحه سرد مثل خنجر، شمشیر و.... جایز نیست. جایز نیست. و بنابر احتیاط واجب باید از حمل سلاح در صورتی که ظاهر باشد اگر چه مسلح به آن هم محسوب نشود خودداری نماید، بلی همراه داشتن چاقوی كوچك كه معمولا مورد نیاز است جایز است.

بیست و پنجم - کندن گیاه حرم و قطع آن حرام است، و گیاه اذخر و درخت خرما و سایر میوه‌جات و گیاهانی که خود شخص آن را غرس کرده است و یا در ملك او پس از آن که ملك او شده روئیده است، از این حکم استثناء شده است.

مسأله ۳۸۶ - آزاد گذاشتن گوسفند و سایر حیوانات برای چریدن از گیاهان حرم مانعی ندارد، لکن کندن گیاه برای خوراك آنها جایز نیست.

کفارات احرام

کفاره صید

با توجه به اختلاف حیواناتی که صید آنها حرام است کفاره صید نیز مختلف است، و فروع فراوانی را در کتب فقهی به خود اختصاص داده است، و لکن به جهت مورد نیاز نبودن آن فروع در عصر حاضر، از آن میگذریم، علاقمندان میتوانند به کتب مفصله فقهیه و یا به مناسک عربی مراجعه نمایند.

کفاره تمتع از زنان

مسأله ۳۸۷ - اگر شخص محرم با زوجه‌اش از روی علم و عمد در احرام عمره تمتع نزدیکی کند، چنانچه قبل از سعی باشد باید يك شتر کفاره بدهد، و بنابر احتیاط واجب اگر وقت دارد عمره را تمام کند، و سپس از میقات مجدداً محرم شود، و عمره را تکرار نماید، و اگر وقت کافی برای اتمام عمره و محرم شدن مجدد ندارد عمره را

قطع کند و از میقات مجدداً محرم شود، و اگر وقت برای اعاده عمره ندارد همان عمره اولی را تمام کند و سپس حج افراد بجای آورد، و در سال بعد بنا بر احتیاط واجب قضای حج تمتع را تدارک نماید، و اگر بعد از سعی باشد عمره را تمام کند و چنانچه متمکن است يك شتر، و اگر متوسط الحال است يك گاو، و اگر فقیر است يك گوسفند كفاره بدهد، اگر چه اظهر تخییر بین آنهاست مطلقاً.

مسأله ۳۸۸ - اگر شخص با زوجه‌اش از روی علم و عمد در احرام عمره مفرده مجامعت کند، اگر قبل از سعی است عمره او باطل و يك شتر كفاره دارد، و بنا بر احتیاط مستحب آن را تمام کند، و قضای آن را نیز در همان ماه بجای آورد، و اگر بعد از سعی و قبل از تقصیر باشد گفته شده است که بر او يك شتر كفاره لازم است.

مسأله ۳۸۹ - اگر شخص با زوجه‌اش در احرام حج نزدیکی کند، اگر قبل از وقوف به مشعر باشد حج او باطل است، و باید آن را تمام نموده و در سال آینده قضا کند و يك شتر نیز كفاره بدهد، و زن نیز اگر خود را در اختیار او گذارده است همین حکم را دارد، ولی اگر زن مکره بوده حج او صحیح و كفاره او به عهده شوهر است و لازم است از آنجا تا پایان مناسك از یکدیگر جدا باشند، و یا شخص ثالثی همراه آنها باشد، و اگر در سال آینده نیز با هم به حج آمدند از موضع معصیت تا پایان مناسك باید از هم جدا باشند، و یا شخص ثالثی همراه آنها باشد.

مسأله ۳۹۰ - اگر مجامعت با همسر بعد از وقوف به مشعر و قبل از انجام طواف زیارت حج باشد يك شتر، و اگر نمیتواند يك گاو، و اگر نه يك گوسفند كفاره بدهد، و اگر قبل از طواف نساء باشد و یا قبل از انجام کمتر از سه شوط از طواف نساء باشد حج صحیح و بر هر کدام از آنها يك شتر كفاره واجب است، ولی اگر بعد از شوط سوم و قبل از تمام شوط پنجم طواف نساء باشد كفاره ندارد.

مسأله ۳۹۱ - اگر محرم با نگاه به غیر همسر منی از او خارج شود اگر میتواند يك شتر، و اگر نه يك گاو، و اگر نمیتواند يك گوسفند كفاره بدهد، و اگر با تماس و ملاعبه با همسر و یا نگاه با شهوت به او منی از او خارج شود يك شتر كفاره بر او واجب است، و اگر با نگاه و یا مس همسر بدون شهوت منی از او خارج شود چیزی بر او نیست، و اگر زوجه خود را ببوسد حتی بدون شهوت يك شتر كفاره دارد.

كفاره استمناء

مسأله ۳۹۲ - اگر محرم استمناء نماید يك شتر كفاره دارد، و اگر قبل از موقوفین باشد قضاء حج نیز در سال آینده بر او واجب است.

کفاره استعمال بوی خوش
مسأله ۳۹۳ - اگر محرم عمدا عطر و بوی خوش استعمال کند
بنابر احتیاط واجب يك گوسفند کفاره بر او لازم است، ولی بوییدن
بوی خوشی که کعبه را با آن خوشبو نمایند که خلوق نام دارد
اشکالی ندارد، لکن در زمان ما که از خلوق برای معطر کردن کعبه
استفاده نمیشود احتیاط در اجتناب از بوییدن بوی خوش
کعبه است.

کفاره پوشیدن لباس دوخته برای مردان
مسأله ۳۹۴ اگر مرد محرم لباس دوخته بپوشد اگر چه به جهت
ضرورت باشد باید يك گوسفند کفاره بدهد.

کفاره جدال
مسأله ۳۹۵ - برای جدال (قسم خوردن به بلی والله، ولا والله،
بلکه به احتیاط مطلق قسم خوردن به الله) اگر قسم راست
باشد در کمتر از سه بار کفاره ندارد، و اگر سه بار قسم بخورد
کفاره آن يك گوسفند است، اگر قسم دروغ باشد، بار اول يك
گوسفند، و بار دوم يك گاو، و دفعه سوم يك شتر بنابر احتیاط
واجب کفاره بدهد.

کفارہ ازالہ مو از بدن
مسأله ۳۹۶ - اگر محرمی موی سر را زایل نماید باید يك
گوسفند کفارہ بدهد، و یا شش مسکین که به هر کدام دو مد طعام
داده شود اطعام نماید، و یا به ده مسکین به هر کدام يك مد طعام
بدهد اگر چه احتیاط مستحب آن است که يك گوسفند کفارہ
بدهد، و یا سه روز روزه بگیرد.

مسأله ۳۹۷ - اگر محرم از زیر بغل موی بکند کفارہ آن يك
گوسفند است.

مسأله ۳۹۸ - اگر بر اثر دست کشیدن از سر و صورت و یا بدن
مویی جدا شود کفارہ آن بنا بر احتیاط واجب صدقه دادن به کفی از
طعام (مثل گندم و یا جو) یا قاووت است، و اگر در حال وضو
و غسل و یا موارد ضروری دیگری مو بریزد چیزی بر او نیست مگر
آن که بیش از حد متعارف برای رساندن آب به بشره، دست کشیده
باشد که در این صورت بنا بر احتیاط واجب باید دو کف طعام فدیہ
بدهد.

کفارہ پوشاندن سر برای مردان
مسأله ۳۹۹ - اگر مردی سر خود را در حال احرام بپوشاند
اگر چه برای ضرورت باشد باید يك گوسفند کفارہ بدهد.

کفاره پوشاندن صورت برای زنان
مسأله ۴۰۰ - اگر زن محرم صورت خود را در غیر موارد استثناء
در حدی که ذکر شده است پوشاند باید يك گوسفند کفاره بدهد.
کفاره سایه بر سر قرار دادن
مسأله ۴۰۱ - برای سایه بر سر قرار دادن ولو برای ضرورت
اگر چه مکرر باشد در هر احرام يك گوسفند کفاره لازم است.
کفاره خارج کردن خون از بدن خود
مسأله ۴۰۲ - اگر محرم از بدن خود خون خارج کند در غیر
مواردی که استثناء شده است بنابر احتیاط واجب بر او يك گوسفند
به عنوان کفاره واجب است.
کفاره کندن دندان
مسأله ۴۰۳ - کفاره کندن دندان اگر چه ضروری باشد بنابر
احتیاط در موردی که خون بیاید يك گوسفند است.
کفاره ناخن گرفتن
مسأله ۴۰۴ - کفاره گرفتن يك ناخن يك مد طعام است، و اگر
ناخن دستها و پاها را در يك مجلس بگیرد کفاره آن يك گوسفند،
و با تعدد مجلس کفاره آن دو گوسفند است، و اگر فقط ناخن دستها
و یا فقط ناخن پاها را بگیرد يك گوسفند کفاره دارد.

مسأله ۴۰۵ - بر شخصی که به محرم بگوید ناخن گرفتن در حال احرام جایز است و محرم به گفته او ناخن بگیرد و خون بیاید، يك گوسفند كفاره واجب است و فرقی نیست که شخص مورد نظر محرم باشد و یا محل، مجتهد باشد، و یا غیر مجتهد.
كفاره كندن گیاه حرم

مسأله ۴۰۶ - برای كندن درخت بزرگ در حرم يك گاو، و برای كندن درخت كوچك يك گوسفند، و در قطع قسمتی از درخت، قیمت آن را باید كفاره بدهد.

احکام کفارات

مسأله ۴۰۷ - در صورت تمکن، کفارات در احرام عمره را باید در مکه (۱) و کفارات در احرام حج را باید در منی ذبح و یا نحر کنند، و فدیها را پردازند، و در صورت عدم تمکن باید در شهر خود تدارك نمایند.

مسأله ۴۰۸ - از گوشت حیوانی که به عنوان کفاره کشته میشود غنی و فقیر، نزدیکان و غیر نزدیکان میتوانند استفاده کنند.
مسأله ۴۰۹ - به جز تظلیل که در هر احرام ولو با تکرار يك کفاره کافی است، در موارد دیگر با تکرار موجبات کفارات، کفارات باید تکرار شوند.

مسأله ۴۱۰ - بر ناسی و جاهل اگر چه مقصر باشد (در غیر صید و بعض موارد) کفاره واجب نیست.

(۱) مراعات استحباب ذبح در محل حزوره مکه که در کتب فقهی ذکر شده است فعلا میسر نیست، زیرا بر حسب تحقیقی که بعض از بزرگان کرده اند حزوره محلی بین مسعی و مسجد الحرام سابق بوده است، که قربانی را در آنجا ذبح منموده اند، و فعلا داخل در مسجد شده است.

مسأله ۴۱۱ - بر مجنون كفاره نیست، و كفاره صید صبی غیر ممیز اگر ولی، او را محرم کرده است به عهده ولی او است، و سایر كفارات او نیز بنابر احتیاط واجب بر عهده ولی او است، و نسبت به كفاره صبی ممیز احتیاط آنست كه ولی از مال خود آن را ادا نماید و قصد ما فی الذمه کند.

مسأله ۴۱۲ - در كفاره گوسفند فرقی بین نر و ماده، میش و بز نسبت و مراعات هیچ يك از شروط قربانی در آن لازم نمیشد.

مسائل متفرقة تروك احرام

- ۴۱۳ س - اگر از حاج در حال احرام عملی سرزند که موجب کفاره است، کفاره را در کجا باید ذبح یا نحر کند؟
- ج - در احرام عمره تمتع احوط آن است که در مکه ذبح یا نحر نماید، و اگر در احرام حج است باید در منی نحر یا ذبح کند، و اگر عمدا یا از روی فراموشی در این دو مکان ذبح نکرد در صورت امکان باید نایب بگیرد که از طرف او در منی یا مکه ذبح نماید، و اگر ممکن نشد در شهر خودش یا در جای دیگر رجاء ذبح نماید.
- ۴۱۴ س - آیا کفاره احرام عمره و یا حج را میتوان در وطن ذبح نموده و به فقیر داد، یا خیر؟
- ج - اگر ایصال کفاره به فقیر در حج مشکل باشد مانع ندارد که در وطن ذبح کند و به فقیر بدهد.

۴۱۵ س - مصرف كفاره‌ای كه در احرام عمره و یا حج تعلق گرفته چیست؟

ج - مصرف كفاره فقیر غیر سید است، و اگر دهنده كفاره سید باشد جایز است كه كفاره خود را به سید فقیر بدهد، و بنابر احتیاط واجب باید فقیر مؤمن باشد.

۴۱۶ س - آیا حاج متواند از گوشت گوسفندی كه بعنوان كفاره مدهد خودش بخورد؟

ج - خودش نمیتواند بخورد.

۴۱۷ س - آیا شخص فقیر متواند گوشت كفاره تقصیر خود را به مصرف فقرایی كه نانخور او هستند برساند؟

ج - برای کسانی كه نفقه آنان بر او واجب است نمیشود صرف نمود.

۴۱۸ س - اگر از روی علم و عمد در احرام حج، قبل از وقوف به مشعر الحرام با زوجه خود جماع نماید مسلماً حج او باطل است، در صورت جهل چه حکمی دارد؟

ج - در صورت جهل، عمل او صحیح است و كفاره هم ندارد.

۴۱۹ س - آیا شوهر پس از محل شدن متواند زوجه محرم خود را از روی التذاذ دست بزند؟

ج - بر مرد مزبور منعی نیست، ولی اگر زن نیز لذت مبرد، در فرض سؤال نباید حاضر شود.

۴۲۰ س - اگر کسی العیاذ بالله در عمره تمتع لواط و یا با زن جماع کند عمره اش باطل میشود، یا فقط موجب کفاره است؟
ج - اگر در عمره تمتع پیش از سعی، جماع یا لواط کند عمره اش باطل میشود و یک شتر کفاره بر او لازم است، و واجب است همان عمره باطل را تمام کند، و اگر وقت دارد به میقات برود و عمره تمتع را اعاده نماید، و اگر وقت اعاده ندارد واجب است حج افراد بجا آورد، و بعد عمره مفرده، و احوط اعاده حج است در سال آینده، و اگر بعد از سعی، جماع یا لواط کرده عمره باطل نمیشود؟ لکن یک شتر کفاره بر او واجب است.

۴۲۱ س - در بحث تروک احرام، مسائل حرمت استمتاع از زوجه آمده است، آیا انواع استمتاع از غیز زوجه از تروک احرام نیست؟ و فقط حرمت مخصوص به خود را دارد؟ و یا آن که تأدبا لحرم الله استمتاع از غیر زوجه ذکر نشده است و احکام مذکور نسبت به آن تعمیم داشته و انجام هر مورد موجب ثبوت کفاره مناسب با آن مورد است؟

ج - ذکر زوجه خصوصیت ندارد و حکم شامل استمتاع از اجنبیه هم میشود و حرمت در آن آکد است.

۴۲۲ س - آیا زن محرم میتواند صورت خود را با حوله پاک کند، یا حکم سر مرد را دارد که نمیتواند روی آن را بپوشاند؟
ج - احتیاط مراعات شود.

۴۲۳ س - زنها که در حال احرام برای پوشیدن و در آوردن مقنعه صورتشان پوشیده میشود چه صورت دارد؟

ج - باید سعی کنند پوشیده نشود، و اگر عامدا و از روی علم پوشیده نشود مانع ندارد.

۴۲۴ س - با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام آیا چانه هم جزء صورت محسوب میشود و باید باز باشد، یا این که اگر مقنعه ای بر سر گذاشته شود که چانه را تا لبها بپوشاند مانعی ندارد؟

ج - پوشاندن چانه به نحو مذکور اشکال دارد، و زیر چانه جزء صورت نیست.

۳۲۵ س - بعضی از حجاج در حال احرام در مشعر و منی از پتو و لحاف دوخته جهت ایمنی از سرما استفاده میکنند، آیا این عمل جایز است یا نه؟

ج - خوابیدن زیر پتو و لحاف اگر طوری به خود نپیچند که مثل لباس شود اشکالی ندارد ولی در حال جلوس و قیام لحاف و پتوی دوخته روی خود نیندازند.

۴۲۶ س - حمل قمقمه آب که در محفظه دوخته نگهداری میشود برای محرم چه صورت دارد؟

ج - احتیاط آن است که آن را به دوش نیندازد و دست گرفتن آن مانع ندارد.

۴۲۷ س - آیا کسی که حجش را باطل کند اگر حج فاسد شده را به اتمام رساند، از احرام خارج میشود؟
 ج - اگر حج فاسد شده را به اتمام رسانده، از احرام خارج شده، و الا در احرام باقی است.

۴۲۸ س - محرم سرش تر است، اگر بخواهد صبر کند تا خودش خشك شود و وضو بگیرد آفتاب طلوع میکند و نمازش قضا میشود آیا وظیفه اش تیمم است؟
 ج - اگر خشك کردن سر با دست یا حوله موجب پوشاندن سر نشود مانعی ندارد.

۴۲۹ س - بعضی به علت عرق سوز شدن بدن احتیاج به پمادی دارند که چربی دارد؟ آیا محرم میتواند از این پماد به بدن خود بمالد یا خیر؟
 ج - نمیتواند، مگر در مورد ضرورت، ولی کفاره ندارد ولو در غیر مورد ضرورت، مگر آن که بوی خوش داشته باشد که کفاره آن يك گوسفند است، اگر چه از روی اضطرار باشد.

۴۳۰ س - این جانب عازم حج بیت الله هستم و يك پایم مصنوعی است با این خصوصیات:
 ۱ - باید پای مصنوعی بسته باشد تا بتوانم راه بروم و آن هم دوخته است.

- ۲ - به خاطر بستن پا باید زیر شلواری و زیر پیراهن بپوشم و آنها نیز دوخته است.
- ۳ - برای این که بهتر بتوانم راه بروم باید کفش معمولی بپوشم و از دمپایی نمیتوانم استفاده نمایم.
- ۴ - بر اثر پای مصنوعی باید جوراب پا کنم، بنابر این نظر مبارکتان را مرقوم و مرا راهنمایی فرمایید که محل حاجت است.
- ج - ظاهر آن است که برای پوشیدن جنس دوخته يك كفاره بدهید کافی است، بنابر این باید برای بستن پا با چیز دوخته و پوشیدن شلوار و پیراهن يك گوسفند كفاره در احرام عمره و يك گوسفند كفاره در احرام حج قربانی نمایید، و چون پوشیدن روی پای غیر مصنوعی برای مرد محرم مستقلاً حرام است چنانچه روی آن پا نیز پوشیده شود باید برای این جهت هم يك كفاره در احرام عمره، و كفاره دیگری در احرام حج بدهید.
- ۴۳۱ س - آیا پوشیدن نعلینی که بندهای عریضی داشته باشد ولی تمام روی پا را نمسگیرد در حال احرام مانعی دارد؟
- ج - اشکال ندارد.
- ۴۳۲ س - آیا زنها در حال احرام میتوانند جوراب بپوشند، یا بایستی روی پای آنها مثل مردان باز باشد؟
- ج - اقوی جواز پوشیدن جوراب است برای زن.

۴۳۳ س - پوشیده شدن روی پا در حال احرام در موقع نشستن،
یا آمدن جامه احرام روی پا در حال سیر یا در منزل،
چه صورت دارد؟

ج - اشکال ندارد.

۴۳۴ س - آیا برای کسی که موی مصنوعی دارد و با همین حال
برای عمره و حج محرم شده و اعمال خود را انجام داده است
اشکالی هست؟

ج - ضرر به عمره و حج ندارد، بلی اگر مرد است باید
کفاره بدهد.

۴۳۵ س - اگر حاجی در حال احرام برای سر درد دستمالی به دور
سر ببندد چه صورت دارد؟

ج - کفاره دارد.

۴۳۶ س - در اثر هجوم جمعیت وقت بوسیدن حجر الاسود
ممکن است جامه احرام بعضی از حاجیان سر آنها یا سر سایر حاجان
را پوشانند اگر تصادفا این طور شد چه صورت دارد؟

ج - در صورت تصادف، اشکال ندارد.

۴۳۷ س - آیا گرفتن ناخن توسط محرم از غیر محرم
جایز است؟

ج - اشکال ندارد.

۴۳۸ س - آیا پوشیدن لباسی که برای تزئین، قسمتهایی از آن تور دوزی شده برای زنها جایز است؟

ج - اگر زینت محسوب شود جایز نیست.

۴۳۹ س - در مورد نظر کردن در آینه، گاهی نگاه میکند که خود را ببیند، و گاهی برای دیدن ماشین و غیره و یا مثلاً برای علاج دردی، آیا برای محرم فرق میکند، و یا یکسان است؟

ج - نگاه کردن در آینه برای دیدن خود جایز نیست و در موارد ضرورت مانند علاج درد و یا نگاه کردن راننده موقع رانندگی اشکال ندارد.

۴۴۰ س - در حال احرام عده‌ای از همدیگر عکس میگیرند، و در دوربین عکاسی که آینه است و یا حالت شفاف و آینه ماندی دارد نظر میکنند، بفرمائید اشکال دارد یا خیر؟

ج - اشکال ندارد.

۴۴۱ س - اگر چیزی غیر شیشه، مثل بعض فلزات، استیل و غیر ذلك را لعاب دهند و یا آن قدر صیقل دهند که کاملاً حالت آینه به خود بگیرد حکم آینه را دارد یا خیر؟

ج - احوط آن است که از نظر عمدی در آنها خودداری شود.

۴۴۲ س - اگر غیر محرم از محرم، ازاله مو کند یا یکی از کارهایی که بر محرم حرام است و کفاره دارد انجام دهد، چه حکمی دارد؟

ج - اگر محرم به اختیار خود حاضر شود که مثلاً محلی سر او را بتراشد، حرام است و باید کفاره بدهد، ولی چنانچه بدون اختیار او باشد کفاره ندارد.

۴۴۳ س - آیا کشتن مارمولک و هزار پا و مورچه و از این قبیل جانوران، در حال احرام اشکال دارد؟
ج - از محرمات احرام محسوب نیست.

۴۴۴ س - اگر انسان در حال احرام به خودش آمپول تزریق نماید چه صورت دارد؟

ج - اگر موجب بیرون آمدن خون نشود برای احرام او اشکال ندارد.

۴۴۵ س - آمپول زدن محرم به دیگری با علم به بیرون آمدن خون، چه صورت دارد؟ نسبت به محرم یا غیر آن فرقی هست یا نه؟

ج - اشکالی ندارد، و فرقی بین آن دو نیست.

۴۴۶ س - آیا میتوان پوستهای زائد که از لبها یا کنار ناخن ها بر آمده است از بدن جدا کرد؟

ج - اگر موجب بیرون آمدن خون نباشد اشکالی ندارد، و اگر خون خارج شود حرام و موجب کفاره است.

۴۴۷ س - صابون و بعضی از شامپوها که بویی دارد؟ و بوی خوشی هم نیست. آیا میشود برای بدن استعمال کرد یا خیر؟
 ج - اگر صدق بوی خوش میکند، از آن اجتناب کنند، و در غیر این صورت مانع ندارد.

۴۴۸ س - آیا برای محرم استفاده از سیگارهای خارجی که آنها را خوشبو میکنند جایز است یا خیر؟
 ج - اگر استعمال بوی خوش صدق میکند جایز نیست.

۴۴۹ س - اخیراً از حدود کشتارگاه تا نزدیک جمرات، مسقفی را درست کرده‌اند؟ آیا عبور از این راه برای محرمی که هنوز منزل نکرده و از مشعر مستقیم به جمرات مرود جایز است یا نه؟
 ج - پس از رسیدن به منی سیر در مسیر مسقف اشکال ندارد.

۴۵۰ س - در شهر مکه تونلهای طولانی احداث کرده‌اند، آیا بعد از احرام حج، جایز است از داخل آن با اتومبیل سفر کرد، با علم به این که مسقف است؟
 ج - مکه منزل است و در داخل مکه سیر محرم از درون تونل اشکال ندارد.

۴۵۱ س - اگر ماشین از زیر پلهایی که در مسیر واقع شده برود، و به ناچار محرمین از زیر پلها عبور کنند، و یا در پمپ بنزین در زیر سقف متوقف شود، و محرمین زیر سقف قرار گیرند اشکالی دارد؟

ج - آنچه در حال احرام حرام است، سایه بر سر قرار دادن است، بنابراین در فرض سؤال برای محرم اشکالی پیدا نمیشود، و کفاره ندارد.

۴۵۲ س - آیا استظلال، مربوط به سایه بر سر میباشد، یا اگر سایه فقط بر شانه بیفتد استظلال صدق میکند؟
ج - صدق نمیکند.

۴۵۳ س - فرموده‌اید استظلال در شب صادق نیست، آیا در این مسأله خاص، بین الطلوعین خصوصاً زمانی که نزدیک به طلوع خورشید است حکم شب را دارد؟
ج - بلی حکم شب را دارد.

۴۵۴ س - اگر شخصی از مسجد شجره شب محرم شد، و به خیال این که همه مسیر را در شب طی میکند در ماشین مسقف نشست، ولی بعداً به روز بر خورد کرد، آیا به همین مقدار که سر خود را از شیشه ماشین بیرون بیاورد برای این که عدم استظلال را مراعات کرده باشد کافی است؟ و آیا فرقی بین بیرون آوردن سر از طرفی که آفتاب متناوب و طرفی که سایه است وجود دارد یا خیر؟
ج - در فرض سؤال کفایت مشکل است و احتیاط به پرداخت کفاره ترك نشود.

۴۵۵ س - آیا در روز ابری استظلال صدق میکند؟
ج - استظلال در هوای ابری در روز جایز نیست.

۴۵۶ س - آیا جایز است از جاهای دور مثل تهران با نذر
محرم شود؟

ج - بلی جایز است، ولی اگر زیر سقف سفر میکند باید
کفاره بدهد.

۴۵۷ س - این جانب یکی از خدمه کاروان حج هستم، بعد از
درک عرفات به اتفاق مدیر کاروان و معاون و اینجانب و بانوان
کاروان در يك اتوبوس سربسته قرار گرفتیم، و برای درك
اضطراری به مشعر الحرام رفته و چون در مسیر مزدلفه به منی به راه
بندان برخوردیم، لذا در هوای آفتابی در اتوبوس سربسته بودم،
ناگاه به یاد آمد که نباید در زیر سقف اتوبوس قرار بگیرم، چند
دقیقه‌ای با علم به این که اتوبوس سر پوشیده است مانده و پس از
توقف اتوبوس بر اثر راه بندان پیاده شدم، و ما بقی راه را تا محل
چادر کاروان در منی پیاده طی نمودم، لذا از محضر آن بزرگوار
تقاضا دارم بفرمایید:

۱ - کفاره تعلق میگیرد یا نه؟

۲ - در صورتی که تعلق گرفته باشد آیا باید حتما در منی
ذبح گردد؟

۳ - در حالی که اکنون در تهران هستم آیا میتوانم گوسفند کفاره
را در محل اقامتم ذبح نمایم؟

۴ - در صورتی که خدمه کاروان بودم و به دستور مدیر گروه برای کمک کردن به بانوان مسن برای رمی جمره عقبه عازم منی بودم، و از خود استقلال نداشتم، آیا وجه این گوسفند را چه کسی باید پردازد؟ ستاد حج، مدیر گروه، یا اینجانب؟

۵ - چنانچه ستاد حج ذبح را تقبل نموده باشد، آیا از عهده این جانب ساقط مگردد یا نه؟

ج - کفاره دارد، و اگر چه باید در منی ذبح نمایید، لکن فعلا که به وطن مراجعت کرده‌اید ذبح در محل خودتان هم برای کفاره کفایت میکند، و متوانید مسئولین در ستاد نیابت دهید که برای شما ذبح کنند، و در این صورت ذبح آنها هم کافی است، ولی بدون نیابت صحیح نیست.

۴۵۸ س - افرادی از مسجد شجره محرم شدند و شبانه برای مکه حرکت نمودند ولی نزدیک طلوع آفتاب در ماشین سقف دار به خواب رفتند و بعد از طلوع آفتاب بیدار شدند و ماشین را نگاه داشتند، آیا برای مدتی که در حال سیر در زیر سقف بودند، کفاره دارد یا خیر، و الآن که ماشین ایستاده، و میخواهند پیاده شوند، چه حکمی دارد؟

ج - برای مدتی که خواب بوده‌اند، یا ماشین ایستاده، کفاره واجب نیست، ولی اگر بعد از بیدار شدن و التفات و قبل از ایستادن ماشین، استظلال شده ولو اضطرارا، کفاره واجب است.

۴۵۹ س - اگر سایه دیواره ماشینهایی که سقف ندارند روی سر مرد محرم قرار بگیرد، اشکال دارد؟
ج - اگر دیوار ماشین، مورب باشد بطوری که عرفاً صدق کند از بالای سر استظلال شده جایز نیست، و اگر از پهلو سایه بر سر محرم بیفتد جواز آن خالی از قوت نیست، و لکن احوط ترك است.

۴۶۰ س - بر حسب فتوای حضرت مستطاب عالی جایز است که محرم در منزل زیر سقف و سایه برود یا چتر بر سر بگیرد، آیا مراد از منزل، شهر مکه است، یا منزلی که در شهر مکه دارد و هم چنین در منی و عرفات؟

ج - مراد از منزل محل نزول است در مقابل حال طی طریق، پس در شهر مکه و منی و عرفات و قهوه خانه‌های بین راه و امثال آن، برای محرم بعد از منزل کردن تا قبل از کوچ کردن استظلال مانعی ندارد، هر چند در حال آمد و شد برای حوائج باشد.

۴۶۱ س - آیا محرم به محض وصول به مکه میتواند استظلال نماید، و یا بایستی به منزل برسد و بعد از اتخاذ منزل جایز است؟
ج - مکه منزل است، و با رسیدن به آن استظلال مانع ندارد.

۴۶۲ س - کسانی که از مسجد الحرام برای حج محرم میشوند و از مسجد الحرام در ماشین سقف دار سوار میشوند و مثلاً در عزیزیه که منزل ایشان است پیاده میشوند، آیا سوار شدن در اتومبیل سقف دار از مسجد الحرام به منزل چه صورت دارد، و اگر پیاده نشوند و از اول قصد عرفات داشته باشند حکم چیست؟
ج - مانع ندارد.

۴۶۳ س - کسی که از تنعیم محرم میشود با فرض آن که فعلاً داخل مکه قرار گرفته است استظلال برای او چه حکمی دارد؟
ج - در فرض سؤال استظلال مانع ندارد.

۴۶۴ س - آیا در حال احرام میتواند دندانی را که شدیداً درد دارد و دکتر سفارش میکند که آن را بکشید، کشید، گرچه باعث خونریزی شود؟

ج - در صورت ضرورت مانع ندارد، ولی بنابر احتیاط کفاره دارد.

۴۶۵ س - هر گاه محرم سر خود را با چیز دوخته بپوشاند آیا يك کفاره باید بدهد یا دو کفاره؟

ج - باید دو کفاره بدهد مگر در صورت جهل و نسیان.

۴۶۶ س - آیا سب و لعن غیر مؤمنین و یا مفاخره بر کفار و مخالفین از تروك احرام است؟

ج - از تروك احرام نیست.

حدود حرم

حرم به محدوده‌ای گفته میشود که اطراف کعبه را احاطه کرده است و جبرئیل امین به امر الهی برای حضرت ابراهیم خلیل (علیه السلام) حدود آن را مشخص فرموده، و آن حضرت علائمی را برای شناسایی آنها در آن حدود نصب کرده‌اند، و آن علائم به جهت فرسودگی در اعصار مختلف تجدید بنا میشد، تا آن که در زمان رسول خدا پیامبر خاتم (صلی الله علیه وآله و سلم) آن علائم دگر بار تثبیت گردید، و تا به حال با ترمیم و تجدید بنا محفوظ نگاه داشته شده است، و در اینجا لازم است حدود تعیین شده را با اشاره به مقدار مسافت آنها نسبت به مسجد الحرام ذکر نماییم.

۱ - در ناحیه شمال در طریق مدینه منوره مکانی به نام تنعیم است، که به مسجد العمرة نیز شهرت دارد، و فاصله آن تا مسجد الحرام حدود ۶۱۴۸ متر است.

۲ - در ناحیه غرب از طریق جده مکانی است به نام "علمین" یا "حدیبیه" که فاصله آن تا مسجد الحرام حدود ۴۸ کیلو متر است.

۳ - در ناحیه شرق در راه نجد محلی به نام "جعرانه" است، که فاصله آن تا مسجد الحرام حدود ۳۰ کیلومتر است.

۴ - در ناحیه جنوب در راه عرفه مکانی به نام "نمره" است،

که فاصله آن تا مسجد الحرام حدود ۵ / ۱۲۰۹ متر است. این حدود تعیین شده خارج از حرم وادنی الحل محسوب میشوند، و داخل این حدود حرم امن الهی است، و احکامی مختص به خود دارد، که به عمده آنها اشاره میکنیم:

- ۱ - صید در حرم حرام است
- ۲ - کندن درخت و گیاه حرم جایز نیست.
- ۳ - انتقال خاك و سنگ حرام بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.
- ۴ - ورود كفار به حرم چه به قصد ماندن و چه به قصد مرور ممنوع است.
- ۵ - اگر کسی چیزی را در حرم پیدا کرد نباید آن را بر دارد، و اگر برداشت باید تا يك سال كامل اعلان نماید تا صاحبش پیدا شود، و در صورتی که پس از يك سال پیدا نشد مخیر است که آن را صدقه داده و یا باز هم برای صاحبش حفظ نماید، و تملك آن برای خود پس از یأس از پیدا شدن صاحبش جایز نیست.
- ۶ - دفن کافر در حرم جایز نیست، و اگر دفن شود واجب است نبش قبر نمایند، و بدن او را به بیرون حرم منتقل کنند.
- ۷ - انجام امور عبادی در حرم اجر مضاعف دارد. خصوصیات دیگری نیز دارد که به جهت اختصار از ذکر آن خودداری گردید.

طواف

طواف در عمره تمتع يك بار در هفت شوط (دور) و در حج تمتع، حج قران، حج افراد و عمره مفرده دو بار واجب است. طواف اول در حج و عمره ركن است، و با ترك عمدی آن حج و عمره باطل میشود، و طواف دوم که طواف نساء است ركن نیست.

مسأله ۴۶۷ - بر طواف کننده واجب است آن را با نیت انجام دهد، و اگر در عمره تمتع عمدا طواف را ترك کند به طوری که قبل از وقوف به عرفات متمکن از انجام آن نباشد عمره اش باطل و حجش مبدل به حج افراد میشود، و در احرام باقی ممانند و به عرفات مرود، و پس از اتمام اعمال حج باید عمره مفرده ای بجای آورد، در سال آینده نیز حج را قضا نماید.

مسأله ۴۶۸ - کسی که به جهت جهل به مسأله طواف عمره تمتع را ترك نماید حکم عامد را دارد، و اگر به جهت فراموشی طواف را ترك کند، باید هر گاه متذکر شد آن را فوراً قضا نماید، اگر چه پس از

انجام مناسك و خروج از ذیحجه باشد، و پس از طواف، سعی را نیز باید اعاده کند، و چنانچه از مکه خارج شده باید برگردد هر چند به وطن رسیده باشد، و خودش انجام دهد، و اگر برای او بازگشت به مکه برای انجام طواف موجب عسر و حرج است باید نایب بگیرد تا برای او ولو در سال آینده طواف نماید.

مسأله ۴۶۹ - کسی که برای قضاء طواف مراجعت به مکه میکند اگر بیش از يك ماه از محل شدن او گذشته باشد. باید محرم به احرام عمره مفرده شود و با آن احرام طواف قضا و سعی را انجام دهد و به انجام اعمال عمره مفرده پردازد، و اگر يك ماه از محل شدن او نگذشته جایز است بدون احرام داخل مکه شود، و طواف را با همان احرام سابق انجام دهد، و سعی را نیز تکرار نماید.

مسأله ۴۷۰ - اگر طواف عمره را غیر صحیح بجای آورده باشد، عمره او باطل است، و اگر طواف حج را غیر صحیح انجام داده باشد اگر چه طواف کننده جاهل باشد، حج او باطل است.

مسأله ۴۷۱ - اگر طواف کننده از روی فراموشی طواف را غیر صحیح انجام داده، مثلا داخل در حجر شده، و یا بدون طهارت طواف کرده است، بعید نیست مثل فراموش کردن خود طواف باشد، که حکم آن قبلا گفته شد.

مسأله ۴۷۲ - اگر مریض شخصا قادر به طواف نباشد، چنانچه ممکن است به کمک دیگری و تکیه بر او طواف را بجای آورد، و یا دیگری او را حمل نماید و در صورتی که با حمل هم قادر بر طواف نباشد باید برای انجام طواف نایب بگیرد.

مسأله ۴۷۳ - اگر زن قبل از طواف حائض یا نفساء گردید، باید تا وقت وقوف به عرفات صبر کند، پس اگر زمانی پاك شود که به مقدار طواف قبل از وقوف اختیاری عرفات ولو وقوف اضطراری فرصت داشته باشد لازم است عمره را تمام نموده، و سپس به عرفات برود، و اگر نه حج او بدل به افراد میشود، و با همان احرام به عرفات مرود، و بقیه اعمال را انجام مدهد، و سپس عمره مفرده‌ای نیز بجا مآورد.

مسأله ۴۷۴ - چنانچه زنی که اعمال عمره تمتع خود را به جهت عادت شدن انجام نداده است صبح روز نهم در عرفات پاك شود، واجب است در صورتی که ممکن است به مکه بیاید و اعمال عمره تمتع را بجای آورد، و محرم به احرام حج شده، و برای درك وقوف به عرفات بر گردد، و اگر برای او آمدن به مکه به جهت ازدحام در مسیر و یا نداشتن همراه امکان نداشته باشد، باید به وظیفه حج افراد عمل نماید.

شروط طواف

- ۱ - طهارت از حدث اصغر و حدث اکبر در طواف واجب
مسأله ۴۷۵ - در طواف مستحب داشتن وضو شرط نیست، ولی چون طواف در مسجد الحرام انجام میشود باید از حدث اکبر طاهر باشد، و برای نماز طواف نیز باید وضو بگیرد.
- مسأله ۴۷۶ - برای معذور تیمم جایگزین وضو و یا غسل میشود، و در غیر جنابت علاوه بر تیمم بدل از غسل در صورت تمکن باید وضو هم بگیرد، و اگر نه بجای وضو نیز مجددا تیمم نماید، و احتیاط مستحب آن است که جنب متیمم پس از آن که خودش طواف کرد نایب هم بگیرد.
- مسأله ۴۷۷ - بنا بر احتیاط، مبطون و مسلوس باید خود را از تعدی نجاست حفظ کرده طواف نماید، و پس از طواف خود، نایب هم بگیرد.
- مسأله ۴۷۸ - اگر کسی بعد از طواف متوجه شود که تمام طواف واجب را بدون طهارت بجای آورده است، اعاده آن بعد از تحصیل طهارت بر او واجب است.

مسأله ۴۷۹ - کسی که در اثناء طواف و قبل از گذشتن از نصف محدث شود باید طوافش را پس از طهارت از اول شروع نماید، و اگر پس از گذشتن از نصف محدث شود باید پس از تحصیل طهارت، از موضعی که محدث شده آن را ادامه دهد، و طوافش صحیح است.

مسأله ۴۸۰ - کسی که بعد از تمام شدن طواف نسبت به طهارت در حال طواف شك کند نباید به شكش اعتنا کند، و طوافش صحیح است.

مسأله ۴۸۱ - اگر قبل از طواف و یا در اثناء آن در طهارت خود شك کند، در صورتی که یقین به طهارت قبلی داشته و فعلا شك در حدث دارد، بنا را بر طهارت گذارد، و اگر یقین به حدث داشته و شك در طهارت بعدی دارد باید وضو گرفته و سپس طواف نماید. ۲ و ۳ - طهارت بدن و لباس

مسأله ۴۸۲ - برای صحت طواف شرط است که بدن و لباس طواف کننده از همه نجاسات حتی نجاساتی که در نماز معفو است (مثل خون کمتر از درهم یا خون قروح و جروح) پاك باشد، بلی اگر اجتناب از خون قروح و جروح مشقت داشته باشد طواف با آن جایز است.

مسأله ۴۸۳ - اگر پس از طواف علم به نجاست بدن یا لباس پیدا کند طوافش صحیح است، و اگر در اثناء طواف متوجه نجاست بدن و لباس گردید و یا نجاستی بر آن عارض شد چنانچه ممکن است در اثناء طواف بدون انجام عمل منافی با طواف، نجاست را بر طرف نماید (مثلا لباس نجس اضافی را بیرون آورد) در این صورت از ازاله نجاست کرده، و طواف را تمام منماید، و چنانچه متمکن از ازاله نجاست در اثناء طواف نیست، و اگر به سه شوط و نصف نرسیده، پس از ازاله نجاست طواف را از نو شروع کند، و اگر به چهار شوط رسیده بعد از آن که لباس و بدن را بیرون از طواف، تطهیر کرد، طوافش را تکمیل نماید، و اگر بین سه و نیم و چهار شوط است احتیاطا بعد از تطهیر، طواف را تتمیم کرده و نماز طواف را بخواند و دوباره نماز و طواف را تجدید نماید.

مسأله ۴۸۴ - کسی که در اثر فراموشی، با بدن یا لباس نجس طواف کرده، بنابر اقوی پس از توجه باید طواف را اعاده کند.

۴ - ختان برای مردان

مسأله ۴۸۵ - ختنه برای مردان و هم چنین پسران نا بالغ شرط صحت طواف است. بنابر این اگر بچه ختنه نشده را ولی او محرم کند و طواف دهد، ازدواج برای او جایز نیست مگر آن که پس از ختان در صورت تمکن خودش و در غیر این صورت نایش، طواف حج و سعی (و تقصیر را بنابر احتیاط واجب) و طواف نساء را مجددا انجام دهد.

۵ - ستر عورت

مسأله ۴۸۶ - ستر عورت به مقداری که در نماز واجب است در طواف نیز لازم است، و طواف عریان اگر چه ناظری هم وجود نداشته باشد باطل است.

۶ - مباح بودن لباس

مسأله ۴۸۷ - اگر جامه احرام و یا کفش و یا لباسهای دیگر شخص طواف کننده غصبی باشد طواف باطل است.

۷ - نیت

مسأله ۴۸۸ - طواف کننده باید طواف را به عنوان امثال فرمان الهی انجام دهد، و لازم است نوع طواف را مشخص نماید که طواف عمره است، یا طواف حج، یا طواف نساء و.....

واجبات طواف

واجبات طواف هفت چیز است:

۱ - ابتداء و ختم طواف به حجر الاسود.

بنابر این شروع به طواف از غیر آن و ختم به غیر آن صحیح نیست، و محاذات عرفی با حجر در ابتدا و انتهای طواف کافی است، ولی لازم است کمی قبل از رسیدن به مقابل حجر، نیت کند تا طواف از ابتدای محل شروع گردد، و این مقدار اضافه طواف که از باب مقدمه علمیه انجام میگیرد اشکال ندارد.

۲ - سمت چپ قرار گرفتن خانه کعبه.

در هنگام طواف خانه کعبه عرفاً باید سمت چپ طواف کننده قرار گیرد، و دقت عقلیه در این امر لازم نیست، پس اگر در هنگام طواف، خانه کعبه در سمت راست قرار گیرد، و یا پشت به خانه و یا

رو به خانه طواف کند، ولو به يك قدم (عمدا و یا سهوا)، هر چند به جهت ازدحام جمعیت باشد، آن مقدار از طواف صحیح نیست، و باید پس از تدارك، بقیه طواف را بجا آورد. بنابر این اگر در اثناء طواف کسی قصد بوسیدن بیت را دارد، برای این که طواف او مورد اشکال قرار نگیرد باید کاملا این مسأله را رعایت نماید، و چنانچه به علت ازدحام، رعایت این مسأله، با بوسیدن بیت و یا انجام سایر مستحبات ممکن نیست، لازم است با صرف نظر از انجام مستحبات سعی کند که طواف به نحو صحیح انجام گردد.

۳ - داخل نمودن حجر اسماعیل (۱) در طواف.
اگر طواف کننده در هنگام طواف داخل در حجر گردد، آن شوط از طواف باطل میشود، و باید مجددا آن شوط را انجام داده و طواف را تکمیل نماید، و پس از تکمیل طواف و نماز آن، احتیاط به اعاده طواف و نماز طواف ترك نشود.

(۱) حجر اسماعیل محلی در کنار بیت است، که مدفن حضرت اسماعیل (علیه السلام) و مادرش هاجر، و عده‌ای از انبیاء دیگر است.

۴ - خارج بودن تمام بدن از حجر اسماعیل و بیت و هر چیزی که از بیت شمرده میشود.

بنابر این طواف از داخل بیت یا بر دیوار حجر اسماعیل و یا بر شاذروان (۱) کعبه صحیح نیست، و اگر قسمتی از طواف به این نحو انجام گیرد تدارك آن لازم است، بلکه احتیاط واجب آن است که در حال طواف دیوار بیت را مسح نکند، و بر روی دیوار حجر اسماعیل دست نگذارد.

۵ - انجام طواف بین خانه و مقام حضرت ابراهیم (ع).

بنابر احتیاط واجب باید طواف بین خانه و مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) انجام گیرد، و مراعات این مقدار فاصله با بیت که حدود ۵ / ۲۶ ذراع است، در جمیع جوانب در طول طواف لازم است، لکن در طرف حجر این فاصله از دیوار حجر به بعد محاسبه مگردد.

مسأله ۴۸۹ - در صورت ازدحام طواف کنندگان، تا حدی که عرفاً اتصال آنان محفوظ باشد، در فاصله بیشتر از حد مذکور، در پشت مقام ابراهیم (علیه السلام) نیز طواف صحیح است، و در این حال تفاوتی بین مضطر و غیر آن نیست.

(۱) شاذروان قسمت سنگ چین پایین خانه کعبه است، که در بناء جدید بیرون از خانه مانده است.

۶ - انجام طواف در هفت شوط.
مسأله ۴۹۰ - اگر شخصی در ابتداء یا در بین طواف قصد کمتر یا بیشتر نمودن طواف واجب را بنماید بنا بر احتیاط واجب، طواف او باطل، و کم و زیاد کردن طواف به قصد تشریح معصیت است.
مسأله ۴۹۱ - اضافه کردن مقدار کمی قبل از شروع طواف، و یا پس از آن از باب مقدمه علمیه (به جهت مطمئن شدن به انجام مقدار لازم طواف) اشکال ندارد.
مسأله ۴۹۲ - اگر سهوا کمتر از يك دور طواف اضافه کرده باشد واجب است آن را قطع نماید، و طواف او صحیح است، و اگر طواف سهوی يك دور کامل یا بیشتر شود، احتیاط مستحب آن است که به قصد استحباب آن را تا هفت شوط تکمیل نماید، و سپس قبل از سعی، نماز طواف واجب را بخواند، و بعد از سعی، نماز طواف مستحب را بجای آورد.
۷ - موالات در طواف.
یعنی طواف را پی در پی انجام دهد، و در بین طواف کاری نکند که عرفا منافی موالات باشد.
مسأله ۴۹۳ - موالات از شرایط طواف واجب است، و در طواف مستحب موالات شرط نیست.

مسأله ۴۹۴ - اگر شخصی قبل از خارج شدن از مطاف، و قبل از به هم خوردن موالات، متوجه ناقص بودن هفت شوط شود، چه يك دور كامل باشد يا کمتر، و چه طواف واجب و چه مستحب، بايد آن را تکميل نمايد، و اگر پس از به هم خوردن موالات باشد، در طواف مستحب بايد نقص را تکميل کند، و طواف او صحيح است، و در طواف واجب اگر نقص سهوی باشد و چهار شوط را تمام کرده باشد بايد بقيه را تکميل کند، و در صورتی که کمتر از چهار شوط طواف کرده باشد، بايد تمام طواف را مجدداً انجام دهد. و اگر از سه و نیم گذشته و به چهار نرسیده است احتیاط در تکميل اشواط و اعاده است.

مسأله ۴۹۵ - کسی که بعضی از اشواط را فراموش کند، و بعد از خروج از مکه متوجه شود، حکمش حکم کسی است که تمام طواف را فراموش کرده است که در مسأله ۴۶۸ گذشت.

مسأله ۴۹۶ - اگر بعد از فراغ از طواف در صحت طواف و یا در عدد اشواط شك کند، چنانچه يك طرف شك هفت باشد، به شك خود اعتنا ننماید، و بنا را بر صحت گذارد، و نیز اگر در پایان شوط هفتم شك کرد که شوط هفتم طواف او است یا شوط هشتم، اعتناء به شك نکند، و طواف او صحيح است.

مسأله ۴۹۷ - اگر در صحت طواف واجب، یا عدد اشواط آن در اثناء طواف شك کند چه نزد رکن باشد یا قبل از آن، و چه شك بین شش و هفت باشد و یا پنج و شش و یا کمتر، و چه احتمال زیاده بدهد و یا احتمال ندهد، طواف او باطل است، و باید آن را از نو بجا آورد، ولی در طواف مستحبی بنا را بر اقل گذارده، و آن را تکمیل نماید، و اعاده لازم نیست.

مسأله ۴۹۸ - اگر عمدا یک دور یا بیشتر از یک دور به طواف بیافزاید، و به قصد آن که جزء طواف دیگر باشد، قران بین طوافین است که در طواف مستحب مکروه، و در طواف واجب حرام است بلکه بنا بر احتیاط واجب سبب بطلان طواف نیز میشود، چه از اول این قصد را داشته باشد، و یا در بین طواف و یا آخر آن قصد کرده باشد، ولی اضافه کردن به طواف به قصد لغویت آن مقدار، ضرری به طواف نمزند.

مسأله ۴۹۹ - اگر ازدحام جمعیت انسان را مقداری در طواف جلو ببرد، در صورتی که به کلی اختیار از او گرفته نشود، و قصد طواف داشته باشد، طواف او اشکال ندارد.

مسأله ۵۰۰ - طواف وسعی با چرخهای معمول، یا نشستن در طبق، یا سوار شدن بر دوش دیگران، در حال اختیار نیز اشکال ندارد، ولی اگر با پای خود طواف کند ثواب آن زیادتر است، و توجه به این نکته ضروری است که در حال طواف و سعی شخص باید قصد طواف و التفات به آن داشته باشد، بنابر این طواف وسعی افرادی که روی چرخ و یا طبق طواف وسعی میکنند اگر در حال طواف وسعی به خواب روند محل اشکال است.

مسائل متفرقه طواف

۵۰۱ س - اگر کسی در حج تمتع به تصور این که فقط طواف نساء واجب است طواف زیارت را ترك نموده، و تنها طواف نساء و نماز آن را انجام داده تکلیفش چیست؟

ج - در فرض سؤال، که طواف حج از جهت جهل به مسأله ترك شده حج باطل است، و باید در سال بعد بجا آورد، و نظر به این که محتمل است از احرام بیرون نیامده باشد، احتیاطاً از نزدیکی با زن قبل از انجام اعمال عمره مفرده دوری کند.

۵۰۲ س - شخصی در سال گذشته که حج تمتع واجب خود را انجام نداده، تنها نماز طواف را به گمان این که کفایت میکند بدون طواف، انجام داده است و سپس باقی اعمال را انجام داده، آیا چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - با فرض این که طواف حج را از روی جهل به مسأله ترك کرده، و به محالش برگشته است باید حج را اعاده کند. و احتیاطاً از نزدیکی با زن قبل از انجام اعمال عمره مفرده دوری کند.

۵۰۳ س - اگر کسی طواف را فراموش کند، آیا میتواند در ماههای غیر حج انجام دهد؟

ج - مانع ندارد، و پس از انجام طواف، سعی را اعاده نماید.

۵۰۴ س - اگر کسی طواف عمره را فراموش کرد، و یا آن را ناقص انجام داد و در عرفات به یاد آورد، تکلیف چیست؟ و آیا انجام و یا تتمیم آن فوریت دارد.

ج - اگر امکان مراجعت و انجام اعمال و رسیدن به وقوف را دارد باید برگردد، و الا میتواند بعد از اعمال منی آن را تدارک کند.

۵۰۵ س - کسی که بعد از تقصیر در عمره تمتع متوجه شود که وضوی او باطل بوده یا وضو نداشته، و با این حال طواف کرده و نماز طواف خوانده است، وظیفه او چیست؟

ج - طواف و نماز سعی و تقصیر را اعاده کند، و عمره او صحیح است.

۵۰۶ س - کسی در شوط آخر محدث شده است، و بدون

طهارت شوط را اتمام کرده، و بعد وضو گرفته و طواف را اعاده نموده است، و نماز سعی و تقصیر را انجام داده است، آیا صحیح است و وظیفه او چیست؟

ج - اقوی صحت عمره و حج تمتع است، ولی باید قسمتی از طواف را که بی وضو انجام داده با وضو بجا آورد، و بعد از آن نماز طواف بخواند.

۵۰۷ س - کسی که وظیفه او وضوی جبیره‌ای و تیمم است اما از روی جهل، بدون تیمم اعمال عمره را انجام داده است، وظیفه او چیست؟

ج - اگر وقت انجام عمل نگذشته، طواف و نماز آن سعی و تقصیر را اعاده نماید.

۵۰۸ س - کسی که وظیفه او تیمم بدل از وضو و یا بدل از غسل است ولی بجای تیمم وضو گرفته و یا غسل کرده است، و طواف و نماز خود را بجای آورده تکلیفش چیست؟

ج - اگر وقت انجام عمل نگذشته، باید تیمم کند و طواف و نماز سعی و تقصیر را اعاده نماید.

۵۰۹ س - زنی که در پشت ناخن و انگشتهای او، لاک چسبیده، و با این کیفیت، اعمال حج را بجا آورده، و نمدانسته که این رنگ لاک، مانع برای وضو و غسل میباشد در این صورت آیا اعمال او صحیح است یا خیر؟ و چنانچه پس از انجام اعمال حج، متوجه شود چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - در فرض سؤال، طواف او باطل است، و احرام او باقی است، و اگر در ذیحجه در مکه متوجه شود بعد از ازاله مانع، غسل یا وضو بگیرد، و طواف حج و سعی و طواف نساء را بجا آورد و عمره مفرده نیز بجا آورد با طواف نساء، و محل شود، و در سال بعد حج واجب را بجا آورد، و اگر بعد از ذیحجه متوجه بطلان طواف شود، عمره مفرده بجا آورده، و چنانچه در خارج از میقات باشد

لازم است مجددا در میقات رجاء محرم شود و به مکه برود، و اعمال عمره مفرده را با طواف نساء بجا آورد تا محل شود، و در سال بعد حج واجب خود را بجا آورد.

۵۱۰ س - شخصی در طواف عمره تمتع در اثر فشار احساس میکند که لنگ احرامش تر و نجس شده، ولی اعتنا نمکند، و با همان حال طواف را تمام میکند، و نماز طواف وسعی و تقصیر را انجام میدهد، و به منزل مرود، بعد از بررسی مسیبت مقدار میباید نجاست خارج شده و احرامش را آلوده کرده است، یقین پیدا میکند که در همان حال طواف چنین شده است، بعد از اعمال حج و مراجعت به وطن به او مگویند باطل است، مستدعی است حکم الله را با توجه به این که نماز و سعی را هم با همان حال انجام داده در باره این شخص بفرمایید، و اگر اعمالش باطل باشد آیا هنوز در حال احرام است یا خیر؟

ج - حکم حدث در اثناء طواف را دارد، طواف باطل است، و تفصیل آن در محل خود ذکر شده است.

۵۱۱ س - شخص حاج که نمیتواند در حال طواف از ادرار خود جلوگیری کند، آیا باید طواف را خودش انجام دهد یا نایب بگیرد؟

ج - حکم طواف مسلوس حکم نماز است و مبطلون نایب بگیرد، و احتیاط این است که خودش بجا آورد و نایب هم بگیرد.

۵۱۲ س - شخصی عمل جراحی انجام داده است، و فعلاً کیسه‌ای بسته است که بول او قطره قطره در آن کیسه مریزد، لکن نه از مجرای بول، بلکه از موضع جراحی که در پهلو قرار داده‌اند، آیا این شخص حکم مسلوس را دارد؟ و هم چنین کسی که در اثر جراحی مدفوع او در کیسه مخصوص مریزد، آیا حکم مبطون را دارد یا خیر؟

ج - حکم مسلوس و مبطون را دارند.

۵۱۳ س - شخصی هستم که در هر پنج دقیقه الی ده دقیقه احتیاج به آب دارم آیا میتوانم با این حال، عمل حج انجام دهم؟

ج - اگر توانستید، طواف و نماز آن را با وضو انجام دهید، و اگر فقط طواف را متوانید با وضو انجام دهید جایز است بعد از تمام شدن طواف وضو را تجدید کنید، و نماز آن را بخوانید، و اگر تمام طواف را نیز نمیتوانید با يك وضو بجا آورید چهار شوط آن را بجا آورید، و بعد تجدید وضو نموده، سه شوط دیگر آن را انجام دهید، و نماز طواف را بخوانید، و اگر بتوانید طواف را به یکی از طرق مرقومه انجام دهید طواف صحیح است، و بقیه اعمال حج، مشروط به طهارت نیست.

۵۱۴ س - شخصی غسل جنابت را فراموش کرده و با همان حال اعمال مکه را بجا آورده، و بعداً متذکر شده، اکنون تکلیف او چیست، و بین کسی که در ضمن اعمال حج، غسل مستحبی

نموده، فرقی هست یا نه؟ و بنابر لزوم قضاء نساك مشروط به طهارت، معتبر است که در طول ذیحجه باشد یا نه و وظیفه او نسبت به مباشرت با زنان چیست؟ ج - به نظر حقیر بنابر احتیاط، غسل مستحبی کفایت از غسل

واجب نمکند، چنانچه قبل از شروع به اعمال، غسل مستحبی بجا آورده، در این مسأله رجوع کند به کسانی که غسل مستحبی را کافی از غسل واجب بدانند، و در این صورت حج صحیح و چیزی بر او نیست، و اگر غسل مستحبی بجا نیاورده نیز حج صحیح است، ولی واجب است طواف عمره تمتع و طواف حج را با نماز آنها قضا کند، هر چند بعد از ماه ذیحجه باشد، و احتیاطاً سعی را بعد از هر يك از این دو طواف بجا آورد، و اگر نمیتواند نایب بگیرد، و باید از مباشرت با زن اجتناب کند، و چون شرط نیست که طواف نساء در ماه ذیحجه بجا آورده شود، میتواند خودش برود و بجا آورد، و میتواند هم نایب بگیرد هر چند در غیر ذیحجه باشد.

۵۱۵ س - شخصی بین الاحرامین جنب شده، و فراموش کرده که غسل کند و همه اعمال حج را با حالت جنابت انجام داده، اکنون با توجه به این که جز طواف و نماز آن، بقیه اعمال حج مشروط به طهارت نیست، و این که ترك طواف در صورتی مبطل است که از روی عمد و جهل باشد نه صورت نسیان، و ضمناً مفرماینده غیر

متمکن از طهورین، در حکم غیر متمکن از طواف است، آیا نمیشود ناسی شرط را در حکم ناسی اصل دانست؟ و همان طوری که نسیان اصل طواف به موجب روایات صحیح معتبره قابل تدارك و جبران است، نسیان شرط را در حکم نسیان اصل، بدانیم؟ چه دلیلی بر بطلان حج چنین آدمی است با آن که به مقتضای نفی حرج و حدیث رفع، معذور است؟

ج - در فرض سؤال بعید نیست که نسیان شرط - طهارت - ملحق به نسیان اصل طواف باشد، وعلی هذا حج صحیح است، و باید طواف حج و نماز آن و طواف نساء و نماز آن را با طهارت انجام دهد، و احتیاطاً سعی را نیز اعاده نماید، و اگر از مکه برگشته و به وطن آمده، در صورت تمکن خودش، و الا نایب بگیرد تا طوافین و سعی را بجا آورد، هر چند در غیر موقع حج باشد، و چون در این مسأله به فتوای صحت از علماء اعلام بر خورد نکرده‌ام، بلکه اطلاق کلماتشان، ظهور در بطلان دارد احتیاط آنست که سال دیگر خودش، و اگر خودش متمکن نیست نایب بگیرد تا حج تمتع بجا آورد، و تمسك به نفی حرج و حدیث رفع در این مورد به نظر حقیر تمام نیست، و تفصیل آن محتاج به مجال و بحث بیشتر است.

۵۱۶ س - شخصی سهوا غسل مس میت را نکرده، بعد از اتمام اعمال حج در وطن یادش آمده که غسل مس میت را انجام نداده، آیا تکلیف این شخص، حج مجدد است یا نه؟

ج - اگر بعد از مس میت و قبل از حج، غسل جنابت بجا آورده باشد حج او صحیح است، و اگر بجا نیاورده باشد نظر به این که این جانب اجزاء اغسال مستحبه را از غسل واجب مشکل بدانم، اگر برای احرام غسل کرده باشد، یا غسل مستحبی دیگری نموده باشد، به هر يك از مراجع تقلید که غسل مستحبی را از سایر اغسال مجزی بدانند رجوع، و بنا را بر صحت حج بگذارد.

۵۱۷ س - زنی هستم که چند سال قبل به مکه مشرف شدم، موقعی که در مدینه بودم در روز ششم عادت زنانگی، خود را پاك دیدم و عادت من همیشه بین هفت تا ده روز بوده است، غسل کردم و عازم مکه شدم، و در مکه مشاهده نمودم که پاك هستم. پس از طواف، لکه خونی دیدم، غسل نموده به عرفات رفتم، و در آنجا محتمل شدم، و غسل کردم، عصر همان روز مجددا در عرفات لکه خون دیدم و مجددا غسل کردم، لکن نمودم غسل ما في الذمه کردم یا نه؟ بفرمایید حج من چه صورت دارد؟

ج - در فرض مسأله که در ایام عادت خودتان بین هفت تا ده لکه خون دیده‌اید حج شما مبدل به حج افراد شده، و چنانچه طواف زیارت و طواف نساء را با طهارت انجام داده باشید حج شما صحیح است، و آنچه فعلا بر شما واجب است يك عمره مفرده است، اگر متمکن شوید خود بجا آورید و الا نایب بگیرید تا برای شما بجا آورد، و احتیاط استحبابی آن است که مجددا حج تمتع را علاوه بر عمره مفرده بجا آورید.

۵۱۸ س - زنی به تصور این که پاك شده است، طواف انجام
مدهد، و در اثناء سعی متوجه میشود که هنوز پاك نشده است،
آیا سعی او نیز باطل است، و اگر بعد از سعی متوجه شود
چگونه است؟

ج - در فرض اول سعی را قطع کند و پس از پاك شدن از حیض،
طواف و نماز را اعاده کند، و احتیاط آن است که پس از اعاده طواف
و نماز، سعی را اتمام و اعاده نماید، و در فرض دوم نیز اعاده طواف
و نماز لازم، و اعاده سعی مبنی بر احتیاط است.

۵۱۹ س - زنی عمره تمتع را انجام داد، بعد متوجه شد که طواف
او باطل بوده است، قبل از اعاده طواف ملاحظه نمود که عذر زنانه
دارد، تکلیف او چیست؟

ج - هر وقت عذر او مرتفع شد، طواف و نماز را اعاده کند،
و اگر قبل از وقوف، پاك نمیشود و بطلان طواف از جهت جهل
به مسأله باشد، حج او قهرا مبدل به افراد شده، و پس از حج باید
عمره مفرده بجای آورد، و احتیاطا حج را اعاده کند.

۵۲۰ س - تکلیف زن مضطر به در طواف چگونه است؟
ج - به نحوی که در نماز عمل میکنند، در طواف نیز عمل نماید.

۵۲۱ س - اگر زن در شوط چهارم یا پنجم طواف عمره تمتع حائض شود، و مداند تا قبل از عرفات پاك نخواهد شد آیا میتواند نایب بگیرد یا حج او مبدل به افراد میشود؟

ج - بعد از شوط چهارم اگر زن حائض شود عمره تمتع او صحیح است، و سعی و تقصیر را با همان حال حیض انجام دهد، و در موقع حج محرم به احرام حج تمتع شود، و بعد از پاك شدن، قضای باقیمانده از طواف عمره را بجا آورد، و اگر تا وقت حرکت همراهان از مکه پاك نشد، و ناچار است با آنها برود، جایز است برای طواف حج و هم چنین قضای باقیمانده طواف عمره، نایب بگیرد.

۵۲۲ س - اگر زن در عمره تمتع بعد از سه شوط و نیم و قبل از چهار شوط، حائض شد و تا قبل از رفتن به عرفات، پاك نمیشود، وظیفه او چیست؟

ج - طواف را رها نموده، سعی و تقصیر را احتیاطاً انجام دهد، و تروك احرام را ترك نماید، و رجاء محرم به احرام حج تمتع شود، و اعمال آن را به قصد ما فی الذمه از تمتع و افراد انجام دهد، و پس از پاك شدن، ابتدا طواف ناقص عمره را تکمیل نموده، نماز بخواند و سپس بقیه طوافها را بجای آورد، و احتیاطاً عمره مفرده نیز انجام دهد.

۵۲۳ - اگر زن پس از اعمال حج، اثر عادت در خود ببیند، و شك کند که پیش از انجام عمل حیض شده، یا بعد از تمام شدن اعمال، حج او صحیح است یا خیر؟

ج - اعتنا به این شك نکند، و حج او محکوم به صحت است.

۵۲۴ س - در صورتی که زنها بتوانند با خوردن قرص، عادت زنانه را عقب بپندازند تا بتوانند عمره را تمام نموده و محرم به حج شوند، و مجبور نشوند احرام عمره را بدل به احرام حج نمایند، آیا خوردن قرص و عقب انداختن عادت لازم است یا نه؟

ج - تأخیر انداختن عادت، لازم نیست.

۵۲۵ س - زنی که به واسطه خوردن قرص و یا تزریق آمپول جلو عادت زنانه را گرفته، لکن در ایام عادت روزی يك لحظه خون مبیند، آیا طواف و نماز با وضع مذکور صحیح است یا خیر؟

ج - باید اختبار کند، اگر تا سه روز متوالی داخل آلوده به خون است حیض است، و الا با انجام اعمال مستحاضه طواف و نماز او صحیح است.

۵۲۶ س - زنی در حال طواف، مستحاضه قلیله میشود، وظیفه او چیست؟

ج - اگر بعد از تمام شدن دور چهارم باشد، پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس طواف را تمام کند، و اگر در بین سه و نیم و چهار شوط باشد، به احتیاط واجب پس از تجدید وضو و تطهیر، آن را اتمام و سپس اعاده نماید، و اگر قبل از سه و نیم شوط باشد، اعاده لازم است.

۵۲۷ س - مستحاضه کثیره هر گاه برای نماز یومیه وظیفه‌اش را انجام داد، تجدید غسل بری طواف لازم است یا نه؟ و بر فرض لزوم غسل دیگری برای طواف، آیا همان غسل برای نماز طواف هم کافی است یا نه؟

ج - اگر بعد از غسل برای نماز یومیه خون نبیند تجدید غسل، لازم نیست، و اگر خون ببیند برای هر کدام از طواف و نماز طواف، يك غسل احتیاطا بجا آورد، و اگر فاصله بین غسل و طواف زیاد میشود مثل این که در نزدیک مسجد الحرام نتواند غسل کند، احتیاطا در موقع ورود به مسجد تیمم بدل از غسل هم بنماید.

۵۲۸ س - زن مستحاضه که باید برای هر نماز و طواف غسل کند طبق وظیفه‌اش غسل کرد و یا وضو گرفت و طواف را شروع کرد، بین طواف نماز ظهر شروع شد، نماز را خواند، و با همان طهارت اول، بعد از نماز، طواف را ادامه داد، آیا طوافش صحیح است؟

ج - اگر از هنگام غسل تا آخر طواف خون قطع بوده، طواف صحیح است، و در غیر این صورت احوط آن است که این طواف را تمام کند، و پس از غسل اعاده نماید.

۵۲۹ س - زن مستحاضه‌ای بعد از غسل و وضو مشغول طواف
 میشود، در اثناء طواف لك میبند، وظیفه او چیست؟
 ج - اگر خون او مستمر است و به وظیفه عمل کرده، با تحفظ از
 خروج خون چیزی بر او نیست، و در غیر این صورت حکم حدث جدید را دارد.
 ۵۳۰ س - هر گاه زن قرشیه پس از شصت سال، و غیر قرشیه
 پس از پنجاه سال، چند روز متوالی خون ببند که همه به اوصاف
 حیض باشد در طواف و نماز چه کند؟
 ج - حکم مستحاضه را دارد، و حکم حیض بر خون مزبور
 مترتب نیست، حتی در صورت توالی یا داشتن صفات.
 ۵۳۱ س - زنی به حساب شناسنامه، بیش از پنجاه سال شمسی
 دارد، و يك سال و نیم خون ندیده است، ولی در عرفات خون میبند،
 بنابر این آیا در یائسگی او میتوان تردید داشت یا نه،
 و وظیفه او چیست؟
 ج - اگر اطمینان دارد که پنجاه سال قمری او تمام شده، و سیده
 نیست، حکم مستحاضه را دارد.
 ۵۳۲ س - زنی که حیض نمیشود، ولی هر دو ماه يك بار، دو سه
 روزی لك و ترشحات میبند، وظیفه‌اش چیست؟
 ج - اگر خون تا سه روز استمرار ندارد، ولو به این نحو که
 پس از خارج شدن تا این مدت باطن فرج آلوده باشد، حکم
 استحاضه را دارد.

۵۳۳ س - زنی مسأله را نمدانست، بعد از پاك شدن از حیض، خیال مسکرده جنب است و لذا غسل جنابت را نیت مسکرد و با همین حال حج انجام داد، بفرمایید حج او چگونه است؟

ج - اگر منظور او غسل برای حدثی که از خون داشته است باشد و اسم آن را جنابت گذاشته، عملش صحیح است.

۵۳۴ س - کسی در شوط ششم طواف، نجاستی در بدن دیده، و یقین کرده که از شوطهای قبل این نجاست در بدن او بوده است، بدون توجه به مسأله، طواف را تکمیل کرده، و بعدا بدن را تطهیر نموده، و طواف را اعاده کرده است، و عمره را تمام کرده است، آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

ج - باید مقداری از طواف را که بعد از یقین به نجاست باقی مانده اعاده کند، و بعد نماز طواف را بخواند، و ظاهر این است که از احرام خارج شده، و عمل صحیح است.

۵۳۵ س - شخصی در حین طواف، اندکی خون در بینی خود مبیند، و آن را با دستمال پاك میکند، و طواف خود را تمام منماید، آیا این طواف صحیح است؟

ج - اگر ظاهر بینی او نجس شده باید بینی خود را آب بکشد، و طواف را تکمیل یا اعاده کند به تفصیلی که در محل خود ذکر شده، و اگر بدون تطهیر بینی، طواف را ادامه داده، احتیاط آن است که بعد از تکمیل و نماز، طواف و نماز را اعاده کند.

۵۳۶ س - حکم محمول متنجس در طواف چیست؟

ج - اگر ساتر نباشد اشکال ندارد.

۵۳۷ س - شخصی در حین تولد سر حشفه او مقداری ختنه

بوده، و به اصطلاح مختون غیبی بوده، دیگر او را ختنه نکردند و به

همان اکتفا شده، و با این حال حج نموده، در این صورت حج او

از جهت طواف و نماز و سایر مناسک اشکالی دارد یا نه؟ و اگر اشکال

پیدا کرده با اتیان عمره مفرده، جبران میشود یا نه، و نسبت به زن

چه حکمی دارد، به او حرام میشود یا نه؟

ج - اگر حشفه در غلاف نباشد و صدق اغلف نکند طواف و نماز

او صحیح است و اگر صدق کند که اغلف است بعد از ختنه شدن

طواف حج و طواف عمره و طواف نساء و نمازهای آنها را مجدداً باید

خودش، و در صورت عدم تمکن نایش بجا آورد، و تا طواف نساء

را بجا نیاورد زن بر او حلال نمیشود.

۵۳۸ س - بچه ای که ختنه نشده و محرم شده، آیا ولی او

میتواند بعد از احرام طفل از جانب طفل نیابت کند یا نه؟

ج - نیابت قبل از ختنه صحیح نیست و بعد از ختنه تا وقتی که آن

طفل خودش یا نایش طواف را بجا نیاورد از احرام خارج

نمیشود.

۵۳۹ س - اگر از قول اهل خبره اطمینان پیدا کند که ختان برای

او ضرر دارد، تکلیفش در طواف چیست؟

ج - خودش طواف کند، و بنابر احتیاط واجب نایب هم بگیرد.

۵۴۰ س - اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او که باید در حال طواف بپوشاند ظاهر باشد، آیا به طواف او ضرر می‌رساند یا نه؟ و اگر با ظاهر بودن موی سر طواف را انجام داده، طواف او باطل است یا نه

ج - طواف حکم نماز را دارد، و عدم رعایت ستر اگر عمدی باشد موجب بطلان طواف است، ولو جاهل باشد.

۵۴۱ س - حمل مغضوب در حال احرام خصوصاً در حال طواف چه صورت دارد؟

ج - اگر طواف موجب تصرف در مغضوب شود، باطل است.

۵۴۲ س - شخصی که با پول خمس نداده لباس احرام بخرد

و با آن محرم شده و طواف و نماز بجا آورد، وظیفه‌اش چیست؟

ج - اگر با عین پول خمس نداده لباس احرام بخرد اشکال دارد.

۵۴۳ س - اگر با پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه،

لباس احرام بخرد، آیا لازم است خمس آن را بدهد، و اگر نداد

طواف با آن چه صورت دارد؟

ج - با فرض شك لازم نیست خمس بدهد، و طواف صحیح

است، هر چند احتیاط مطلوب است.

۵۴۴ س - در مطاف چیزهایی از افراد مافتد از قبیل ساعت،

احرامی، و غیره، و کسانی که طواف میکنند پا روی آن میگذارند،

آیا برای طواف ضرر ندارد و موجب بطلان آن نمیشود؟

ج - موجب بطلان طواف نمیشود.

۵۴۵ س - اگر انسان مداند که پا گذاشتن روی احرامی دیگران موجب اذیت و عدم رضایت او میگردد، آیا این عدم رضایت او به طواف ضرر ندارد؟

ج - به طواف ضرر نمزند، ولی نباید موجب اذیت دیگران را فراهم آورد.

۵۴۶ س - اگر در حال طواف یا سعی، انسان مقداری غافل شود، مثلاً در مقداری از يك شوط یا در مقداری از هر يك از اشواط فکرش متوجه موضوعات دیگر شود و از سعی یا طواف غافل شود، همان طوری که در نماز هم اتفاق مافتد چه صورت دارد؟

ج - حضور قلب در طواف و نماز آن لازم است، و شرط قبول و کمال است، ولی غفلت در آن احیاناً موجب بطلان نیست، در صورتی که اصل طواف را با توجه و شرایط شروع کرده باشد، و اگر از او سؤال شود که چکار مکنی بگوید طواف میکنم، و همین طور در سعی.

۵۴۷ س - شخصی در اثناء طواف بر اثر فشار جمعیت چند گام به جلو رانده شده است. پس از آن به جای این که همان مقدار را جبران کند، شوط دیگری آورده، که مجموعاً هفت شوط تمام و يك شوط ناقص میشود، آیا این طواف صحیح است؟

ج - طواف او اشکال دارد و باید آن را اعاده کند.

۵۴۸ س - کسی نیت طواف را در دل گذرانده و به قصد طواف حرکت میکند، مقداری که مآید گمان میکند نیت طواف را باید به زبان بگوید، لذا بر مگردد و نیت را با زبان مگوید و طواف را از نو شروع میکند، آیا طوافش صحیح است یا خیر؟
ج - صحت طواف بعید نیست.

۵۴۹ س - کسی که مداند یا احتمال مدهد که مقداری از طوافش را بدون اختیار انجام مدهد، یعنی جمعیت او را مبرند، آیا میتواند از اول نسبت به آن مقداری که جمعیت او را مبرند نیز قصد طواف کند، و آن مقدار را مثل طواف سواره حساب کند؟
ج - باید طواف را شروع کند، و اگر در اثناء بدون اختیار او را بردند همان مقدار را جبران کند و طواف را ادامه دهد.

۵۵۰ س - کسی توهم کرده است که در طواف، مقداری در اثر فشار جمعیت برده شده ولی برای او جزمی نیست، و چون نمیتوانسته برگردد و تدارك کند، بقیه شوط تا محل تدارك را به قصد احتیاط و رجاء انجام مدهد، که اگر شوط او باطل است زیادی لغو باشد، و اگر شوط او صحیح است زیاده از طواف باشد، و بعد بقیه اشواط طواف را بجا آورده و این شوط را به حساب نیاورده است، آیا این طواف صحیح است یا خیر؟
ج - صحیح نیست.

۵۵۱ س - شخصی در شوط دوم طواف شك میکند که آیا طواف را به نیت منوب عنه یا به نیت خود آغاز کرده است، وظیفه او چیست؟

ج - احتیاط آن است که طواف را به نیت منوب عنه اتمام کند و پس از نماز، دو مرتبه آن را با نماز دیگر اعاده کند.
۵۵۲ س - مواردی که باید احتیاطاً طواف را تمام کند و نماز طواف بخواند و طواف را با نمازش اعاده کند، آیا اگر يك طواف به قصد اعم از تمام و اتمام (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده، باطل بوده تمام هفت شوط را قصد طواف داشته باشد، و چنانچه صحیح بوده به متمم آن قصد طواف داشته باشد) انجام دهد و دو رکعت نماز بخواند، کافی است یا خیر؟
ج - این عمل صحیح نیست و تردید در نیت است.

۵۵۳ س - کسی در شوط چهارم از حجر الاسود تا اول حجر اسماعیل را پیمود، و فکر کرد که چون اول شوط چهارم نیت جدا در این شوط نداشته باید این قسمت شوط را اعاده کند لذا بقیه شوط را بدون نیت رفته، و از حجر الاسود به قصد شوط چهارم طواف کرده است، آیا اشکالی در طواف حاصل میشود؟
ج - اشکال دارد.

۵۵۴ س - شخصی جهلا در عمره تمتع، طواف را قبل از حجر الاسود شروع نموده، در همان مکان شروع، ختم کرده، تکلیف این شخص چیست؟

ج - در فرض سؤال کسی که جهلا يك شوط از طواف عمره را ناقص نموده، اگر قبل از فوت موالات حکم را بفهمد واجب است شوط ناقص را تکمیل کند و عمره او صحیح است، و اگر بعد از فوت موالات بفهمد احتیاطاً اول شوط ناقص را تکمیل نماید، و نماز طواف را بخواند، و دو مرتبه طواف و نماز آن را اعاده نماید، و همچنین سعی را، و اگر وقتی بفهمد که از جهت ضیق وقت نمیتواند عمره تمتع را تمام کند، وظیفه او مبدل به حج افراد میشود، بنابر این در مورد سؤال که طواف عمره را جهلا ناقص کرده، بعد از اعمال حج احتیاطاً عمره مفرده بجا آورد، و سال بعد مجدداً عمره و حج تمتع را بجا آورد.

۵۵۵ س - شخصی در اثناء طواف به خاطر تقبیل و لمس بیت الله الحرام از مسیر خود منحرف شده، و نمداند در بازگشت، طواف را از همان نقطه که رها کرده بود ادامه داده است یا نه، آیا طوافش صحیح است؟

ج - اگر ملتفت بوده از همان محلی که طواف را رها کرده شروع کند، و بعداً شك عارض شده، حکم به صحت نماید، و در غیر این صورت اکتفا به طواف مزبور محل اشکال است.

۵۵۶ س - شخصی در حال طواف، کعبه را بوسیده است و احتمال مدهد که در آن حال چند قدم راه هم رفته باشد، فعلا وظیفه او چیست؟ و البته این شك بعد از عمل برای او حادث شده است.

ج - طواف او صحیح است.

۵۵۷ س - فتوای حضرت آیه الله این است که در طواف اگر وارد حجر اسماعیل شود باید آن شوط را از سر بگیرد، بنابر این اگر مطوفی يك نفر حاج را که طواف مدهد اشتباها وارد حجر نمود و بعد از متذکر شدن، او را از حجر بیرون آورد و از همانجا طواف را تمام کرد، اکنون پس از دو سال این مطوف متوجه فتوای حضرتعالی گردید، تکلیف چیست؟ آیا باید به خود حاج بگوید، یا لازم نیست، و بدون گفتن به حاج میتواند از طرف او طواف را انجام دهد، و یا برای او نایب بگیرد؟

ج - در فرض سؤال، کفایت حج مزبور از حجة الاسلام محل اشکال است، و احتیاط لازم آن است که اگر در غیر اشهر حج مشرف شود عمره مفرده بجا آورد، و در اشهر حج نیز حجة الاسلام خود را اعاده نماید، و اگر در اشهر حج مشرف شود، اول عمره و حج تمتع را بجا آورد و بعد عمره مفرده بجا آورد، و در حال حیات منوب عنه جایز نیست مطوف نایب بگیرد، و لازم است خود حاج حکم مسأله را بداند و به وظیفه خود عمل کند.

۵۵۸ س - حاج پس از محل شدن از عمره تمتع قبل از وقوف
 به عرفات یا در عرفات یا بعد از حج متوجه میشود که طواف را از
 میان حجر اسماعیل انجام داده و لباس پوشیده، اکنون حج او
 صحیح است یا نه؟ و در هر حال کفاره آن چیست؟
 ج - در فرض سؤال، طواف او باطل است و احرام عمره او باقی
 است، و باید طواف و نماز آن وسعی را ثنیا بجا آورد، و بعد تقصیر
 نماید، و آنگاه محرم به احرام حج شود، و برای وقوف عرفات
 برود، و اگر وقت او تنگ است به طوری که اگر بخواهد اعمال
 مزبوره را بجا آورده و عمره را تمام کند اعمال حج ولو اضطراری آن
 را درك نمکند با همان احرام عمره، نیت خود را تبدیل به حج
 افراد نماید، و حج را تمام کند، و بعد عمره مفرده بجا آورد، و اگر
 وقت او به قدری است که میتواند اعمال عمره تمتع را تمام کند و از
 اعمال حج، وقوفین اضطراری را درك کند اعمال عمره تمتع را تمام
 کند، و باز محرم به احرام حج تمتع شود، و اعمال اضطراری حج
 تمتع را بجا آورد، و سال بعد ثنیا حج تمتع را انجام دهد، و کفاره
 آن اگر تقصیر به گرفتن ناخن باشد بنا بر احتیاط لازم قربانی نمودن
 يك گاو است، و هم چنین است حکم، اگر جماع کرده باشد.
 و اگر بعد از حج متوجه شده، حج او مبدل به حج افراد شده و باید
 عمره مفرده بجا آورد، و در سال بعد هم حج تمتع را انجام دهد.

۵۵۹ س - طواف عمره تمتع را از داخل حجر اسماعیل انجام داد و تقصیر کرد و از احرام خارج شد و در وقت طواف حج متوجه شده اکنون تکلیف او چیست؟

ج - حج او مبدل به حج افراد میشود و باید بعد از اكمال حج، عمره مفرده بجا آورد ولی مجزی از حجة الاسلام نیست و باید سال بعد حج تمتع را بجا آورد.

۵۶۰ س - اگر حاج وسط طواف، داخل حجر اسماعیل شد و در همان وقت و یا بعد از طواف وسعی و تقصیر فهمید تکلیف او چیست؟

ج - اگر چهار شوط را تمام کرده هر وقت فهمید، ناقص را تمام کند، و نماز طواف را بجا آورد، و اگر سعی کرده سعی را اعاده کند، و اگر قبل از سه شوط و نیم بوده، شوطهای گذشته باطل است، و باید طواف را از سر بگیرد، و بعد از نماز طواف، سعی را بجا آورد، و اگر از سه شوط و نیم گذشته و به چهار نرسیده آن را تمام کند با دو رکعت نماز، و بعد يك هفت شوط طواف و نماز وسعی را بجا آورد.

۵۶۱ س - شخصی در عمره تمتع، حجر اسماعیل را داخل در طواف ننموده، و نماز طواف عمره تمتع وسعی بین صفا و مروه را بجا آورده، و تقصیر کرده، و لباس منخبط نیز پوشیده، پس از التفات مجددا لباس احرام پوشیده، و اعمال را به وجه صحیح دوباره بجا آورده، آیا حج او صحیح است یا نه؟

ج - در فرض سؤال عمره او صحیح است، و در صورت جهل به مسأله چنانچه ظاهر سؤال است کفاره هم ندارد، و همین طور اگر از جهت نسیان باشد.

۵۶۲ س - چون بعضی از حجاج در طواف عمره دچار اشتباه میشوند، مثل این که طواف را از داخل حجر انجام مدهند، و یا سعی را قبل از طواف انجام داده و تقصیر هم میکنند، آیا این عمل صدمه‌ای به احرام آنها وارد مآورد، یا هنوز به احرام خود باقی هستند، و باید عمل طواف و نماز سعی و هم چنین تقصیر را به طور صحیح انجام دهند، و اشتباه اول ضرری نداری، حکم آن را مرقوم فرمایید.

ج - طواف از داخل حجر باطل است، و اگر ثانیاً اعمال مزبوره را با ترتیب لازم و صحیح انجام دهند کافی است، و اشتباه اول مضر به احرام نیست و اگر طواف را صحیح انجام داده ولی سعی را مقدم نموده، باید مجدداً سعی کند و تقصیر نماید.

۵۶۳ س - کسی که به حدود مطاف آگاهی ندارد، بعد از فراغ از طواف شك میکند که در مطاف بوده است یا نه، آیا طوافش صحیح است؟

ج - اگر از اول در مطاف بوده و شك در خارج شدن دارد، طوافش صحیح است. و اگر از اول شك دارد، با جهل مذکور در سؤال، نمیتواند به طواف مزبور اکتفا کند.

۵۶۴ س - گاهی مأمورین نظافت مسجد الحرام از کنار کعبه دست به دست هم می‌دهند و همان طور توسعه می‌دهند تا انسان از مطاف خارج نشود، آیا به همین مقدار بیرون کردن از مطاف ضرورت حاصل است که طوافش در خارج از مطاف صحیح باشد، یا باید صبر کند تا نظافت تمام شود، و اگر افرادی گمان می‌کردند که ضرورت است و طواف را انجام دادند، حال تکلیفشان چیست؟
 ج - اگر امکان دارد که در حد، طواف کند باید صبر کند و در حد طواف کند، و در این صورت در خارج حد صحیح نیست.

۵۶۵ س - آیا واجب است برای درك خلوتی مطاف و طواف در محدوده بیت و مقام، طواف را تأخیر بیندازد، یا مستحب است یا رجحان دارد، خصوصا اگر پس از ایام تشریق مطاف خلوت نشود؟
 ج - تأخیر لازم نیست، اگر چه مطابق با احتیاط است.

۵۶۶ س - آیا یقین به هل خوردن در حین طواف، در محدوده معین، مجوز برای تجاوز به غیر این محدوده میشود یا خیر؟
 ج - تا مقداری که اتصال به طواف کنندگان محفوظ است میتواند دور تر از بیت طواف کند.

۵۶۷ س - در صورتی که یقین دارد در حال طواف در محدوده معین با اجنبی یا اجنبیه بر خورد میکند باز هم واجب است در محدوده معین طواف کند؟

ج - تا مقداری که اتصال به طواف کنندگان محفوظ است
میتواند دور تر از بیت طواف کند.

۵۶۸ س - زنی است که قادر بر طواف کردن نیست، امر
دائر است بین این که با تخت در خارج مطاف طواف دهند، و یا
نا محرم او را پشت کند و در مطاف طواف دهد، وظیفه چیست؟
ج - با توجه به این که طواف با اتصال به طواف کنندگان از
هر فاصله صحیح است با تخت طواف دهند.

۵۶۹ س - کسی که در حال طواف شخصی را از روی زمین بلند
مکند، و ممکن است در این حال گامی به طرف جلو بردارد،
و در این حال توجه به طواف ندارد، در نتیجه نمیداند که آیا مقداری
از مسافت را بدون قصد طواف آمده است یا نه، تکلیف او چیست؟
ج - باید آن مقدار را احتیاطاً تدارک کند.

۵۷۰ س - شخصی در عمره تمتع طواف را تمام کرده است،
ولی مگوید دلچسب نشد، لذا يك طواف دیگر بدون خواندن نماز
طواف اول به جامی آورد، و نماز وسیعی بجا آورد و تقصیر
مکند، آیا عملش صحیح است یا نه؟

ج - اگر طواف دوم را به جهت احتمال خلل در طواف اول بجا
آورد مانع ندارد، و احتیاط آن است که برای هر دو طواف نماز
بخواند، و اگر احتمال خلل در طواف اول ندهد و مع ذلك طواف

دوم را بدون نماز طواف اول بجا آورد جایز نیست، بلکه بنا بر احتیاط باعث بطلان طواف میشود، و اگر فقیه جامع الشرائطی فتوی به جواز بدهد میتواند به او رجوع نماید.

۵۷۱ س - قران که در طواف حرام است آیا طواف را باطل میکند یا خیر؟

ج - اگر عمدا یک دور یا بیشتر از یک دور زیاد کند به قصد آن که جزء طواف دیگر باشد قران بین طوافین است، که در طواف مستحب مکروه، و در طواف واجب حرام است، بلکه بنا بر احتیاط لازم سبب بطلان طواف میشود، چه آن که از اول طواف این قصد را کرده باشد، یا در بین، یا در آخر، و اگر به قصد لغویت آن را بجا آورده باشد ضرری به طواف نمزند، و اگر به قصد آن که جزء طواف اول باشد بجا آورد، اگر از ابتدای طواف قصد داشته قطعاً طوافش باطل است، و اگر در بین طواف قصد کند از همان وقت باطل میشود، و اگر در آخر طواف قصد کند مشهور فرموده اند طوافش باطل است، ولی احتیاط این است که نماز طواف را بخواند، و بعد طواف را با نماز آن اعاده نماید.

۵۷۲ س - شخصی در عمره تمتع پس از هفت شوط طواف، قبل از بجا آوردن نماز طواف، سعی نموده، و تقصیر هم کرده، و شخص دیگر طواف را یک شوط ناقص نموده معذلك نماز

خوانده، و پس از سعی تقصیر کرده، و لباسهای عادی خود را پوشیده، اکنون وظیفه آنها چیست؟ مخصوصاً شخص دوم آیا هنوز محرم است و میتواند عمل را اعاده کند؟ و هم چنین جهت تقصیر و پوشیدن لباس مخیط باید كفاره بدهد یا نه؟

ج - در فرض اول اگر نماز طواف را هر وقت یادش آمد ولو در وطن بجا آورد كفایت میکند، و در فرض دوم اگر در مکه یادش آمد و يك شوط را بجا آورد اشکال ندارد، و اگر بعد از برگشتن در وطن یادش آمد، کسی را نایب کند از طرف او يك شوط را بجا آورد، و در هر دو صورت شخص مذکور محرم نیست و محل شده، و چون جهلاً تقصیر نموده، و مخیط پوشیده، كفاره ندارد.

۵۷۳ س - آیا میشود طواف یا سعی را پس از يك یا دو شوط عمدا رها کرد و از سر گرفت، و اگر کسی چنین کند طواف و سعیش صحیح است یا نه؟ و همین طور رها نمودن طواف یا سعی در کمتر از يك شوط چه صورت دارد؟

ج - در فرض مذکور صحت طواف و سعی بعید نیست.

۵۷۴ س - شخصی خیال مکرده که طواف هشت شوط است، و طواف عمره را هشت شوط انجام داده، و پس از تقصیر و محرم شدن برای حج فهمیده که هفت شوط است، و اگر بعد از اعمال حج فهمیده باشد یعنی تمام طوافها را به این نحو انجام داده و محل شده، چه وظیفه‌ای دارد؟ و اگر بعد از محل شدن از احرام عمره تمتع و قبل از احرام حج بفهمد تکلیف چیست؟

ج - ظاهر نص و فتوی بطلان چنین طوافی است، بنابر این در فرض سؤال اگر برای انجام طواف وسعی وقت باشد باید طواف و نماز وسعی را مجدداً بجا آورد، چه قبل از احرام باشد، و چه بعد از آن، و اگر وقت نباشد حج او مبدل به افراد شده باید بعد از حج، عمره مفرده بجا آورد، و اگر طواف حج را هم هشت شوط انجام داده باشد حج او مجزی نیست و باید در سال بعد حج نماید، و برای بیرون آمدن از احرام باید اعمال عمره مفرده را به نحو صحیح خودش و با عدم تمکن نایش بجا آورد.

۵۷۵ س - کسی که در عمره تمتع موقع طواف کاری کند که لازم باشد احتیاطاً طواف را تمام نموده، و نماز آن را بخواند، و بعد هم طواف و نماز را اعاده نماید، هر گاه پس از اتمام طوافی که مشغول آن بوده عمدتاً یا نسیاناً یا جهلاً بدون خواندن نماز آن، طواف دوم را بجا آورد، و بعد از آن دو نماز طواف بخواند چه صورت دارد، و آیا قران بین طوافین است یا خیر؟

ج - قران نیست و اشکال ندارد، مگر در صورت علم و عمد که تأخیر نماز از طواف ممکن است معصیت باشد، لکن در همین صورت هم به طواف ضرر نمزند.

۵۷۶ س - شخصی در عمره تمتع، طواف را چهار شوط بجا آورده و متذکر این معنی نشده تا بعد از اعمال عرفات و منی، حال آیا همان طواف ناقص را باید اعاده کند، و به سبب تقصیر از احرام بیرون آمده، یا آن که قهرا مبدل به افراد شده، البته دستوری از طرف یکی از روحانیین به شخصی مزبور داده شده به این نحو که يك عمره مفرده بجا آورد، و آورده، ولی باز نگران اعمال حج خود است، اکنون تکلیف او را معین فرمایید.

ج - در فرض سؤال اگر از جهت فراموشی، طواف را ناقص نموده، عمره و حج او صحیح است، و بعد از تذکر، سه شوط باقی را باید قضاء نماید، و اگر از جهت جهل به حکم بوده حج تمتع باطل است، و باید سال بعد بجا آورد.

۵۷۷ س - اگر کسی در آخر یکی از شوطهای طواف شك کند بین تمام شدن شوط هفتم و شوط پنجم و یا ظن به هفت شوط پیدا کند، و در هر دو صورت بنا را بر اقل گذاشته و بقیه را رجاء بجا آورده، و بعد از اتمام بدون نماز طواف يك دور لغوا دور زده تا نزدیک حجر الاسود، و بعد تمام اشواطی را که بجا آورده به خیال این که شاید آنها درست نشده همه آنها را لغو حساب کرده مجدداً هفت شوط دیگر به قصد و جوب، طواف کرده است آیا طواف او صحیح است یا نه؟

ج - صحت آن بعید نیست.

۵۷۸ س - مظنه در طواف، حکم شك را دارد یا یقین؟
ج - ظن در طواف، حکم شك دارد.
۵۷۹ س - معیار در کثیر الشک بودن در طواف چیست؟
ج - عرفی است.

۵۸۰ س - گاهی انسان شك میکند که این شوط طواف به هم خورد یا نه؟ آیا میشود بعد از طواف يك شوط هم به عنوان احتیاط، اضافه بر هفت شوط آورد، و بعد نماز بخواند یا خیر؟
ج - به وسوسه نباید اعتنا کرد، و اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند همان قسمت باید تصحیح شود، و ادامه بعد از آن به قصد طواف، بدون تصحیح آن قسمت، موجب اشکال در طواف میشود، و با آوردن يك شوط بعد از طواف احتیاطا، اشکال رفع نمیشود.

۵۸۱ س - شخصی چند متر از يك شوط را خراب کرده است و چون دقیقا اول و آخر آن معلوم نیست، يك شوط کامل از حجر الاسود شروع و به آنجا ختم میکند، به قصد این که آنچه خراب شده به نحو صحیح انجام شود، و زیادی قبلی و بعدی مقدمه علمیه باشد، آیا این طواف صحیح است؟
ج - صحیح نیست، مگر آن که چند قدم جلو تر از محلی که طواف خراب شده است به عنوان مقدمه علمیه طواف را شروع کند، و ادامه آن را به عنوان وظیفه واجب طواف، بجا آورد.

۵۸۲ س - اگر در حال طواف یا سعی یا در نماز شك کند که شوط چندم و یا رکعت چندم است، و با همین حال طواف وسیعی و نماز را ادامه دهد، بعد به يك طرف شك یقین کند، و اعمال را تمام نماید، آیا عملش به نحوی که ذکر شد صحیح است؟

ج - اگر طواف یا سعی را در حال شك ادامه داد، و بعد یقین به صحت پیدا کرد اشکال ندارد، و طواف و سعی صحیح است، ولی در نماز بدون تروی محل اشکال است، و احوط اعاده آن است.

۵۸۳ س - اگر در اثناء طواف شك در صحت شوط سابق یا جزئی از شوطی که مشغول است و محل آن گذشته است بکند چه حکمی دارد؟ مثلاً نمداند که از مقابل حجر که عبور کرده از حد مطاف خارج بوده است یا نه؟

ج - اگر مسأله را مدانسته و منخواسته است عمل صحیح را انجام دهد، یعنی غافل نبوده، طواف صحیح است.

۵۸۴ س - اگر در هنگام خروج از مطاف، بعد از پایان هفت شوط مقداری مسافت را به قصد جزئیت بجا بیاورد، آیا مبطل طواف است؟

ج - اگر عمدی باشد مبطل است، و در صورت سهو آن را قطع کند، و طوافش صحیح است.

۵۸۵ س - اگر کسی در عدد اشواط طواف وسعی و عدد سنگهای رمی به دیگری اعتماد کند کافی است؟
 ج - اگر اطمینان به عدد پیدا کند مانع ندارد.

۵۸۶ س - شخصی طواف خود را انجام داده است، و بعداً دو شوط طواف رجاء برای جبران نقص احتمالی بجا آورد، آیا این عمل خللی به طواف او می‌رساند؟
 ج - ضرر ندارد، ولی جبران نقص نم‌کنند.

۵۸۷ س - در مواردی که شخص شك در اشواط کند حکم به بطلان طواف مفرماید، حال اگر کسی تجدید طواف نمود و در این میان کشف شد که طواف اول شش شوط، و از طواف جدید نیز سه شوط انجام داده است، تکلیف او چیست؟
 ج - باید احتیاط کند به این که طواف جدید را رها کند، و طواف قبلی را تکمیل نماید، و پس از نماز طواف قبلی، طواف و نماز را بطور کامل اعاده نماید.

۵۸۸ س - کسی در وقت طواف شك در اشواط پیدا کرد، و چون گمانش به يك طرف بیشتر بود بنا را بر آن طرف گذاشت، و بعد از انجام اعمال یقین به صحت طواف خود پیدا کرد، آیا طواف او صحیح است؟
 ج - صحیح است.

۵۸۹ س - آیا مشهود قبل از شوط چهارم، طواف را بدون عذر بهم زد، و آن را کأن لم یکن دانست، و یا مانند نماز قطع کردن آن جایز نیست؟

ج - طواف واجب را نباید بدون عذر قطع کند، و قطع طواف استحبابی بدون عذر جایز است.

۵۹۰ س - شخصی در حالی که مشغول طواف است در شوط پنجم یقین کرد که ۵ متر در شوط اول و ۵ متر در شوط سوم بی اختیار طواف کرده است، تکلیف او چیست؟

ج - باید طواف را تماما اعاده نماید.

۵۹۱ س - محرم به عمره تمتع در شوط چهارم در صورتی که از نصف گذشت، فرضاً نماز جماعت شروع شد، طواف را رها کرد، و از مطاف خارج گردید، و به اتمام نرساند، بلکه طواف را از سر گرفت، و اعمال عمره تمتع را بجا آورد، عمره تمتع صحیح است یا نه؟

ج - اقوی صحت عمره و حج تمتع است، و نقصان طواف قطع شده را واجب است بجا آورد، و اگر بجا نیاورده و به وطن آمده، سال دیگر برود و بجا آورد، و اگر زحمت است نایب بگیرد که او بقیه طواف را با نماز آن بجا آورد.

۵۹۲ س - اگر در اثناء طواف، نماز جماعت برقرار شد و شخص از ادامه طواف معذور شد تکلیف چیست، و اگر در اثنای سعی باشد وظیفه چیست؟

ج - اگر بعد از شوط چهارم طواف یا سعی قطع شده، از همان جایی که قطع شده طواف یا سعی را تمام کند، و اگر قبل از شوط چهارم طواف بوده و فاصله طولانی شده طواف را از سر بگیرد، هر چند احتیاط آن است که طواف را اتمام، و پس از خواندن نماز آن، طواف را اعاده کند، و نماز طواف دیگری بخواند، و در سعی نیز احتیاط در اتمام و اعاده است.

۵۹۳ س - تعدادی مشغول طواف عمره یا زیارت بودند، که شروع کردند مسجد را نظافت کنند، ناچار طواف کننده‌ها از مطاف خارج شدند، مدتی طول کشید خیال کردند موالات عرفیه بهم خورده است، طواف را از سر گرفتند، بفرمایید در صورتی که بهم خوردن موالات مشکوک باشد، طوافشان درست است یا نه؟

ج - اشکال ندارد.

۵۹۴ س - شخصی به علت مریضی یا مسن بودن در دور اول طواف خسته شده، و از مطاف بیرون آمد، و بعد از کمی استراحت از همانجا که طواف را قطع نموده بود شروع میکند، آیا چون به دور چهارم نرسیده است طوافش باطل است؟

ج - اگر موالات بهم نخورده، صحیح است.

۵۹۵ س - کسی که در شوط ششم، طواف خود را رها کرد، و نتوانست که ادامه دهد، و دیگری به جای او بقیه را بجا آورد، و لیکن نماز طواف را خودش خوانده، و بعدا متوجه شده است که استراحت در خلال طواف، به طواف ضرر نمیرساند، و او با استراحت میتواند خودش طواف خود را تمام نماید، اکنون تکلیف او چیست؟

ج - بقیه طواف را تمام کند، و نماز را اعاده نماید.

۵۹۶ س - محرم به عمره تمتع، در شوط چهارم در حالی که از نصف تجاوز کرده، و یا قبل از رسیدن به نصف، چنانچه بدون عذر طواف را رها کرد و استیناف نمود، مجددا هفت شوط را انجام داد، و اعمال عمره را بجا آورد، و محرم به حج گردید، و اعمال حج را انجام داد حجش صحیح است یا نه؟

ج - در فرض سؤال که طواف اول را ناقص گذاشته، و ثانيا طواف تمام بجا آورده اقوی صحت عمره و حج تمتع است، و اگر بخواهد احتیاط کند سال بعد عمره تمتع و حج را اعاده کند، و نقصان طوافی که قطع کرده بجا آورد، و بعد از حج يك عمره مفرده بجا آورد، و يك شتر هم قربانی کند.

۵۹۷ س - کسی که وظیفه اش اتمام و اعاده طواف است، اتمام کرد و مشغول اعاده بود که دوباره در یکی از شوطها طواف قطع شد مثل اول، آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده نماید؟

ج - فرقی نیست باید اتمام و اعاده نماید.

۵۹۸ س - شخصی در حال طواف غش کرد، و چند ساعت بعد به هوش آمد، آیا میتواند از همانجا که طواف قطع شده بود شروع کند، و باقی اعمال را ادامه دهد یا نه؟

ج - اگر قبل از شوط چهارم بوده، وضو بگیرد و طواف را اعاده نماید، و اگر بعد از شوط چهارم بوده، باید وضو بگیرد و طواف را اتمام کند.

۵۹۹ س - کسی به جهتی طواف یا سعیش قطع میشود و به جلو مرود، میخواهد از همانجا که قطع شده شروع کند ولی در اثر ازدحام نمیتواند خود را به آنجا برساند و در محاذی آنجا به طرف چپ یا راست قرار بگیرد، آیا میتواند از محاذی جایی که قطع شده شروع کند، یا باید همان نقطه باشد؟

ج - لازم نیست همان نقطه باشد، بلکه محاذات کافی است، و باید طواف تکمیل شود.

۶۰۰ س - کسی که از طواف حتی در خارج مطاف عاجز است، و بنخاطر گرانی طواف با تخت روان، انجام آن برای او مشکل است، آیا طواف نیابی در محدوده از او کفایت نمیکند؟

ج - اگر از طواف با تخت روان نیز معذور است نایب بگیرد.

۶۰۱ س - شخصی طواف حج واجب خود را غلط انجام داده، و پس از آن چندین بار حج نیایی انجام داده است، تکلیف او در مورد حج خود و دیگر حج ها چیست؟

ج - مانع ندارد، و باید طواف حج خود را تدارك کند، و حج های نیایی که انجام داده صحیح هستند.

۶۰۲ س - آیا محرم قبل از انجام طواف واجب خود، چه طواف عمره یا حج و چه طواف نساء، میتواند همین طواف ها را برای معذور نیابت کند؟

ج - مانع ندارد.

۶۰۳ س - اگر کسی در عمره تمتع بعد از انجام اعمال عمره محل شده، و لباس خود را پوشید، بعد یقین کرد به این که طواف او و یا سعی او باطل بوده، در صورتی که وقت برای تجدید عمره تمتع، باقی است مراجعت به میقاتگاه برای او واجب است یا نه؟

ج - در فرض سؤال اگر مداند که سعی او باطل بوده، سعی خود را با لباس احرام اعاده نماید، و اگر یقین به بطلان طواف دارد طوافش را بجا آورد، و احتیاطا سعی را اعاده نماید، و در هر دو صورت تقصیر را نیز بنابر احتیاط اعاده نماید، و احتیاج به رفتن میقات نیست، و در صورتی که از روی جهل مخیط پوشیده، کفاره بر او واجب نیست.

۶۰۴ س - به خاطر اهمیت زیادی که در اعمال حج داده میشود، و به خصوص در طواف ها و نماز آن، غالباً يك عملی را به عنوان احتیاط و رجاء چندین بار بجا میآورند، ولو این که عمل نزد خودشان نقصی ندارد، البته به حد وسواس هم نمیرسد، آیا این گونه تکرار در اعمال، اشکالی دارد؟

ج - وسواس همین است، و نباید به وسوسه اعتنا شود، بلی انجام عمل احتیاطی بدون وسوسه مانع ندارد.

۶۰۵ س - شخصی با علم به حرمت تماس با بدن زن در حین طواف از روی شهوت با بدن زنی تماس حاصل منماید و از این تماس متلذذ میگردد، آیا طواف او اشکال پیدا میکند یا نه، تکلیف او چیست؟ و آیا طواف مستحبی با واجب فرق دارد؟

ج - مضر به طواف نیست. و اگر کاری که موجب کفاره است انجام داده باید کفاره بدهد.

۶۰۶ س - کسی نتوانسته است بیش از دو شوط از طواف خود را انجام دهد، و بقیه اشواط را دیگری بجای او انجام داده است. وظیفه او چیست؟

ج - در فرض سؤال احتیاط در استیناف طواف و نماز است.

- ۶۰۷ س - کسی که از ابتدا میدانند بیش از دو شوط از طواف سعی را نمیتواند انجام دهد، آیا میتواند طواف سعی را شروع کند، و از موضعی که قادر نیست به دیگری نیابت بدهد؟
- ج - در فرض مذکور بنابر احتیاط طواف سعی را شروع کند، و چنانچه پس از انجام بعض اشواط ولو با استفاده از چرخ و یا حمل بر دوش قادر به انجام طواف نیست، دیگری را نایب قرار دهد. و بعدا نایب طواف و نماز و یا سعی را اعاده نماید.
- ۶۰۸ س - آیا میتوان بعض از اشواط را به يك نفر و بعض دیگر را به دیگری نیابت داد؟
- ج - طواف يك عمل است و باید تمام آن به يك نفر نیابت داد.
- ۶۰۹ س - آیا میتوان طواف را به شخصی که نماز طواف را نمیتواند صحیح بخواند و نماز طواف را به دیگری که قرائتش مورد اطمینان است نیابت داد؟
- ج - مانعی ندارد.
- ۶۱۰ س - آیا احرام در نیابت برای طواف عمره تمتع و مفرده و حج تمتع لازم است یا نه؟
- ج - احرام در نیابت طواف عمره تمتع و مفرده واجب است، و در طواف حج لازم نیست.

۶۱۱ س - هر گاه محرم لباس احرام را کنار بگذارد، و با لباس دوخته اعمال عمره را از طواف وسعی انجام دهد، جهلا یا عمدا، آیا طواف وسعی او صحیح است؟ و عمره او مجزی است یا نه؟
ج - لازم است که در لباس احرام طواف وسعی کند، ولی در صورت تخلف طواف و سعی مزبور صحیح و عمره مذکور مجزی است، و اگر عمدا لباس دوخته پوشیده باید کفاره بدهد.
۶۱۲ س - در طواف مستحبی زنان بدانند که به بدن مردان نگاه میکنند و احیانا هم در بین فشار مردان قرار مگیرند، از نظر شرع اشکال ندارد؟

ج - اگر عمدا نگاه به نا محرم نکنند اشکال ندارد، ولی در ازدحام مراعات کنند، و در هر صورت طواف صحیح است.

۶۱۳ س - محرم وارد مکه شد، آیا میتواند قبل از اعمال عمره تمتع یا قبل از اعمال عمره مفرده، و هم چنین پس از محرم شدن به احرام حج تمتع و قبل از رفتن به عرفات، طواف مستحبی بجا آورد یا خیر؟ و اگر بجا آورد به عمره و حش ضرر نمزند یا نه؟
ج - اقوی جواز و احوط ترك طواف مستحبی است، ولی به عمره و حج ضرر نمزند.

۶۱۴ س - آیا يك شوط و دو شوط طواف هم استحباب دارد، یا باید طواف هفت شوط باشد، و اگر کسی گمان داشت که مستحب است و بعد از هفت شوط طواف واجب، یکی دو شوط طواف مستحبی بجا آورد، و بعد نماز طواف را خواند، آیا طواف اشکالی دارد؟

ج - استحباب آن ثابت نیست، ولی طواف واجب او صحیح است.

۶۱۵ س - آیا میشود هر شوط از طواف مستحب را به نیت یکی از مؤمنین بجا آورد، یا باید مجموع هفت شوط را برای يك نفر بجا آورد؟

ج - استحباب این گونه طواف ثابت نیست، ولی میتواند مجموع را به نیت چند نفر انجام دهد.

۶۱۶ س - آیا جایز است طواف مستحبی را خارج از حد طواف واجب بجا آورد یا نه؟

ج - با اتصال طواف کنندگان مانعی ندارد.

۶۱۷ س - زنی که حیض بوده و نمیدانست و اعمال عمره را کلاً بجا آورد، بفرمایید بعد از پاکی باید دوباره بجا آورد یا کافی است؟

ج - اگر در وسعت وقت است باید طواف و نماز وسعی و تقصیر را اعاده کند، ولی اگر زمانی که پاك شد وقت ندارد، وظیفه او حج إفراد، و بعد از آن انجام عمره مفرده است.

نماز طواف

نماز طواف دو رکعت مانند نماز صبح است که بعد از طواف باید خود مکلف آن را بخواند، و بنا بر احتیاط واجب باید نماز را فوراً پس از طواف بخواند، و در مراعات فوریت صدق عرفی کفایت میکند، و مکلف مخیر است که آن را بلند یا آهسته بخواند.

مسأله ۶۱۸ - نماز طواف باید پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام (۱) و هر چه نزدیکتر به آن خوانده شود، و بنا بر احتیاط واجب در هنگام نماز باید مقام حضرت ابراهیم علیه السلام پیش روی او قرار گیرد، و اگر ممکن نشد در یکی از دو طرف مقام بخواند، و اگر ممکن نشد نماز خواندن در هر جای از مسجد الحرام زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم که خلف مقام بر آن صدق کند کافی است، و باید رعایت الاقرب فالاقرب را بنماید.

(۱) مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) سنگی است معروف که در محفظه ای بلورین قرار گرفته، و جای پای آن حضرت بر آن نقش بسته است.

مسأله ۶۱۹ - نجاساتی که در نماز معفو است در نماز طواف نیز بخشیده شده است.

مسأله ۶۲۰ - اگر شخصی نماز طواف واجب را فراموش کند هر وقت در مکه یادش آمد باید آن را خلف مقام بجا آورد، و اعاده سعی هم واجب نیست، و اگر پس از خروج از مکه یادش آمد احتیاط واجب آن است که برگردد و خلف مقام آن را بجای آورد، و در صورت مشقت یا عدم امکان رجوع به مکه، اگر رجوع به حرم ممکن است رجوع کرده در حرم نمازش را بخواند، و الا در هر کجا بخواند کفایت میکند، و بهتر آن است که در صورت امکان بعد از خواندن خودش کسی را هم نیابت دهد، تا او نیز نیابتا خلف مقام نماز را بجا آورد.

مسأله ۶۲۱ - کسی که نماز طواف واجب را عمدا ترک کند بقیه مناسک او صحیح است، و فقط قضاء نماز طواف مانند ناسی بر عهده او است، و لکن بنا بر احتیاط پس از تکمیل حج در سال آینده نیز حج را اعاده کند، و سزاوار نیست این احتیاط ترک شود.

مسأله ۶۲۲ - اگر نماز طواف مستحب عمدا ترک شود، بهتر است بنا بر احتیاط در هر مکانی که ممکن است آن را بجای آورد، اگر چه انجام آن در مسجد الحرام مطابق احتیاط است.

مسأله ۶۲۳ - کسی که نماز خلف مقام را از روی جهل به مسأله ترك كند حکم ناسی را دارد، چه اصلاً بجا نیاورده باشد، یا در جای دیگری خوانده و یا غیر صحیح بجا آورده باشد.

مسأله ۶۲۴ - در مسأله‌ای که گذشت فرقی بین قاصر (که نمیتواند نماز صحیح بجا آورد) و مقصر (که نماز را بر وجه صحیح یاد نگرفته) نیست. و مقصری که قرائت نماز را بر وجه صحیح نیاموخته، و غفلت از تقصیر خود داشته، و معتقد به صحت نمازش بوده، مانند مقصر در اصل یاد گیری نماز است، و بنا بر احتیاط حکم ناسی را دارد، که هر گاه متوجه شود باید نمازهای خود و از جمله نمازهای طواف را به ترتیب (طواف عمره تمتع، طواف حج تمتع، طواف نساء) قضا نماید، و همان طور که در حکم ناسی گفته شد احتیاط مستحب آن است که نایب هم بگیرد.

مسأله ۶۲۵ - کسی که مداند قرائت نمازش صحیح نیست واجب است تا وقت تنگ نشده قرائت نمازش را به نحو صحیح یاد بگیرد، و اگر با تلقین هم بتواند نماز را صحیح بخواند کفایت میکند، و اگر نتواند نماز را حتی با تلقین صحیح بخواند احتیاط آن است که نماز را خودش بخواند، و سپس در صورت امکان به جماعت نیز تکرار نماید، و بهتر و مطابق با احتیاط آن است که شخصی را هم نایب بگیرد تا از طرف او نماز طواف را بجا آورد.

مسأله ۶۲۶ - اگر برای احتیاط، نماز طواف را به جماعت
مخواند در صورت امکان باید به کسی که واجد شرایط امام
جماعت باشد و نیز نماز طواف را بخواند اقتدا کند، و الا میتواند
به نماز یومیه به رجاء مطلوبیت اقتدا نماید.

مسأله ۶۲۷ - زنی که در هنگام طواف حائض شده اگر
دور چهارم را تمام کرده است باید طواف را قطع کرده، و فوراً از
مسجد بیرون رود، و اگر در عمره است سعی و تقصیر را
بجای آورد، و پس از پاك شدن قضاء مقدار فوت شده از طواف
و نماز طواف را تدارك کند، ولی اعاده سعی بر او واجب نیست،
و اگر قبل از وقت وقوف به عرفات پاك نمیشود، احتیاط واجب آن
است برای قضاء مقدار فوت شده قبل از رفتن به عرفات نایب
بگیرد، و پس از پاك شدن، خود نیز قضا نماید.

مسأله ۶۲۸ - اگر بعد از اكمال طواف و قبل از نماز حائض شد،
بنابر احتیاط برای نماز طواف قبل از سعی نایب بگیرد، و پس از پاك
شدن نیز، خود آن را بجای آورد.

مسأله ۶۲۹ -

اگر زنی قبل از اكمال چهار شوط حائض شود باید
فوراً طواف را قطع کرده از مسجد الحرام خارج شود، و منتظر
بماند اگر قبل از موقوف عرفه پاك شد تمام طواف و نماز آن سعی
و تقصیر را بجای آورد، و گرنه حج او به حج افراد تبدیل میشود،
و باید پس از انجام حج افراد، عمره مفرده را نیز انجام دهد.

مسأله ۶۳۰ - زنی که پس از غسل حیض و طواف خون دیده است اگر قبل از اتمام ده روز بوده لازم است طواف و نماز آن را اعاده کند، (چون احتیاط در ایام نقاء جمع بین تروك حائض و اعمال طاهره است) و اگر پس از ده روز از شروع عادت خون ببیند، یا قبل از ده روز خون دیده ولی تا بعد از ده روز ادامه داشته، اعمال او صحیح است و اعاده لازم نیست.

مسأله ۶۳۱ - مستحاضه اگر وظائف شرعیه خود را که برای انجام نماز بر او واجب است انجام دهد حکم طاهر را دارد.

مسائل متفرقه نماز طواف

۶۳۲ س - شخص حاج که قرائت وی درست نیست نماز طواف نساء را خودش خوانده، و شخصی را که نمداند قرائتش درست است یا نه نایب گرفته، در این صورت مجزی است، یا باید در ولایت خود نایب بگیرد و دوباره بخواند؟

ج - اگر در وقت عمل، متمکن از صحیح کردن قرائت نبوده، به همان نحوی که متمکن بوده کفایت بعید نیست، ولی فعلا که متمکن از صحیح کردن است بعد از تصحیح احتیاطا نمازهای طواف را در ولایت خود بخواند، و اگر فعلا هم نمیتواند صحیح نماید، در ولایت خود نایب بگیرد که به نیابت او بخواند.

۶۳۳ س - برای کسی که نماز طواف او غلط است احتیاط نموده‌اند که به جماعت بخواند، آیا نماز امام باید نماز طواف واجب باشد یا نماز یومیه کافی است؟

ج - اقتدا به نماز یومیه مشکل است، و در مواردی هم که اقتدا به نماز طواف شود بنابر احتیاط، اکتفاء به آن نکنند.

۶۳۴ س - شخصی محرم به احرام عمره تمتع وارد مکه شده است، و هفت روز مثلا در مکه توقف دارد، و نماز او غلطهای زیادی دارد، آیا واجب است که تا آخر وقت در احرام بماند، و نمازش را اصلاح کند، و بعد شروع به طواف کند، یا وظیفه دیگری دارد؟

ج - لازم نیست تا آن وقت صبر کند، و اگر بعد از طواف تا قبل از فوات موالات عرفیه، بین طواف و نماز، نتواند غلطهای خود را درست کند، به هر نحو میتواند ولو با تلقین نماز بخواند، و احتیاطا نایب هم بگیرد.

۶۳۵ س - کسی که نمازش را غلط میخواند، و وقت تصحیح آن را ندارد، مفرماید نماز طواف را به همان کیفیت که میتواند خودش بخواند، آیا چنین کسی میتواند عمره مفرده مستحبی بجا بیاورد؟

ج - اشکال ندارد، لکن احتیاطا برای نماز طواف نایب بگیرد.
۶۳۶ س - کسی که مطمئن باشد قرائتش یا ذکری که در نماز مگوید درست است، و نماز طواف را اعم از طواف زیارت و نساء همان گونه بخواند، بعد معلوم شود که اشتباه بوده است، آیا باید چه کند؟

ج - اگر احتمال غلط بودن آن را نمیداده، نمازش صحیح است.

۶۳۷ س - اگر نایب، نماز طواف منوب عنه را با فاصله بجا آورد، چه صورت دارد؟
ج - باید بدون فاصله بجا آورد، ولی اگر با فاصله انجام داد مضر نیست.

۶۳۸ س - حاج هنوز نماز طواف خود را نخوانده، میتواند نیابتاً نماز طواف دیگری را بخواند یا نه؟

ج - نماز طواف را بنابر احتیاط واجب بعد از طواف باید فوراً بجا آورد، بنابر این، نیابت از دیگری در نماز، منافات با فوریت دارد، لکن اگر قبلاً خواند، نماز صحیح است.

۶۳۹ س - شخص روحانی که سفر او سفر دوم و استحبابی است، میشود در نماز طواف به او اقتداء کرد یا نه؟

ج - نماز طواف در حج واجب و مستحب واجب است، و اقتداء مانعی ندارد، ولی در هر دو صورت لازم است که بطور فرادی هم خوانده شود.

۶۴۰ س - برای کسانی که قرائتشان درست نیست و میخواهند نماز طوافشان را به جماعت بخوانند، آیا میتوانند نماز طواف حج را به نماز طواف نساء یا بالعکس و یا کسی که نایب است به کسی که نایب نیست، و یا نماز طواف واجب را به مستحب و بالعکس اقتداء کنند یا نه؟

ج - اقتداء به نماز طواف در صور مذکوره مانعی ندارد، ولی اکتفاء به آن نکند، و خود نیز نماز را به نحو میسور بخواند.

۶۴۱ س - شخصی مشغول سعی شده، و از نصف تجاوز کرده، و یا پیش از رسیدن به نصف، متوجه شد که نماز طواف نخوانده، وظیفه‌اش چیست؟

ج - سعی را رها نموده، نماز طواف بخواند، و بعد در صورت تجاوز از نصف بقیه سعی را، و در کمتر از نصف همه آن را مجدداً بجا آورد.

۶۴۲ س - شخصی نماز طواف عمره را فراموش کرده، و بعد از تقصیر متوجه شده، آیا باید نماز را با لباس احرام بجا آورد یا لازم نیست؟

ج - لزوم آن معلوم نیست، اگر چه احتیاط آن خوب است.
۶۴۳ س - شخصی طواف عمره را بجا آورده، و بدون نماز وسعی، تقصیر کرده است، تکلیف او چیست؟

ج - باید نماز وسعی و تقصیر را بجا آورد، و با فرض جهل یا نسیان اعاده تقصیر لازم نیست، اگر چه احوط است.

۶۴۴ س - اگر نماز طواف حج را بعد از سعی بجا آورد، آیا لازم است برای حفظ ترتیب، سعی را اعاده نماید؟
ج - احتیاط مستحب اعاده سعی است.

۶۴۵ س - در صورتی که جهلاً نماز را قبل از طواف بجا آورد، تکلیف او چیست؟
ج - نماز را دوباره بجا آورد.

٦٤٦ س - در مقام ابراهیم (ع) به واسطه ازدحام و کثرت جمعیت ممکن نمیشود که در موقع نماز طواف مرد یا زن طوری بایستند که محاذی هم نباشند، و یا زن جلوتر از مرد مشغول نماز نباشد در این صورت نماز آنها صحیح است یا خیر؟

ج - بلی صحیح است، و لکن محاذی بودن مرد با زن و هم چنین جلو تر ایستادن زن در حال نماز اگر فاصله بین آنها کمتر از ده ذراع باشد نزد حقیر مکروه است

٦٤٧ س - در صورت عدم امکان نماز در نزدیک مقام، آیا تا آخر مسجد الحرام فعلی باید رکعتین طواف را خلف مقام خواند، و یا در جای دیگر از مسجد الحرام هم میتوان خواند؟

ج - باید تا آخر مسجد الحرام، نماز طواف، خلف مقام یا جانبین آن خوانده شود.

٦٤٨ س - چند روزی اطراف کعبه به قدری شلوغ است که صف طواف تا پشت مقام ابراهیم (علیه السلام) مآید، و نماز خواندن پشت مقام و نزدیک آن ممکن نیست، مگر این که چند نفری اطراف انسان بایستند تا انسان نماز طوافش را بخواند، بفرمایید آیا حتما نماز باید خلف مقام و نزدیک آن باشد ولو به این صورت، یا دور تر تا هر جا که میتواند به تنهایی نماز بخواند، کافی است؟

ج - اگر امکان دارد و محذوری در بین نیست، باید خلف و نزد مقام نماز بخواند.

۶۴۹ س - احيانا انسان مداند که اگر نماز طواف را شروع کند، طواف کنندگان او را حرکت مدهند و جابجا میکنند، در عين حال نماز را شروع میکند، آیا اگر این نماز را تمام کند، صحيح است؟
ج - اگر صحيحا تمام کند، مانع ندارد.

۶۵۰ س - در نماز طواف که انسان مشغول ذکر بود، او را حرکت دادند، ذکر را تکرار کرد، دوباره تکان دادند و تکرار کرد، آیا مانعی ندارد؟
ج - اگر طوری حرکت کرده که استقرار او از بين رفته، مانع ندارد، و در غير این صورت تکرار نکند مگر به قصد احتیاط، به شرط آن که وسوسه نباشد.

۶۵۱ س - اگر پشت مقام ابراهيم دو طبقه شود، آیا نماز در طبقه بالا یا زیر زمین صحيح است؟
ج - در صورتی که احراز نشود خلف مقام نماز خوانده، صحيح نیست.

۶۵۲ س - شخصی بعد از طواف وضوی او باطل شده، و خجالت کشیده که پرسد، و نمازش را بی وضو خوانده است، و بعد از آن سعی و تقصیر را انجام داده و محل شده است، وظیفه او چیست؟
ج - نماز را صحيحا بجای آورد و بنابر احتیاط سعی و تقصیر را اعاده نماید.

۶۵۳ س - زنی محرم به احرام عمره تمتع شده، و پس از ورود به مکه و انجام طواف، قبل از این که نماز طواف بخواند حائض گردیده، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - اگر وقت وسعت دارد صبر کند تا پاك شود و نماز را بخواند و بقیه اعمال را انجام دهد، و چنانچه وقت تنگ باشد سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهد و محرم شود به حج تمتع، و بعد از طواف حج یا قبل از آن، نماز را پشت مقام بخواند، و سپس بقیه اعمال را انجام دهد.

۶۵۴ س - آیا محمول نجسی که در طواف معفو نیست، در نماز طواف مثل نمازهای یومیه معفو است یا نه؟

ج - نماز طواف حکم نمازهای یومیه را دارد.

۶۵۵ س - اگر در خلف مقام ابراهیم (ع) برای نماز طواف واجب جا نباشد، و تقریباً يك ربع ساعت صبر کند تا جا پیدا شود، آیا این مقدار زمان با موالات عرفیه، منافات دارد یا نه؟

ج - در فرض مرقوم این مقدار فاصله مضر به موالات عرفیه نیست.

۶۵۶ س - آیا فاصله انداختن بین طواف و نماز به مقدار دو رکعت نماز اشکال دارد، و اصولاً چه مقدار فاصله مخل است؟

ج - مانع ندارد، و میزان مبادرت عرفیه است. و در هر صورت با تأخیر نماز، اعاده طواف لازم نیست.

- ۶۵۷ س - اگر کسی نماز را در خلف مقام ابراهیم نخواند، و با اعتقاد به صحت آن بقیه اعمال را انجام دهد، وظیفه او چیست؟
ج - فقط نماز را باید اعاده کند.
- ۶۵۸ س - زنی نماز طواف خود را در حجر اسماعیل خوانده است، و چون به منزل آمده، ملتفت شده که حائض شده است، و تا وقوف به عرفات پاك نمشود، وظیفه او نسبت به نماز چیست، و آیا عمل او صحیح است یا خیر؟
ج - عمره او صحیح است، و باید برای حج تمتع محرم شود، و وقتی خواست طواف و نماز حج را انجام دهد قبل یا بعد از آن، نماز طواف عمره تمتع را بجا آورد.
- ۶۵۹ س - شخصی نماز طواف را به اعتقاد این که حجر اسماعیل مقام ابراهیم است در حجر اسماعیل خوانده، چه باید بکند؟
ج - باید نماز را اعاده کند.
- ۶۶۰ س - نماز طواف مستحب واجب است یا مستحب؟
ج - مستحب است.
- ۶۶۱ س - آیا کسانی که قادر به خواندن نماز به طور صحیح نیستند میتوانند تبرعا حج استحبابی، و یا عمره مفرده استحبابی، و یا طواف استحبابی از جانب دیگری بجا آورند؟
ج - اشکال ندارد.

۶۶۲ س - در مسجد الحرام معمولاً افراد زیادی در پشت مقام همزمان مشغول نماز طواف هستند، و در آن محدوده مانع طواف می‌باشند، اولاً نماز آنها صحیح است یا خیر، و ثانیاً با توجه به آنچه فرموده‌اید که در صورت ازدحام و کثرت مطوفین طواف از پشت مقام اشکال ندارد، به شرط این که طواف کنندگان متصل باشند، آیا نماز خواندن در محدوده مذکور مانع اتصال هست یا نه؟
ج - نماز در آنجا اشکال ندارد، و در صورتی که از بقیه جوانب اتصال محفوظ باشد، مضر به اتصال نیست.

سعی

سعی در عمره و حج، واجب و رکن است، که با ترك عمدی آن اگر چه از روی جهل باشد، عمره و حج باطل میشود و آن در عمره يك مرتبه و در حج يك مرتبه در هفت شوط، پس از نماز طواف بین صفا و مروه انجام میگیرد.

مسأله ۶۶۳ - تأخیر سعی از طواف برای مدت کم به جهت گرمی هوا، خستگی و یا انجام طواف مستحب جایز است، و بنابر اقوی میتواند سعی را تا شب به تأخیر اندازد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که تأخیر نیاندازد، ولی تأخیر سعی برای روز بعد بدون ضرورت جایز نیست.

مسأله ۶۶۴ - کسی که سعی را فراموش نماید باید هر گاه متذکر شد آن را انجام دهد، و اگر از مکه خارج شده باید به مکه برگردد، و در صورتی که بازگشت به مکه مشقت دارد واجب است برای انجام سعی نایب بگردد.

مسأله ۶۶۵ - کسی که سعی را به نحو کامل بجا نیاورده است باید در احرام باقی بماند تا خود یا نایبش آن را انجام دهد، و اگر شخص به خیال این که از احرام خارج شده با زوجه خود مواجهه کند باید كفاره بدهد، و هم چنین اگر با توجه ناخن گرفته باشد، و ناخن گرفتن سهوی نیز بنا بر احتیاط كفاره دارد.

واجبات سعی

۱ - نیت

واجب است سعی را مقارن با قصد قربت به عنوان انجام امر الهی آغاز نماید، و با همین نیت به پایان رساند، و باید مشخص نماید که سعی را در عمره تمتع یا حج تمتع و یا... انجام مدهد، و بهتر آن است که نیت را به زبان نیز جاری کند.

۲ - ابتدای سعی از صفا

شروع سعی باید از کوه صفا انجام گیرد، ولی بالا رفتن از کوه لازم نیست، بلکه به همین مقدار که روی سنگفرش شیب پایین کوه قرار گرفت کفایت میکند.

۳ - ختم سعی در مروه
به نحوی که در شروع بیان شد باید ختم آن نیز به همان
کیفیت در کوه مروه انجام گیرد، بنابر این اگر کسی سعی را از مروه
شروع کند ولو سهوا سعیش باطل است، و باید آن را از نو
بجای آورد.

۴ - انجام سعی در هفت شوط
رفتن از صفا به مروه يك شوط، و بازگشت آن شوط دیگر
محسوب مگردد، بنابر این چهار شوط از صفا به مروه و سه شوط
از مروه به صفا انجام مگیرد.

۵ - انجام سعی در طریق معمول
سعی باید با رفت و آمد در طریق معمول بین صفا و مروه انجام
گیرد، بنابر این اگر در حین سعی داخل مسجد شود و یا به خیابان
برود و از آنجا وارد قسمت دیگر سعی شود سعی را ادامه دهد،
سعیش صحیح نیست، اما سعی در طبقه دوم اگر سعی بین دو کوه
صفا و مروه بر آن صدق نماید اشکال ندارد.

۶ - توجه به صفا و مروه در حال سعی در هنگام رفتن به سوی مروه باید کوه مروه در مقابل شخص قرار گیرد، و هم چنین در موقع رفتن به سوی صفا باید کوه صفا در مقابل او قرار گیرد. بنابر این سعی به قهقری (عقب عقب رفتن) و یا سعی به جانبین (یعنی به شانه چپ و راست به طوری که رو به کعبه و یا پشت به کعبه حرکت نماید) صحیح نیست، بلی گرداندن صورت به راست و چپ در صورتی که سینه و شانه‌ها در حال رفتن به مروه، رو به مروه، و در حال رفتن به صفا، رو به صفا باشد اشکال ندارد، و هم چنین بر گرداندن بدن ولو به طور کامل در حال توقف بی اشکال است، و نیز در حال دور زدن روی کوه صفا و مروه، انحراف از جانب راست به چپ مانعی ندارد.

۷ - مباح بودن لباس و مرکب لباس و کفش و مرکبی که شخص با آن سعی میکند باید مباح و غیر غصبی باشد، بلکه بنابر احتیاط حمل شیء غصبی نیز در حال سعی جایز نیست.

۸ - ترتیب سعی در عمره و حج باید پس از نماز طواف انجام گیرد، و اگر بدون ضرورت آن را بر طواف مقدم دارد اعاده آن لازم است.

مسأله ۶۶۶ - اگر سعی مقدم بر طواف انجام گیرد سهوا باشد یا جهلا، بنا بر احتیاط واجب اعاده آن لازم است.

مسأله ۶۶۷ - اگر پس از شروع در سعی متوجه نقصان طوافش گردید، پس اگر بعد از نصف، نقصان حاصل شده است باید سعی را رها نموده به اكمال طواف (به نحوی که در مسائل طواف ذکر شده است) پردازد، و سپس اگر چهار شوط سعی را قبلا بجا آورده سعی را از موضع قطع تکمیل نماید، و گرنه سعی را از نو بجا آورد، و اگر طواف او بیش از نصف کمبود دارد مبایست طواف را نیز از اول اعاده نماید.

مسائل متفرقه سعی

۶۶۸ س - اگر سر خود را در سعی بین صفا و مروه به پشت برگرداند، و بدن به سمت یمین یا یسار کج شود اما به پشت برنگردد سعی او اشکال دارد یا نه؟

ج - اگر در حال رفتن به صفا مقادیم بدن متوجه به صفا و در حال رفتن به مروه متوجه مروه باشد، و هنگام برگرداندن سر، توقف کند اشکال ندارد.

۶۶۹ س - اگر شخصی در سعی بین صفا و مروه به اطراف نظر نمود، میتواند همان وقت سعی را از اول شروع کند، یا باید صبر نماید تا موالات به هم بخورد؟

ج - نظر کردن به اطراف در حال سعی ضرر ندارد، فقط باید وقت رفتن به صفا رو به صفا برود، یعنی قهقرا نرود، یا آن که طرف یمین یا یسارش به سمت صفا نباشد، و اگر کسی به نحو باطل مقداری رفت، برگردد و همان مقدار را صحیحا اعاده کند، و موالات بهم نمخورد، و از سر شروع کردن، صحیح نیست.

۶۷۰ س - اگر کسی سعی را بطور کلی فراموش کرد و تقصیر نمود، تکلیف او چیست؟
ج - از احرام خارج شده، و هر وقت یادش آمد سعی را بجا آورد.

۶۷۱ س - حاج در عمره تمتع پس از آن که محل شد و لباس دوخته پوشید متوجه میشود که سعی را شش مرتبه انجام داده، حال اگر قبل از وقوف به عرفات متوجه شد چه کند، و اگر در عرفات یا بعد متوجه شد چه تکلیفی دارد، و اگر جماع کرده کفاره آن چیست؟

ج - اگر وقت دارد کسری سعی را تمام کند، و اگر وقت ندارد بطوری که اگر بخواهد برود و کسری سعی را تمام کند به وقوف عرفات نرسد وقوف عرفات و اعمال حج را بجا آورد، و بعد از مراجعت به مکه، کسری سعی عمره را بجا آورد، و در فرض سؤال، اگر جماع کرد کفاره آن بنا بر احتیاط يك گاو است، و هم چنین است حکم ناخن گرفتن.

۶۷۲ س - اگر کسی یقین کند که هفت شوط سعی بین صفا و مروه را تمام کرده است ولی بعد از تقصیر متوجه میشود که پنج شوط بوده، اولاً آیا کل سعی را باید از سر بگیرد، یا دو شوطی را که ناقص بوده است باید تکمیل کند؟ و ثانیاً آیا تقصیر هم باید بکند، یا تقصیر اول کافی است؟
ج - باید سعی را اتمام کند، و احتیاطاً تقصیر را اعاده نماید.

۶۷۳ س - کسی بعد از اتمام شوط ششم سعی در صفا گمان تمام شدن هفت شوط را کرد، و تقصیر نمود، ولی فوراً به او گفته‌اند که باید يك شوط دیگر بیاوری، او هم انجام داد، و بعد بار دیگر تقصیر نمود، آیا عمل او صحیح است یا خیر، و کفاره دارد یا نه؟
ج - عمل صحیح است و کفاره ندارد.

۶۷۴ س - کسی که مدانسته در سعی باید از صفا شروع و به مروه ختم کند، ولی جای آنها را نمدانسته، و از کسی پرسیده، و او مروه را به جای صفا به او نشان داده، و بنا به گفته او از مروه سعی را شروع کرده، و پس از این که هفت مرتبه سعی انجام داد ملتفت اشتباه خود شد، و يك مرتبه دیگر سعی نمود، آیا سعی او صحیح است یا خیر؟

ج - اقوی صحت آن است هر چند احوط اعاده سعی است.
۶۷۵ س - شخصی بعد از طواف عمره تمتع گم شده، و بعد از پیدا شدن به رفقاییش گفته که سعی صفا و مروه را بجا آورده‌ام، و تقصیر نمود، و محرم شد برای حج تمتع، ولی بعد از مراجعت از عرفات و منی و موقع طواف و سعی صفا و مروه و اعمال حج اظهار کرده: مثل این که من در اعمال عمره به صفا نیامده‌ام، همین طور گفته‌اند إن شاء الله آمده‌ای، بعد از مراجعت به ایران چند بار به پسرانش گفته اعمال من ناقص شده، و قبل از فوتش وصیت

نموده است برای او نایب بگیرند، اگر عمل شخص فوق الذکر باطل باشد وراثت او حاضرند نایب بفرستند تا اعمال حج او را انجام بدهد، نظر حضرتعالی چیست؟

ج - با فرض ترك سعی از جهت ندانستن مسأله، باید احتیاطاً عمره مفرده برای او بجا آورند، و بعد از آن حج او را اعاده نمایند.

۶۷۶ س - اگر از مروه شروع و به صفا ختم کرده و بعد فهمیده است، وظیفه او چیست، به خصوص اگر تقصیر کرده باشد؟

ج - باید سعی را اعاده کند، و اگر تقصیر نکرده تقصیر کند.

۶۷۷ س - روی صفا و مروه طاقی زده شده محاذی زیر،

آیا سعی را در طبقه فوقانی صحیح میدانید یا خیر؟

ج - در صورتی که فوقانی بلندتر از کوه صفا و مروه نباشد که سعی بین دو کوه صدق بکند مانعی ندارد.

۶۷۸ س - شخصی در حال سعی شك میکند شوط سوم است

یا پنجم، و در حالی که فکر میکند سعی را ادامه مدهد، و پس از

مقداری از سعی یقین میکند شوط سوم است، آیا این سعی

صحیح است یا باید از سر بگیرد؟

ج - در فرض سؤال که شك او مبدل به یقین شده، و احراز عدد

اشواط نموده، و به سعی ادامه داده است به رجاء کشف حال، سعی

او صحیح است.

۶۷۹ س - یکی از آقایان مراجع در مناسک خود فرموده: اگر يك شوط به سعی، اضافه کرد مستحب است شش شوط دیگر اضافه کند تا سعی دومی شود، بفرمایید که مقصود ایشان چیست؟ با این که سعی مستحب نداریم.

ج - در خصوص مورد، روایتی هست که بعضی از علماء (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) به آن عمل نموده‌اند، و بعضی به جهت ضعف سندش بر طبق آن، فتوی نداده‌اند و لکن عمل به آن، مطابق احتیاط است.

۶۸۰ س - شخصی در سعی بین صفا و مروه که تکلیفش هفت مرتبه است اگر جهلا چهارده مرتبه سعی نماید تکلیفش چیست؟ ج - در فرض سؤال که به بواسطه جهل به مسأله زیادتر سعی نموده، سعی او صحیح است، و اعاده واجب نیست، و هم چنین است حکم در صورت نسیان.

۶۸۱ س - شخصی به اعتقاد این که هر شوط سعی رفت و برگشت از صفا به مروه است سعی را شروع میکند، و در شوط سوم متوجه مسأله میشود، و سعی خود را به هفت شوط خاتمه میدهد، سعی او چه حکمی دارد؟ ج - سعی او صحیح است.

۶۸۲ س - شخصی قادر بر سعی نبوده، او را سوار چرخ کرده‌اند، در حال سعی خوابش برده، مقداری از سعی را خواب بوده، و بعد او را بیدار کرده‌اند، و بقیه سعی را بیدار بوده، آیا سعی او صحیح است یا نه؟

ج - صحت سعی در حال خواب معلوم نیست، بنا بر این اگر بعد از نصف خواب رفته، چنانچه بقیه سعی را از جایی که به خواب رفته است، بجا آورده باشد کافی است، و احتیاطاً اصل سعی را اعاده نماید، و در غیر این صورت لازم است سعی را از سر بگیرد.

۶۸۳ س - چرخهایی که در مسعی رفت و آمد میکنند محل معینی دارند، و احیاناً مشکوک است که به ابتداء و یا به انتهای مسعی برسند یا نه، تکلیف چیست؟

ج - باید سعی کامل انجام شود، هر چند با پرداخت اجرت بیشتر باشد. و اگر مقداری از سرایشی بالا بروند کافی است، و لازم نیست به آخر سنگفرش که متصل به کوه است برسند.

۶۸۴ س - اگر جهلا سعی را بر طواف زیارت مقدم داشت چه حکمی دارد؟

ج - احتیاط واجب آن است که سعی را اعاده نماید.

- ۶۸۵ س - کسی در اثناء سعی برای آب خوردن از مسیر منحرف شده، و پس از خوردن آب ادامه داده است چه صورت دارد؟
- ج - اگر سعی را قطع نکرده، و به نیت سعی حرکت را ادامه داده است و در بین راه آب خورده، یا اگر قطع کرده، و از جایی که سعی را قطع کرده یا محاذی آن سعی را تمام کرده، صحیح است.
- ۶۸۶ س - کسی که طواف و نماز آن را انجام داده، و سعی را به روز بعد یا روزهای بعد به تأخیر انداخته است، آیا طواف و نماز را باید اعاده کند؟
- ج - لازم نیست، ولی اختیاراً نباید سعی را به روز بعد تأخیر بیندازد.
- ۶۸۷ س - شخصی شوط سوم سعی را به هم زد، و با فاصله اندکی هفت شوط دیگر بجا آورد، و تقصیر نمود، آیا این سعی صحیح است؟
- ج - صحت آن بعید نیست.
- ۶۸۸ س - آیا زنهایی که از جهت عادت ماهانه برای طواف نایب مگیرند در سعی هم میتوانند نایب بگیرند؟
- ج - محل سعی مسجد نیست، و سعی را باید خودشان بجا آورند، با مراعات ترتیب بین طواف و سعی.

۶۸۹ س - گاهی انسان در اثر ازدحام، جهت رفتن برای سعی ناچار است از مسجد الحرام عبور کند، در این صورت تکلیف حائض و نفساء چیست، و آیا برای سعی هم مثل طواف نایب بگیرند؟

ج - اگر امکان نداشته باشد که از راه دیگری بروند باید تأخیر بیندازند، و اگر آن هم ممکن نیست نوبت به نیابت برسد، و بر فرض مخالفت، چنانچه از آن راه رفت و خودش سعی کرد سعیش صحیح است، هر چند گناه کرده است.

۶۹۰ س - آیا زیادی در سعی جهلا، حکم زیادی سهوی را دارد یا عمدی؟

ج - حکم سهو را دارد و مضر نیست.

۶۹۱ س - کسی که نمیتواند بدون سوار شدن در چرخهای معمولی در مسعی سعی کند، و تمکن مالی ندارد، چون ارز خود را صرف سوغات کرده، وظیفه اش چیست؟

ج - اگر میتواند با چرخ سعی کند، (ولو با فروش چیزی، یا قرض) استنباه صحیح نیست مگر آن که مشقت و حرج در کار باشد.

۶۹۲ س - اگر در سعی، بعضی مواضع بدن زن غیر از وجه و کفین پیدا باشد آیا به سعی او ضرر میزند یا نه؟

ج - ضرر نمیزند.

۶۹۳ س - شخصی به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی گاهی به عقب برمگشته و بدون توجه مجددا همان مسافت را طی مکرده، آیا سعی او صحیح است؟
ج - اشکال دارد، و باید سعی را اعاده کند.

۶۹۴ س - شخصی در حال سعی کردن بود، يك وقت دید مقداری را که برای هروله علامت گذاری کرده‌اند به طور عادی سیر کرده است، گمان مکرر لازم است هروله کند و لذا برگشت و مقداری را که عادی رفته بود، با هروله تکرار کرد، آیا سعیش اشکال دارد؟

ج - اشکال ندارد.

۶۹۵ س - شخصی به تصور این که سعی نیز نیاز به وضو دارد بعد از يك شوط و نیم، سعی خود را قطع میکند و وضو میگیرد، و هفت شوط دیگر سعی منماید، تکلیف او چیست؟
ج - اشکال ندارد.

۶۹۶ س - آیا موالات در تمام اشواط سعی معتبر است، و یا اختصاص به بعضی دارد؟

ج - در سعی، موالات معتبر نیست.

۶۹۷ س - اگر کسی قبل از رسیدن به مروه، در آوردن هفت و نه شوط شك کرده، تکلیف او چیست؟
ج - مبطل است، باید سعی را اعاده کند.

تقصیر

تقصیر که عبارت از کوتاه کردن مقداری از موی سر و یا صورت و یا گرفتن ناخن دست و یا پا است در عمره واجب است، و پس از سعی انجام مگردد، و مانند سایر اعمال عمره و حج جزء مناسک است، و باید با نیت و قصد قربت انجام شود، و تعیین کند که با این تقصیر از کدام احرام محل میشود، حج واجب یا نیابی یا استحبابی است، عمره مفرده است یا عمره تمتع.

تقصیر در هر مکانی جایز است، و پس از سعی و جوب فوری ندارد، و با انجام آن محرم از احرام خارج میشود.

مسأله ۶۹۸ - تراشیدن سر در عمره تمتع تقصیر محسوب نمیشود، و اگر تمام سر را بتراشد باید يك گوسفند كفاره بدهد، و بنا بر احتیاط در صورت جهل و نسیان نیز كفاره دارد، و تراشیدن بعض سر نیز تقصیر محسوب نمیشود، ولی كفاره ندارد، و بنا بر احتیاط واجب پس از تقصیر نیز سر تراشیدن بین عمره و حج جایز نیست، و يك گوسفند كفاره دارد.

مسأله ۶۹۹ - پس از تقصیر تمام محرمات احرام، جز صید در حرم و کندن گیاه حرم بر شخص حلال مشود.

مسأله ۷۰۰ - دلیلی بر وجوب طواف نساء در عمره تمتع نیست، لکن انجام آن به رجاء مطلوبیت خوب است.

مسأله ۷۰۱ - کسی که تقصیر را سهوا ترک کرد، و محرم به احرام حج گردید، و به عرفات رفت، عمره او صحیح، و بنا بر احتیاط واجب باید يك گوسفند کفاره بدهد، ولی اگر عمدا و یا جهلا چنین کرده است، عمره تمتع او باطل، و حج او مبدل به افراد مشود، و پس از انجام مناسک حج باید يك عمره مفرده بجای آورد، و قضای حج تمتع را بنا بر احتیاط در سال آینده نیز تدارک نماید. و اگر برای حج محرم شده، ولی هنوز به عرفات نرفته است، باید تقصیر کند، و دوباره محرم به احرام حج شود.

مسائل متفرقه تقصیر

۷۰۲ س - شخصی چند سال قبل به حج مشرف شد، و در عمره تمتع بعد از سعی چند دانه موی ریش را به نیت تقصیر کند، و حج را تمام نمود، آیا حج تمتع او صحیح است یا نه؟
ضمناً بعد از این سفر چند مرتبه دیگر به حج مشرف شده، اگر حج اول اشکالی داشته باشد حج سالهای بعد صحیح است یا نه؟
و چنانچه در واقع حج اول او مبدل به افراد شده باشد اگر امسال به مکه برود و بعد از اتمام اعمال حج، يك عمره مفرده انجام دهد برای حج سال اول کافی است یا نه؟
ج - در فرض سؤال، که حج تمتع را ثانياً بجا آورده، اگر عمره مفرده نیز احتیاطاً بجا آورد کافی است، و اگر بعد از حج سال اول در سالهای بعد، عمره مفرده بجا آورده باشد، نیز کافی است.

۷۰۳ س - شخصی در عمره تمتع، به جای تقصیر (چون تقصیر را به معنی گناه تصور کرده) چند مو از سینه خود کنده، و بعد هم برای حج تمتع محرم شده، و حج تمتع را انجام داده، آیا حلق که بعد انجام گرفته کفایت از تقصیر میکند یا نه؟ و آیا فعلا زن بر او حلال است یا هنوز از احرام خارج نشده؟

ج - در فرض سؤال که از جهت جهل به مسأله قبل از محل شدن از عمره، محرم به احرام حج شده، عمره تمتع او باطل، و حج او مبدل به حج افراد شده، و بعد از اعمال حج، و تقصیر یا حلق، و طواف نساء، زن بر او حلال است، و واجب است بعد از حج، عمره مفرده بجا آورد، و اگر نیاورده هر وقت متمکن شد انجام دهد، و احتیاط لازم آن است که در سال بعد حج تمتع بجا آورد.

۷۰۴ س - اگر شخص محرم به احرام حج یا عمره، محرم دیگری را تقصیر نماید، شخص تقصیر شده از احرام خارج میشود یا نه؟ و در صورت خارج شدن از احرام، بر او و بر تقصیر کننده کفاره لازم میشود یا نه؟

ج - اگر جاهل به حکم باشند، تقصیر صحیح است، و از احرام خارج میشوند، و بر تقصیر کننده نیز کفاره لازم نیست.

۷۰۵ س - کسی که به واسطه جهل به مسأله بعد از طواف و قبل از سعی، تقصیر کرده و بعد از آن با زن نزدیکی کرده، تکلیفش چیست؟

ج - باید سعی را به نحو صحیح بجا آورد، و رجاء تقصیر کند، و بنا بر احتیاط واجب يك گاو كفاره بدهد.

۷۰۶ س - در مناسك آمده كه در صورت نسیان تقصیر در عمره، و توجه پیدا كردن به آن بعد از احرام حج، عمره او صحیح است، و باید يك گوسفند كفاره بدهد، و راجع به انجام تقصیر و عدم آن چیزی مرقوم نشده، آیا همان كفاره کافی است؟ بلی در صورت نسیان، كفاره کافی است.

۷۰۷ س - اگر کسی تقصیر عمره مفرده را فراموش كرد، آیا میتواند در هر جایی تقصیر کند؟ و آیا نیازی به طواف نساء مجدد هست؟

ج - تقصیر را در هر جا میتواند انجام دهد، ولی بنا بر احتیاط لازم طواف نساء و نماز آن را اعاده کند. و اگر خودش نمیتواند، نایب بگیرد.

۷۰۸ س - آیا لازم است تقصیر در عمره تمتع را بعد از سعی بدون فاصله بجا آورد یا نه؟

ج - اگر قبل از احرام حج تقصیر نماید کافی است، و مدرکی برای فوریت آن به نظر نرسیده است.

۷۰۹ س - پس از تمام شدن سعی، بعضی از اشخاص، مو و شارب و ناخن دیگران را به عنوان تقصیر کوتاه میکنند، آیا و كالت در این كار از آنها لازم است، یا سكوت و رضایت آنها کافی است؟

ج - خود محرم باید نیت تقصیر را که از اعمال حج است بنماید، و اگر با رضایت خودش را در اختیار دیگری قرار دهد که موی او را کوتاه کند کافی است.

۷۱۰ س - آیا محرم میتواند ناخن محرم دیگر را به قصد تقصیر بگیرد یا نه؟

ج - اشکال ندارد.

۷۱۱ س - کسی که بعد از سعی در عمره تمتع تقصیر کرد، و بعداً به شك افتاد که آیا تقصیری که کردم صحیح است یا نه، وظیفه‌اش چیست؟

ج - اگر در حال عمل، عالم به مسأله و ملتفت بوده، اشکال ندارد.

۷۱۲ س - اگر کسی به جای تقصیر، حلق نمود آیا کفایت میکند؟

ج - در عمره تمتع کفایت نمیکند، و باید بك گوسفند كفاره بدهد.

۷۱۳ س - کسی که بعد از انجام اعمال عمره در منزل تقصیر کرده است، وظیفه‌اش چیست؟

ج - مانع ندارد.

۷۱۴ س - اگر سنی برای شیعه تقصیر نماید چه صورت دارد؟

ج - اشکال ندارد.

احکام بین عمره و حج تمتع
۷۱۵ س - آیا در عمره تمتع پس از انجام تقصیر سر تراشیدن جایز
است یا نه؟

ج - جایز نیست، و اگر بتراشید بنا بر احوط يك گوسفند
کفاره دارد.

۷۱۶ س - شخصی بعد از عمره تمتع (که در روز چهارم ذیحجه
انجام داده) قبل از حرکت به عرفات و منی برای اعمال حج تمتع،
سر خود را با تیغ یا ماشین يك یا دو یا سه کوتاه کرده است، آیا این
عمل ضرری به حج او می‌رساند و کفاره دارد یا نه؟

ج - اگر با تیغ، سر خود را بین عمره تمتع و حج تمتع بتراشد،
با آن که عالم به مسأله بوده، يك گوسفند کفاره دارد، و در صورت
جهل و نسیان، کفاره ندارد، و ماشین کردن سر در فرض مزبور،
موجب کفاره نمیشود هر چند احوط دادن کفاره است
و در هر حال ضرری به حج او نمی‌رساند.

۷۱۷ س - همچنان که تراشیدن سر بعد از عمره تمتع و قبل از احرام حج حرام است و کفاره دارد، آیا تراشیدن صورت نیز همین حکم را دارد؟

ج - غیر از حرمت تراشیدن ریش، در این مورد حکم خاصی ندارد.

۷۱۸ س - بعضی از حجاج منزلشان از مکه خارج است، بعد از عمره تمتع و قبل از احرام به حج تمتع، خارج شدن آنان از مکه چه حکمی دارد؟

ج - خروج از مکه بعد از عمره تمتع جایز نیست علی الاحوط، مگر در مورد ضرورت که در این صورت هم باید محرم شوند به احرام حج، و خارج شوند، و اگر با احرام بودن برای شخص حرجی باشد، بدون احرام نیز میتواند خارج شود.

۷۱۹ س - آیا حاج بین عمره و حج تمتع میتواند به غار ثور برود؟

ج - بعد از عمره تمتع جایز نیست بدون حاجت از مکه بیرون برود، مگر با احرام حج.

۷۲۰ س - با توجه به این که خانه‌های مکه تا پایین کوه حرا ادامه پیدا کرده است، آیا بین عمره و حج تمتع میتوان به غار حرا رفت یا خیر؟

ج - اگر فعلا هم خارج مکه محسوب شود، رفتن جایز نیست.
۷۲۱ س - بعض از منازل مسافران در محله‌های کنار شهر در دامنه کوه قرار دارد، آیا حجاج می‌توانند از این کوهها بالا بروند یا خیر؟ و آیا فرقی بین کوههایی که پشت آن را نیز خانه‌های مکه گرفته و کوههایی که پشت آن دیگر خانه‌ای وجود ندارد هست یا خیر؟

ج - اگر خروج از مکه محسوب نشود، اشکال ندارد.
۷۲۲ س - خدمه کاروانها که پس از انجام عمره تمتع برای دیدن چادرها و کارهای دیگر باید به عرفات و منی بروند و برگردند، وظیفه آنان چیست؟

ج - بنا بر احتیاط واجب نمیتوانند از مکه خارج بشوند مگر در مورد ضرورت، و در این صورت باید برای حج محرم شوند و بیرون بروند. بلی اگر احرام برای آنان حرجی باشد، و رفتن به عرفات و منی برای آنان ضرورت دارد میتوانند بدون احرام به آنجا بروند.

۷۲۳ س - آیا لازم است خدمه کاروان های حج در صورتی که عمره مفرده بجا آورده‌اند برای خروج و ورود به مکه محرم شوند؟
ج - در فرض سؤال، برای خروج از مکه احرام لازم نیست، و برای ورود به مکه نیز اگر قصد انجام حج ندارد، و سی روز از احرام قبل نگذشته است، احرام لازم نیست.

۷۲۴ س - شخصی در اول ماه ذیحجه وارد مکه شده، آیا بعد از خاتمه عمره تمتع و قبل از انجام حج تمتع میتواند عمره مفرده انجام دهد یا نه؟ و هم چنین بعد از اعمال حج تمتع میتواند بدون فاصله عمره مفرده را انجام دهد یا نه؟

ج - بعد از احرام عمره تمتع، جایز نیست بدون حاجت از مکه بیرون برود، و جایز نیست قبل از حج، عمره مفرده بجا آورد، ولی بعد از اتمام حج تمتع، عمره مفرده جایز است، و فاصله لازم نیست.

۷۲۵ س - اگر جهلا عمره مفرده را بعد از عمره تمتع و قبل از حج بجا آورد تکلیف او نسبت به حج چیست؟
ج - باید حج تمتع را بجا آورد و حج او صحیح است.

حج تمتع

حج تمتع از چند عمل تشکیل میشود:

اول - احرام

مسأله ۷۲۶ - احرام در حج تمتع واجب رکنی است، و با ترك عمدی آن حج باطل میشود.

مسأله ۷۲۷ - احرام حج مبایست در ماههای حج، و قبل از زمان وقوف به عرفات انجام گیرد، لکن در حج تمتع علاوه بر این باید پس از انجام عمره تمتع قرار گیرد.

مسأله ۷۲۸ - احرام حج قبل از ضیق شدن وقت وقوف جایز است، ولی زمانی که وقت وقوف ضیق شد به طوری که با تأخیر، خوف فوت وقوف وجود داشته باشد، احرام حج واجب میشود.

مسأله ۷۲۹ - در حج افراد و حج قران اگر منزل شخص قبل از مواقیت مذکوره باشد محل احرام میقاتهای تعیین شده است، و اگر منزل شخص بعد از میقات به طرف مکه است محل احرام حج برای او منزل خود او است.

مسأله ۷۳۰ - محل احرام در حج تمتع تمام مکه مکرمه است، ولی بهتر آنست که در مسجد الحرام محرم شود، و بهتر از آن، محرم شدن در حجر اسماعیل و یا مقام ابراهیم (علیه السلام) است.

مسأله ۷۳۱ - همان گونه که در احرام عمره تمتع گذشت، پس از پوشیدن دو پارچه ندوخته احرام، بر شخص حاج لازم است که احرام حج را نیت کند، و معین نماید که چه نوع حجی را انجام مدهد، و در این عمل قصد تقرب إلى الله را بنماید، و با گفتن لبیک های واجب همان گونه که گذشت احرام را منعقد کند، به این معنی که خود را نسبت به تروک احرام ملتزم نماید.

مسأله ۷۳۲ - اگر احرام از مکه مکرمه را فراموش کرد، و یا جهلا ترك نمود و در روز ترویبه (هشتم) به منی آمد، و یا روز نهم به عرفات رفت، و سپس متذکر شد واجب است در صورت امکان به مکه بازگردد، و در آنجا محرم شود، و در صورتی که وقوف اختیاری عرفات از او فوت مشود، و یا از رفتن به مکه متعذر باشد، احتیاط آن است که به طرف مکه تا قدری که ممکن است بازگردد، و اگر نه از همان جایی که هست محرم شود.

مسأله ۷۳۳ - اگر جاهل و یا ناسی پس از وقوفین فهمید که محرم نشده است باید همانجا محرم شده، و مناسک را به پایان برساند، و بنابر اقوی اعاده آن در سال بعد لازم نیست، اگر چه احوط آن است که حج را اعاده نماید.

مسأله ۷۳۴ - اگر کسی عمدا احرام را تا بعد از گذشتن دو موقف ترك نماید، حجش باطل است، و هم چنین است حکم ناسی و جاهل، اگر در موقعی که محرم نبودنشان بیادشان آمد، احرام را تدارك نکرده‌اند، و عمدا بدون احرام تا پایان وقت احرام باقی مانده‌اند.

مسأله ۷۳۵ - اگر از روی فراموشی و یا ندانستن مسأله محرم نشود، و پس از اتمام حج متوجه گردد، و حج او صحیح است.

مسائل متفرقه احرام حج

۷۳۶ س - حاج در مسجد الحرام محرم میشود به احرام حج تمتع، و چون فاصله منزلش تا مسجد يك يا دو فرسخ است سوار به ماشین مسقف میشود، و به خانه مآید، و از آنجا عازم عرفات میشود، آیا این استظلال کفاره دارد یا خیر؟

ج - جواز استظلال در فرض سؤال بعید نیست، هر چند احتیاط در ترك است.

۷۳۷ س - بعضی حجاج را در نه کیلو متری مسجد الحرام و دوازده کیلومتری عرفات منزل مدهند، تکلیف اقامه و نماز آنها از نظر قصر و اتمام و احرام حج تمتع که باید از مکه باشد چیست؟

ج - دائر مدار صدق عرفی است، در صورتی که بر مجموع محلات عنوان مکه صدق کند، قصد اقامه در تمام نقاط زمین مکه صحیح است، و احرام حج تمتع از آن نقاط کافی است، بلی اگر منزل حجاج، خارج از حد مکه باشد مثل منی یا حدیبیه و حده و

به حره، که به آنها محلات مکه نمگویند، و شخص حاج بخواهد هم در مکه باشد و هم در ملحقات مکه که صدق محلات مکه نکند، قصد اقامه، در دو محل محقق نمشود، و احرام حج هم از آنها کافی نیست.

۷۳۸ س - شهر مکه توسعه پیدا کرده، ولی محله‌ها به هم متصل است، مثل تهران قدیم و نارمک و سایر محله‌ها، آیا احرام برای حج تمتع از محله‌های مذکوره صحیح است یا نه؟
ج - در صورتی که جزء مکه شمرده شود صحیح است.
دوم - وقوف در عرفات

مسئله ۷۳۹ - وقوف در عرفات از زوال شمس تا غروب شرعی (۱) روز نهم ذیحجه واجب است و لکن مقدار رکنی آن مسمای وقوف است، و زمان وقوف اضطراری در عرفات از غروب تا طلوع فجر روز دهم ذیحجه است، ولی ماندن بیش از قدری که وقوف بر آن صدق کند وجوب ندارد.

مسئله ۷۴۰ - اگر شخص تمام زمان وقوف را در خواب و یا در حال مستی و یا اغماء بگذارند، وقوفش باطل است.

(۱) غروب شرعی به زمانی گفته میشود که حمره مشرقیه از بالای سر گذشته باشد.

مسأله ۷۴۱ - اگر کسی پس از زوال، نیت وقوف کند، و پس از درك مقدار لازم از وقوف بخوابد، حش صحیح است، و اگر قبل از زمان وقوف، در عرفات حاضر باشد و به قصد وقوف بخوابد صحت وقوف او بعید نیست، اگر چه تمام وقت را در خواب بماند و همین حکم در باره وقوف مشعر نیز جاری است.

مسأله ۷۴۲ - وقوف در عرفات باید داخل محدوده تعیین شده عرفات باشد، بنابر این وقوف در وادی نمره، و دیگر جاهایی که از حدود عرفات خارج است کفایت نمکند.

مسأله ۷۴۳ - کسی که عمداً وقوف در عرفات را در تمام وقت وقوف اختیاری آن ترك نماید حش باطل است، و درك وقوف اضطراری عرفات و یا وقوف مشعر حج او را تصحیح نمکند.

مسأله ۷۴۴ - کسی که وقوف در عرفات را فراموش کند، مبیاست در موقعی که متذکر شد، در صورت امکان، هر مقدار که میتواند وقوف به عرفات را درك نماید، و در صورتی که وقوف اختیاری ممکن نباشد، اگر وقوف اضطراری عرفات را درك نماید، و در مشعر نیز از طلوع فجر تا طلوع آفتاب وقوف کند، حش صحیح است.

مسأله ۷۴۵ - اگر کسی مقداری از ابتدای وقت وقوف در عرفات را درك ننماید حش صحیح است، و کفاره بر او واجب نیست، ولی در صورت تعدد گناه کرده است.

مسأله ۷۴۶ - اگر کسی قبل از غروب، از عرفات عمدا خارج شود، اگر توبه کند و قبل از غروب باز گردد بر او کفاره واجب نیست، و اگر توبه نکرد و برنگشت، باید يك شتر کفاره در منی قربانی کند، و در صورت عدم تمکن مالی باید هیجده روز پی در پی در مکه، و یا در راه مکه، و یا در وطن خود روزه بگیرد.

مسأله ۷۴۷ - اگر شخص قبل از غروب سهوا و یا به جهت ندانستن مسأله (اگر چه مقصر باشد) از عرفات بیرون رود، و در موقع وقوف متوجه نشود، چیزی بر او نیست، و اگر قبل از غروب متوجه شد، بر او واجب است که به عرفات بازگشته و تا غروب در عرفات بماند، و در صورت تخلف گناه کرده و حکم عامد را دارد، و کفاره بر او واجب است.

مسأله ۷۴۸ - برای ناسی و معذور نسبت به وقوف اختیاری عرفات، وقوف اضطراری عرفات کفایت میکند.

مسأله ۷۴۹ - اگر شخص خوف دارد که با درك وقوف اضطراری عرفات، از وقوف اختیاری مشعر باز مماند باید بر وقوف به مشعر اقتصار نماید، و حجش صحیح است، و در صورت تخلف اگر نتواند وقوف به مشعر را درك نماید، حجش باطل است.

مسأله ۷۵۰ - اگر کسی وقوف در عرفات را نسیانا و یا به جهت دیگر ترك کرده، و پس از پایان وقت وقوف متوجه شد، اگر وقوف به مشعر را تدارك نماید کفایت میکند، و حج او صحیح است، و جاهل قاصر در این مسأله حکم ناسی را دارد، اما در مورد جاهل مقصر اشکال است، اگر چه الحاق آن به ناسی بعید نیست.

مسأله ۷۵۱ - هر گاه نزد قاضی عامه، اول ماه ذیحجه ثابت شود، و برای شیعه شرعا ثابت نشده باشد، و به این جهت روز نهم ذیحجه در نزد آنها روز هشتم به نظر شیعه باشد، احتیاط واجب آن است که اگر ممکن است وقوف اختیاری عرفات را در روزی که نزد شیعه نهم است انجام دهد، و اگر ممکن نشد اضطراری آن را درك کند و به مشعر رفته، و وقوف در آنجا را نیز درك نماید، و اعمال روز عید را در منی به عمل آورد، و اگر درك اضطراری عرفات هم ممکن نشد درك اختیاری مشعر کافی است، و حشش صحیح است، و بنابر اقوی چنانچه گفته خواهد شد، درك اضطراری عرفه و اضطراری مشعر نیز کفایت میکند، و اگر درك هیچ يك از این موافق میسر نشود، حکم آن در مسأله بعد ذکر خواهد شد.

مسأله ۷۵۲ - هر گاه هلال نزد قاضی عامه ثابت شود، و نزد شیعه ثابت نشده باشد، لکن از جهت تقیه ناچار به متابعت باشند، و از عمل به وظیفه خود خائف باشند، بنابر اقوی این حج صحیح است و کفایت از حجة الاسلام میکند، هر چند عالم به خلاف باشند، و اگر بدون خوف متمکن از عمل به وظیفه باشند، احوط آن است که رجاء متابعت کنند، و بعد واجب است حتی با عدم علم به خلاف، به وظیفه خود عمل نمایند.

مسائل متفرقه وقوف به عرفات
۷۵۳ س - حدودی که برای عرفات و مزدلفه و منی مشخص شده
است جهت انجام مناسک اعتبار دارد یا نه؟
ج - چنانچه مورد اطمینان یا تصدیق اهل محل باشد معتبر
است.

۷۵۴ س - زنی که عادت ماهانه‌اش مثلاً شش روز بوده است.
در حال عادت زنانه برای عمره تمتع محرم میشود، و در روز هشتم
ذیحجه که روز ششم عادت او است پاك مگردهد، و غسل میکند،
و اعمال عمره تمتع را انجام میدهد، و برای حج تمتع محرم
میشود، ولی ظهر روز نهم در عرفه لك میبندد، و نمیداند که
آیا ادامه دارد تا پس از ده روز، تا استحاضه حساب شود، و اعمال
قبلی او صحیح باشد، یا قبل از تمام شدن ده روز از اول عادت قطع
میشود تا حکم حیض را داشته باشد، وظیفه او چیست؟ و در همین
فرض اگر در مشعر لك دید چه کند؟

ج - عمل به احتیاط، و راه احتیاط انجام اعمال بدون قصد تمتع و افراد، بلکه به قصد ما فی الذمه، با قربانی در منی است. و پس از گذشت ده روز از اول حیض وظیفه او روشن میشود، که اگر از ده روز تجاوز نکرد و خون قطع شد، حج بدل به افراد شده، و لازم است عمره مفرده بجای آورده، و اگر از ده روز تجاوز کرد کشف از استحاضه بودن میکند، و حج تمتع او صحیح است.

۷۵۵ س - در فرض مسأله فوق اگر در عرفات یا مشعر لك دید، و همان وقت یقین پیدا کرد که خون حیض است و قبلا پاك نبوده، باید چه کند، با توجه به این که وقت وقوف اختیاری و یا اضطراری آن باقی است، ولی وقت برگشتن به مکه و انجام اعمال عمره تمتع را ندارد؟

ج - مورد عدول به افراد است، و باید بعد از اتمام حج، عمره مفرده بجا آورد.

۷۵۶ س - شخصی وقوف اختیاری عرفات را درك کرده، و قبل از رفتن به مشعر، مغمی علیه شده است. بفرمایید اگر به همین حال تا آخر اعمال باقی باشد، وظیفه چیست؟ و اگر بعد از اغماء او را به ایران آورده باشند چه حکمی دارد، و نیز اگر بعد از ایام تشریق در ماه ذیحجه به هوش بیاید، در مکه باشد یا در ایران، چه باید کرد؟

ج - پس از به هوش آمدن اگر میتواند خودش، و اگر نمیتواند نایبش بقیه اعمال را انجام دهد. و حج صحیح است.

۷۵۷ س - کراهت صعود به جبل الرحمه، آیا قبل از نیت وقوف
 به عرفات است یا بعد از آن؟
 ج - در وقت وقوف کراهت دارد که از جبل بالا رود.
 سوم: وقوف به مشعر الحرام
 مشعر که " مزدلفه " و " جمع " نیز نامیده میشود، زمین وسیع
 و معروفی است که بین عرفات و منی واقع شده است، و با علائم
 منصوب حدود آن مشخص شده است.
 مسأله ۷۵۸ - پس از مراجعت از عرفات، وقوف در مشعر
 واجب است، و احتیاط واجب آن است که شب عید قربان را نیز
 در مشعر بیتوته نماید، و به هنگام طلوع فجر نیت وقوف کند،
 به این که بگوید: وقوف میکنم در مشعر الحرام از طلوع فجر تا طلوع
 آفتاب در حج تمتع و یا... قربة الی الله، و نیز احتیاط آن است که
 ذکر خدا را، اگر چه اندک باشد، در مشعر ترك ننماید.
 مسأله ۷۵۹ - وقوف در تمام زمان تعیین شده، در مشعر واجب
 است، لکن مقدار واجب رکنی آن وقوف به اندازه‌ای است که
 مسمای وقوف صدق کند، بنابر این اگر شخص این مقدار را نیز ترك
 کند حش باطل است.

مسأله ۷۶۰ - اگر شخصی از مشعر کوچ کند، و قبل از طلوع آفتاب از وادی محسر بگذرد گناه کرده، و بنا بر احتیاط يك گوسفند كفاره بدهد، اگر چه اقوی عدم وجوب كفاره است.

مسأله ۷۶۱ - اگر کسی پس از درك مسمای وقوف در مشعر دیوانه و یا بیهوش شود، و یا به خواب رود، كفایت میکند، و حشش صحیح است، ولی اگر در تمام وقت وقوف، دیوانه و یا بیهوش و یا در خواب باشد، حج و وقوفش باطل است، بلی در صورتی که قبل از زمان وقوف به مشعر آمده، و با قصد وقوف خوابیده، اگر چه تمام زمان وقوف را در خواب باشد، صحت حج او بعید نیست.

مسأله ۷۶۲ - برای وقوف در مشعر و هم چنین عرفات، بودن در آن محل به هر وضعیت كفایت میکند، و فرقی بین سواره، و پیاده و ایستاده، و یا نشسته بودن نیست.

مسأله ۷۶۳ - رفتن از مشعر به منی، قبل از طلوع فجر برای زنان و پیران و مریضهایی که تحمل ازدحام جمعیت برای آنان مشکل است، و هم چنین کسانی که کار ضروری دارند، جایز است.

مسأله ۷۶۴ - کسانی که وقوف اختیاری مشعر را درك نکرده‌اند، در صورتی که وقوف اختیاری و یا اضطراری عرفات را درك کرده باشند، اگر قبل از زوال روز دهم ذیحجه به قدر صدق مسمای وقوف در مشعر بمانند، كفایت میکند.

مسأله ۷۶۵ - برای وقوف در مشعر سه وقت است:
اول - شب عید برای کسانی که تمکن از وقوف پس از طلوع
فجر را ندارند، همان گونه که گذشت، و این وقوف
اضطراری است.

دوم - وقوف اختیاری، که زمان آن از طلوع فجر تا
طلوع آفتاب است.

سوم - از طلوع آفتاب تا هنگام زوال روز دهم ذیحجه، که این
نیز زمان وقوف اضطراری مشعر است.

مسأله ۷۶۶ - با در نظر گرفتن هر يك از وقوف اختیاری
و اضطراری عرفات و مشعر، و درك هر دو موقف، و یا یکی از آنها
در وقت اختیاری و یا اضطراری، و یا عدم درك آن دو، دوازده قسم
به وجود می‌آید، که حکم مکلف از جهت صحت و بطلان در هر يك
از آنها مختلف است، که به اختصار به آن اشاره می‌کنیم:
الف: وقوف عرفات را از ظهر تا غروب روز نهم درك
کرده است.

۱ - وقوف مشعر در تمام اوقاتش از او فوت شده است.

صحیح

۲ - فقط وقوف اضطراری شبانه مشعر را درك کرده است.

صحیح

۳ - وقوف بین الطلوعین که وقوف اختیاری است درك کرده است.

صحیح

۴ - فقط وقوف اضطراری مشعر را قبل از ظهر روز دهم درك کرده است.

صحیح

ب: وقوف اضطراری عرفات را در شب عید درك کرده است.

۵ - وقوف مشعر در تمام اوقاتش، از او فوت شده است.

باطل

۶ - وقوف اضطراری شبانه مشعر را درك کرده است.

صحیح

۷ - وقوف بین الطلوعین را که وقوف اختیاری است درك کرده است.

صحیح

۸ - وقوف اضطراری قبل از ظهر روز دهم را در مشعر درك کرده است.

صحیح

ج: وقوف اختیاری و اضطراری عرفات از او فوت شده است.

۹ - وقوف در مشعر نیز در تمام اوقاتش از او فوت شده است.

باطل

۱۰ - فقط وقوف شبانه در مشعر را درك کرده است.

صحیح

۱۱ - وقوف اختیاری مشعر که بین الطلوعین است درك کرده است.

صحیح

۱۲ - فقط وقوف قبل از ظهر روز عید قربان را در مشعر درك کرده است.

باطل

مسائل متفرقه وقوف به مشعر الحرام
۷۶۷ س - آیا حاج متواند شب برای کاری و یا بدون کار از
مشعر به منی برود و قبل از فجر، برای درك اختیاری مشعر برگردد
یا جایز نیست؟

ج - برای غیر معذور، جایز نیست و اگر رفت و قبل از طلوع
فجر مراجعت نمود معصیت نموده، و لکن وقوف او صحیح
است.

۷۶۸ س - کوچ کردن از مشعر به منی قبل از نیمه شب یا بعد
از آن، به جهت خوف ازدحام جمعیت برای پیر مردها و بیماران
و زنان جایز است یا خیر؟

ج - برای مضطر و خائف و صاحب عذر و زنان، افاضه از مشعر
به منی در شب جایز است، هر چند قبل از نصف شب باشد.
۷۶۹ س - کارکنان و اعضاء کاروانی که موظف به پذیرایی حجاج
هستند، آیا متوانند وقوف اضطراری مشعر را انجام داده،
و همان شب عید را به منی بروند و برنگردند یا نه؟

ج - اگر طوری است که ناچارند بعد از وقوف مقداری از شب در مشعر، شبانه به منی بروند، و نمیتوانند ثانیاً به مشعر برگردند، مانعی ندارد، و لکن اکتفا به مقدار ضرورت نمایند.

۷۷۰ س - کارمند کاروان، اثاث را از عرفات به مکه برد، و در مشعر توقف نکرد، و از مکه به مشعر برگشت، و تا صبح ماند، چه صورت دارد، و اگر وقوفش فقط به اندازه جمع کردن سنگ برای رمی جمرات باشد، تکلیفش چیست؟

ج - حج او صحیح است، و به مقدار جمع کردن سنگ برای رمی جمرات، اگر به قصد وقوف توقف کند، رکن به عمل آمده است.

۷۷۱ س - عده‌ای در شب دهم ذیحجه عازم مشعر بودند، از افرادی که آنجا بودند سؤال نمودند مشعر کجا است؟ جواب دادند اینجا است، اطمینان پیدا کردند که مشعر است، نیت بیتوته و قصد وقوف کردند، بعد که وقت اضطراری مشعر هم گذشته بود معلوم شده مشعر نبوده، نسبت به باقی اعمال حج و سال آینده وظیفه چیست؟

ج - در مورد سؤال چنانچه وقوف اختیاری عرفات را درک کرده‌اند، حج آنها صحیح است.

۷۷۲ س - اگر به گفته مدیر گروه که مگوید درك وقوف اختیاری مشعر برای او مشکل است و نمیتواند آن را درك نماید اعتماد کند، وقوف اختیاری را ترك نماید، آیا اشکالی ندارد؟
ج - اگر برای شخص از گفته او اطمینان به وجود عذر حاصل شده، درك وقوف اضطراری کفایت میکند.

۷۷۳ س - خدمه‌ای که با زنها قبل از طلوع فجر به منی می‌روند، ولی خود را قبل از طلوع آفتاب به مشعر می‌رسانند، و وقوف رکنی مشعر را درك میکنند، آیا نیابت آنان صحیح است یا نه؟
ج - اگر از ذوی الاعذار نبوده‌اند، نیابت آنها صحیح است، هر چند مرتکب حرام شده‌اند.

۷۷۴ س - کسی که نمدانسته وقوف اختیاری مشعر بین الطلوعین است، پس از آن وقوف اضطراری را درك کرده، وظیفه او چیست؟

ج - اگر جهل او قصوری و عذری باشد نه تقصیری، و ترك وقوف اختیاری از روی عذر باشد، مانع ندارد.

۷۷۵ س - شخصی وقوف عرفات و مقداری از وقوف لیلی مشعر را درك کرده، و عمدتاً قبل از طلوع فجر، برای بردن اثاث و کار دیگری به منی رفته است، و قصد داشته که مجدداً به مشعر بر گردد، ولی در منی خوابش برده، وظیفه او چیست؟

ج - با فرض این که ترك اختیاری مشعر عمدی نبوده، در فرض مرقوم، اضطراری کافی است، و چون شب نیت وقوف نداشته، باید اضطراری روز را درك کند.

واجبات و اعمال منی

چهارم - رمی جمره عقبه

چون حاجی در روز دهم به منی رسید، اولین عمل او این است که به سوی جمره عقبه آمده، و آن را با هفت سنگریزه (حصی) رمی نماید. جمره عقبه برای افرادی که از مشعر به منی می‌آیند آخرین جمره محسوب میشود، و مردم آن را جمره بزرگتر و شیطان بزرگ نیز میخوانند.

مسأله ۷۷۶ - زمان سنگ زدن، از طلوع آفتاب روز عید، تا غروب آفتاب است. و رمی جمره در شب جایز نیست، مگر برای مریض و خائف و کسانی که از رمی در روز عذر داشته باشند، و تا وقتی که خودشان بتوانند در شب رمی کنند نباید در روز برای خود نایب بگیرند، و فرقی نیست در جواز رمی در شب، برای صاحبان عذر، که شب قبل رمی کنند و یا شب بعد، و اگر متمکن نباشند که رمی هر روز را در شب آن روز انجام دهند میتواند رمی سه روز را در يك شب بجا آورند.

مسأله ۷۷۷ - باید زدن این هفت سنگ قبل از قربانی و حلق و یا تقصیر انجام شود.

مسأله ۷۷۸ - اگر کسی سهوا و یا جهلا رمی جمره عقبه را ترك کرد، باید در روز یازدهم تا سیزدهم، آن را تدارك نماید، و اگر روز سیزدهم ملتفت نشد باید در سال آینده در صورت امکان خودش و گرنه ناییش از طرف او بجا آورد.

مسأله ۷۷۹ - سنگریزه‌ها باید طوری باشد که عرفا سنگ بر آن اطلاق شود، و به قدری کوچک نباشد که به آن شن بگویند، و آنقدر هم نباید بزرگ باشد که سنگریزه (حصی) به آن گفته نشود، بنابراین سنگریزه حدودا باید به اندازه يك بند انگشت باشد.

مسأله ۷۸۰ - سنگریزه‌ها باید از حرم و بکر باشد، یعنی خود شخص یا کس دیگری قبلا به طور صحیح با آنها رمی نکرده باشد. در زدن سنگها رعایت چند چیز شرط است:

اول - نیت

واجب است از اولین سنگ تا آخرین سنگ را که مزند با نیت همراه باشد، و بهتر آن است که نیت را به زبان آورد، و بگوید: رمی میکنم جمره عقبه را به هفت سنگ در حج تمتع،

(قران - افراد) برای امتثال امر الهی، و تعیین کند که حج او واجب است یا مستحب، اداست یا قضاء، نیایی است یا برای خود انجام مدهد، و در صورتی که نایب است اسم منوب عنه را نیز ذکر کند.

دوم - این که سنگهایی که مانندازد هفت عدد باشد، و اگر سهوا و یا جهلا کمتر از هفت سنگریزه رمی کند، اگر پیش از به هم خوردن موالات عرفیه متوجه شود باید بقیه را بجا آورد، و اگر موالات به هم خورده باشد، احتیاط آن است که باقیمانده را بجا آورد، و دوباره رمی نماید، و اگر در عدد سنگریزهایی که انداخته شك کند، بنا را بر کمتر بگذارد، و عدد را تکمیل کند. سوم - این که سنگریزه‌ها با پرتاب کردن به جمره اصابت نماید، و در صورت عدم اصابت و شك در اصابت به نحو صحیح، عمل را تکرار کرده، تا یقین به اصابت هفت سنگریزه به نحو صحیح پیدا کند، و مطلق رسیدن سنگریزه به جمره و قرار گرفتن آن بر روی جمره کافی نیست، بلی اگر سنگریزه در مسیری که به طرف جمره مرود به چیزی اصابت کند، ورد شود، و پس از آن به جمره بخورد اشکال ندارد، ولی اگر به چیز سختی مانند دیوار سنگی و سیمانی اصابت کند، و بر گردد و به جمره بخورد اشکال دارد.

چهارم - باید هفت سنگریزه را به سوی جمره پی در پی و جدا جدا به ترتیب پرتاب کند، و اگر همه یا چند تا از آنها را يك جا پرتاب نماید کفایت نمکند، اگر چه به ترتیب به جمره اصابت نماید، ولی اگر سنگها را پشت سر هم بیندازد و با هم به جمره برسند صحیح است، و کفایت میکند.

مسأله ۷۸۱ - رمی جمره با دست راست واجب نیست، و جایز است که جمره را با دست چپ رمی نماید، ولی رمی با دست راست بهتر است.

مسائل متفرقه رمی جمره عقبه در روز عید
۷۸۲ س - آیا جایز است از طرف زنان، به خاطر ازدحام
فوق العاده‌ای که در این سالها وجود دارد، در رمی نیابت کرد
و یا باید خود آنها رمی کنند، و هم چنین در مورد طواف، با این
تفاوت که ازدحام در رمی جمرات در شب تخفیف پیدا میکند،
ولی ازدحام در طواف شبانه روز تخفیف پیدا نمکند.
ج - زنها در فرض مرقوم میتوانند رمی را تا آخر ایام تشریق به
تأخیر بیندازند و خودشان در صورت امکان در روز رمی کنند،
و گرنه شب رمی نمایند، و اگر این هم ممکن نیست میتوانند نایب
بگیرند که در روز رمی کند، و طواف را میتوانند در خارج از بیست
و شش ذراع و نیم در صورت اتصال طائفین به یکدیگر انجام دهند.
۷۸۳ س - کسی که از رمی جمره عقبه در روز عاجز است،
و باید روز بعد آن را قضا نماید، آیا جایز است که قربانی و حلق روز
عید را بدون رمی جمره عقبه انجام دهد، یا باید آنها را نیز به
تأخیر اندازد.

ج - ترتیب بین رمی جمره، قربانی، حلق و یا تقصیر واجب است، ولی در صورتی که عاجز از رمی در روز عید و ایام تشریق و شبهای آن باشد میتواند نایب بگیرد، و پس از رمی نایب در روز، قربانی کند.

۷۸۴ س - سنگ زدن در روز سیزدهم برای همه به سهولت ممکن است، در این صورت شخصی که از رمی در روز معذور و ناتوان است، و میتواند قضای همه روزها را تماما در روز سیزدهم انجام دهد، آیا میتواند شب دهم مثلا رمی کند، که فردای آن بتواند قربانی و تقصیر و یا حلق نماید؟ و هم چنین با فرض این که روز سیزدهم نتوانند به آسانی جمره را رمی کنند، آیا نوبت به نیابت دادن به دیگری میرسد؟

ج - اگر از رمی در شب و روز معذور است، نایب بگیرد تا برای او در روز رمی نماید، و در صورت تمکن قضای آنها را شخصا در روز سیزدهم بجای آورد.

۸۷۵ س - موقع رمی جمره، شش عدد سنگ ریزه به طور قطع به محل خود رسیده، ولی عدد هفتم را شك دارم به هدف خورده یا نه، حتی در میان چادر هم شك من قوی تر شد، و در سال بعد به يك نفر حاج که عازم حج بود پول دادم که نیابتا از طرف من يك عدد سنگریزه رمی نماید، حال آیا با نقص يك عدد، حج بنده باطل میشود یا خیر؟

ج - واجب بود با شك، سنگ دیگر بزیند، فعلا كه ترك کرده‌اید، حج باطل نمیشود.

۷۸۶ س - رمی در طبقه دوم چه صورت دارد؟

ج - در طبقه تحتانی رمی کنید، ورمی طبقه فوقانی خلاف احتیاط است.

۷۸۷ س - رمی جمره عقبه از چهار طرف مجزی است یا خیر؟

ج - اشکال ندارد، اگر چه بهتر است پشت به قبله بایستد ورمی جمره عقبه نماید.

۷۸۸ س - حاج پیش از رمی خود میتواند برای دیگری رمی نماید یا نه؟

ج - مانعی ندارد.

۷۸۹ س - سنگریزه‌هایی که از مشعر الحرام جمع آوردی شده،

در راه گم شده، و از همان منی دور تر از جمره عقبه سنگریزه جمع میکنند، آیا با این سنگریزه‌ها میشود رمی کرد یا نه؟

ج - مطلق سنگریزه حرم کافی است، و بودن سنگریزه از مشعر، حکم استحبابی است.

۷۹۰ س - شخصی در اثر ناتوانی نتوانسته رمی جمره کند،

رفیقی داشته او را نایب گرفته، به عوض او هر سه جمره را زده، لکن اگر شب مرفت برای او ممکن بود که جمره را رمی کند،

فعلا ملتفت مسأله شده، که حضرتعالی در مناسك فرموده‌اید: " اگر زن عاجز باشد میتواند کسی را اجیر بگیرد که به عوض او سنگ بزند، ولی اگر شب ممکن شود میتواند برود سنگ بزند. " نمیدانیم این حکم حتمی است و یا اختیاری، چون نفرمودید که باید برود، فرموده‌اید میتواند برود و سنگ بزند، لذا مسأله را واضح تر بفرمایید.

ج - در فرض سؤال، چنانچه رمی در شب برای خودش ممکن باشد باید خودش در شب رمی کند، و اگر ممکن نیست نایب بگیرد، که در روز از طرف او رمی کند، و این حکم در مناسك مسأله ۱۶۶ بالصراحه ذکر شده، و اگر به وطن برگشته احتیاطا اگر بتواند خودش به منی برود، و قضای آن را روز بجا آورد، و اگر متمکن نیست نایب بگیرد که روز از طرف او رمی کند، و در هر صورت باید رمی در ایام تشریق باشد.

۷۹۱ س - در سال گذشته عده‌ای زن و مرد به مکه مشرف شدیم، يك نفر از اهل علم فرمودند زنها را برای رمی جمرات با خود نبرید، چون بر اثر تراکم جمعیت برای آنها مشکل است، و شما از طرف آنها نیابتا رمی نمایید، و ما هم این عمل را انجام دادیم، ولی اطمینان نداریم اسقاط تکلیف از آنها شده، و حج صحیح باشد، نظر مبارك را مرقوم فرمایید تا برای ما اطمینان حاصل شود.

ج - در فرض مذکور، حج صحیح است ولی مجرد ازدحام، در صورتی که موجب عدم تمکن نشود، مجوز ترك رمی و نایب گرفتن نیست، و فعلا بر آنها لازم است در صورت تمکن خودشان به مکه بروند، و رمی را در وقت آن انجام دهند، و در صورت عدم تمکن، نایب بگیرند.

۷۹۲ س - آیا پرستار مثل مریض جایز است که در شب عید، رمی جمرات کند یا نه؟

ج - پرستار اگر با وصف پرستاری بتواند در روز رمی کند رمی در شب برای او جایز نیست. ولی اگر با این وصف نتواند در روز رمی نماید حکم مریض را دارد.

پنجم - قربانی روز عید

واجب دوم منی، قربانی در روز عید است.

مسأله ۷۹۳ - بر هر شخصی بیش از يك قربانی واجب نیست، ولی هر چه بیشتر قربانی کند استحباب دارد.

مسأله ۷۹۴ - بر کسانی که حج تمتع بجا ماآورند قربانی واجب است، اگر چه حج استحبابی باشد، و بنا بر احتیاط واجب اگر اهل مکه حج تمتع بجای آورند بر آنها نیز قربانی کردن لازم است.

مسأله ۷۹۵ - بر کسی که حج قران بجا مآورد کشتن قربانی را که همراه آورده واجب است، و بر کسی که حج افراد بجا مآورد قربانی کردن واجب نیست.

مسأله ۷۹۶ - هر نفر باید يك قربانی کامل ذبح و یا نحر نماید، و جایز نیست چند نفر در يك قربانی شريك شوند، و در صورت ضرورت مثل آن که جز يك قربانی پیدا نشود، احتیاط واجب آن است که جمع کنند بین قربانی مشترك، و بدل آن که روزه گرفتن است.

مسأله ۷۹۷ - اگر پس از خرید قربانی، قربانی گم شود، واجب است قربانی دیگری بخرد و ذبح نماید، و اگر قربانی اول را یافت بر او واجب است که آن را ذبح کند، و احتیاط واجب آن است که قربانی دوم را نیز ذبح نماید، و اگر پس از ذبح قربانی دوم، قربانی اول پیدا شد، بهتر و مطابق با احتیاط آن است که آن را نیز ذبح نماید.

شروط قربانی

شروطی که در مورد قربانی لازم است مراعات شود:

- ۱ - باید قربانی شتر و یا گاو و یا گوسفند و یا بز باشد.
- ۲ - شرط است که اگر قربانی شتر است وارد شش سال شده باشد، و اگر گاو یا بز است بنابر احتیاط واجب وارد سال سوم شده باشد، و اگر گوسفند است بنابر احتیاط وارد سال دوم شده باشد.

۳ - قربانی باید صحیح الخلقه و کامل باشد، و قربانی حیوان کور، لنگ، خیلی پیر، حیوانی که شاخ داخلش شکسته باشد، حیوانی که گوش و یا عضو دیگری از او بریده شده باشد، حیوانی که اخته شده، و یا لاغر باشد کفایت نمکند، و مشهور آن است که در لاغر نبودن همین قدر که در گرده حیوان پیه گرفته باشد کافی است، و احتیاط واجب آن است که حیوانی را که از اصل خلقت بدون شاخ و یا گوش و دم است، قربانی ننماید، بلی اگر گوش حیوان سوراخ شده باشد، و یا آن را چاک داده باشند، ولی چیزی کم نداشته باشد، قربانی آن اشکالی ندارد، و هم چنین قربانی حیوانی که شاخ بیرونش شکسته است، اشکالی ندارد.

مسأله ۷۹۸ - حیوانی را که عروق و بیضتین او را مالیده باشند، جایز است قربانی کنند، ولی قربانی حیوانی که تخمهایش را کشیده‌اند، کفایت نمکند.

۴ - شرط است که ذبح در روز عید انجام گیرد، و بنابر احتیاط، جایز نیست در حال اختیار آن را از روز عید به تأخیر اندازد، اگر چه اقوی جواز تأخیر است، بنابر این اگر ذبح را به تأخیر انداخت، و تا آخر ایام تشریق، بلکه تا آخر ذیحجه قربانی نمود، کفایت مکند، و بنابر احتیاط در غیر روز عید و سه روز بعدش اگر قربانی کرد باید قصد اداء و قضا نماید، و نیت ما فی الذمه کند.

۵ - شرط است که ذبح در منی واقع شود و ذبح در غیر منی جایز نیست.

۶ - لازم است علی الاحوط ذبح پس از رمی و قبل از تقصیر و یا حلق قرار گیرد، ولی اگر سهوا و یا جهلا ترتیب را مراعات ننماید، به حج او ضرر نمزند و اگر عمدا مراعات نکرده، باید در صورت امکان آنچه را بر خلاف ترتیب مقدم داشته اعاده نماید.

۷ - گوشت قربانی را نباید از منی خارج کنند، مگر در صورتی که موارد مصرفش در منی نباشد، و یا آن که از فقیری که آن را تملك کرده بخرند.

۸ - ذبح قربانی مبیاست همراه با نیت و بخاطر امتثال امر الهی باشد، و اگر خودش ذبح نمکند علاوه بر خودش ذابح نیز باید نیت کند، اگر چه دستش را روی دست ذابح بگذارد، و اگر ذابح نیت نکند در کفایت آن اشکال است، و اظهر آن است که نیت ذابح که به او نیابت داده‌اند، شرط لازم و کافی برای صحت قربانی است. مسأله ۷۹۹ - اگر قربانی را به گمان چاقی کشت، و بعد معلوم شد که لاغر است کفایت میکند. و اگر با گمان لاغری ذبح کرد به احتمال آن که چاق باشد، و چاق در آمد کافی است، ولی اگر لاغر در آمد کافی نیست.

مسأله ۸۰۰ - اگر حیوانی را با علم به این که لاغر است به جهت جهل به مسأله قربانی کند، و بعد معلوم شود چاق است، کفایت نمکند، ولی اگر با یقین به لاغر بودن و دانستن مسأله، آن را ذبح نمایند هر چند چاق در آید کفایت نمکند.

مسأله ۸۰۱ - احتیاط واجب آن است که شخص قدری از قربانی حج خود را بنخورد، و قسمتی از آن را به شخص مؤمن اگر چه غنی باشد یا وکیل او هدیه دهد، و قسمت دیگر از آن را به فقیر مؤمن و یا وکیل او صدقه دهد، و احتیاط واجب آن است که مقدار هدیه و صدقه کمتر از ثلث نباشد، و در صورتی که حجتی فقیری در آنجا باشد، متوان به او صدقه داد.

مسأله ۸۰۲ - اگر دو ثلثی را که اختصاص به هدیه و صدقه دارد به غیر مؤمن، اختیارا و یا به جهت سهل انگاری بدهد، و یا تلف کند، بنابر احتیاط واجب ضامن است. بلی اگر غیر مؤمن به زور از دست او بگیرد ضامن نیست، و مقدار ضمان را باید نسبت به دو ثلث گوشت قربانی ذبح شده در نظر گرفت، نه نسبت به دو ثلث قیمتی که برای خرید قربانی پرداخته است.

مسأله ۸۰۳ - چون ممکن است در منی به واسطه حاضر نبودن فقیر مؤمن تصدق دادن ثلث قربانی به مؤمن فقیر، و هم چنین هدیه دادن ثلث آن به مؤمن ممکن نباشد، بهتر این است که از بعض

برادران دینی خود و از بعض فقراء مؤمن که آنها را میشناسد، در شهر خود و کالت بگیرد که از جانب آنها ثلث قربانی را به عنوان هدیه و ثلث آن را به عنوان صدقه قبول کند، و هم چنین و کالت بگیرد که بعد از قبول کردن از جانب آنها هر عملی میخواهد نسبت به آن انجام دهد، در این صورت در منی ثلث آن را به فقیر مؤمنی که از طرف او و کالت دارد صدقه دهد، و ثلث دیگر را به مؤمن دیگری که از جانب او و کیل است هدیه بدهد، و از طرف آنها قبول کند، و بعد به هر کس خواست بدهد، یا همانجا بگذارد و برود.

مسأله ۸۰۴ - اگر سرپرست کاروان و یا شخص دیگری از حجاج پول قربانی را بگیرد، و سپس شك کند که از طرف فلان شخص قربانی کرده یا نه، باید بنا را بر این بگذارد که قربانی نکرده است، و هم چنین اگر خود شخص شك کند برای کسی که از طرف او در قربانی و کیل بوده قربانی کرده یا نه، باید بنا را بر عدم ذبح بگذارد، بلی اگر و کیل بگوید که قربانی کرده‌ام، در صورتی که متهم به کذب نباشد میتوان حرف او را پذیرفت.

مسأله ۸۰۵ - اگر کسی که وظیفه او قربانی کردن است قربانی نیافت، باید قیمت آن را نزد شخص امینی بگذارد، تا در ذیحجه از طرف او قربانی نماید، و اگر شخص امین در ذیحجه آن سال

گوسفند نیافت، باید در سال بعد قربانی کند، و اگر قربانهای موجود فاقد بعض شرایط بودند، بنابر احتیاط ناقص را ذبح کند، و در سال بعد نیز خودش و یا نایش باید حیوان دیگری را که واجد شرایط است قربانی نماید.

مسأله ۸۰۶ - اگر حیوانی را برای قربانی نیافت، و پولش را هم نداشت، مبیایست به جای آن ده روز روزه بگیرد، سه روز در سفر حج، و هفت روز وقتی که به وطن بازگشت، و در سه روزی که در حج روزه بگیرد قصد اقامه ده روز شرط نیست، و لازم نیست که در خود مکه این روزه‌ها را بگیرد، ولی واجب است که پی در پی باشد، پس با توجه به این که در روز عید قربان مطلقاً و در ایام تشریق برای کسانی که در منی هستند روزه گرفتن جایز نیست، یا باید این سه روز کاملاً قبل از عید قربان قرار گیرد و یا کاملاً پس از بازگشت از منی تا آخر ذی حجه انجام شود، و در صورتی که ذو الحجه به پایان رسید و روزه نگرفت، باید به هر صورت قربانی را بخرد، و به منی بفرستد، تا در منی ذبح شود، و نسبت به این که قربانی و یا کفاره است نیت ما فی الذمه کند، و هفت روز را در وطن روزه بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که این هفت روز نیز پی در پی باشد.

مسأله ۸۰۷ - اگر شخص نتوانست روز هفتم را روزه بگیرد، باید روز هشتم و نهم را روزه بگیرد، و پس از بازگشت از منی يك روز دیگر نیز روزه بگیرد، و اگر نتوانست روز هشتم را روزه بگیرد، جایز نیست روز نهم روزه‌ها را شروع کند، بلکه باید پس از بازگشت از منی روزه‌ها را تدارك نماید.

مسأله ۸۰۸ - اگر پس از گرفتن سه روز روزه، قربانی واجد شرایط پیدا شد، احتیاط آن است که آن را خریده و قربانی کند.

مسأله ۸۰۹ - اگر کسی قبل از فرستادن قربانی به منی و یا ذبح قربانی فوت کند، بر ورثه او پرداخت پول قربانی برای ذبح و یا نحر کردن واجب است.

مسأله ۸۱۰ - ذابح باید مسلمان و ذبیحه او حلال باشد، هر چند شیعه اثنی عشر نباشد.

مسائل متفرقه قربانی

۸۱۱ س - شخصی در منی گوسفندی خریداری کرده، و صاحب گوسفند گفته سال او تمام است و قربانی کرده، فعلا شك میکند که آیا سالش تمام بوده یا نه؟ آیا در صورتی که سال او تمام نبوده، ضرری به حجة الاسلام او وارد میآید یا نه؟

ج - در این موارد قول ذی الید با احتمال صدق معتبر است، و چنانچه معلوم شود که قربانی واجد شرط نبوده موجب بطلان حج نیست، و اگر بخواهد احتیاط کند کسی را وکیل کند که از طرف او در روز عید آینده قربانی کند.

۸۱۲ س - آیا در شرایط قربانی تحقیق لازم است، که یقین به بودن شرایط حاصل شود یا لازم نیست؟

ج - در شرایطی که مربوط به نقص عارض بر حیوان بعد از تمام بودن آن است، مثل خصی نبودن، یا معیوب نبودن حیوان، فحص لازم نیست، و در صورت شك میتواند بدون تحقیق ذبح کند، ولی در شرایط دیگر مثل سن حیوان، لازم است یقین حاصل شود.

۸۱۳ س - اگر کسی پس از ذبح قربانی، و انجام باقی مناسک، و یا قبل از آن متوجه شد که سن هدی کمتر از حد نصاب است وظیفه چیست؟

ج - بنابر احتیاط لزومی اعاده لازم است.

۸۱۴ س - حاج از روی غفلت و یا جهل به مسأله در روز عید، گوسفند بی شاخ (کل) کشته است، و بعد به مسأله توجه پیدا کرده، آیا در صورت تمکن از مسافرت حج، واجب است حج را اعاده کند، و یا قربانی بفرستد کافی است؟

ج - لازم نیست مجددا حج برود، فقط قربانی صحیح بفرستد کافی است.

۸۱۵ س - راجع به قربانی و ذبح آن در شب یازدهم، نظر مبارکتان را مرقوم فرمایید.

ج - ذبح در شب یازدهم بنابر احوط، جایز نیست و اگر در روز عید ذبح نکرد، روز یازدهم ذبح نماید.

۸۱۶ س - چون مسلخ را تغییر داده‌اند و تشخیص آن که محل فعلی مسلخ از منی یا از مشعر مشکل است، بنابر این در مکانی که فعلا مسلخ است قربانی کفایت میکند یا نه؟ و در صورت عدم کفایت، تکلیف چیست؟

ج - برای این که ذبح در منی واقع شود باید حتی الامکان تفحص نماید، و قول اهل خبره حجت است، و اگر به کلی ذبح در منی میسر نبود، ذبح در وادی محسر مجزی است ان شاء الله تعالی.

۸۱۷ س - چون محل قربانی را از منی تغییر داده‌اند، و در وادی محسر برده‌اند، آیا مشود قربانی را در غیر منی انجام داد، یا حتماً باید در خود منی انجام دهند؟ و چنانچه نتوانست ذبح کند، آیا در مکه و یا در وطن متواند قربانی کند؟

ج - تا قربانی در منی ممکن است، قربانی در غیر منی مجزی نیست. بلی اگر به کلی ممنوع شود، اقوی کفایت آن است در وادی محسر، و قربانی در مکه یا وطن مجزی نیست.

۸۱۸ س - سرپرست و یا روحانی کاروان که به اوضاع منطقه منی آشناست، شاید بتواند با تحمل مشکلات و یا احیاناً به راحتی با تأخیر قربانی خود، تا روز سیزدهم و یا دیرتر در منی قربانی کند، مثل این که اگر خودش تنها باشد متواند گوسفند را به دوش بگیرد، و به قسمتهایی از مسلخ که بعض اهل خبره مگویند منی است بیاورد، و در آنجا ذبح کند، و یا با توسل به بعض حیلها گوسفند را از خارج منی خریده، و از دید مأمورین مخفی کرده، و آن را زیر چادر و یا جای دیگری ذبح کند، ولی اگر سرپرست و یا روحانی کاروان چنین عملی را انجام دهد، موجب محاذیری مشود:

اولا: اگر افراد کاروان بفهمند موجب اختلاف شدید و سلب اعتماد و به وسوسه افتادن نسبت به صحت اعمال خودشان میشود. ثانيا: اگر برای افراد کاروان نیز بخواهد همین طور عمل کند عاداتا امکان ندارد.

ثالثا: اگر این همه حاجی ایرانی بخواهند در هر گوشه‌ای از منی قربانی کنند، موجب حساسیت شدید مسئولین و مأمورین عربستان شده، و مشکلات فراوانی را در پی خواهد داشت، و شاید حتی در روزهای سیزدهم به بعد هم کاملا منطقه را کنترل کنند، و موجب دستگیری بعضی حجاج گردد.

رابعا: شاید اگر تعداد کثیری از حجاج بخواهند سیزدهم به بعد ذبح کنند، قربانی به اندازه کافی پیدا نشود.

خامسا: این عمل موجب وهن نسبت به عقائد شیعه و تبلیغات بر علیه آنها مگردد.

حال با توجه به این مشکلات بفرمایید که وظیفه سرپرست و یا روحانی کاروان (با توجه به پاسخ استفتایی که در این زمینه فرموده‌اید: " اگر به کلی در منی میسر نبود در وادی محسر مجزی است ") آیا باز هم قربانی خود را برای این که در منی واقع شود به تأخیر اندازد یا خیر؟ و در صورتی که به تأخیر نیانداخت آیا مجزی است یا خیر؟ و آیا قربانی در هر قسمت از مسلخهای فعلی جایز است یا خیر؟

ج - اگر ذبح در منی مستلزم مفاسدی باشد عدم تمکن صادق است، و قربانی در مذابح معموله کافی است.

۸۱۹ س - اخیراً مذابح مکانیزه در وادی معیصم تأسیس شده، با توجه به آن که مسلخ‌های دیگر هم بنابر نقل، خارج منی است ولی به منی نزدیکتر است، و نیز گوشت حاصل از قربانی در مسلخ جدید با وسائل پیشرفته بسته بندی شده، و برای نیازمندان کشورهای اسلامی ارسال میشود ذبح در این گونه مسلخ‌ها چه حکمی دارد؟

ج - در فرض سؤال چنانچه سایر شرایط ذبح و قربانی رعایت شود، رعایت اقریبیت به منی واجب نیست اگر چه اولی و احوط است.

۸۲۰ س - شخصی بدون گرفتن و کالت در ذبح، از طرف عیالش یا شخص دیگری قربانی منماید، به این خیال که اذن فحوی از او دارد، و مطمئن است که وقتی به طرف بگوید راضی است و خوشحال میشود، این نحو قربانی مجزی است یا نه؟

ج - مجزی نیست.

۸۲۱ س - روز عید بعض اشخاص به قربانگاه میروند، و بدون این که در قربانی نیابت داشته باشند خودشان برای رفقاییشان قربانی میکنند، آیا این قربانی کافی است یا نه؟ و اگر کافی نیست، پول قربانی به عهده چه کسی است؟

ج - کفایت نمکند، و پول از مال کسی خارج میشود که خرج کرده است مگر آن که غروری در بین باشد.
۸۲۲ س - شخصی در قربانی کسی را نایب خود کرده، و پس از آن به دیگری نیابت داد، ولی شخص اول ذبح نمود، آیا صحیح است؟

ج - اگر اولی را از وکالت عزل نکرده کافی است، و مجرد نیابت دادن به دومی، عزل اولی از نیابت نیست.
۸۲۳ س - کسی را وکیل در قربانی نموده، آیا وکیل میتواند به دیگری وکالت دهد؟
ج - اگر وکالت داده که وکیل خودش قربانی کند، نمیتواند به دیگری وکالت بدهد.

۸۲۴ س - اگر انسان مریض نتواند در حج تمتع قربانی کند، و به دیگری نیابت دهد، و نایب و وکیل فراموش کند، و در مدینه یا در ایران یادش بیاید که قربانی نکرده است، وظیفه اش چیست؟
ج - بر حج او اشکالی نیست، ولی قربانی بر ذمه اش باقی است که باید در سال آینده در منی انجام دهد، و اگر در ماه ذیحجه فهمید باید در صورت امکان در همان ماه قربانی کند.

۸۲۵ س - شخصی به اعتماد نایب خود در رمی، ذبح کرده و حلق نموده است، بعد معلوم شده که نایب از جانب او رمی ننموده است، آیا ذبح و حلق او صحیح است؟
ج - کفایت میکند.

۸۲۶ س - مردی دو گوسفند قربانی خریده، که یکی را برای خود و دیگری را برای زنش ذبح کند، آیا تعیین قربانی لازم است یا نه؟

ج - بلی تعیین لازم است، و بدون آن کفایت نمکند.
۸۲۷ س - شخصی اجیر شده تا حج نیابتی برای کسی انجام دهد، خود این نایب برای قربانی کردن نایب مگردد، اکنون آیا شخصی که قربانی میکند منوب عنه خود را قصد کند یا منوب عنه اول را؟
ج - احتیاط آن است که نیت کند که از طرف منوب عنه خودم برای منوب عنه اول، قربانی میکنم.

۸۲۸ س - حاج پیش از قربانی خودش، میتواند جهت دیگران قربانی کند یا نه؟ ج - مانعی ندارد.

۸۲۹ س - حاج در روز عید در منی، قبل از آن که قربانی ذبح کند، که چیزی بعهدش نیست، و بعد از ذبح، قیمتی ندارد در این صورت لازم است احتیاطا با فقیر، سهمیه او را حساب و مصالحه نماید یا خیر؟

ج - با فرض این که قیمت ندارد، و فقیر مؤمنی نباشد که آن را اگر به او صدقه بدهند قبول که، رعایت این احتیاط، واجب نیست.

۸۳۰ س - در مناسك مرقوم فرموده‌اید: " واجب است که صاحب قربانی قدری از قربانی را بخورد ". انجام این مطلب در آن هوای گرم با فراهم نبودن وسایل طبخ میسر نیست، و چه بسا که نایب مرود برای صد نفر قربانی میکند، و نمشود از هر گوسفندی قدری بیاورد، یا اگر بیاورد مخلوط مشود، بفرمائید که ترك این واجب چه صورت دارد؟

ج - ترك این واجب، در صورت امکان جایز نیست، و بعد از ذبح مخلوط شدن قربانی‌ها به یکدیگر ضرر ندارد.

۸۳۱ س - کسی که از فقیری وکالت گرفته که ثلث قربانی خود یا دیگران را برای او قبول کند، آیا قیمت ثلث گوسفند زنده را باید به فقیر بدهد، یا قیمت ثلث گوسفند ذبح شده را؟ چنانچه قیمت ذبح شده مراد باشد در مسلخ به هیچ قیمتی نمخرند، پس این وکالت برای موکل چه سودی دارد؟

ج - قیمت ثلث ذبح شده را پردازد، و در صورتی که هیچ گونه قیمتی ندارد ضامن قیمت آن نیست، و در صحت وکالت، رجوع سود مادی به موکل معتبر نیست، و همین قدر که وکالت به واسطه بعض دواعی عقلایی باشد صحیح است.

۸۳۲ س - شخص حاج که قربانی میکند، آیا باید گوشت قربانی را بین مستحقین تقسیم کند، و در صورتی که برای قربانی، نایب بگیرد، و مطمئن نباشد از این جهت که نمداند اولاً نایب گوسفند نر قربانی کرده یا ماده، ثانیاً گوشت را بین مستحقین تقسیم کرده یا نه؟ آیا بر شخص حاج واجب است پس از رسیدن به وطن خود گوسفند بخرد، و قربانی کرده بین مستحقین تقسیم کند، یا عمل نایب مجزی است؟

ج - قول نایب اگر خودش گفت به وظیفه عمل کرده‌ام کافی است، و لازم نیست گوسفند قربانی نر باشد.

۸۳۳ س - ذبیحه را باید در موقع ذبح، رو به قبله کرد، حال به طرف راست و یا چپ بخوابانند و یا ایستاده ذبح کنند تفاوت میکند؟ ج - ظاهراً تفاوت نمیکند.

۸۳۴ س - حیوانی را که برای هدی ذبح میکنند، اگر قطع اوداج اربعه بکنند، و آن را رها نمایند، و حیوان به خودی خود پشت به قبله شود، و یا بعد از قطع اوداج اربعه، قبل از جان دادن، حیوان را روی بقیه اجساد حیوانات ذبح شده پرت نمایند، و حیوان در اثر این کار از قبله منحرف شود، و در آن حال جان دهد، حکمش چیست؟

ج - رو به قبله بودن در حال قطع اوداج اربعه کافی است.
۸۳۵ س - بعد از فری اوداج اربعه، اگر گردن قربانی و یا رگ نخاع را در حالی که هنوز زنده است قطع نمود چه صورتی دارد؟
ج - کار حرامی است، لکن ذبیحه حلال است، و کفایت از قربانی میکند.

۸۳۶ س - آیا ذبح با کاردهای استیل که معلوم نیست آهن است یا نه چگونه است؟

ج - ذبح باید با آلت حدیدی باشد، و اگر صدق حدید نکند، اشکال دارد.
۸۳۷ س - کسانی که جهت ذبح قربانی، به مذبح مروند، و قهرا لباس احرام و بدنشان آلوده به خون میشود، و غالباً تطهیر بر ایشان میسر نیست تا به مکه بر گردند، آیا گناهی بر آنان هست یا نه؟

ج - رفتن به مذبح برای قربانی نمودن حرام نیست، و لکن اگر لباس یا بدن محرم نجس شود احوط تطهیر آن است با امکان، اگر چه مستلزم رفتن به مکه باشد.

۸۳۸ س - اگر روحانی کاروان میداند که احرامی او در روز عید در مسلخ به خون آلوده میشود، و به جهت این که روحانی است و باید بر اعمال حجاج نظارت داشته باشد مدت چند ساعت لباس احرامی او خون آلود است، آیا با علم به نجس شدن و طولانی بودن مدت آن، تکلیف او چیست؟ و اگر نایب باشد، ضرری به نیابت او دارد؟

ج - اگر معذور از تبدیل یا تطهیر است اشکال ندارد، و مضر به نیابتش نیست.

۸۳۹ س - در قربانگاه ده نفر حاجی با صاحب گوسفند قرار مگذارند که ده گوسفند را جدا میکنیم و قربانی منماییم، از قرار یکی دویست ریال سعودی مثلا، در این بین چند نفر دیگر از رفقای آنان مآیند، و بدون قرار جدید با صاحب گوسفند، به تعدادشان گوسفند قربانی میکنند، و بنا دارند که بعد از قربانی، طبق قرار داد سایر افراد، به صاحب گوسفند پول بدهند، آیا قربانی های آنان درست است یا خیر؟

ج - بدون استیذان از مالك كافي نیست، اگر چه بعدا راضی شود

۸۴۰ س - در قربانگاه، حاج و صاحب گوسفند يك قرارى با هم مگذارند که هر چند رأس گوسفندی که میخواهند هر یکی به فلان مبلغ معین، حاجی هم قبول میکند، و یکی یکی را به نیت افرادی که وکالت دارد مکشد، بعد مرود با صاحب گوسفند حساب میکند، آیا در قربانی اشکالی نیست؟

ج - اشکال ندارد.

۸۴۱ س - جمعی از حجاج پول روی هم مگذارند، و کسی با پول مشترك برای همه آنان تعدادی گوسفند میخرد، و در وقت

ذبح هر گوسفند را برای يك نفر قصد میکند، و قربانی میکند، آیا این ترتیب ذبح اشکال دارد یا خیر، و آیا در صورت تفاوت گوسفندان در قیمت، با این که همه به يك اندازه پول داده‌اند چه وضعی پیدا میشود؟

ج - در فرض سؤال اگر صاحبان پول راضی باشند و ذابح و کالت در افراز داشته باشد اشکال ندارد.

۸۴۲ س - اگر قربانی از وجه غیر مخمس باشد چه صورت دارد؟
ج - اگر معامله عین به عین باشد، کفایت نمکند.

۸۴۳ س - در مکه جیب کسی را زدند، و پولش را بردند، شکایت کرد، بعد طی مراحل قانونی حاکم آنجا حکم کرد پولش را از دزد بگیرند، و به او بدهند، آیا جایز است پول را بگیرد، و گوسفند قربانی را با آن بخرد یا نه؟

ج - اگر مداند که عین پول را از دیگران دزدیده، نمیتواند بگیرد، و الا گرفتن وجه و صرف در قربانی مانع ندارد.

۸۴۴ س - شخصی قربانی نمکند به اعتقاد این که گوشت گوسفند تلف میشود، و از آنان استفاده‌ای نمیشود، و با همین کیفیت تقصیر کرده اعمال حج را انجام میدهد، وظیفه او چیست؟
ج - در فرض سؤال، از احرام خارج شده، ولی قربانی بر ذمه او است.

۸۴۵ س - آیا میتوان قیمت گوشت گوسفند قربانی را به هر صورت در راه مشروعی مصرف نمود یا نه؟
ج - صرف قیمت آن در مصارف دیگر، کافی نیست.

۸۴۶ س - هر گاه ذبح یا نحر در روز عید ممکن نباشد، آیا جایز است تأخیر رمی و حلق از روز عید، تا مناسک منی به ترتیب انجام بگیرد یا نه؟
ج - در فرض سؤال، رمی را در وقت خود انجام دهد، و میتواند حلق را روز عید انجام دهد، و قربانی را تأخیر بیندازد.

۸۴۷ س - اگر کسی ذبح و یا حلق را نتوانست در روز عید انجام دهد، آیا در روز یازدهم باید ابتدا ذبح و حلق را که از وظایف روز قبل است انجام دهد، و بعد به رمی جمرات برود، و یا آن که میتواند اول رمی جمرات را در روز یازدهم انجام دهد، و سپس به قربانگاه برود؟
ج - احوط و اولی انجام ذبح یا حلق، و سپس رمی است.
ششم - حلق و تقصیر
واجب سوم روز عید در منی حلق یا تقصیر است، و حلق آن است که سر را تماماً بتراشد، و تقصیر به این معناست که مقداری از ناخن و یا موی سر وریش و شارب خود را کوتاه کند.

مسأله ۸۴۸ - بر کسی که برای اولین بار به سفر حج مشرف شده است که اصطلاحاً به او " صروره " مگویند، حلق (سر تراشیدن) بنا بر احتیاط واجب متعین است، ولی کسانی که سفر حج اول آنها نیست، مخیر بین حلق و تقصیر میباشند.

مسأله ۸۴۹ - وجوب حلق و تقصیر برای نایب نسبت به خود او سنجیده میشود، پس اگر سفر اول او است باید حلق کند، اگر چه منوب عنه او قبلاً، حج انجام داده باشد، و اگر سفر دوم و یا چندم او است مخیر بین حلق و تقصیر است، اگر چه نسبت به منوب عنه او حج اول باشد.

مسأله ۸۵۰ - کسی که سرش را با صمغ و یا عسل و چیزهای دیگر برای دفع شپش پوشانده بنا بر احتیاط واجب باید حلق نماید، و تقصیر کفایت نمکند، و هم چنین کسی که موی خود را بافته، و یا پیچیده و گره زده است.

مسأله ۸۵۱ - بنا بر احتیاط واجب در حلق باید از تیغ استفاده کرد، و نباید از ماشین های ته زن و یا نوره و امثال آن استفاده نمود.

مسأله ۸۵۲ - حکم وجوب حلق در موارد مذکوره فقط مربوط به مردان است، و بر زنها و کسی که خنثی باشد حلق حرام و تقصیر متعین است.

مسأله ۸۵۳ - کسی که سرش مو ندارد حلق بر او واجب نیست، و باید تقصیر کند، ولی احتیاط آن است که بر روی سرش نیز تیغ بکشد، و کسی که سال اول او است این احتیاط را ترك ننماید.

مسأله ۸۵۴ - برای شخص محرم جایز نیست قبل از حلق و یا تقصیر خود، برای دیگری حلق و یا تقصیر نماید. واجبات حلق و تقصیر

۱ - نیت

حلق و یا تقصیر مانند سایر عبادات و اعمال حج باید با نیت همراه باشد، مثلاً اگر میخواهد نیت را به زبان بیاورد بگوید:
" سر من تراشم در حج تمتع و یا... قربة إلى الله "، و باید تعیین کند که حج او حجة الاسلام است، و یا حج نذری است، و یا حج نیابتی است، و یا حج استحبابی است، و اگر حج نیابتی است منوب عنه را ذکر کند، و در صورتی که تقصیر میکند به جای این که بگوید: سر من تراشم، بگوید: تقصیر میکنم، و بهتر آن است که اگر دیگری سر او را تراشد، او نیز نیت کند.

۲ - ترتیب

حلق و تقصیر باید بعد از رمی جمره عقبه و قربانی و قبل از طواف زیارت و اعمال مترتبه بر آن انجام شود، و اگر عمدا ترتیب را مراعات نکند گناه کرده، ولی کفاره ندارد، و احتیاط آن است که در صورت امکان با اعاده، ترتیب را تدارك نماید، و اگر حلق را مقدم بر قربانی انجام داده، با تیغ کشیدن روی سر و یا تقصیر، آن را دوباره به جا آورد.

و اگر طواف زیارت را بر حلق و تقصیر مقدم داشته است باید طواف را پس از حلق و تقصیر اعاده کرده تا ترتیب مراعات گردد، اگر چه این عمل از روی فراموشی انجام شده باشد، و هم چنین است اگر پس از طواف سعی متذکر شود، که در این صورت باید طواف و سعی را اعاده کند.

۳ - انجام حلق و تقصیر در منی

واجب است حلق و تقصیر در منی انجام گیرد، و در غیر منی صحیح نیست، و کفایت نمکند، و اگر از منی بدون انجام حلق و تقصیر بیرون رفته، چه از روی عمد، و چه به جهت فراموشی، و یا ندانستن مسأله، در صورت امکان باید برای انجام حلق و تقصیر به منی بازگردد، و اگر بازگشت به منی ممکن نیست، هر کجا یادش آمد حلق و یا تقصیر کند، و مستحب است در صورت امکان موی خود را به منی بفرستد، که در آنجا دفن شود.

مسأله ۸۵۵ - اگر حلق یا تقصیر را فراموش کند و بعد از طواف یادش بیاید، باید حلق یا تقصیر کند، و دوباره طواف را به جا آورد، و اگر بعد از طواف و سعی یادش بیاید، باید بعد از حلق یا تقصیر دوباره طواف و سعی را انجام دهد.

مسأله ۸۵۶ - پس از حلق و تقصیر، جمیع تروك احرام جز صید و استفاده از بوی خوش و تمتع از زنان، بر شخص حلال میشود، از این رو میتواند لباسهای دوخته خود را مجدداً بپوشد، اگر چه پوشاندن سر و پوشیدن لباس دوخته برای مردان قبل از انجام طواف زیارت و نماز آن، بنابر مشهور کراهت دارد.

مسائل متفرقه حلق یا تقصیر

- ۸۵۷ س - اگر حاج ضروره، علم داشته باشد که حلاق، سر او را خونی میکند علی تقدیر تعین الحلق علیه، وظیفه اش چیست؟
- ج - فرض انحصار حلاق به کسی که سر او را خونی میکند بعید است، باید فحص نماید و حلاق ماهر پیدا کند، اگر فرضاً پیدا نشد، تقصیر نماید، و بعد در ماه ذیحجه هر وقت متمکن از حلق شد حلق نماید، هر چند به مکه آمده باشد، و مو را به منی بفرستد.
- ۸۵۸ س - صبی ممیزی تمام اعمال حج را به نحو صحیح انجام داده است، آیا از ضروره بودن، خارج میشود یا نه؟
- ج - بلی، خارج میشود.
- ۸۵۹ س - کسی که وظیفه او حلق است و لیکن از حلق معذور است، وظیفه او چیست؟
- ج - بعید نیست لزوم و کفایت تقصیر در این مورد، ولی احوط آن است که احتیاط را به غیر رجوع کنند.

۸۶۰ س - اگر حاج در منی بعد از رمی جمره عقبه و قربانی، قبل از حلق و یا تقصیر عالما یا جاهلا از احرام بیرون بیاید، و لباس عادی بپوشد، تکلیفش چیست؟

ج - باید حلق یا تقصیر را به جا آورد، و اگر عالما عامدا این کار را کرده، يك گوسفند برای پوشیدن لباس دوخته قبل از احلال قربانی کند، و اما نسیانا یا جهلا کفاره ندارد.

۸۶۱ س - شخص محرم هنوز حلق یا تقصیر نکرده،

سر دیگری را متراشد، باید کفاره بدهد یا نه؟

ج - کفاره ندارد، هر چند این عمل برای او جایز نیست.

۸۶۲ س - کسی که سفر اول حج او است در وقتی که سلمانی

برای او حلق مکرده، مشغول گرفتن ناخنهای خود بوده، و غافل بوده که نباید این کار را بکند، آیا کفاره دارد یا خیر؟

ج - چیزی بر او نیست.

۸۶۳ س - اگر در موردی که حاجی باید حلق کند به جای حلق

تقصیر کرده است، وظیفه اش چیست، آیا کفاره دارد یا نه؟

ج - اگر جاهل به مسأله بوده کفاره ندارد، و در فرض علم

پرداخت کفاره احوط است، و در فرض مسأله بنابر احتیاط باید حلق

را انجام دهد، و چنانچه اعمال مکه را به جا آورده اعاده کند.

۸۶۴ س - شخصی دو موضع در سرش شکسته است، ممکن است که حلق روز عید باعث پاره شدن پوست گردد، اگر تقصیر نماید مجزی است، یا وظیفه دیگری دارد؟

ج - اگر امید خوب شدن در حدی که بتواند حلق کامل نماید تا آخر ایام تشریق دارد تأخیر بیندازد، و اگر امید ندارد یا پس از تأخیر خوب نشد، احتیاط آن است که هر مقدار سر را میتواند بتراشد و تقصیر هم بکند.

۸۶۵ س - اگر کسی مقداری از سر خود را با تیغ بتراشد، و بقیه را ماشین کند، آیا جایز است، و حلق صدق میکند؟ ضمناً بعد از ماشین، بقیه سر را نیز متراشد.

ج - تا حلق تمام نشده، کوتاه کردن موی سر جایز نیست، و اگر تمام سر را تراشیده از حلق کافی است.

۸۶۶ س - شخصی که سروره نیست و میتواند تقصیر کند، آیا اگر ریش بتراشد، صرف نظر از حرمت، این کار کفایت از تقصیر میکند یا نه؟
ج - کفایت نمیکند.

۸۶۷ س - ماشین کردن موی سر قبل از حلق به جهت زیادی مو، چه حکمی دارد؟

ج - در صورت علم به حرمت، اگر عمداً انجام دهد کفاره دارد.

۸۶۸ س - حاجی در مذبح بعد از قربانی فوراً تقصیر کرده، که دچار تطهیر نجاست بدن و لباس احرام نگردد، و بعد از رسیدن به چادر حلق کند، از يك طرف سروره است، و از طرفی در حلق قصد احلال نکرده، و از طرف دیگر مذبح در خارج منی است تکلیفش چیست؟

ج - تقصیر در صورت جهل کفاره ندارد، و حلق را که در منی انجام داده اگر به قصد قربت و به حساب یکی از اعمال انجام داده کافی است. و اگر نه باقی بر احرام است.

۸۶۹ س - عصر عید قربان بعد از هدی که دوستان سر متراشیدند، و من هم به این فکر که باید سر را تراشید، رفتم سر خود را تراشیدم، و نگفتم که سر متراشم برای حج تمتع، فقط سرم را تراشیدم، در این صورت وظیفه من چیست؟
ج - اگر سر را به عنوان این که وظیفه شما سر تراشی است، و از اعمال حج است تراشیده‌اید صحیح است، هر چند نیت را نگفته باشید.

۸۷۰ س - پس از وکالت دادن برای قربانی، آیا حلق جایز است یا خیر؟

ج - اگر حاجی برای قربانی به کسی وکالت دهد، تا وکیل او قربانی نکرده، نمیتواند حلق کند، ولی اگر با اعتقاد به این که وکیل او برای او قربانی کرده حلق کرد، بعد معلوم شد که وکیل او هنوز قربانی نکرده، حلق مزبور کافی است، و اگر بعد از حلق، اعمال مکه را هم انجام داده باشد کفایت میکند، و لازم نیست آنها را اعاده کند.

۸۷۱ س - چنانچه محرم در روز عید قربان به علت ازدحام یا کسالت نتواند رمی کند، و قصد دارد روز یازدهم قضا کند، و از طرفی چون قربانی در منی در روز عید ممکن نیست، قربانی را هم تا روز سیزدهم تأخیر بیندازد، آیا اجازه مفرماید که در روز عید حلق یا تقصیر نموده، و از احرام خارج شود، و در روزهای بعد رمی و قربانی را انجام دهد؟

ج - در صورت مفروضه میتواند با حلق و یا تقصیر از احرام خارج شود.

۸۷۲ س - کسانی که در شب دهم - شب عید - جایز است از مشعر کوچ کنند، آیا میتوانند رمی جمره عقبه را هم در شب دهم انجام دهند یا نه؟ و حکم قربانی و حلق و تقصیر را هم در شب بیان فرمایید.

ج - کسی که معذور است و نمیتواند در روز عید رمی کند، جایز است در شب عید رمی نماید، و هم چنین اگر از حلق و تقصیر در روز عید، معذور است مثل خائف از فجأه؟ حیض که بخواهد همان شب به مکه برود، بعید نیست جایز باشد بعد از رمی جمره کسی را وکیل کند که در روز عید برای او قربانی نماید، و خود حلق یا تقصیر نموده، و به مکه برود، و قربانی نمودن در شب عید، بنابر احوط جایز نیست.

۸۷۳ س - در روز دهم اگر حاج ضروره متمکن از حلق نشود، شب میتواند حلق نماید، یا باید روز یازدهم حلق نماید؟
ج - حلق در شب خلاف احتیاط است، و اگر در روز عید ترك نمود، روز یازدهم باید حلق کند، و اگر به جای حلق تقصیر کرد، وقتی که متمکن از حلق شد در طول ذیحجه حلق نماید.
۸۷۴ س - کسی که جهلا بالحکم، در خارج منی حلق کرده، و طواف حج و سعی و طواف نساء را انجام داده، بعد متوجه مسأله شده، وظیفه اش چیست، و چنانچه از جهت جهل به موضوع باشد، و یا اصلا غافل از حلق در منی باشد تکلیف چیست؟
ج - در فرض مسأله که از جهت جهل به مسأله و غفلت، در غیر منی حلق کرده، اجزاء بعید نیست، هر چند احتیاط آن است که در صورت تمکن به منی برگردد، و حلق کند، (امرار موسی نماید) و اعمال بعدی را اعاده کند، و با عدم تمکن، هر جا که هست همانجا حلق کند، و استحبابا موی خود را به منی بفرستد.

۸۷۵ س - شخصی در اعمال روز عید در منی در اثر گم کردن منزل و یا عذر دیگر حلق یا تقصیر را تأخیر انداخته، و شب حلق نموده، یا فردای آن روز، مقارن طلوع آفتاب حلق کرده، صحیح است یا نه؟

ج - در صورتی که معذور بوده مجزی است.

۸۷۶ س - کسی که حلق را فراموش کرده و به ایران بازگشته است، وظیفه او چیست؟

ج - باید حلق و اعمال مترتبه بر حلق را انجام دهد، و اگر نمیتواند خودش به مکه برود، در محل خودش حلق کند، و موی خود را به منی بفرستد علی الاحوط، و برای اعاده اعمال مکه نایب بگیرد.

۸۷۷ س - کسی که در غیر منی حلق نموده، و اعمال مترتبه را انجام داده، و پس از این عمره مفرده انجام داده، آیا محل شده است یا خیر، و عمره مفرده او صحیح است یا خیر؟

ج - اگر جهلا یا نسیانا در غیر منی تقصیر کرده، صحت آن بعید نیست، اگر چه احوط و اولی حلق در منی و اعاده اعمال مترتبه است.

۸۷۸ س - شخصی سال گذشته قربانی و حلق را در خارج از منی انجام داده، و پس از خاتمه اعمال، به ایران برگشته است،

و امسال نیز به مدینه مشرف شده و قصد حج دارد، بفرمایید وظیفه او چیست؟ و آیا میتواند برای خود یا دیگری حج بجا آورد یا نه؟

ج - صحت حج سال گذشته بعید نیست، و اگر با عدم تمکن از ذبح در منی قربانی را در مذابح معمول انجام داده، اعاده لازم نیست. ۸۷۹ س - کسی که غیر از وقوفین اضطراری را نمیتواند درك کند، و برای بقیه اعمال خود نایب مگیرد، آیا میتواند حلق را در غیر از منی انجام دهد؟

ج - باید در منی حلق کند، و حلق در غیر منی کافی نیست، مگر آن که نتواند به منی برود.

۸۸۰ س - کسانی که اعمال حج را بر وقوفین مقدم مدارند، اگر بعد از سعی تقصیر نمودند، آیا موجب محل شدن و یا کفاره مگردد؟

ج - محل نمیشوند، و اگر جاهل یا ساهی بوده‌اند، کفاره ندارد.

۸۸۱ س - کسی را روز عید قبل از حلق دستگیر کرده‌اند، و او را به ایران فرستاده‌اند، آیا رفقای او میتوانند از او نیابت کنند، و بقیه اعمال را انجام دهند یا خیر، و چگونه از احرام خارج میشود؟

ج - بدون این که خودش نایب بگیرد نیابت صحیح نیست، و برای خارج شدن از احرام باید به منی بیاید، و حلق یا تقصیر کند، و اعمال مترتبه را انجام دهد، و اگر نمیتواند، در محل خودش حلق یا تقصیر نماید، و بنا بر احتیاط مستحب موهای خود را به منی بفرستد، و برای اعمال مترتبه نایب بگیرد.

۸۸۲ س - شخصی در روز عید قربان در حال رمی جمره عقبه پول خود را گم کرد، و چون پول برای هدی نداشت آن را مبدل به روزه کرد، و تصمیم دارد بعد از ایام تشریق شروع به سه روز روزه نماید، آیا چنین شخصی تقصیر یا حلق را پس از سه روز روزه انجام دهد، یا همان روز عید حلق یا تقصیر نماید؟

ج - میتواند روز عید حلق یا تقصیر نماید، ولی اگر اشیایی داشته باشد که با فروش آنها بتواند قربانی تهیه کند، متمکن از هدی محسوب میشود، و باید قربانی کند، و روزه برای او مجزی نیست.

هفتم - طواف زیارت

پس از انجام اعمال منی در روز دهم، لازم است نسبت به انجام اعمال مکه که اولین آنها طواف زیارت است مبادرت کند. طواف زیارت که طواف حج نیز نامیده میشود از نظر احکام کاملاً مانند طواف عمره تمتع است، فقط در نیت متفاوت است، و در این طواف به جای آن که بگوید: در عمره تمتع طواف میکنم... مگوید: در حج تمتع طواف منماید.

هشتم - نماز طواف زیارت
پس از طواف زیارت، دو رکعت نماز طواف زیارت نیز پشت
مقام مسخواری، نماز طواف زیارت نیز در احکام و شرایط مانند
نماز طواف در عمره تمتع است.
نهم - سعی بین صفا و مروه
پس از نماز طواف زیارت، واجب است که سعی بین صفا
و مروه را بجا آورد، و آن نیز در احکام مانند سعی بین صفا و مروه،
در عمره تمتع است، با این تفاوت که اولاً در نیت مگوید: سعی
مکنم در حج تمتع، و ثانیاً پس از سعی در حج تمتع تقصیر نیست.
با انجام سعی در حج تمتع استفاده از بوی خوش نیز بر حاج
حلال میشود.

دهم - طواف نساء
پس از انجام سعی حاج به مسجد الحرام باز مگردد، و دوباره
خانه خدا را به نیت طواف نساء طواف میکند.
طواف نساء بر همه افرادی که حج بجا مآورند لازم است،
و تفاوتی بین زن و مرد بالغ و غیر بالغ نیست، حتی برای طفل
غیر ممیز یا مجنونی که ولیش او را محرم کرده است لازم است.

یازدهم - نماز طواف نساء

پس از طواف نساء واجب است حاج دو رکعت نماز طواف با همان کیفیتی که در نماز طواف عمره گفته شد بجا آورد. پس از انجام طواف نساء و نماز آن اگر به نحو صحیح انجام گیرد، زن بر مرد و مرد بر زن حلال میشود، و این آخرین چیز از تروك احرام است که در مناسك حج بر حاج حلال میشود. مسأله ۸۸۳ - احتیاط مستحب آن است که پس از عمره تمتع نیز طواف نساء و نمازش را بجا آورند.

مسأله ۸۸۴ - صبی ممیز خودش طواف نساء و نمازش را به جا مآورد، و غیر ممیز را ولی او طواف داده، و نمازش را به نیابت او بجا مآورد.

مسأله ۸۸۵ - اگر صبی ممیز طواف نساء را به جا نیاورد، و یا ولی، صبی غیر ممیز را طواف نساء ندهد، اگر دختر است بر او تمتع از شوهر جایز نیست، و اگر پسر است بر او تمتع از زن جایز نمیشد، مگر آن که یا خود او طواف کند، و یا ولی او قبل از بلوغ برای او نایب بگیرد، و یا خودش پس از بلوغ برای انجام طواف نایب بگیرد.

مسأله ۸۸۶ - بهتر آن است که حاج پس از اعمال روز دهم در صورت امکان برای انجام اعمال مکه به مکه بیاید، و در صورتی که امکان نداشت، روز یازدهم به مکه بیاید، بلکه احتیاط آن است که تا قبل از ظهر روز سیزدهم اعمال مکه را انجام دهد، اگر چه تأخیر انداختن آن تا آخر ذیحجه جایز است.

مسأله ۸۸۷ - کسانی که حج افراد و یا حج قران بجا میآورند جایز است طواف زیارت و سعی را بر وقوف در عرفات و مشعر مقدم بدانند، اگر چه ضرورتی در کار نباشد، ولی به خاطر کراهتی که دارد بهتر است آن را مقدم ندارند.

مسأله ۸۸۸ - کسانی که حج تمتع به جا میآورند جایز نیست اختیاراً طواف و سعی را بر وقوف به عرفات و مشعر مقدم بدانند، و در صورت تقدیم، طواف و سعی باطل و اعاده آن لازم است.
مسأله ۸۸۹ - از حکمی که در مسأله قبل ذکر شد چند طایفه مستثنی هستند:

أ - زنی که خوف حیض یا نفاس پس از اعمال منی را داشته باشد، و برای او امکان ماندن در مکه تا زمان پاك شدن به خاطر رفتن کاروان وجود نداشته باشد.

ب - بیماران و پیرانی که به خاطر کثرت ازدحام، توانایی طواف پس از اعمال منی را نداشته باشند.

ج - کسانی که یقین دارند بعد از برگشتن از منی در تمام ماه برای آنها طواف و سعی ممکن نمیشود. واجب است این سه گروه پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منی طواف و سعی را بجا آورند.

مسئله ۸۹۰ - افرادی که مجاز به تقدیم طواف و سعی بر وقوف به عرفات و منی هستند در صورتی که پس از مراجعت از منی تا آخر ذیحجه قادر به انجام طواف بودند، احوط و اولی آن است که طواف و سعی را اعاده نمایند، و بهتر آن است از بوی خوش تا پایان زمان طواف و سعی مجدد پرهیزند، و نیز احتیاط آن است که طواف نساء و نماز آن را رجاء بر وقوفین مقدم دارند، و سپس در صورت امکان پس از اعمال منی آنها را اعاده کنند، و در صورت عدم امکان نایب گرفته تا آن را انجام دهند.

مسئله ۸۹۱ - لازم است نایب طواف نساء را از جانب منوب عنه بجا آورد.

مسئله ۸۹۲ - زنی که از منی برای انجام مناسک مکه بازگشته است، اگر حائض شود، و امکان ماندن در مکه برای او تا زمان پاك شدن نباشد، باید برای طواف زیارت و نمازش نایب بگیرد، و پس از آن که نایب نماز طواف را به جای آورد، خودش به سعی برود، و سپس برای انجام طواف نساء و نمازش مجدداً نایب بگیرد، و در این صورت از احرام کاملاً بیرون آمده، و همه تروك احرام بر او حلال میشود.

مسائل متفرقه اعمال بعد از منی و طواف نساء
 ۸۹۳ س - هر گاه شخصی از روی جهل به حکم، قبل از وقوف
 به عرفات، طواف و نماز آن، سعی و تقصیر را به جا آورد، و بعد از
 اتمام مناسک حج، متوجه اشتباه خود شد، آیا خللی به حج او وارد
 میشود یا نه؟ و آیا کفاره بر او واجب است یا نه؟
 ج - اگر تقدیم بدون عذر بوده، واجب است طواف وسعی
 و تقصیر را اعاده نماید، و اگر با عذر بوده احتیاطا اعاده کند، و کفاره
 در صورت جهل واجب نیست.
 ۸۹۴ س - اگر کسی در حج تمتع از جهت نسیان حکم، اول
 طواف نساء را بجا آورد، و بعد طواف زیارت را، سپس
 متذکر شود، یا این که قبل از انجام طواف زیارت ملتفت گردد،
 و یا از جهت نسیان موضوع یعنی به خیال این که طواف زیارت را
 انجام داده فقط طواف نساء را بجا آورد، چه تکلیفی دارد، و نیز
 اگر جهلا طواف نساء را قبل از طواف زیارت بجا آورد، حکمش
 چیست؟
 ج - لازم است طواف نساء بعد از طواف زیارت واقع شود،
 بنابراین در تمام صور مذکوره باید طواف نساء را دو مرتبه بجا آورد.

۸۹۵ س - در حج لازم است که طواف نساء و نماز آن را بعد از طواف حج و نماز و سعی بجا آورد یا خیر؟
ج - بلی لازم است طواف نساء را بعد از سعی بجا آورد، و اگر عمداً مقدم داشت اعاده آن با نمازش بعد از سعی لازم است، و در صورت جهل و فراموشی اعاده آن احوط است، و اگر خودش نمیتواند اعاده کند نایب بگیرد.

۸۹۶ س - آیا انسان در عمره مفرده یا عمره تمتع یا حج تمتع میتواند اعمال را با فاصله انجام دهد، مثلاً يك روز طواف کند و روز دیگر نماز آن را بخواند، و روز دیگر سعی، و روز دیگر تقصیر، و روز بعد طواف نساء را بجا آورد یا نه؟

ج - اگر چنین کند عمل صحیح است، لکن در بعض صور مثل تأخیر نماز از طواف و تأخیر سعی معصیت کرده است.

۸۹۷ س - معذورین که وقوف اضطراری مشعر الحرام را شب درك نموده و به منی مبرونند، و رمی جمره میکنند، و وکالت برای قربانی مدهند و تقصیر منمایند، آیا جائز است در همان شب، طواف زیارت و طواف نساء را بجا آورند یا نه؟

ج - با عذر مانعی ندارد، که شب طواف زیارت و سعی بین صفا و مروه و طواف نساء را انجام دهند.

۸۹۸ س - کسی که معذور باشد، و یا احتمال عذر بدهد مثل زن که احتمال بدهد در اثر عادت زنانگی نتواند پس از مراجعت از منی طواف نساء بجا بیاورد، آیا جایز است طواف نساء را بر عرفات مقدم بدارد یا نه؟

ج - در صورت مذکوره میتواند طواف نساء را بعد از سعی، مقدم بر وقوف عرفات بدارد، بلکه با خوف از عدم تمکن لازم است، و احوط اعاده آن است در صورت تمکن بعد از مراجعت، و در صورت عدم تمکن احوط آن است که برای اعاده نایب بگیرد. ۸۹۹ س - در مواردی که تقدیم طواف بر وقوفین در حج تمتع جایز است، آیا قبل از احرام حج تمتع میتوان انجام داد یا بعد از احرام واقع شود؟

ج - تقدیم طواف و سعی حج تمتع، بدون احرام، جایز نیست. ۹۰۰ س - شخصی که میتواند اعمال مکه را بر وقوفین مقدم بدارد اگر جهلاً بدون احرام، اعمال مکه را انجام داد چه صورتی دارد؟

ج - کفایت نمکند و باید یا قبل از وقوفین آنها را با احرام اعاده کند، و یا بعد از وقوفین و اعمال منی، آنها را بجا آورد. ۹۰۱ س - زنی که اعمال حج خود را بر وقوفین مقدم داشته، بعد از سعی حائض میشود، شوهرش در همان وقت به نیابت از او طواف نساء را انجام مدهد، آیا این نیابت صحیح است؟

- ج - صحیح نیست، و تقدیم برای کسی است که خودش طواف میکند. و احتیاط آن است که اکتفاء به آنچه مقدم داشته هم نکند.
- ۹۰۲ س - کسانی که اعمال حج را قبل از اعمال منی انجام مدهند، آیا میتوانند سعی را بعد از برگشتن از منی انجام دهند و باقی اعمال را قبل از آن؟
- ج - بنابر احتیاط سعی را تأخیر نیندازند.
- ۹۰۳ س - اگر کسی تنها این ترس را داشته باشد که بعد از برگشت از منی در اثر ازدحام نتواند طواف کند، یا به مشقت بیفتد، آیا میتواند اعمال حج را مقدم دارد یا نه؟
- ج - مورد جواز تقدیم نیست، و نمیتواند مقدم بدارد.
- ۹۰۴ س - کسانی که اعمال حج را مقدم بر وقوفین منمایند، آیا باید اقرب زمان به موقوفین را رعایت کنند؟
- ج - لازم نیست.
- ۹۰۵ س - کسی که او را به وسیله طبق طواف مدهند، آیا میتواند اعمال حج خود را بر وقوفین مقدم بدارد؟
- ج - اگر در هر صورت باید او را طواف دهند، و عذر دیگری نیست، نمیتواند مقدم بدارد.
- ۹۰۶ س - تشخیص عذر برای کسانی که اعمال حج را مقدم مدارند، بر عهده خود آنان است، یا بر عهده گردانندگان گروه و مسئولین؟
- ج - تشخیص با خود مکلف است.

۹۰۷ س - تقدیم اعمال مکه برای ذوی الاعذار جایز
یا لازم است؟

ج - جایز است، و لازم نیست مگر در مورد کسی که یقین دارد
اگر اعمال مکه را قبل از وقوفین انجام ندهد، تا آخر ذیحجه امکان
انجام آن را ندارد در این صورت تقدیم واجب است.

۹۰۸ س - آیا نایب هم اگر خوف حیض یا مرض داشته باشد
متواند اعمال حج را بر وقوفین و اعمال منی مقدم بدارد یا نه؟
ج - مانع ندارد.

۹۰۹ س - آیا متواند اعمال مکه را به نایب واگذارد،

در صورتی که متواند تأخیر بیندازد تا خود بجا آورد؟

ج - با فرض این که متواند خودش بجا آورد، ولو با تأخیر تا آخر
وقت، نمیتواند نایب بگیرد.

۹۱۰ س - جوانی شیعه‌ای در يك خانواده از برادران اهل تسنن

کار مسکرده، چون وقت حج مرسد با آن جماعت به زیارت خانه

خدا مرود، و اعمال حج را مطابق دستورات آنها انجام داده،

و طواف نساء را بجا نیاورده، و بعد از مراجعت از سفر ازدواج

کرده، و صاحب اولاد شده است، در این صورت حج او چه

صورت دارد، و ازدواج او صحیح است یا نه؟

ج - در فرض مسأله چنانچه ارکان حج را مطابق فتوای علمای شیعه انجام داده حج او صحیح است، و واجبات غیر رکنی اگر مطابق نظر فقهای شیعه انجام نشده، در صورت تمکن خودش، و الا نائیش انجام دهد، لکن تا طواف نساء بجا نیامورد زن بر او حرام است، و اگر خودش نمیتواند بجا آورد يك نفر شیعه را وکیل کند که نیابتاً از طرف او طواف نساء بجا آورد، و بعد از انجام طواف، عقد را تجدید کند، و اولاد آنها در حکم حلال زاده است.

۹۱۱ س - زنی از جهت جهل به مسأله، طواف نساء و نماز بجا نیامورده، و به بلد خود آمده، و شوهرش با او مقاربت کرده، بعداً ملتفت شده که چون طواف نساء و نماز آن را انجام نداده، جایز نبوده چنین عملی را انجام دهد، بفرمایید اولاً نسبت به حج تکلیفش چیست؟ و ثانیاً حلیت و حرمت زن و شوهری ایشان چگونه است؟ و ثالثاً فرق بین جهل به مسأله و نسیان آن هست یا نه؟ و رابعاً اگر تنها نماز طواف را نخوانده چه صورت دارد.

ج - در فرض سؤال، حج او صحیح است و چون جاهل به مسأله بوده، جماع موجب کفاره نیست، ولی بعد از علم اگر مقاربت نماید کفاره لازم است، و برای حلیت، لازم است با تمکن، خود او و با عدم تمکن، نایب او طواف نساء و نماز طواف را بجا آورد، و در این حکم فرقی بین جاهل و ناسی نیست، و اگر فقط نماز طواف را نخوانده، بعد از علم یا التفات جایز است در هر جا باشد نماز را بخواند.

۹۱۲ س - زن و شوهری به مکه رفتند، و مناسک حج را بجا آوردند، لکن چون زن شوهرش را نمخواست، طواف نساء و نماز آن را بجا نیاورد، و شوهر هم این طواف و نماز را ترك کرده، و به وطن خود برگشته‌اند، اکنون وظیفه آن زن از نظر محرمیت و بودنش در خانه شوهر چیست؟

ج - بر هر دو واجب است به مکه برگردند، طواف نساء و نماز آن را بجا آورند، و اگر رفتن به مکه مشقت دارد نایب بگیرند، که طواف نساء و نماز آن را بجا آورده‌اند، هر گونه استمتاع زن و مرد از یکدیگر حرام است، و لکن عقد باطل نیست و زن بر مرد محرم است، و در این مورد که زن به قصد فرار از تمکین، طواف نساء بجا نیاورده، استحقاق نفقه و سکنی، محل اشکال است و احتیاط در ترك مطالبه است، هر چند بر زوج نیز احتیاط در صورت مطالبه، بذل نفقه است.

۹۱۳ س - شخصی به واسطه ندانستن مسأله طواف نساء را بجا نیاورده، ولی نیت طواف مستحب کرده به این نحو که این طواف را برای هر نقصانی که در طواف داشته‌ام قربه الی الله بجا ماورم، و بعد از گذشتن يك سال ملتفت شده، تکلیفش چیست؟

ج - در مورد سؤال احوط آن است که بعد از التفات با زن نزدیکی نکند، و در صورت تمکن طواف نساء را خودش بجا آورد، و اگر مشقت دارد نایب بگیرد که برای او طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، اگر چه در غیر ماه حج باشد.

۹۱۴ س - فرموده‌اند اگر کسی طواف نساء را در حج بجا نیاورد زن بر او حرام مشود، بفرمایید که آیا مقصود فقط مقاربت است، و یا سایر استمتاع‌ها نیز حرام خواهد بود، و اگر اولادی به وجود بیاید حلال زاده است یا نه، ارث میرد یا نمیرد؟

ج - در فرض سؤال، با محرم شدن به احرام حج و عمره مفرده، ازدواج با زن و هر گونه استمتاع از او حرام مشود، و تا طواف نساء بجا آورده نشود هیچ يك از استمتاع‌ها بر او حلال نیست، و در صورت عصیان و مقاربت با زن، اولاد ملحق به آنها است، و توارث نیز بین آنها ثابت است.

۹۱۵ س - شخصی پس از مراجعت از مکه شك میکند که طواف نساء حج یا عمره مفرده را بجا آورده یا نه، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج - اگر التفات به وجوب طواف نساء نداشته، باید طواف نساء را انجام دهد، ولی اگر التفات به وجوب آن داشته، و شك دارد که انجام داده یا نه، بعید نیست انجام آن واجب نباشد، اگر چه احتیاط خوب است.

۹۱۶ س - مردی به زنش گفت وظیفه من طواف نساء است، ولی تو باید طواف رجال را بجا آوری! زن به جای نیت طواف نساء، نیت طواف رجال کرد، آیا کافی است یا نه؟

ج - اگر منظورش اداء وظیفه بوده است، کفایت میکند.

۹۱۷ س - پیر مردان و پیرزنانی که عمل زناشوئی از آنان ممکن نیست، و ازدواج هم نمکنند، و نیز کسی که عنین است، آیا اگر طواف نساء را بجا نیاورند اشکال دارد؟
ج - بر اشخاص مذکور نیز واجب است طواف نساء را انجام دهند.

۹۱۸ س - شخصی بعد از حج ازدواج کرد، و دارای اولاد شد، بعداً متوجه میشود که در حج طواف نساء را بجا نیاورده است. حال که متوجه شده است، حکم زن و فرزند او چگونه است، و نسبت به طواف باید چه کند؟

ج - با فرض جهل، فرزند او حکم حلال زاده را دارد، ولی عقد ازدواج باطل است، و باید طواف نساء را انجام دهد، و عقد را تجدید نماید.

۹۱۹ س - اگر نایب، طواف نساء را بجا نیاورد، آیا فقط زن بر او حرام است یا ذمه‌اش هم مشغول است، هر چند بعد از مردن باشد، که باید برای او قضاء کنند؟

ج - ذمه او هم مشغول است، و خودش باید در حیاتش انجام دهد، و اگر نمیتواند نایب بگیرد، و اگر قبل از انجام آن فوت کند، باید برای او نایب بگیرند.

۹۲۰ س - حاجی تمام اعمال عمره و حج را انجام داده، و بعد فهمید وضویش باطل بوده است، آیا با تدارك طواف‌ها و نماز، حج او صحیح است یا نه؟ و بر فرض فساد، چگونه از احرام خارج شود، و وظیفه او چیست؟

- ج - در فرض سؤال باید عمره مفرده انجام دهد، و در سال بعد احتیاطاً حج را اعاده کند.
- ۹۲۱ س - کسی که از منی برگشته، و هنوز اعمال واجب مکه را انجام نداده، آیا میتواند طواف مستحبی انجام دهد، و نیز در حال احرام عمره تمتع آیا میتواند قبل از انجام عمره، طواف مستحبی انجام دهد؟
- ج - احتیاطاً ترك نماید.
- ۹۲۲ س - آیا بعد از انجام اعمال منی و قبل از انجام اعمال مکه میتوان از مکه خارج شد یا خیر؟
- ج - مانع ندارد.
- دوازدهم: بیتوته در منی
- مسأله ۹۲۳ - پس از انجام مناسك مکه واجب است شخص برای ماندن (بیتوته) در منی در شبهای یازدهم و دوازدهم به منی مراجعت نماید.
- مسأله ۹۲۴ - بر چند طایفه بیتوته شب سیزدهم در منی ورمی جمرات روز سیزدهم نیز واجب است:
- اول - کسی که در حال احرام صید کرده است.
- دوم - کسی که از تمتع زنان اجتناب نکرده است.

سوم - کسی که تا غروب آفتاب روز دوازدهم در منی مانده است، اگر چه آماده حرکت بوده و سوار ماشین شده ولی در راه بندان مانده، و نتوانسته از حدود منی خارج شود. مسأله ۹۲۵ - کسانی که سال اول حج آنهاست، و یا بعضی محرمات احرام را مرتکب شده‌اند، و یا گناه کبیره دیگری را در حال احرام انجام داده‌اند، اولی و احوط آن است که شب سیزدهم را در منی بیتوته نمایند، بلکه بیتوته شب سیزدهم برای همه افضل است.

مسأله ۹۲۶ - مقدار واجب از بیتوته در منی از غروب تا نیمه شب است، و خروج از منی پس از نیمه شب جایز است، اگر چه افضل آن است که تمام شب را تا طلوع فجر در منی بماند، و احتیاط مستحب آن است که قبل از طلوع فجر داخل مکه نشود. مسأله ۹۲۷ - ماندن در منی باید با نیت همراه باشد، و اگر اول مغرب نیت نکرده است، باید بعد از دخول وقت نماز عشاء نیت کند، و بگوید: "امشب را در منی ممانم قربة إلى الله"، و نوع حجی را که بجا می‌آورد - تمتع یا غیر آن را نیز - تعیین کند، و هم چنین اگر نایب است به نیت منوب عنه در منی بماند، و اگر نیت نکند گناه کرده، ولی کفاره‌ای بر او واجب نیست، و کفایت می‌کند که به این منظور در منی بماند، اگر چه نیت آن را به زبان نیاورد، و در دل هم نگذرانند.

مسأله ۹۲۸ - در شبهایی که بیتوته در منی واجب است به غیر از دو مورد، ماندن در مکه جایز نیست:

اول - کسی که تمام شب تا صبح را در مکه به عبادت پردازد.

دوم - کسی که معذور باشد، مثل چوپان، سقا، مریض، مراقب مریض - اگر مراقبت لازم باشد - و مراقب اموال در صورت ضرورت.

مسأله ۹۲۹ - کسانی که در غیر مکه و یا در مکه بدون اشتغال به عبادت، و یا در غیر مکه در حال اشتغال به عبادت، شبهای مذکوره را گذرانده‌اند مباح است برای هر شب يك گوسفند کفاره قربانی کنند، و بنا بر احتیاط واجب ناسی و جاهل و معذور نیز همین حکم را دارند.

مسأله ۹۳۰ - کسی که برای انجام اعمال به مکه آمده، و نتوانسته خود را تا گذشت قسمتی از شب به منی برساند، بر او کفاره واجب نیست، اگر چه بعد از نیمه شب به منی رسیده باشد.

مسائل متفرقه بیتوته در منی
۹۳۱ س - در مناسك فرموده‌اید: " حاج متواند در شب یازدهم
و دوازدهم بعد از نصف شب برای بقیه اعمال حج به مکه برود،
و احتیاط آن است که قبل از طلوع فجر داخل مکه نشود ".
عرض میکنم اگر بعد از طلوع فجر داخل شود به ازدحام جمعیت
بر خورد میکند، و هوا گرم میشود، و انجام طواف حج و طواف
نساء مشکل خواهد شد، حال آیا جایز است قبل از طلوع فجر
شروع به اعمال حج کند یا نه؟
ج - بلی متواند قبل از طلوع فجر مشغول طواف شود،
و عمل به احتیاط، واجب نیست.
۹۳۲ س - چه مفرمایید نسبت به شخصی که قبل از غروب
آفتاب شب سیزدهم از منی کوچ کرده، و بعد از ساعتی مثلاً
مراجعت به منی منماید، آیا واجب است شب را بماند و فردایش
رمی جمرات نماید یا نه؟
ج - واجب نیست.

۹۳۳ س - زنان و پیر مردان و بیماران و کسانی که خوف از مشقت و ازدحام دارند، آیا جایز است شب دوازدهم بعد از بیتوته در منی رمی جمرات را شبانه انجام داده، به مکه معظمه بروند، و دیگر به منی برنگردند، یا خیر؟
ج - جایز است.

۹۳۴ س - حاج منخواهد بعد از اعمال ثلاثه روز عید برای طوافها به مکه برود، ولی مداند در صورت رفتن به مکه سه ساعت از مبیت اول شب را درك نمکند، آیا برود یا نه؟ و اگر رفت کفاره دارد یا خیر؟

ج - رفتن از منی به مکه برای انجام واجبات مکه مانع ندارد، ولی باید قبل از نصف شب در منی حاضر باشد، و در فرض سؤال که قسمتی از نیمه اول شب را درك نکرده است باید تا طلوع فجر در منی بماند.

۹۳۵ س - کسی که در شب یازدهم و دوازدهم باید در منی باشد، یا در مسجد الحرام مشغول عبادت گردد، در مسجد الحرام مشغول عبادت میشود، ولی در بین آن از نخستگی مرتب چرت مزند و بیدار میشود، وظیفه او چیست؟ و آیا عبادت در پشت بامهای کنونی مسجد الحرام کافی است یا نه؟

ج - اگر به قدری خواب مرود که صدق نمکند که تمام شب مشغول به عبادت بوده کافی نیست، و باید کفاره بدهد، و عبادت در هر جای مکه کافی است.

۹۳۶ س - مقدار شب برای کسی که در مکه به جای بیتوته در منی به عبادت مشغول میشود چقدر است؟ از مغرب تا طلوع فجر است، یا طلوع آفتاب؟

ج - تا طلوع فجر حساب میشود.

۹۳۷ س - کسی که بدون عذر نصف اول شب را در منی نبود، آیا واجب است نصف دوم را در منی بماند، آیا کفاره ترك مبیت را نیز باید بدهد یا خیر؟

ج - باید کفاره هم بدهد.

۹۳۸ س - کسانی که مقداری از اول شب با عذر یا بدون عذر در خارج منی بودند، یا قبل از نصف شب خارج شدند، آیا کفاره واجب است یا خیر؟

ج - در صورت عذر کفاره واجب نیست، و بدون عذر احتیاط ترك نشود.

۹۳۹ س - علامت گذاری حدود منی در سالهای قبل با علامت گذاری کنونی که به وسیله حکومت انجام گرفته فرق میکند، و این جانب که شغلم حمله داری است در سالهای قبل با حجاج در قطعه زمینی بیتوته کرده‌ایم که اگر تعیین فعلی حکومت صحیح باشد، بیتوته ما در خارج از منی بوده، و اگر تعیین قبلی صحیح باشد که ما یقین به آن داریم طبق علامت قبلی و نظر پیران

اهل مکه بیتوته ما صحیح است، حال بنا بر این که تعیین حکومت صحیح باشد، آیا تکلیف ما نسبت به بیتوته سالهای قبل چیست؟ و در صورت وجوب کفاره، آیا ابلاغ به همه حجاج لازم است یا نه؟ و آیا با توجه به این که در فرض مسأله بیتوته ترك نشده، بلکه اشتباه در مصداق بوده است، نسبت به حجاج ضامن میباشم یا نه؟

ج - اگر در محلی بیتوته کرده‌اید که یقین به منی بودن آن داشته‌اید تا یقین پیدا نکنید که خارج منی بوده، قربانی لازم نیست، و در این صورت ابلاغ و اعلام ضرورت ندارد.

۹۴۰ س - این جانب شغلم حمله داری است، چندین سال قبل جایی را که یقین داشتم جزء منی است با حاجی‌ها بیتوته نموده‌ام، و سالهای بعد فهمیدم و برایم یقین حاصل شد جایی که سالهای قبل بیتوته نموده‌ایم خارج از منی است، آیا کفاره بر این جانب و همه حجاج واجب است یا نه؟ و در صورتی که کفاره واجب باشد، آیا کفاره حجاج بر عهده خودشان است یا بر عهده من؟ و آیا ابلاغ به حجاج واجب است یا نه؟ و اگر بعضی از آنان مرده باشند یا دسترسی به آنان نباشد، تکلیف چیست؟

ج - کفاره ترك بیتوته خود شما بر شما واجب است، و کفاره دیگران بر شما واجب نیست، و لازم نیست به آنان اعلام نمایید، و اگر فهمیدند کفاره بر خود آنان واجب است.

سیزدهم: رمی جمرات در ایام تشریق
مسأله ۹۴۱ - رمی جمرات سه گانه (اولی، وسطی، عقبه)
در روزهای یازدهم و دوازدهم برای همه حجاج، و در
روز سیزدهم برای برخی واجب است.
مسأله ۹۴۲ - رمی هر جمره باید با هفت سنگریزه انجام گیرد.
مسأله ۹۴۳ - مراعات ترتیب در رمی جمرات واجب است به این
معنا که از جمره اولی شروع کرده و به جمره عقبه به پایان رساند،
و در صورتی که ترتیب را مراعات نکرده است مباح است رمی را
طوری اعاده کند که ترتیب حاصل شود.
مسأله ۹۴۴ - زمان رمی در حال اختیار از طلوع آفتاب تا غروب
آفتاب است، و معذورین مانند مریض، چوپان، هیزم شکن و کسی
که از رمی در روز خوف بر نفس دارد میتوانند در شب رمی کنند،
و در صورتی که هر شب نمیتوانند رمی نمایند، میتوانند در يك
شب سنگ همه روزها را بزنند.
مسأله ۹۴۵ - اگر به جمره اولی چهار سنگریزه و یا بیشتر بزند،
و سپس از روی فراموشی جمره بعدی را هفت سنگریزه بزند، اگر
مقدار کمبود اولی را جبران کند، کفایت میکند، ولی اگر کمتر از
چهار سنگ زده باشد آنچه به جمره اولی زده محسوب نیست،

و باید ابتدا جمره اولی را هفت سنگ بزند، و سنگ های جمره بعدی را نیز تکرار کند، و اکمال نقص به تنهایی کفایت نمکند، بلکه باید رمی جمره بعدی را نیز اعاده نماید. بلی اگر نقص مربوط به جمره سوم باشد اکمال آن کافی است، و لازم نیست رمی جمرات قبل را نیز اعاده نماید.

مسأله ۹۴۶ - اگر نسیانا جمره اولی را چهار سنگ و یا بیشتر بزند، و جمره دوم و سوم را نیز یکی هفت سنگ بزند، اگر سنگهای جمره اولی را تا هفت عدد تکمیل کند کافی است، و اعاده رمی جمره دوم و سوم لازم نیست، ولی اگر عمدا چهار سنگ یا بیشتر به جمره اولی بزند و بعد جمره دوم و سوم را یکی هفت سنگ بزند احتیاط لازم آن است رمی همه جمرات را اعاده نماید، چنانچه احوط الحاق جاهل به عالم است، و اگر در فرض بالا جمره اولی را با کمتر از چهار سنگ رمی نموده باشد، مبیاست رمی همه جمرات را اعاده نماید، هر چند که ناسی بوده است.

مسأله ۹۴۷ - اگر جمره اولی را هفت سنگ و جمره دوم را سه سنگ و جمره سوم را نیز هفت سنگ بزند، باید رمی جمره دوم و سوم را اعاده نماید، ولی تکرار رمی جمره اولی واجب نیست.

مسأله ۹۴۸ - اگر هر کدام از جمره اولی و عقبه را هفت سنگ و جمره دوم را نسیانا چهار سنگ و یا بیشتر بزند، کفایت میکند که سنگ‌های جمره دوم را تکمیل نماید، لکن در این صورت و مثل آن احتیاط مستحب است که رمی را استیناف نماید.

مسأله ۹۴۹ - اگر حاج رمی یکی از روزها را فراموش کند، و یا عمدا ترک نماید، قضای آن در روز بعد واجب است، و مبادیست اول قضای روز قبل را کاملا بجا آورد، و سپس سنگ‌های همان روز را بزند، و مستحب است که قضای روز گذشته را پس از طلوع آفتاب بجا آورد، و سنگ همان روز را به هنگام زوال رمی نماید.

مسأله ۹۵۰ - اگر سنگ یکی از جمرات را تماما و یا چهار عدد از آن را فراموش کرد، ولی نمداند که کدام يك از جمرات است، باید رمی تمام جمرات را به ترتیب اعاده نماید، ولی اگر کمتر از سه سنگ از یکی از جمرات باقی مانده، و نمداند کداميك از آنها است، کفایت میکند که به همه آنها هر يك سه سنگ بزند، و مراعات ترتیب در این فرض شرط نیست.

مسأله ۹۵۱ - اگر نمداند که چهار سنگ زده و سه سنگ باقی مانده، ولی نمداند که نسبت به یکی از جمرات چنین شده است یا بیشتر، باید به هر يك از جمرات به ترتیب یکی سه سنگ بزند.

مسأله ۹۵۲ - اگر مرداند که سه سنگ زده و چهار سنگ باقی مانده است، ولی نموداند که نسبت به یکی از جمرات بوده است و یا بیشتر، باید هر سه جمره را به ترتیب دوباره رمی نماید.

مسأله ۹۵۳ - کسی که رمی جمرات را فراموش کند، و در مکه متوجه شود، واجب است تا در ایام تشریق (یازدهم، دوازدهم، سیزدهم) برای تدارک به منی بازگردد و اگر پس از ایام تشریق متوجه شد، در سال بعد باید خود و یا نایش آن را قضا نماید.

مسأله ۹۵۴ - کسی که عمدا رمی روز یازدهم و دوازدهم را انجام نداده است، باید در سال بعد قضا نماید، ولی حشش صحیح، و زن بر او حلال است.

مسأله ۹۵۵ - اگر زنی سه سنگ زد، و در اثر فشار و هجوم جمعیت نتوانست آنها را تکمیل نماید، اگر بدون حرج تا آخر وقت بتواند خودش سنگ بزند نیابت گرفتن صحیح نیست، ولی اگر تأخیر رمی برای او ممکن نیست، در صورتی که فاصله زیاد نشده است میتواند برای تکمیل آن نایب بگیرد، و اگر تأخیر بیندازد و در روز بعد قضای آن را بجا آورد نیز مجزی است.

مسأله ۹۵۶ - اگر زنی با رفتن در ازدحام جمعیت خوف از حیض دارد، باید شب رمی کند، و اگر متمکن از رمی در شب هم نیست، برای رمی در روز به کسی نیابت دهد.

مسأله ۹۵۷ - اگر مریض نسبت به این که در وقت رمی، خودش بتواند سنگ بزند امید ندارد، در صورتی که میتواند باید با کمک دیگری رمی را انجام دهد، به این صورت که سنگ را در دست بگیرد و دیگری در پرتاب سنگ کمکش کند، و گرنه باید برای رمی نایب بگیرد، و اگر بهبود یافت و هنوز وقت باقی است، بنا بر احتیاط مستحب خودش نیز رمی نماید.

مسأله ۹۵۸ - سنگریزه‌های زیاد آمده را میتوان برای سال بعد نگهداشت، ولی خارج کردن آنها از حرم جایز نیست.

مسائل متفرقه رمی جمرات

۹۵۹ س - کسی که به نیابت دیگری رمی جمره میکند، آیا کافی است که اول برای خودش هر جمره‌ای را رمی کند، و پس از آن به نیابت دیگران ولو ده نفر باشند يك جا رمی کند، بعد جمره وسطی را هم همین طور، و در پایان برای جمره عقبه نیز چنین کند، یا این که باید اول هر سه جمره را برای خودش، و بعد هر سه را برای دومی، و هم چنین به ترتیب برای دیگران رمی نماید؟

ج - هر دو صورت صحیح است.

۹۶۰ س - چنانچه کسانی صبح روز دهم از رمی کردن معذور باشند، ولی اطمینان دارند که بعد از ظهر خلوت است و قادر به رمی هستند، بفرمایید از صبح میتوانند نایب بگیرند، یا باید صبر کنند تا خلوت شود و رمی نمایند؟

ج - اگر میتوانند در روز رمی کنند، نمیتوانند نایب بگیرند.

- ۹۶۱ س - کسی که نمیتواند در روز عید رمی کند، آیا میتواند قبل از رمی و قربانی حلق نماید و روز دیگر رمی کند؟
ج - بلی میتواند.
- ۹۶۲ س - کسانی که با عذر از رمی در روز میتوانند شب رمی کنند، آیا لازم است شب رمی کنند، یا میتوانند همان روز نایب بگیرند؟
ج - باید شب رمی کنند.
- ۹۶۳ س - کسی که نتوانسته ذبح کند، و حلق یا تقصیر نیز ننموده است، آیا میتواند رمی روز یازدهم را انجام دهد؟
ج - مانع ندارد.
- ۹۶۴ س - شخصی رمی جمره عقبه را در روز عید غلط انجام داده است، و در روز سیزدهم متوجه میشود، آیا بعد از قضای جمره عقبه، باید رمی روز یازدهم و دوازدهم را نیز تکرار کند؟
ج - لازم نیست.
- ۹۶۵ س - افرادی که معذورند از واجباتی که ترکش ولو عمدا مضر به حج نیست، مثل رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم و میبت به منی در شبهای یازدهم و دوازدهم، آیا میتوانند اجیر شوند و نیابت کنند یا نمیتوانند؟
ج - ذوی الاعذار نمیتوانند نایب شوند، حتی اگر در مثل موارد مذکور عذر داشته باشند.

۹۶۶ س - کسی که در رمی جمرات نایب شده، آیا میتواند شب رمی کند یا نه، و هم چنین کسی که در اصل حج نایب باشد، و از ابتدا مدانسته که نمیتواند رمی کند، یا نمیتواند روز رمی کند، و یا در رمی در روز مسامحه و اهمال کند، حکمش چیست؟
ج - نایب باید اعمال اختیاری حج را انجام دهد، و اگر معذور باشد نمیتواند نایب شود، و کسی که در رمی نایب شده باید روز رمی کند، و مسامحه و اهمال جایز نیست.

۹۶۷ س - شخصی که خود معذور است و نمیتواند رمی جمرات نماید، آیا میتواند شخصی دیگری را که برای او هم رمی در روز مقذور نیست، نایب قرار دهد تا در شب رمی نماید، و آیا در صورت بودن و یا نبودن شخص سومی که بتواند نایب شود و در روز رمی نماید، حکم مسأله فرق دارد یا خیر؟

ج - در صورت امکان باید کسی را نایب بگیرد که در روز رمی نماید، و اگر ممکن نباشد بنا بر احتیاط واجب روز بعد خودش قضا کند، و اگر در قضا هم امکان مباشرت نیست، نایب بگیرد.

۹۶۸ س - اگر مردی که میتواند در روز رمی نماید، برای رمی زنی نایب شود، آیا میتواند رمی زن را در شب انجام دهد؟
ج - نمیتواند، و باید رمی را در روز انجام دهد.

۹۶۹ س - آیا بدون عذر میتوان در شب رمی کرد یا کافی نیست، و اگر در شب صحیح است آیا گناهی هم مرتکب شده است، و هم چنین تأخیر ذبح از روز عید قربان هر چند صحیح است، ولی آیا گناهی هم مرتکب شده است؟

ج - بدون عذر، رمی در شب واقع نمیشود، و اگر بدون عذر رمی در روز را ترك نماید گناه کرده است، و هم چنین اگر ذبح را عمداً از روز عید تأخیر بیندازد - علی الاحوط - معصیت نموده است هر چند ذبح صحیح است.

۹۷۰ س - آیا میشود که زنها را بعد از نصف شب دهم از مشعر به منی بیاورند، و همان شب آنان را به جمره عقبه ببرند و رمی کنند، و بعد به خیمه برگردانند، و نزدیک غروب روز یازدهم مجدداً آنان را به جمرات ببرند، تا شب دوازدهم هم رمی روز یازدهم را انجام دهند، و هم رمی روز دوازدهم را، با توجه به ازدحام و خطرهای احتمالی؟

ج - برای زنها رمی جمره عقبه پس از وقوف به مشعر و آمدن به منی در همان شب عید قربان مانع ندارد، ولی رمی روز یازدهم و دوازدهم در صورتی برای آنان در شب صحیح است که از رمی روز معذور باشند.

۹۷۱ س - اگر کسی مداند يك روز رمی را ترك کرده است، ولی نمداند که روز دهم بوده یا یازدهم، یا دوازدهم، وظیفه‌اش چیست؟

ج - احوط آن است که رمی سه جمره را به ترتیب به قصد ما فی الذمه انجام دهد، اگر چه در صورتی که شك بعد از روز دوازدهم باشد بیش از قضای رمی جمره عقبه واجب نیست.

۹۷۲ س - شخصی وقت رمی جمرات شك کرد که چند سنگ زده‌ام، پس آن مقدار را رها کرد، و دوباره از اول شروع نمود، آیا رمی او اشکال دارد یا نه؟

ج - اشکال ندارد هر چند رها نمیشود.

۹۷۳ س - شخصی در رمی جمرات چنین تصور مسکرده است که باید سنگریزه به خود سنگهای نصب شده جمرات بخورد، نه به ملات لای سنگها که به وسیله آن ملات بند کشی شده است، لذا برای اطمینان که به خود سنگها بخورد، یازده سنگریزه انداخته و هفت عدد از آنها را رمی صحیح محسوب داشته است، آیا این رمی صحیح است یا نه؟

ج - اگر مواردی را که شك داشته احتیاطا زده، مانع ندارد، و چنانچه شك نداشته و قصد زیاده هم نداشته است صحیح است، هر چند در این صورت احتیاط مطلوب است.

۹۷۴ س - سنگریزه هایی که در مشعر موجود است و معلوم است که از خارج از مشعر آورده‌اند، و معلوم نیست که آیا از حرم است یا از خارج از حرم، آیا میتوان از آنها برای رمی استفاده نمود؟

ج - در مورد سؤال اگر معلوم است که از خارج آورده‌اند استفاده نکنند، مگر آن که طوری باشد که جزء مشعر محسوب شود.

۹۷۵ س - آیا زیاده از هفت رمی، مخل به رمی است؟

ج - اگر از اول قصد زیاده‌تر از هفت داشته باشد صحیح نیست، و باید رمی را اعاده کند، ولی اگر بعد از تمام شدن هفت سنگریزه که به قصد هفت بوده، اضافه زده ضرر ندارد.

۹۷۶ س - شخصی روز عید قربان به جمره عقبه رفته است،

و رمی را انجام داده، ولی رمی دو روز بعد را در اثر کسالت

و کالت داده، و روز سیزدهم خودش برای قضای رمی جمرات

رفته، ولی اول رمی جمره عقبه نموده بعداً برگشته، و از جمره اولی

شروع کرده، و روز یازدهم و دوازدهم را يك مرتبه چهارده سنگ

زده، هفت عدد برای روز یازدهم، و هفت عدد برای روز

دوازدهم، و جمره وسطی را هم چنین دوازده سنگ زده، و جمره

عقبه را نیز دوازده سنگ زده است، و الآن به ایران برگشته است،

وظیفه او چیست؟

ج - اگر کسالت داشته و معذور بوده و وکالت داده عمل او صحیح است، و نیاز به تکرار نداشته است، و در هر صورت تکرار به نحو مرقوم صحیح نیست.

نفر (کوچ) از منی

مسأله ۹۷۷ - کسانی که روز دوازدهم از منی مراجعت منمایند جایز نیست قبل از زوال شمس (ظهر شرعی) از منی خارج شوند، و در صورت تخلف عمدی گناه کرده، و باید در صورت امکان قبل از زوال به منی بازگردند، ولی در صورتی که به جهت جهل به مسأله یا فراموشی کوچ کرده باشند اشکالی ندارد.

مسأله ۹۷۸ - کسانی که روز سیزدهم از منی مراجعت منمایند، بهتر است که قبل از زوال از منی بازگردند.

مسائل متفرقه نفر از منی
۹۷۹ س - آیا زنها میتوانند شب دوازدهم ذی الحجه رمی
جمرات نمایند، و همان شب به مکه بروند، و دیگر به منی
برنگردند، یا باید مانند مردان تا ظهر در منی بمانند؟
ج - باید مانند مردان تا ظهر روز دوازدهم در منی بمانند،
مگر از ماندن تا ظهر معذور باشند.
۹۸۰ س - حاج و ظائف منی را انجام داده، و صبح دوازدهم
برای بعض حوائج به مکه آمده، آیا لازم است قبل از ظهر برای نفر
بعد از ظهر به منی برگردد یا خیر؟
ج - اگر قبل از ظهر نفر کرد ضرری به حج او نمرسد، هر چند
عمدا باشد، و لکن معصیت کرده، و لازم است در صورت امکان،
قبل از ظهر به منی برگردد، و در صورت جهل و نسیان
چیزی بر او نیست.

۹۸۱ س - مدیر کاروانی زنها را قبل از ظهر دوازدهم، از منی خارج نمود، وظیفه آنان که از مسأله اطلاع نداشتند و یا اگر متوجه مسأله بودند نمیتوانستند بدون مدیر کاروان و همراهان در منی بمانند چیست؟

ج - با فرض این که عذر داشته‌اند مانع ندارد؟
۹۸۲ س - قبلاً سؤال شده است که آیا کسانی که خوف مشقت دارند میتوانند شب دوازدهم رمی جمره نموده، به مکه رفته، و دیگر به منی برنگردند، و حضرت عالی جواب فرموده‌اید: " در صورت عذر اشکال ندارد، ولی قبل از نصف شب نباید بیرون بروند ". با توجه به مسأله فوق این سؤال مطرح میشود که آیا خدمه کاروانها نیز برای پذیرایی از این قبیل زائرین میتوانند به همراه آنان در شب رمی نموده و به مکه بروند و برای وقوف تا وقت شرعی روز دوازدهم دیگر به منی برنگردند؟

ج - وقوف در روز دوازدهم واجب نیست و آنچه واجب است کوچ نکردن قبل از زوال است، و اشخاص ذکر شده میتوانند بعد از نصف شب از منی بروند، و روز دوازدهم برای رمی به منی برگردند، و رمی شب برای آنها کافی نیست.

احکام مصدود و محصور

مصدود

به شخصی که برای حج یا عمره محرم مگردد، و سپس از انجام عمره یا حج یا از هر دو آنها جلو گیری میشود، مصدود مگویند. و دارای احکامی است که به آن اشاره میشود:

مسأله ۹۸۳ - در مصدود بودن تفاوتی نیست بین کسی که او را در حج از درك وقوفین منع کنند، و کسی که خوف دارد در صورت شرکت در مراسم حج و یا ادامه آن گرفتار دشمن غیره گردد، و از انجام مناسك باز ماند، و یا او را در عمره از ورود به مکه منع کنند، که در هر صورت در همان مکانی که از او جلو گیری شده میباشد قربانی کرده، و از احرام بیرون آید.

مسأله ۹۸۴ - قربانی قبل از روز عید برای مصدود جایز است، و احتیاط آن است که شخص مصدود علاوه بر قربانی حلق نیز بنماید، و بهتر آن است که جمع کند بین حلق و تقصیر، و احتیاط آن است که هنگام ذبح یا نحر قربانی قبل از تقصیر نیت تحلیل از احرام کند، و بنابر احتیاط کشتن قربانی ای که در حج قران همراه آورده مجزی از تقصیر و یا حلق نیست.

مسأله ۹۸۵ - مصدود متواند در احرام باقی بماند، و با انجام عمره مفرده از احرام خارج شود، ولی اگر حج از قبل بر او مستقر شده است، به این کیفیت حج از عهده او ساقط نمیشود، و هم چنین اگر در همین سال مستطیع شده و استطاعتش تا سال بعد باقی بماند، باید دوباره به حج برود.

مسأله ۹۸۶ - اگر کسی پس از وقوف به عرفات و مشعر نسبت به اعمال منی مصدود شود، در صورتی که از ورود به مکه نیز مصدود شده است، حکم قبل در آن جاری است، ولی اگر فقط از اعمال منی مصدود است، در صورت امکان برای انجام آنها نایب بگیرد، که از جانب او رمی و قربانی کند، و خودش حلق نماید، و در صورتی که استنابه ممکن نیست، احتیاط آن است که قربانی کند، و در احرام باقی بماند، و با انجام عمره مفرده از احرام خارج شود.

مسأله ۹۸۷ - اگر شخص پس از مناسک مکه مکرمه نسبت به مبیت در منی و اعمال ایام تشریق مصدود شد، حج او تمام است، و باید برای رمی جمرات در آن سال نایب بگیرد، و اگر استنابه در آن سال ممکن نیست، در سال بعد برای رمی جمرات نایب بگیرد، و به جای بیتوته در منی شبها را در مکه به عبادت پردازد، و اگر نه بنابر احتیاط برای این که بیتوته نکرده، کفاره بدهد.

محصور

به شخصی که محرم شده، ولی به جهت مرض و کسالت از انجام اعمال محروم مانده است محصور گفته میشود.

و دارای احکامی است که به آن اشاره میشود:

مسأله ۹۸۸ - شخص محصور اگر حج تمتع و یا حج افراد بجا مآورد، در صورتی که موقع احرام با خداوند قرار گذاشته که اگر محصور شد خداوند او را محل گرداند، بدون فرستادن قربانی به منی خود به خود محل میشود - حتی نسبت به زن - و شخص محصورى که حج قران بجا مآورد به مجرد فرستادن قربانی به منی محل میشود، و نیازی به صبر کردن تا زمانی که قربانی به منی برسد نیست.

مسأله ۹۸۹ - اگر شخصی محصور در حج تمتع و افراد موقع احرام با خداوند قرار نگذارده است که اگر محصور شد خداوند او را محل گرداند، باید يك قربانی به منی بفرستد، و پس از ذبح و نحر قربانی در منی نسبت به همه تروك احرام - به جز زن - محل میشود، و واجب است در سال آینده نیز اگر مستطیع است و یا از قبل حج بر او مستقر شده به حج برود، و اگر برای او در سالهای آینده نیز انجام حج امکان ندارد، باید نایب بگیرد.

مسأله ۹۹۰ - اگر حج محصور ندبی باشد، و یا در سال اول استطاعت بوده ولی نسبت به انجام حج در سالهای بعد مأیوس نیست، و یا حج نیابی (چه تبرعی و چه استیحاری) بجا آورده است، در این که استنابه جهت طواف نساء برای حلیت زن کافی باشد اشکال است، اگر چه در صورتی که رفتن به مکه برای او حرجی باشد اقوی جواز استنابه است.

مسأله ۹۹۱ - محل قربانی برای محصور در احرام حج منی است، و برای محصور در عمره تمتع و عمره مفرده مکه است. مسأله ۹۹۲ - اگر حصر بر طرف گردد، باید به بقیه حجاج محلق شود، و اگر وقفین و یا یکی از آنها را درك کرده است حج او صحیح است، و گرنه حج او باطل، و باید با انجام عمره مفرده از احرام بیرون آید.

مسأله ۹۹۳ - اگر از انجام مناسك روز عید، و یا بعد از روز عید محصور شود باید برای رمی و قربانی نایب بگیرد، و خودش حلق نماید، و در صورت امکان اعمال مکه را انجام دهد، و گرنه برای اعمال مکه نیز نایب بگیرد، و اگر در مسجد است نماز طواف را خودش بخواند، و گرنه بنا بر احتیاط باید خودش نماز بگزارد و نایب هم بگیرد، و در صورت امکان در منی بیتوته کند، و در این صورت حجش صحیح است، و در غیر این صورت برای این که بیتوته نکرده، بنا بر احتیاط کفاره بدهد.

مسائل متفرقه محصور و مصدود
۹۹۴ س - هر گاه مصدود از دخول مکه یا از طواف و غیر آن از
اعمال عمره مفرده - جهلا بالحکم - در محل صد ذبح و تقصیر
نمود، و بعد از مراجعت به وطن عالم به حکم شد، تکلیفش نسبت
به خروج از احرام چیست؟
ج - در هر جا متذکر شد چنانچه فرستادن هدی به مکه یا منی
ممکن باشد بفرستد، و اگر فرستادن هدی به مکه یا منی ممکن نباشد
در محل تذکر ذبح کند، و تقصیر نماید، و از احرام خارج شود.
۹۹۵ س - شخصی بعد از اتمام اعمال عمره تمتع و قبل از احرام
برای حج تمتع، مریض و بهوش گردیده، و بطوری که قادر بر
رفتن به عرفات و انجام اعمال نبوده، البته اگر محرم بود حکم
محصور را داشت و لکن در فرض سؤال که محرم نشده
تکلیف چیست؟

ج - در فرض مذکور عمره او مفرده شده، ولی وجوب طواف نساء در این مورد معلوم نیست، اگر چه احتیاط خوب است، و اگر رفتن خودش متعذر است نایب بگیرد که طواف نساء را از طرف او انجام دهد، و اگر استطاعت دارد باید در سال آینده حج کند، و هم چنین اگر قبلا حج بر او مستقر بوده، باید حج بجا آورد.

۹۹۶ س - شخصی به نیت عمره تمتع استحبابی برای یکی از معصومین (ع) یا یکی از شهدا محرم شد، و طواف و نماز طواف عمره را بجا آورد، و قدرت بر اتمام عمل از او سلب شد، آیا همان حکم محصور و مصدود را دارد؟

ج - اگر مریض شده یا دشمن او را منع کرده، و نمیتواند اعمال عمره را تمام کند نایب بگیرد، و اگر قدرت انجام اعمال حج را ندارد، واجب نیست محرم به احرام حج گردد.

۹۹۷ س - شخصی بعد از آن که برای حج محرم شده، دچار سکت قلبی میشود، بگونه‌ای که هر نوع حرکت برای او ضرر دارد، وظیفه او چیست؟

ج - اگر نمیتواند وقوفین را درك کند، حکم محصور را پیدا میکند، و چنانچه وقوفین را درك کرده، نسبت به بقیه اعمال نایب بگیرد.

۹۹۸ س - اگر پس از انجام اعمال عمره تمتع و خارج شدن از احرام آن محصور شود، و نتواند برای حج محرم شود، آیا حج از او ساقط است، یا نه، و وظیفه او چیست؟

ج - از احرام خارج شده است، ولی کفایت از حج نمکند، و چنانچه سال اول استطاعت او باشد حج بر او واجب نشده است.
۹۹۹ س - شخصی در مدینه مصدوم مشود، او را به مسجد شجره مأورند و محرم منمایند، آیا احرام او صحیح است، و وظیفه بعدی او چیست؟ و اگر نتواند حج انجام دهد تکلیف او چیست؟

ج - احرام او صحیح است. و اگر نتواند که عمره و حج را انجام دهد - ولو با استنابه در طواف و سعی - حج او صحیح است، و اگر نتواند حج بجا آورد احوط آن است که وظیفه محصور را انجام دهد، و با احرام مزبور عمره مفرده هم انجام دهد.
۱۰۰۰ س - آیا تصادف در احرام حصر است، و باید عملی که محصور انجام مدهد بجا آورد؟

ج - در موارد مشکوک به حصر، علاوه بر انجام وظیفه محصور، با عمره مفرده از احرام خارج شود.

عمره مفرده

عمره مفرده دو نوع است: واجب و مستحب. و عمره مفرده واجب نیز دو قسم است: واجب اصلی و واجب عرضی.
اول - عمره مفرده واجب اصلی: و آن عمره‌ای است که برای افرادی که استطاعت برای آن دارند در طول عمر يك بار واجب است، و در وجوبش بر اهل مکه و کسانی که در حکم اهل مکه هستند، استطاعت برای حج شرط نیست، زیرا هر يك از عمره و حج دو عمل مستقل میباشند، و امکان دارد شخصی برای عمره استطاعت داشته باشد، ولی برای حج استطاعت نداشته باشد، و یا بر عکس.

مسأله ۱۰۰۱ - عمره مفرده بر آفاقی واجب نیست، اگر چه مستطیع باشد، و بجای آن بر او عمره تمتع واجب میشود، و هم چنین بر اجیر پس از فارغ شدن از عمل نیابی عمره مفرده واجب نیست، و نیز اگر شخص مستطیعی قبل از موسم حج بمیرد

در صورتی که از ماه‌های حج به مقدار انجام عمره گذشته باشد، بر ورثه او تدارك عمره واجب نیست، اگر چه در همه این موارد احتیاط این است که عمره مفرده ترك نشود.

دوم - عمره مفرده واجب عرضی: و آن عمره مفرده‌ای است که با نذر و عهد و یمین و یا شرط در ضمن عقد و یا فاسد کردن حج و یا فوت حج (همان گونه که در باره محصور ذکر شد) واجب میشود.

مسأله ۱۰۰۲ - بر کسانی قصد ورود به مکه مکرمه را دارند، و هم چنین بر افرادی که میخواهند به حرم وارد شوند اگر چه قصد انجام مناسك را نداشته باشند، احرام برای عمره مفرده از یکی از مواقیع واجب است.

سوم - عمره استحبابی: عمره مفرده در هر ماه يك بار مستحب است، و در ماه رجب استحباب مؤکد دارد.

مسأله ۱۰۰۳ - انجام دو عمره پی در پی با فاصله کمتر از ده روز مکروه است، و احوط ترك آن است، اگر چه اقوی جواز عمل عبادی مکروه است.

اعمال عمره قبلا ذکر شده است.

مسائل متفرقه عمره مفرده

۱۰۰۴ س - زید بعد از اتمام اعمال حج به دستور مطوف با جمعی از حجاج و خود مطوف عمره مفرده بجا آورده، و چون عمل مستحبی بوده لباس احرامی که نجس بوده تطهیر نکرده، و با همان جامه احرامی، عمره مفرده بجا آورده، و نیز خیال مسکرده که طواف نساء در عمره مفرده لازم نیست، بعد از مراجعت فهمید که عمره مفرده طواف نساء دارد؟ و یقین ندارد که با مطوف طواف نساء را انجام داده یا نه؟ اکنون وظیفه او را بیان فرمایید.

ج - در فرض مذکور اگر میتواند واجب است خودش به مکه برود، طواف عمره را با لباس احرام پاك انجام بدهد، و نماز طواف وسعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، و اگر نمیتواند نایب بگیرد، و ممکن است بنویسد به یکی از شیعیان مورد اعتماد آنجا که از میقات به نیابت از او محرم شود، و این اعمال را بجا آورد، و تا این اعمال را انجام ندهد و طواف نساء را بجا نیاورد با زن نزدیکی نکند.

۱۰۰۵ س - انجام عمره مستحبی به قصد خود و غیر صحیح است یا خیر؟

ج - صحت آن بعید نیست.

۱۰۰۶ س - شخصی در اول ماه ذیحجه وارد مکه شده، آیا بعد از خاتمه عمره تمتع و قبل از انجام حج تمتع میتواند عمره مفرده انجام دهد یا نه؟ و هم چنین بعد از اعمال حج تمتع میتواند بدون فاصله عمره مفرده را انجام دهد یا نه؟

ج - بعد از احرام عمره تمتع، جایز نیست بدون حاجت از مکه بیرون برود، و جایز نیست قبل از حج عمره مفرده بجا آورد، ولی بعد از اتمام حج تمتع، عمره مفرده جایز است و فاصله لازم نیست.

۱۰۰۷ س - در حال حاضر مسجد تنعیم متصل به مکه، بلکه داخل مکه است، آیا برای کسی که بعد از حج جهت عمره مفرده محرم میشود چون آنجا منزل محسوب میشود استظلال جایز است یا نه؟

ج - با فرض این که جزء مکه شده باشد، و مکه بر آن صدق کند، استظلال مانع ندارد.

۱۰۰۸ س - آیا طفل ممیز یا غیر ممیز میتواند محرم شود به عمره مفرده، و آیا امکان دارد که ولی، او را محرم کند یا نه؟

ج - ظاهر اخبار جواز است و اختصاص به حج ندارد.

۱۰۰۹ س - شخصی چند مرتبه عمره مفرده بجا آورده، و در هیچ کدام طواف نساء نکرده، آیا يك طواف نساء برای تمام عمره ها کفایت میکند، یا باید برای هر کدام طواف جدا گانه انجام دهد؟
ج - يك طواف کافی است

۱۰۱۰ س - کسی که عمره مفرده استحبابی بجا ماورد اگر طواف نساء آن را عمدًا یا جهلاً یا سهوا ترك کند آیا زن بر او حرام است؟

ج - بلی تا طواف نساء را بجا نیاورد زن بر او حلال نمیشود، و از این جهت فرقی میان عمره مفرده واجب و مستحب نیست.
۱۰۱۱ س - چه مفرماید در باره کسی که در عمره مفرده نماز طواف نساء را نخوانده، و به ولایت خود مراجعت کرده؟

ج - اگر برگشتن به مسجد الحرام برای او دشوار باشد میتواند آن را در هر محلی که یادش آمد بخواند، هر چند در شهر دیگر باشد.

۱۰۱۲ س - شخصی در عمره مفرده تقصیر را فراموش کرده یا جهلاً تقصیر ننموده، بعد از طواف نساء و نماز آن یادش آمده یا متوجه شد که تقصیر نکرده، حکمش چیست؟
ج - تقصیر نماید، و به احتیاط لازم طواف نساء و نماز آن را اعاده کند.

۱۰۱۳ س - در عمره مفرده اگر کسی تقصیر را عمدًا یا از روی جهل و نسیان ترك نمود و طواف نساء را انجام داد، چه وظیفه ای دارد؟

ج - باید تقصیر نماید، و طواف نساء را اعاده کند، و فرقی بین صور عمد و سهو و علم و جهل نیست علی الاحوط.

۱۰۱۴ س - انجام عمره مفرده در ماه‌های حج پیش از عمره تمتع جایز است یا خیر؟ و در این مسأله فرقی بین ضروره و غیر ضروره هست یا نه؟

ج - برای کسی که نایب در حج بلدی نباشد، و بر خودش حج واجب نشده، و یا حج واجب خود را انجام داده، اشکال ندارد. ۱۰۱۵ س - کسی عمره مفرده بجا آورده، و بدون انجام طواف نساء به مدینه آمده است، فعلاً میخواهد برای عمره تمتع محرم شود، آیا جایز است بدون انجام طواف نساء محرم شود، و بعد از انجام عمره تمتع، طواف نساء را بجا آورد؟

ج - مانع ندارد.

۱۰۱۶ س - تأخیر عمره مفرده در حج افراد تا چه وقتی بلا عذر جایز است؟

ج - تأخیر تا سال بعد جایز است، اگر چه احوط و اولی انجام آن بدون تأخیر است.

۱۰۱۷ س - زنی که احتمال مدهد خون حیض ببیند و نتواند داخل مسجد الحرام شود آیا میتواند برای عمره مفرده مستحبی محرم شود، و اگر خون دید برای طواف و نماز نایب بگیرد، و هم چنین مریض اگر احتمال مدهد نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد؟

ج - اشکال ندارد، و چنانچه وظیفه او نایب گرفتن شد، عمل به وظیفه نماید.

۱۰۱۸ س - اگر زنی به نیت عمره مفرده محرم و بعد از آن عادت شود، و در همه روزهایی که میتواند در مکه باشد حیض است، برای عمره مفرده باید چه کند؟ و اگر آنجا اعمال انجام نداده و فعلاً به ایران آمده، چه وظیفه ای دارد؟

ج - در فرض سؤال باید برای طواف و نماز نایب بگیرد، و بقیه اعمال عمره را خودش بجا آورد، و چنانچه به ایران آمده اقدام کند و بر گردد، و اگر نمیتواند، برای اعمال عمره نایب بگیرد، ولی باید خودش تقصیر کند، و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود، و تا اعمال را بجا نیاورد آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده بر او حلال نمیشود.

۱۰۱۹ س - آیا طواف در عمره مفرده استحبابی حکم طواف واجب را دارد، که باید نماز آن خلف مقام باشد، یا حکم طواف استحبابی را دارد، و در هر جای مسجد الحرام میتوان نماز آن را خواند؟

ج - حکم طواف واجب را دارد، و باید نماز آن خلف مقام باشد.

۱۰۲۰ س - شخصی در اثناء عمره مفرده، در شوط پنجم سعی، مریض شده و نتوانسته است عمره را تمام کند، او را به ایران برده‌اند، و بعد از بهبودی هم نتوانسته به مکه بیاید، فعلا وظیفه او چیست؟

ج - با فرض این که خود شخص نمیتواند مراجعت کند، نایب برای خروج منوب عنه از احرام، سعی را تمام کند، و آن را اعاده نماید، و به منوب عنه خبر دهد که تقصیر نماید، و بنابر احتیاط نایب محرم باشد، و بعد از تقصیر برای طواف نساء نایب بگیرد، و در طواف نساء نایب لازم نیست محرم باشد، و توضیح آن که مسأله از موارد حصر نیست، چون شخص مریض فعلا خوب شده، و این که نمیتواند به مکه بیاید از جهت مرض نیست.

مسائل متفرقه

مسأله ۱۰۲۱ - سجده بر سنگفرش های مسجد

الحرام و مسجد النبي (ص) جایز است.

مسأله ۱۰۲۲ - در صورت ازدحام شدید در پشت مقام حضرت

ابراهیم علیه السلام که مراعات عدم محاذات با زنها در حال نماز

ممکن نیست، و زنها برابر مردها و یا جلوتر نماز مگزارند،

نماز صحیح است ولی کراهت دارد.

مسأله ۱۰۲۳ - مسافر در مسجد الحرام و مسجد پیامبر اکرم صلی

الله علیه وآله و سلم، بلکه در تمام شهر مکه و مدینه متواند نماز را

تمام بخواند.

مسألة ۱۰۲۴ - بنا بر اقوی نماز جماعت به حالت استداره در

اطراف کعبه جایز است، اگر چه احتیاط آن است که مأوم مقدم

بر امام نباشد، یعنی باید طوری بایستد که فاصله او با کعبه با

فاصله امام با کعبه مساوی و یا بیشتر باشد.

مسأله ۱۰۲۵ - نماز با عامه در حال ضرورت بی اشکال است، و در غیر حال ضرورت شرکت در جماعت آنان خوب است، لکن نماز را با شرایط کامل اعاده کند.

مسأله ۱۰۲۶ - در وقتی که در "مسجد الحرام" یا "مسجد النبی" نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین از آنجا خارج نشوند، و در جماعت شرکت کنند.

مسأله ۱۰۲۷ - مأمورینی که میخواهند بدون احرام در عرفات و منی باشند، و نمیتوانند در آنجا با احرام باشند، میتوانند برای ورود به مکه، عمره مفرده انجام دهند، و برای حج محرم نشوند، ولی کسی که مستطیع است نباید این کار را قبول کند، و باید عمره و حج تمتع بجا آورد. و در هر صورت اگر محرم شد، و با لباس منخبط بود، حج او صحیح است، و باید کفاره بدهد.

۱۰۲۸ س - در تطهیر مسجد الحرام به نحوی که عین نجاست را بر طرف میکنند و بعد با ظرف آب میریزند و بشویند و از هر طرف با آب قلیل شسته میشود، انسان به نجاست تمام مسجد علم عادی پیدا میکند، آیا جواز سجده بر آن سنگها از باب عسر و حرج است یا جهت دیگر؟

ج - علم پیدا نمیشود، و با فرض شك نباید اعتناء شود.

۱۰۲۹ س - کسی خیال مکرد که بر سنگهای فرش شده در مسجد الحرام - زاده الله شرفا - سجده صحیح نیست، و بر پشت دست سجده مکرده است، نمازهایی که به این نحو خوانده چه حکمی دارد؟

ج - صحیح نیست.

۱۰۳۰ س - حصیرهایی که در حجاز مورد استفاده حجاج ایرانی و غیر ایرانی واقع میشود، سجده بر آن جایز است یا خیر، با ملاحظه این که حصیر مزبور با نخ مخلوط است؟

ج - اگر عرفا روی حصیر سجده میشود مانع ندارد.

۱۰۳۱ س - منظور از مشقت و حرج شخصی است یا نوعی؟

ج - اگر حکم دائر مدار حرج و مشقت باشد، شخصی آن منظور است.

۱۰۳۲ س - آیا مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی که در بازار مسلمین به فروش میرسد، جایز است یا نه؟

ج - اگر ندانند از کجا وارد شده، یا بدانند که از بلاد مسلمین است مانع ندارد، و اگر بدانند از بلاد کفر وارد میشود، در صورتی محکوم به حلّیت است که وارد کنند مسلمان باشد، و احتمال بدهند که احراز تذکیه آن را کرده، و در دسترس مسلمین قرار داده است.

۱۰۳۳ س - شخصی مقلد هیچ يك از فقها نبوده،
حال مسخوهد تقلید کند، در این مدت مکه رفته است،
آیا عبادت های او مثل نماز و روزه و حجش صحیح است یا نه؟
ج - اگر اعمالش مطابق فتوای کسی که باید از او تقلید کند باشد
صحیح است.

۱۰۳۴ س - آیا مقداری از سنگ صفا و مروه را میشود با خود
آورد یا نه؟ و اگر آورده وظیفه اش چیست؟
ج - از صفا و مروه جایز نیست، و باید بر گرداند.
۱۰۳۵ س - آیا حائض و جنب میتوانند از مقدار توسعه یافته
مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم
عبور کنند یا خیر؟
ج - نمیتوانند.

۱۰۳۶ س - قرآنهایی که در مسجد الحرام است، بر بعضی
نوشته شده که وقف است، ولی بر بعضی دیگر نوشته نشده
است، شایع است آنها که کلمه وقف و یا عبارت دیگری که مفهوم
وقف بودن باشد ندارد جایز است بردارند، و چنین کاری احیاناً شده
است، بفرمایید جایز است یا نه؟
ج - برداشتن آنها بدون این که از متصدی ذی ربط اجازه بگیرند،
جایز نیست، و باید برگردانده شود.

۱۰۳۷ س - استطاعت نسبت به حج مندور، مقدمه و جوب است یا مقدمه واجب، یا فرق است بین نذر حجة الاسلام و نذر غیر آن؟

ج - اگر نذر حجة الاسلام باشد، استطاعت شرط و جوب حج است، و موجب تحقق نذر، و اگر نذر غیر حجة الاسلام باشد، استطاعت شرعی نه شرط و جوب حج است، و نه شرط صحت نذر، بلکه قدرت عقلیه بر حج، شرط صحت و انعقاد نذر است.

۱۰۳۸ س - در مورد جماع پیش از سعی در عمره تمتع یا هر موردی که عمره، فاسد شده باشد، در صورتی که فرصت اتمام آن نباشد، در مناسك مذکور است که: " آن عمره فاسده را قطع کند و اعاده نماید"، بفرمایید قطع آن به چه نحو است، آیا به تقصیر و محرم شدن مجدد است، یا با همان احرام قبلی اعمال عمره را دوباره انجام دهد؟

ج - ظاهراً مراد از (قطع) رها کردن عمره فاسده، و از سر گرفتن عمره است به رفتن به میقات و محرم شدن از میقات، و بهتر آن است که رجاء محرم شود و عمره را انجام دهد، و اگر سال بعد هم حج نماید اولی و احوط است.

۱۰۳۹ س - در موردی که عمره تمتع فاسد میشود، مثل مورد جماع قبل از سعی، چنانچه فرصت برای اتمام و اعاده باقی باشد، و با این حال عمره فاسده را تمام نکند، و اکتفاء به اعاده عمره نماید، مجزی است یا خیر؟

ج - اگر چه ممکن است گفته شود که عمل مزبور صحیح، و مجزی از حجة الاسلام است، لکن احتیاط است که حج تمتع را در سال بعد اعاده نماید، و يك عمره مفرده هم به قصد ما في الذمه بجا آورد.

۱۰۴۰ س - آیا قاعده تجاوز را در اعمال و افعال عمره و حج جاری بدانید یا خیر؟

ج - بلی جاری است.

۱۰۴۱ س - اگر حمله دار و یا کار گران کاروان حج، برای اجاره منزل به مکه بروند، و در مسجد تنعیم به نیت عمره مفرده محرم شوند، و بعد از اعمال عمره به جده و یا به مدینه مراجعت کنند، دوباره برای اعمال حج و عمره تمتع از میقات محرم شوند، جایز است یا خیر؟

ج - مانعی ندارد، به شرط آن که اجیر برای حج تمتع بلدی نباشد - بنابر احتیاط - لکن عبور از میقات بدون احرام معصیت دارد.

۱۰۴۲ س - طواف مستحبی بعد از احرام حج تمتع جایز است یا خیر؟

ج - اقوی جواز و احوط ترك آن است.

۱۰۴۳ س - آیا بیابان عرفات و مشعر و منی جمیعا حرم محسوب است یا این که عرفات خارج از حرم است؟
ج - حدود حرم مشخص است، عرفات جزء حرم نیست، و منی و مشعر جزء حرم است.

۱۰۴۴ س - شخصی مؤسس سینما است، و امسال به حج مشرف شده، و در مراجعت از حج باز هم به کار خود ادامه مدهد، اکنون راجع به این شخص چه مفرمایید؟
ج - تأسیس و بناء مؤسساتی که سبب گمراهی و فساد اخلاق جامعه اسلام است و کمک به آن به هر نحو باشد حرام است. امید است ان شاء الله شخص مذکور با مشاهده نمونه‌های عالم قیامت از این اجتماع دینی در مکه معظمه متنبه گردد، و مخصوصا آتش سوزی وادی منی سبب عبرت و بیداری او بشود، و توجه او همچنان به خداوند قهار جلب شود، که از روی حقیقت از گناهان گذشته توبه کند، و توبه خود را نشکند، و هم چنان که سزاوار و شایسته مسلمانان حقیقی است موافق رضای حق تعالی عمل کند.

۱۰۴۵ س - از بعضی علما شنیده شده: "روایت داریم موقعی که حاج از مکه برگشت تا چهار ماه گناهی بر او نوشته نمیشود"، از مقام شامخ مستدعی هستم اولا بفرمایید که آیا این طور روایتی داریم یا نه، و بر فرض بودن روایت، سندش صحیح است یا نه؟ و در صورت صحت سند آن روایت را چطور معنی نماییم؟

ج - بلی این مضمون در احادیث شریفه وارد شده، ولی در بعض احادیث مقید به عدم اتیان کبیره شده، و در بعض دیگر مقید شده به عدم اتیان موجه.

شیخ الطائفه - قدس سره - در تهذیب جلد پنجم، صفحه نوزده و بیست، طبع جدید - در باب ثواب الحج - به سند صحیح از معاویه بن عمار از حضرت صادق علیه السلام حدیثی روایت کرده، که در ذیل آن مفرماید:

" أنى لك أن تبلغ ما يبلغ الحاج، قال ابو عبد الله عليه السلام: ولا تكتب عليه الذنوب اربعة اشهر، وتكتب له الحسنات الا أن يأتي بكبيرة "

بنابر این گناهایی که در این چهار ماه نوشته نمیشود صغیره است، و این مطابق با مفاد آیه کریمه " إن تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم سيئاتكم " میباشد.

وثقة الاسلام کلینی رضوان الله علیه در جامع کافی جلد چهارم صفحه دویست و پنجاه و چهار، طبع جدید - باب فضل الحج والعمرة وثوابها - به سند خود از سعد اسکاف از حضرت ابو جعفر علیه السلام روایتی در فضل حاج نقل کرده است، که در ذیل آن امام علیه السلام مفرماید:

" فاذا قضی نسکه غفر الله له ذنوبه و كان ذو الحجة والمحرّم "

وصفر و شهر ربیع الأول اربعة اشهر تكتب له الحسنات، ولا تكتب عليه السيئات إلا أن يأتي بموجبة، فإذا مضى الأربعة اشهر خلط بالناس ."

هر چند علامه مجلسی علیه الرحمه در مرآت العقول دو احتمال در موجبه داده، یکی آن که مراد کبیره است که موجب آتش است، دیگر آن که گناهی است که موجب کفر شود. و فرموده: احتمال اول اظهر است.

ولی با توجه به روایت معاویة بن عمار اطمینان حاصل میشود که مراد از موجبه، کبیره است. بنابر این گناهی که نوشته نمیشود گناهی است که در کتاب و سنت موجب دخول در آتش نشده باشد. شیخ الطائفه در تهذیب صفحه نوزده، جلد پنجم، این حدیث را از سعد اسکاف روایت فرموده، به عبارتی که با این عبارت اختلاف دارد، و جمله " الا یأتی بموجبة " را ندارد. و ایشان ذیل حدیث را این نحو روایت فرموده‌اند:

" فاذا قضی نسکه غفر الله له بقية ذی الحجة والمحرم وصفر و شهر ربیع الأول، فاذا مضت اربعة اشهر خلط بالناس ."
ولی معتمد همان روایت کافی است، زیرا معلوم است که در نقل تهذیب، روایت مختصر شده، و مثل نقل به مضمون است، و علاوه جمله " الا یأتی بموجبة " از آن اسقاط شده، و در دوران امر

بین زیاده و نقیصه، اصالت عدم زیاده بر اصل عدم نقیصه مقدم است. و فرضاً هم این دو اصل را حجت بدانیم در خصوص مورد با توجه به روایت معاویة بن عمار ظاهر این است که این جمله اسقاط شده، و نسخه کافی صحیح است. و احتمال این که جمله " الا أن یأتی بکبیرة " یا " الا یأتی بموجبة " در این دو روایت از بعض روایات به عنوان شرح و تفسیر حدیث اضافه شده باشد بسیار بعید است. و اگر فرضاً هم این نحو باشد از رحمت و مغفرت و کرم و فضل خداوند متعال، بعید نیست که مقرر فرماید تا چهار ماه مؤمنی که حج بجا آورده مطلق گناہانی که تحت فشار تسویلات نفس و غلبه هوا از او صادر شده (نه به نحو بی اعتنایی و استخفاف به امر خداوند) مورد آمرزش واقع شود. و کسی نمیتواند رحمت واسعه و تفضل خدا را محدود کند.

بلی این حدیث کسی را که از روی بی اعتنایی و استخفاف به امر و نهی خدا معصیت نماید، یا این که بخواهد با تشبث به این حدیث در این چهار ماه هر گناہ و معصیتی را مرتکب گردد، شامل نمیشود. و از ابتدا تا حال هم هیچ کس از این اخبار استفاده نکرده، که حاج تا چهار ماه مرخص و آزاد است. و با اتکاء به این حدیث مرتکب هر معصیتی بخواهد بشود. که این برداشت و تلقی البته صحیح نیست.

مستحبات و مکروهات
حج

(٤٠٥)

مستحبات و مکروهات حج

مستحبات سفر

برای سفر آداب و مستحبات فراوانی است که به اهم آنها
- که تناسب بیشتری با حج دارد - اشاره میکنیم:
۱ - تزکیه نفس، و نیت را برای خداوند متعال خالص کردن،
پرهیز از هر چیزی که او را از خداوند غافل کرده، و به خود متوجه
مسازد.

۲ - پاك کردن مال از حرام، و پرداخت حق الله و حق الناس از
اموال خود، زیرا که در روایت آمده است: کسی که با مال حرام
به حج برود هنگامی که لبیک مگوید در جواب او گفته
من شود " لا لبیک ولا سعديک " اجابت تو اجابت نیست، و عملت
مرضی خاطر ما نمباشد.

و هم چنین نسبت به حقوق غیر مالی مردم، از آنان
حلیت بطلبید.

۳ - نوشتن وصیت نامه، زیرا حضرت صادق علیه السلام فرموده
است: " من ركب راحلته فليوص " هر کس عازم سفر میشود باید
وصیت کند، زیرا چه بسا اجل او فرا رسد و راه بازگشت
برای او نباشد.

۴ - خواندن دو رکعت نماز و قرائت این دعا:
اللهم اني استودعك اليوم نفسي واهلي ومالي وولدي
و من كان مني بسبيل الإيمان الشاهد منهم والغائب، اللهم
احفظنا بحفظ الإيمان واحفظ علينا.
اللهم اجمعنا في رحمتك ولا تسلبنا فضلك انا اليك
راغبون.

اللهم انا نعوذ بك من وعثاء السفر وكتابة المنقلب وسوء
المنظر في الاهل والمال والولد في الدنيا والآخرة.
اللهم اني اتوجه اليك هذا التوجه طلبا لمرضاتك وتقربا
اليك، فبلغني ما اؤمله وارجوه فيك وفي اوليائك يا ارحم
الراحمين "

و نیز این دعا را بخواند:

" اللهم اليك وجهت وجهي و عليك خلفت اهلي و مالي
وما حولتني وقد وثقت بك، فلا تخيني يا من لا يخيب من
أراده، ولا يضيع من حفظه.
اللهم صل على محمد وآله واحفظني فيما غبت عنه، ولا
تكلني إلى نفسي يا أرحم الراحمين "

۵ - صدقه بدهد، و مقداری از تربت حضرت امام حسین علیه السلام
را همراه خود ببرد که بهترین حرز برای او خواهد
بود، ان شاء الله.
مستحبات احرام
مستحبات احرام ده چیز است

۱ - کوتاه نکردن موی سر قبل از احرام از اول ماه ذی القعدة،
و این استحباب با حلول ماه ذی الحجه تأکید میگردد.

۲ - نظیف کردن بدن، و کوتاه کردن ناخنها، و گرفتن شارب،
و ازاله موهای زیر بغل، و عانه قبل از احرام، اگر چه این امور را
تازه انجام داده باشد.

۳ - غسل کردن به هنگامی که مسخوهد محرم شود، اگر چه

حائض و نفساء باشد، و کسی که به خاطر عذر تمکن از غسل ندارد رجاء بدل از غسل تیمم نماید، و با خوف نبودن آب در میقات میتوان قبل از میقات غسل کرد، و در این صورت اگر در میقات آب بود غسل را اعاده کند، و هم چنین برای کسی که بعد از غسل و قبل از احرام از او حدث اصغر سرزند، و یا از پوشاك و خوراکی که استفاده از آن برای محرم جایز نیست استفاده کند، مستحب است که غسل را اعاده نماید، و میتوان در ابتدای روز برای شبی که در پیش است و هم چنین در ابتدای شب برای روزی که در پیش است برای احرام غسل کند.

۴ - هنگام غسل احرام، خواندن ادعیه ای که از معصومین علیهم صلوات الله رسیده است. پس مگوید:

" بسم الله و بالله، اللهم اجعله لي نورا و طهورا و حرزا و امنا من كل خوف، و شفاء من كل داء و سقم.

اللهم طهرني و طهر لي قلبي، و اشرح لي صدري، و اجر علي لسانی محبتك و مدحتك و الثناء عليك، فانه لا قوة لي الا بك، و قد علمت ان قوام ديني التسليم لامرك، و الاتباع لسنة نبيك، صلواتك عليه و آله "

۵ - پارچه احرام از پنبه باشد، و بهتر آن است که در پارچه سفید مانند حوله های حمام محرم شود.

۶ - احرام بعد از نماز ظهر منعقد گردد، و اگر نماز ظهر بر عهده او نیست، بعد از نماز واجب دیگری محرم شود، اگر چه نماز قضا باشد، و اگر نماز قضا نیز ندارد بعد از شش رکعت نماز مستحبی محرم شود، و کمترین حد استحباب آن است که دو رکعت نماز مستحبی به جای آورد، که در رکعت اول آن پس از حمد سوره توحید، و در رکعت دوم پس از حمد سوره کافرون را قرائت نماید، و سپس محرم شود.

۷ - پس از نماز مذکور و بعد از حمد و ثنای خداوند متعال، قبل از احرام این دعا را بخواند:

" اللهم إني أسألك أن تجعلني ممن استجاب لك وآمن بوعدك وابتع أمرك، فاني عبدك وفي قبضتك لا أوقى إلا ما وقيت ولا آخذ إلا ما أعطيت، وقد ذكرت الحج فأسألك أن تعزم لي عليه على كتابك وسنة نبيك صلى الله عليه وآله وسلم، وتقويني على ما ضعفت عنه، وتسلم مني مناسكي في يسر منك وعافية، واجعلني من وفدك الذين رضيت وارتضيت، وسميت وكتبت.

اللهم إني خرجت من شقة بعيدة، وأنفقت مالي ابتغاء مرضاتك. اللهم فتمم لي حجتي وعمرتي.

اللهم إني أريد التمتع بالعمرة إلى الحج على كتابك
وسنة نبيك (صلى الله عليه وآله و سلم) فان عرض لي عارض
يحبسني، فحلني حيث حبستني، لقدرك الذي قدرت على.
اللهم إن لم تكن حجة فعمرة أحرم لك شعري وبشري
ولحمي ودمي وعظامي ومخي وعصبي من النساء والثياب
والطيب، أبتغي بذلك وجهك والدار الآخرة".

و پس از این دعا پارچه‌های احرام را بپوشد.

۸ - به هنگام پوشیدن پارچه‌های احرام این دعا را بخواند:

" الحمد لله الذي رزقني ما اوارني به عورتني واؤدي منه

فريضتي، واعبد فيه ربي، وانتهي فيه الى ما امرني.

الحمد لله الذي قصده فبلغني، وارده فاعانني وقبلني،

و لم يقطع بي، ووجهه اردت فسلمني، فهو حصني وكهفي

وحرزي وظهري وملاذی ورجائي ومنجاي وذخري وعدتي

في شدتي ورخائي".

۹ - در نیت احرام با خداوند متعال شرط کند که اگر از اتمام

مناسک حج محصور شد (به این معنا که اگر مانعی مثل مرض او را

از اتمام حج و عمره منع نماید) خداوند او را از احرام به مجرد

به وجود آمدن آن مانع، محل نماید، به این صورت که بگوید:

" اللَّهُمَّ إِنِّ عَرَضْتُ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي فَحَلْنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي "

خداوندا، اگر مانعی بر من عارض شد که موجب جلو گیری من از انجام حج شود، مرا در همان موقع که مانع عارض شده است محل نماي.

البته اگر دعایی را که در شماره - ۷ - گذشت با همین قصد بخواند کفایت میکند.

و اگر این شرط را با خداوند نداشته باشد و محصور شود، وقتی محل مگردد که قربانی او به محل ذبح برسد.

۱۰ - نیت احرام و نیت پوشیدن جامه احرام، بلکه نیت کندن لباس دوخته را نیز به زبان آورد.

مکروهات احرام

مکروهات احرام یازده چیز است:

۱ - سیاه و رنگین بودن پارچه احرام، لکن در بعض روایات معتبره رنگ سبز استثناء شده است.

۲ - محرم شدن در لباس کثیف، و هم چنین شستن لباس احرام کثیف بعد از احرام تا زمان محل شدن، مگر آن که نجس شده باشد.

- ۳ - احرام در پارچه رنگارنگ برای مردان.
- ۴ - خوابیدن بر رختخواب و بالش و پارچه سیاه و زرد.
- ۵ - رفتن به حمام در حال احرام.
- ۶ - ساییدن بدن و صورت با دست، یا کیسه، و زیاد مسواک زدن.
- ۷ - لبیک گفتن در پاسخ کسی که او را صدا میزند.
- ۸ - نشستن در حالی که زانوها را با دستها به بغل بگیرد، بنابر مشهور.
- ۹ - شعر خواندن، اگر چه شعر به حق باشد. بنابر مشهور.
- ۱۰ - کشتی گرفتن و هر کاری که در آن بیم مجروح شدن و یا ریختن مو از بدن باشد، بنابر مشهور.
- ۱۱ - شستن بدن با آب سرد.

لبیک های مستحب

مستحب است پس از گفتن:

" ان الحمد والنعمه لك والملك، لا شريك لك "

بگوید: " لبیک "

و بهتر آن است که پس از آن بگوید:

" لبیک ذا المعارج لبیک، لبیک داعیا الی دار السلام

لبیک، لبیک غفار الذنوب لبیک، لبیک اهل التلبیه لبیک،

لبيك ذا الجلال والاكرام لبيك، لبيك نبء والمعاد اليك
لبيك، لبيك تستغني ويفتقر اليك لبيك، لبيك مرهوبا
ومرغوبا اليك لبيك، لبيك إله الحق لبيك، لبيك ذا النعماء
والفضل الحسن الجميل لبيك، لبيك كشاف الكرب العظام
لبيك، لبيك عبدك وابن عبدك لبيك، لبيك يا كريم
لبيك "

و مستحب است اين جملات را نيز بيازايد:
" لبيك اتقرب اليك بمحمد وآل محمد لبيك، لبيك
بحجة وعمرة لبيك، لبيك وهذه عمرة متعة الى الحج لبيك،
لبيك اهل التلبية لبيك، لبيك تلبية تامها وبلاغها عليك ".
سزاوار است كه حاجي به هنگام گفتن لبيك با حضور قلب،
كاملا متوجه به خداوند متعال بوده و دعوت حق را پاسخ گويد.
تكرار لبيك ها به هنگام بيدار شدن، سوار شدن، و ملاقات
با سواره و وقت بالا رفتن از هر بلندی، و پايين آمدن از آن، و پس از
هر نماز فريضة، و زياد گفتن آن در سحرگاهان حتى برای جنب
و حائض مستحب است، و مستحب است كه در عمره تمتع، گفتن
لبيك ها را تا مشاهده خانه‌های مکه قطع ننمايد، و در حج تمتع
تا ظهر روز عرفه گفتن لبيك ها را قطع نکند.

مستحبات ورود به حرم

۱ - غسل کردن قبل از ورود به حرم، و نیت آن این است:
" غسل میکنم برای ورود به حرم قربة الی الله "

۲ - پیاده و پای برهنه در حالی که نعلین خود را به دست گرفته است در حال تواضع و خشوع کامل نسبت به ذات اقدس حق وارد حرم شود، و در صورت امکان به این حالت ادامه داده تا وارد به مکه و مسجد الحرام شود، و در روایت است که اگر چنین کند خداوند عالم جل ذکره، صد هزار گناه او را ببخشد، و برای او صد هزار حسنه بنویسد، و صد هزار حاجت او را بر آورد.

۳ - این دعای مأثور را به هنگام ورود به حرم بخواند:

" اللهم إنك قلت في كتابك وقولك الحق:

(واذن فی الناس بالحج یاتوك رجالا وعلى کل ضامر یاتین من کل فج عمیق).

اللهم انی ارجو ان اکون ممن اجاب دعوتک، وقد جئت

من شقة بعیدة وفج عمیق، سامعا لنداءک، ومستجیبا لک،

مطیعا لامرک، وکل ذلك بفضلک علی واحسانک الی، فلك

الحمد علی ما وفقنتنی له، ابتغی بذلك الزلفة عندک، و القربة

اليك، والمنزلة لديك، والمغفرة لذنوبي، والتوبة علي منها
بمنك،

اللهم صل على محمد وآل محمد، و حرم بدني علي
النار، وآمني من عذابك و عقابك، برحمتك يا أرحم
الراحمين ."

٤ - جویدن (اذخر) که گیاه معروف مکه است.

مستحبات ورود به مکه معظمه

مکه معظمه مرکز طلوع انوار وجود محمدی، و مشرق آفتاب
هدایت اسلامی، و مهبط ملائکه مقربین، و محل بزرگترین
و با شکوه‌ترین اجتماع مؤمنین و موحدین، و مکان نزول باران
رحمت و مغفرت و آیات بینات الهی، و مقام ابراهیم خلیل است،
و از این جهات و جهات بسیار دیگر مخصوصا از جهت وجود
بیت الله الحرام در آن، شرافت و حرمت بسیار دارد، و کسی که
وارد آن شهر مقدس میشود باید فضائل آن مشاهده بزرگ و شعائر
اسلامی را که خداوند متعال مقرر داشته متوجه باشد تا برای ادراک
برکات و فضائل آن اماکن مقدسه آماده شود و نور حقیقت بر حال او
ظاهر شده و گناهانش آمرزیده و عیوبش بر طرف گردد ان شاء الله.

از این رو برای ورود به این شهر آدابی است که مراعات آنها مستحب است:

- ۱ - غسل، و نیت آن این است که: " برای ورود به مکه معظمه غسل میکنم قربة الی الله " .
 - ۲ - با آرامش و وقار و در حالت خضوع و خشوع برای خداوند متعال وارد مکه شود.
 - ۳ - از راه های بالای مکه و در صورت ممکن از عقبه " مدینین " که در شمال مکه است وارد مکه شود، و بعضی این حکم را مختص به کسانی میدانند که از مدینه به مکه میآیند، و در موقع خروج از عقبه " ذی طوی " که در جنوب مکه است خارج شود. مستحبات داخل شدن به مسجد الحرام
 - ۱ - غسل کردن از منزل، و یا از بئر مسمون در محله ابطح، و نیت آن چنین است:
 - " برای ورود به مسجد الحرام غسل میکنم قربة الی الله " .
 - ۲ - وارد شدن به مسجد از باب بنی شیبه که اکنون داخل مسجد الحرام است، و ظاهراً مقابل باب السلام واقع شده است.
 - ۳ - خواندن دعاهای مأثور.
- به هنگام ایستادن در مقابل درب مسجد الحرام دعایی را که

معاوية بن عمار از حضرت صادق عليه السلام نقل کرده است
بخواند، پس بگوید:

" السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته، بسم الله
و بالله و من الله و ما شاء الله، السلام على انبياء الله
ورسله، السلام على رسول الله، السلام على ابراهيم خليل
الله، والحمد لله رب العالمين "

و در روایت ابی بصیر از حضرت صادق عليه السلام است:
هنگامی که مقابل درب مسجد قرار گرفتی، بگو:

" بسم الله و بالله و من الله والى الله و ما شاء الله وعلى ملة
رسول الله، صلى الله عليه وآله، و خير الاسماء لله، والحمد
لله، والسلام على رسول الله، السلام على محمد بن عبد الله،
السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته، السلام على انبياء
الله ورسوله، السلام على خليل الله الرحمن، السلام على المرسلين،
والحمد لله رب العالمين، السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين،
اللهم صل على محمد وآل محمد، وبارك على محمد
وآل محمد، وارحم محمدا وآل محمد، كما صليت وباركت

وترحمت على إبراهيم و آل إبراهيم، إنك حميد مجيد.
اللهم صل على محمد وآل محمد عبدك ورسولك،
اللهم صل على إبراهيم خليلك وعلى أنبياءك ورسلك و سلم
عليهم، و سلام على المرسلين، والحمد لله رب العالمين.
اللهم افتح لي ابواب رحمتك، واستعملني في طاعتك
ومرضاتك، واحفظني بحفظ الايمان ابدًا ما ابقيتني جل ثناء
وجهك، الحمد لله الذي جعلني من وفده وزواره، وجعلني
ممن يعمر مساجده، وجعلني ممن ينجيه.
اللهم إني عبدك وزائر في بيتك، وعلى كل ماتي حق
لمن اتيه وزاره، وانت خير مأتي واكرم مزور، فاسئلك يا الله
يا رحمن بانك انت الله لا إله الا انت، وحدك لا شريك لك،
بانك واحد احد صمد لم تلد و لم تولد و لم يكن له (لك خ
ل) كفوا احد، وان محمدا عبدك ورسولك، صلى الله عليه
وعلى اهل بيته، يا جواد يا كريم يا ماجد يا جبار يا كريم،
اسئلك ان تجعل تحفتك اياي بزيارتي اياك اول شيء تعطيني
فكأك رقبتني من النار ".
و سپس سه بار بگويد: " اللهم فك رقبتني من النار " .

و پس از آن بگوید:
" واوسع علي من رزقك الحلال الطيب، وادر عني شر
شياطين الجن والانس وشر فسقة العرب والعجم ".
و بعد به مسجد الحرام وارد شود و بگوید:
" بسم الله و بالله وعلى ملة رسول الله صلى الله عليه وآله ".
و سپس دستهایش را به آسمان بلند کرده، و رو به کعبه نموده
و بگوید:

" اللهم إني أسئلك في مقامي هذا، وفي أول مناسكي ان
تقبل توبتي، وان تتجاوز عن خطيئتي وان تضع عني وزري،
الحمد لله الذي بلغني بيته الحرام، اللهم إني أشهد ان هذا
بيتك الحرام الذي جعلته مثابة للناس وامنا مباركاً وهدى
للعالمين، اللهم العبد عبدك، والبلد بلدك، والبيت بيتك،
جئت اطلب رحمتك، واؤم طاعتك، مطيعاً لامرك، راضياً
بقدرك، أسئلك مسألة الفقير إليك الخائف من عقوبتك،
اللهم افتح لي ابواب رحمتك، واستعملني بطاعتك
ومرضاتك ".
و پس از آن کعبه را مخاطب قرار داده و بگوید:

" الحمد لله الذي عظمك وشرفك وكرمك وجعلك مثابة للناس وامنا مباركا وهدى للعالمين " .

و چون نظرش به حجر الاسود افتاد رو به آن کرده و بگوید:

" الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله، سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر، الله أكبر من خلقه، والله أكبر مما خشى واحذر، لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، يحيى ويميت، ويميت ويحيى، وهو حي لا يموت، بيده الخير، وهو على كل شيء قدير،

اللهم صل على محمد وآل محمد، وبارك على محمد

وآله، كافضل ما صليت وباركت وترحمت على إبراهيم وآل

إبراهيم، إنك حميد مجيد، و سلام على جميع النبيين

والمرسلين، والحمد لله رب العالمين، اللهم انى أومن

بوعدك، واصدق رسلك، واتبع كتابك " .

و سپس با طمأنینه حرکت کرده، و قدمها را از خوف خداوند

کوتاه بردارد، و چون به حجر الاسود نزدیک شد، دستها را بلند

کند، و حمد و ثنای حق را بجای آورد، و بر حضرت محمد و خاندان

او صلی الله علیه وآله و سلم درود بفرستد، و طبق روایت معاویه بن عمار

از حضرت صادق علیه السلام بگوید:

" اللهم تقبل مني "

و در صورت امکان با دستها و بدون حجر الاسود را مسح نموده و بیوسد، و اگر بوسیدن حجر الاسود ممکن نبود بر مسح حجر الاسود اقتصار نماید، و اگر این مقدار نیز به جهت کثرت ازدحام ممکن نباشد به حجر الاسود اشاره نموده و بگوید:

" اللهم امانتي اديتها وميثاقي تعاهدته لتشهد لي بالموافاة، اللهم تصديقا بكتابك وعلى سنة نبيك صلواتك عليه وآله، اشهد ان لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وان محمدا عبده ورسوله آمنت بالله، وكفرت بالعبث والطاغوت واللات والعزى، وعبادة الشيطان، وعبادة كل ند يدعى من دون الله "

و اگر خواندن تمام دعا ممکن نباشد هر مقدار که ممکن است بخواند، و سپس بگوید:

" اللهم اليك بسطت يدي، وفيما عندك عظمت رغبتني، فاقبل سبحتي، واغفر لي وارحمني، اللهم إني أعوذ بك من الكفر والفقر ومواقف الخزي في الدنيا والآخرة "

مستحبات طواف

- ۱ - پیاده طواف کند.
- ۲ - با پای برهنه طواف کند.
- ۳ - قدم ها را کوتاه بر دارد، و با آرامش و وقار - نه تند و نه کند - راه برود.
- ۴ - در حال طواف مشغول به ذکر و دعا و خواندن قرآن باشد.
- ۵ - از آنچه در نماز مکروه است در طواف نیز پرهیزد. بلکه از هر عمل لغو و بیهوده پرهیزد.
- ۶ - حجر الاسود را در صورت امکان در هر شوط استلام کرده و بیوسد، مشروط بر این که کسی را هل ندهد، و اذیت نکند و عقب نیاندازد، و اگر نه، به حجر الاسود با دست اشاره کرده و تکبیر بگوید.
- ۷ - از دیدن مناظری که از توجه او مکاهد چشم پوشد.
- ۸ - نزدیک به بیت الله طواف کند.
- ۹ - هنگام زوال طواف نماید.
- ۱۰ - دعاهای مأثوره از اهل بیت علیهم السلام را بخواند، از جمله دعایی را که معاویه ابن عمار از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده، و آن دعا این است:

" اللهم إني أسئلك باسمك الذي يمشى به على
طلل الماء، كما يمشى به على جدد الأرض، واسئلك
باسمك الذي يهتز له عرشك واسئلك باسمك الذي تهتز له
أقدام ملائكتك، واسئلك باسمك الذي دعاك به موسى من
جانب الطور، فاستجبت له، والقيت عليه محبة منك،
واسئلك باسمك الذي غفرت به لمحمد صلى الله عليه وآله ما
تقدم من ذنبه و ما تاخر، و اتممت عليه نعمتك ان تفعل بي
كذا و كذا "

و حاجات خود را از خداوند بخواهد.

و نیز مستحب است که در حال طواف بگوید:

" اللهم إني إليك فقير، و إني خائف مستجير، فلا تبدل
اسمي، ولا تغير جسمي "

و در هر شوط هنگامی که به در خانه کعبه مرسد مستحب
است بر پیامبر اکرم و خاندانش صلی الله علیه وآله و سلم درود
بفرستد، و این دعا را بخواند:

" سائلك فقيرك مسكينك ببابك، فتصدق عليه بالجنة،
اللهم البيت بيتك، والحرم حرمك، والعبد عبدك، وهذا مقام

العائد المستجير بك من النار، فاعتقني ووالدي واهلي
وولدي واخواني المؤمنين من النار، يا جواد يا كريم".
و در روایت است که وقتی حضرت سجاد علیه السلام به
حجر اسماعیل رسید سر به آسمان بلند مکرد، و مفرمود:
" اللهم ادخلني الجنة برحمتك، واجرني برحمتك من
النار، وعافني من السقم، واوسع علي من الرزق الحلال،
وادر عني شر فسقة الجن والانس، وشر فسقة العرب
والعجم".

و طبق روایتی که از حضرت صادق علیه السلام نقل شده،
مستحب است وقتی که از حجر اسماعیل گذشت، و به پشت خانه
رسید بگوید:

" يا ذا المن والطول، يا ذا الجود والكرم، إن عملي
ضعيف فضاعفه وتقبله مني إنك أنت السميع العليم".
و چون به رکن یمانی رسید، دستهایش را به آسمان برداشته،
و این دعا را که از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام
وارد شده است بخواند

" يا الله يا ولي العافية، وخالق العافية، ورازق العافية،
والمنعم بالعافية، والمتفضل بالعافية على وعلى جميع

خلقتك، يا رحمن الدنيا والآخرة ورحيمهما، صل على محمد وآل محمد، وارزقنا العافية، و تمام العافية، وشكر العافية في الدنيا والآخرة، يا ارحم الراحمين ".
و سپس به سوی کعبه سربلند کند، و همان گونه که در روایت دیگر آمده است بگوید:

" الحمد لله الذي شرفك وعظمتك، والحمد لله الذي بعث محمدا نبيا، وجعل عليا اماما، اللهم اهد له خيار خلقتك، وجنبه شرار خلقتك ".

و طبق روایت عبد الله ابن سنان از حضرت صادق علیه السلام در بین رکن یمانی و حجر الاسود بگوید:
" ربنا آتانا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار ".

و در شوط هفتم چون به مستجار (۱) رسید، رو به روی کعبه ایستاده و دستهایش را بر دیوار بیت کشیده، و سپس به صورت و بدنش بکشد، و گناهانش را یاد کرده، و به جرم خود اقرار نماید، و توبه کند، و از خداوند متعال طلب مغفرت نماید، و این دعا را که از حضرت صادق علیه السلام مأثور است بخواند:

(۱) مستجار قسمتی از پشت کعبه - مقابل درب کعبه - و نزدیک به رکن یمانی است.

" اللهم البيت بيتك، والعبد عبدك، وهذا مقام العائذ بك من النار، اللهم من قبلك الروح والفرج والعافية، اللهم ان عملي ضعيف فضاعفه لي، واغفر لي ما اطلعت عليه مني وخفي علي خلقك، استجير بالله من النار ".
و نیز این دعا را که از حضرت سجاد علیه السلام نقل شده، بخواند:

" اللهم ان عندي افواجا من ذنوب، وافواجا من خطايا ، وعندك افواج من رحمة، وافواج من مغفرة، يا من استجاب لا بغض خلقه اذ قال انظرنی الی یوم یبعثون، واستجب لی ".
و سپس حاجات خود را بخواهد، و بسیار دعا کند، و به گناهان اعتراف نماید، و چون به حجر الاسود برسد طبق روایت معاویة بن عمار از حضرت صادق علیه السلام، بگوید:
" اللهم قنعني بما رزقتني، وبارك لي فيما آتيتني ".
مکروهات طواف

- ۱ - تکلم به غیر از ذکر خداوند و دعا و قرآن کریم.
- ۲ - خندیدن و به حالت تبختر راه رفتن، شکستن انگشتان و به صدا در آوردن آنها، و خمیازه کشیدن، و انجام هر کاری که در نماز کراهت دارد.

- ۳ - خوردن و آشامیدن.
- ۴ - به سختی خودداری کردن از بول و غائط و باد معده در حال طواف.
- ۵ - گذاشتن کلاه بلند (برطله) بر سر، که در قدیم از لباسهای یهود محسوب میشده است.
- مستحبات نماز طواف
- ۱ - خواندن سوره توحید (قل هو الله احد) پس از حمد در رکعت اول و قرائت سوره جحد (قل يا ايها الكافرون) بعد از حمد در رکعت دوم.
- ۲ - حمد و ثنای خداوند متعال، و فرستادن درود بر پیامبر اکرم و خاندانش علیهم صلوات الله بعد از نماز.
- ۳ - تقاضای استجابت دعا از خداوند متعال و گفتن:
- " اللهم تقبل مني، ولا تجعله آخر العهد مني، والحمد لله بمحامده كلها على نعماءه كلها، حتى ينتهي الحمد الى ما يحب ويرضى، اللهم صل على محمد وآله، و تقبل مني، وطهر قلبي، وزك عملي "
- و طبق روایت دیگر بگویند:

" اللهم ارحمني بطاعتي إياك، وطاعة رسولك صلى الله عليه وآله وسلم، اللهم جنبني ان اتعدى حدودك، واجعلني ممن يحبك ويحب رسولك وملائكتك وعبادك الصالحين ".
و سپس به سجده رفته و مانند حضرت صادق علیه السلام بگوید:
" سجد لك وجهي تعبدا ورقا، لا إله إلا انت حقا حقا،
الاول قبل كل شيء، والآخر بعد كل شيء، وها انا ذا بين
يديك ناصيتي بيدك، فاغفر لي، إنه لا يغفر الذنب العظيم
غيرك، فاغفر لي، فإني مقر بذنوبي على نفسي، ولا يدفع
الذنب العظيم غيرك ".

مستحباب سعی

- ۱ - طهارت از حدث اكبر و حدث اصغر، بلی شخص حائض
متواند سعی نماید، اگر چه مستحب است در صوت
امكان صبر کند تا آن که بتواند سعی را با طهارت بجا آورد،
و گرنه در همان حال حیض باید سعی کند.
- ۲ - انجام سعی پس از نماز طواف، ولی اگر خسته است
متواند قدری استراحت کند.
- ۳ - استلام و بوسیدن حجر الاسود در صورت امکان به هنگام

رفتن به طرف صفا و در صورت عدم امکان با دست به حجر اشاره کند.

۴ - آمدن به چاه زمزم در صورت امکان، و نوشیدن آب زمزم، و بر سر و پشت خود ریختن، و طبق روایت معاویه بن عمار از حضرت صادق علیه السلام در حالی که رو به کعبه است بگوید:

" اللهم اجعله علما نافعا، ورزقا واسعا، وشفاء من كل داء وسقم "

۵ - پس از نوشیدن آب زمزم به هنگام رفتن به صفا نیز استلام حجر نماید.

۶ - خارج شدن به طرف صفا از دری که مقابل حجر الاسود است، و آن دری است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم از آن خارج شدند.

۷ - رفتن به طرف صفا با آرامش و وقار.

۸ - طوری بالای صفا برود که در صورت امکان بتواند بیت الله را ببیند، زیرا دیدن خانه کعبه نیز مستحب است.

۹ - پس از بالا رفتن از کوه صفا رو به رکن حجر الاسود نماید.

۱۰ - خداوند متعال را حمد و ثنا کند، و نعمتها و عذاب الهی را به یاد آورد و احسان خداوند را در حق خود، متذکر شود،

و هفت بار بگويد: " الله اكبر " و هفت بار بگويد:
" الحمد لله " و هفت بار بگويد: " لا إله الا الله " و سپس
سه بار بگويد:

" لا إله الا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، يحيي ويميت،
وهو حي لا يموت، بيده الخير، وهو على كل شيء قدير ".
و پس از آن بر پیامبر و خاندانش درود فرستاده، و سه بار بگويد:
" الله اكبر على ما هدانا، والحمد لله على ما ابلانا،
والحمد لله الحي القيوم، والحمد لله الحي الدائم ".
و بعد سه بار بگويد:

" اشهد ان لا إله الا الله، و اشهد ان محمدا عبده ورسوله،
لا نعبد الا اياه، مخلصين له الدين، ولو كره المشركون ".
و نیز سه بار بگويد:

" اللهم إني اسئلك العفو و العافية واليقين فى الدنيا
والآخرة ".
و بعد سه بار بگويد:

" اللهم آتنا فى الدنيا حسنة وفى الآخرة حسنة وقنا عذاب
النار ".
النار "

و بعد صد مرتبه بگويد: " الله اكبر " و صد مرتبه بگويد: " لا إله الا الله " و صد مرتبه بگويد: " الحمد لله " و صد مرتبه بگويد: " سبحان الله "، و بعد بگويد:

" لا إله الا الله وحده وحده، انجز وعده، ونصر عبده، وغلب الاحزاب وحده، فله الملك وله الحمد وحده، اللهم بارك لي في الموت وفيما بعد الموت، اللهم إني أعوذ بك من ظلمة القبر ووحشته، اللهم اظلني في ظل عرشك يوم لا ظل الا ظلك "

۱۱ - مستحب است هنگامی که بر کوه صفا توقف میکنید، مکررا خود و خانواده خود و دینش را به خداوند متعال بسپارد و بگوید:

" استودع الله الرحمن الرحيم الذي لا تضيع ودائعه ديني ونفسي واهلي، اللهم استعملني على كتابك وسنة نبيك، وتوفني على ملته، واعذني من الفتنة " .
و بعد سه مرتبه بگويد: " الله اكبر " و دعای سابق را دوباره بخواند، و باز بگويد: " الله اكبر " و در حد امکان دعا را تکرار نمايد.

۱۲ - رو به كعبه کرده و این دعا را بخواند:

" اللهم اغفر لي كل ذنب اذنبته قط، فإن عدت فعد علي
بالمغفرة، فإنك انت الغفور الرحيم، اللهم افعل بي ما انت
اهله، فإنك إن تفعل بي ما انت اهله ترحمني، وإن تعذبني
فانت غني عن عذابي، وانا محتاج إلى رحمتك، فيا من انا
محتاج إلى رحمته ارحمني، اللهم لا تفعل بي ما انا اهله،
فإنك إن تفعل بي ما انا اهله تعذبني، و لم تظلمني، اصبحت
اتقي عدلك، ولا اخاف جورك، فيا من هو عدل لا يجور
ارحمي "

و سپس بگوید:

" يا من لا يخيب سائله، ولا ينفد نائله، صل على محمد
وآل محمد، واجرني من النار برحمتك "

۱۳ - بر کوه صفا زمان زیادی را توقف کند، که در روایت است
موجب زیادی ثروت میشود.

۱۴ - چون مقداری از کوه صفا پایین آمد بایستد، و توجه به کعبه
کرده، و بگوید:

" اللهم إني أعوذ بك من عذاب القبر وفتنته وغرْبته
ووحشته وظلمته وضيقة وضنكه، اللهم اظلني في ظل

عرشك يوم لا ظل إلا ظلك ".
۱۵ - پس از آن که مقدار دیگری پایین آمد، کتف خود را برهنه کرده، بگوید:

" یا رب العفو، یا من أمر بالعفو، یا من هو أولى بالعفو، یا من یشیب علی العفو، العفو العفو العفو، یا جواد یا کریم یا قریب یا بعید، اردد علی نعمتک، واستعملنی بطاعتک ومرضاتک ".
۱۶ - پیاده سعی کند.

۱۷ - با آرامش و وقار سعی نماید.

۱۸ - در مقداری از سعی که بین ستونهای سبز قرار گرفته هروله کند (یعنی مقداری تند تر حرکت کند، که نه دویدن باشد و نه راه رفتن معمولی)، و به هنگام بازگشت از مروه نیز هروله را تکرار کند، و برای زنان هروله مستحب نیست.

۱۹ - وقتی به اولین ستون سبز رسید بگوید:

" بسم الله و بالله، والله اکبر، و صلی الله علی محمد و اهل بیته، اللهم اغفر وارحم و تجاوز عما تعلم، إنک انت الاعز الاکرم، واهدنی للتي هي اقوم، اللهم إن عملي ضعيف فضاعفه لي، و تقبله مني، اللهم لك سعيي، و بك حولي وقوتي، تقبل مني عملي، یا من يقبل عمل المتقين ".
۴۳۵

- ۲۰ - چون از مناره دوم گذشت بگوید:
 " يا ذا المن والفضل والكرم والنعماء والجود، اغفر لي
 ذنوبي، إنه لا يغفر الذنوب الا انت ".
 ۲۱ - چون به مروه رسید از کوه بالا رود، و آنچه از ادعیه در کوه
 صفا گفتیم بر کوه مروه به ترتیب بخواند، و سپس بگوید:
 " اللهم يا من امر بالعفو، يا من يحب العفو، يا من يعطي
 على العفو، يا من يعفو على العفو، يا رب العفو، العفو
 العفو العفو "
 ۲۲ - بر گریه از خوف خداوند کوشش کند، و خود را به گریه
 وادارد، و فراوان دعا کند، و این دعا را نیز بخواند:
 " اللهم اني اسئلك حسن الظن بك على كل حال،
 وصدق النية في التوكل عليك ".
 سعی کننده میتواند در اثناء سعی بنشیند و یا بر کوه صفا و مروه
 استراحت کند اگر چه سزاوار است جز برای رفع خستگی
 چنین نکند.

مستحباب احرام حج

- ۱ - غسل در منزل یا جای دیگری در مکه.
- ۲ - خواندن دعاهایی که برای غسل احرام عمره تمتع گفته شد.
- ۳ - رفتن با خشوع و خضوع به طرف مسجد الحرام، و وارد شدن به مسجد الحرام با پای برهنه و با آرامش و وقار.
- ۴ - محرم شدن پس از نماز به نحوی که در احرام عمره تمتع ذکر شد.
- ۵ - در مسجد الحرام محرم شود، و بهتر آن است که در حجر اسماعیل و یا مقام ابراهیم علیهما السلام محرم گردد، و مستحباتی را که در احرام عمره تمتع گذشت مراعات نماید.
- ۶ - نیت احرام را بر زبان آورد، مثلاً بگوید: " محرم مشوم برای حج تمتع در حجة الاسلام به جهت آن که بر من واجب شده است اداء قربة الی الله "، و اگر حج استحبابی و یا قضا و نیابتی است آن را در لفظ بیاورد، و نام منوب عنه را نیز ذکر کند، و سپس لبیکها را همان گونه که در احرام عمره گذشت بگوید.
- ۷ - رفتن به منی پس از احرام و نماز واجب.

۸ - تکرار لبیک‌ها در مسیر راه، و چون مشرف بر محله ابطح شد لبیک‌ها را بلند تر بگوید.

۹ - به هنگام رفتن به منی طبق روایت معاویه بن عمار از حضرت صادق علیه السلام بگوید:
" اللهم إياك أرجو وإياك ادعو، فبلغني أملي، وأصلح لي عملي ".

۱۰ - و چون به منی رسید بگوید:
" الحمد لله الذي أقدمنيها صالحا في عافية وبلغني هذا المكان ".

و چون داخل منی شد بگوید:
" اللهم هذه منى وهي مما مننت به علينا من المناسك، فأسئلك ان تمن علي بما مننت على انبياءك، فإنما انا عبدك وفي قبضتك ".

۱۱ - در شب عرفه در منی در حال عبادت و دعا و تضرع به پیشگاه خداوند متعال بیتوته نماید، و بهتر آن است که بیتوته او در مسجد خیف انجام شود.

۱۲ - در مسجد خیف تا صبح به نماز مشغول باشد، و مکروه است که قبل از طلوع فجر از مسجد خارج شود،

بلکه بهتر آن است که تا طلوع آفتاب در مسجد در حال عبادت بماند، و پس از طلوع آفتاب به عرفات برود. ۱۳ - و به هنگام خروج از منی به طرف عرفات، بگوید: " اللهم إليك صمدت، وإياك اعتمدت، ووجهك اردت، اسئلك ان تبارك لي في رحلتي، وان تقضي لي حاجتي، وان تجعلني ممن تباهي به اليوم من هو افضل مني ".

مکروهات احرام حج آنچه که در مکروهات احرام عمره گذشت، در احرام حج نیز جاری است.

مستحبات عرفات مستحبات در موقف عرفات فراوان است، که به برخی از آنها اشاره میشود:

۱ - نیت وقوف در عرفات را به زبان بگوید، به این گونه که: " از هنگام زوال (ظهر شرعی) روز نهم ذیحجه تا غروب آفتاب برای انجام حج تمتع از حجة الاسلام

به جهت آن که واجب است در عرفات ممانم قربة الى الله " و اگر حج استحبابی و یا قضا و یا نیابتی است آن را نیز ذکر کند، و در حج نیابتی اسم منوب عنه را نیز به زبان آورد.

۲ - در زمین همواری که طرف چپ " جبل الرحمه " است وقوف نماید، به طوری که اگر شخصی از مکه بیاید و مقابل کوه بایستد قسمتی که وقوف منماید طرف چپ او قرار گیرد، و بالا رفتن از کوه کراهت دارد.

۳ - غسل، و بهتر آن است که مقارن زوال انجام گیرد.

۴ - نماز ظهر و عصر را با يك اذان و دو اقامه بخواند، و در این جهت تفاوتی بین امام و مأموم و جماعت و فرادی و قصر و یا تمام نیست.

۵ - اثاث خود را جمعتر چیده، و با دوستانش در کنار هم وقوف نمایند.

۶ - و بهتر آن است که در صورت امکان در " وادی نمره " که نزدیک به عرفات است خیمه بزند، ولی در آن جا وقوف نکند، زیرا وقوف در وادی نمره به لحاظ آن که در سر زمین عرفات نیست کفایت نمکند.

۷ - طهارت از حدث.

- ۸ - كاملا متوجه به ذات اقدس حق بوده، و از هر چیزی كه ذهن او را مشوش مسكند خود را فارغ نمايد.
- ۹ - در تمام وقت وقوف روی پا بایستد، و اگر نمیتواند، بعضی از وقت را روی پا بایستد، و بقیه را بنشیند، مگر آن كه ایستادن او را از حال توجه و دعا باز دارد، كه در این صورت بهتر آن است كه بنشیند.
- ۱۰ - رو به قبله بودن.
- ۱۱ - خداوند را حمد و ثنا گفته، و تمجید نماید، و به ذكر " لا إله الا الله " و " الله اكبر " متذكر باشد.
- ۱۲ - تا میتواند دعا كند، و از خوف خداوند بگریزد، زیرا دعا بهترین اعمال این روز است، و هیچ چیز برای شیطان محبوب تر از این نیست كه بنده‌ای را از حال دعا در این روز غافل گرداند.
- ۱۳ - مبادرت نسبت به دعا برای خود و پدر و مادر و برادران مؤمن كه اقل آن دعا برای چهل مؤمن است، و در روایت است كه خداوند فرشته‌ای را موكل بر او قرار مدهد تا برای او از خداوند متعال صد هزار برابر آنچه را برای برادر مؤمن خود منخواهد، طلب نماید.
- ۱۴ - يكايك گناهان را به یاد آورده، و یا مجموع آنها را در نظر

گرفته، و توبه نماید، و از خداوند طلب مغفرت نماید.

۱۵ - پناه بردن به خداوند متعال از شر شیطان.

۱۶ - درود فرستادن بر پیامبر اکرم و خاندانش صلی الله علیه وآله و سلم.

۱۷ - صد بار بگوید: " الله اکبر " و صد بار " لا إله الا الله " و صد بار

" الحمد لله " و صد مرتبه " سبحان الله " و صد مرتبه " ما شاء

الله ولا قوة الا بالله " و صد بار " اللهم صل على محمد

و آل محمد " .

۱۸ - بگوید:

" اشهد ان لا إله الا الله وحده لا شريك له، له الملك وله

الحمد، يحيي ويميت، ويميت ويحيي، وهو حي لا

يموت، بيده الخير، وهو على كل شيء قدير " .

۱۹ - خواندن ده آیه از اول سوره بقره.

۲۰ - خواندن صد بار سوره توحيد (قل هو الله احد).

۲۱ - خواندن صد بار آیه الكرسي.

۲۲ - خواندن صد بار سوره قدر (انا انزلناه في ليلة القدر).

۲۳ - خواندن آیه شريفه:

(إن ربكم الله الذي خلق السموات والأرض في ستة أيام

ثم استوى على العرش يغشي الليل النهار يطلبه حثيثا

والشمس والقمر والنجوم مسخرات بأمره ألا له الخلق والأمر تبارك الله رب العالمين).

۲۴ - خواندن سوره فلق.

۲۵ - خواندن سوره ناس.

۲۶ - تکرار درود و صلوات فراوان بر پیامبر اکرم و خاندانش صلی الله علیه وآله و سلم.

۲۷ - خداوند را بر همه نعمتهایی که به او عنایت کرده، از گوش و چشم و خانواده و فرزند و مال ستایش کرده، و در حد امکان یکایک آنها را در مقام شکر گزاری نام ببرد.

۲۸ - خداوند را حمد کند با آیات قرآنی که در آن حمد الهی آمده است و خداوند را تسبیح کند با هر آیه ای که خداوند خود را در آن تسبیح کرده است، و تکبیر بگوید با هر آیه ای که در آن تکبیر خداوند آمده است، و تهلیل گوید با هر آیه ای که در آن " لا إله الا الله " آمده است، و هر چه میتواند بر پیامبر و خاندانش صلی الله علیه وآله و سلم درود بفرستد، و خداوند را با اسمهایی که در قرآن برای او آمده است، و اختصاص به او دارد بخواند، بالخصوص خداوند را با اسمائی که در آخر سوره حشر آمده است بخواند:

" اسئل الله با نه هو الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر، سبحان

الله عما يشركون، هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى، يسبح له ما فى السموات والارض، وهو العزيز الحكيم".

سپس بگويد:

" اللهم لك الحمد على نعماءك التي لا تحصى به عدد، ولا تكافا به عمل".

۲۹ - و نیز بگويد:

" اسئلك يا الله يا رحمن بكل اسم هو لك، واسئلك

بقوتك وقدرتك وعزتك وبجميع ما احاط به علمك

وباركائك كلها، وبحق رسولك صلواتك عليه وآله،

وباسمك الاكبر الاكبر الاكبر، وباسمك العظيم الذي من

دعائك به كان حقا عليك ان لا تخييه، وباسمك الاعظم

الاعظم الاعظم الذي من دعائك به كان حقا عليك ان لا ترده،

وان تعطيه ما سئل، ان تغفر لي ذنوبي في جميع علمك بي".

۳۰ - تمام حاجات دنيوى واخروى خود را از خداوند بخواهد،

و از او بخواهد كه در هر سال او را به مهمانى

خانه اش پذيرد.

۳۱ - هفتاد بار از خداوند متعال بهشت را طلب کند.

۳۲ - آنگاه بگوید:

" اللهم فكنى من النار، واوسع على من رزقك الحلال الطيب، وادرا عني شر فسقة الجن والانس، وشر فسقة العرب والعجم "

و این دعا را تا غروب نشده تکرار نماید.

۳۳ - و طبق روایت معاویه ابن عمار از حضرت صادق علیه السلام

این دعا را نیز بخواند:

" اللهم اني عبدك، فلا تجعلني من اخبث وفدك، وارحم مسيري اليك من الفج العميق "

۳۴ - این دعا را نیز بخواند:

" اللهم رب المشاعر كلها، فك رقبتي من النار، واوسع على من رزقك الحلال، وادرا عني شر فسقة الجن والانس، اللهم لا تمكر بي، ولا تخدعني، ولا تستدرجني، اللهم اني اسئلك بحولك وجودك وكرمك وفضلك ومنك، يا اسمع السامعين، و يا ابصر الناظرين، و يا اسرع الحاسبين، و يا ارحم الراحمين، ان تصلي على محمد وآل محمد. و أن تفعل

بي كذا و كذا (وان ترزقني خير الدنيا والآخرة).
وحاجات خود را طلب کند.

۳۵ - دستها را به سوی آسمان بلند کرده، و این دعا را بخواند:

" اللهم حاجتي اليك ان اعطيتنيها لم يضرنني ما منعتني،
وان منعتنيها لم ينفعني ما اعطيتني، اسئلك خلاص رقبتني من
النار، اللهم إني عبدك، وملك ناصيتي بيدك، وأجلي
بعلمك، أسئلك أن توفقني لما يرضيك عني، وان تسلم مني
مناسكى التي اريتها خليلك ابراهيم عليه السلام، ودللت
عليها نبيك محمدا صلى الله عليه وآله "

۳۶ - این دعا را نیز بخواند:

" اللهم اجعلني ممن رضيت عمله، واطلت عمره،
واحبيته بعد الموت حياة طيبة "

۳۷ - دعایی را که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم به حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام آموخت بخواند.

۳۸ - خواندن دعای حضرت امام حسین علیه السلام در
روز عرفه.

۳۹ - خواندن دعای حضرت سجاد علیه السلام در روز عرفه.

۴۰ - خواندن زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه.

دعاهای مذکور در ملحقات خواهد آمد، ان شاء الله.
٤١ - نزدیک به غروب آفتاب این دعا را بخواند:
" اللهم اني أعوذ بك من الفقر، و من تشتت الامور، و من شر ما يحدث لي بالليل والنهار، امسى ظلمي مستجيرا بعفوك، وامسى خوفا مستجيرا بامانك، وامسى ذنوبي مستجيرا بعزك، وامسى وجهي الفاني مستجيرا بوجهك الباقي، يا خير من سئل، و يا اجود من اعطى، يا ارحم من استرحم، جللني برحمتك، والبسني عافيتك، واصرف عني شر جميع خلقك وارزقني خير الدنيا والآخرة ".
و سپس حاجات خود را طلب کند.

٤٢ - و پس از غروب آفتاب این دعا را بخواند:
" اللهم لا تجعله آخر العهد من هذا الموقف، وارزقني العود ابدا ما ابقيتني، واقبلني اليوم مفلحا منجحا مستجابا لي، مرحوما مغفورا لي، با فضل ما ينقلب به اليوم احد من وفدك، وحجاج بيتك الحرام، واجعلني اليوم من اكرم وفدك عليك، واعطني افضل ما اعطيت احدا منهم من الخير والبركة والرحمة والرضوان والمغفرة، وبارك فيما ارجع اليه

من اهل او مال او قليل او كثير، وبارك في ".
و چون خورشيد غروب كرد، و حمزه مشرقيه گذشت، با
آرامش و وقار در حال اشتغال به دعا و استغفار به طرف مشعر
حرکت کند، و در رفتن میانه رو باشد، و از مزاحمت دیگران
پرهیزد، و چون به " تل رمل قرمز " که در طرف راست جاده است
رسید، بگوید:

" اللهم ارحم موقفي، وزد في عملي، و سلم ديني،
و تقبل مناسكي ".

مستحباب وقوف در مشعر الحرام

۱ - چون به وادی مشعر رسید، در طرف راست سر زمین مشعر
پیاده شود، و بگوید:

" اللهم إني أسئلك أن تجمع لي فيها جوامع الخير، اللهم
لا تؤيسني من الخير الذي سألتك أن تجمعه لي في قلبي،
وأطلب اليك أن تعرفني ما عرفت أولياءك في منزلي هذا، و أن
تقيني جوامع الشر ".

۲ - با طهارت باشد، و به هنگام صبح غسل کند، و با آن نماز
صبح را بخواند.

- ۳ - پایین کوه، رو به قبله وقوف کند.
- ۴ - شهادتین را بگوید، و بر پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم صلوات الله یکایک درود بفرستد، و برای آنان و تعجیل در فرج حضرت حجة ابن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا کند، و از دشمنانشان تبری جوید، بلکه احتیاط آن است که در مشعر ذکر و صلوات بر پیامبر اکرم و اهل بیت گرامیش را ترک ننماید.
- ۵ - این دعا را بخواند:

" اللهم رب المشعر الحرام، فك رقبتي من النار، وأوسع علي من رزقك الحلال، وادرا عني شر فسقة الجن والانس، اللهم أنت خير مطلوب إليه، و خير مدعو و خير مسؤول، ولكل وافد جائزة، فاجعل جائزتي في موطني وموقفي هذا أن تقيلني عشرتي، و تقبل معذرتي، و أن تجاوز عن خطيئتي، ثم اجعل التقوى من الدنيا زادي برحمتك يا أرحم الراحمين "

- ۶ - برای خود و والدین و فرزندان و خانواده و مؤمنین و مؤمنات به خداوند متعال التماس نماید، و دعا کند.
- ۷ - صد بار بگوید: " الله اکبر " .
- ۸ - صد بار بگوید: " الحمد لله " .

۹ - صد بار بگوید: " سبحان الله "

۱۰ - صد بار بگوید: " لا إله إلا الله "

۱۱ - این دعای شریف را بخواند:

" اللهم اهدني من الضلالة، وأنقذني من الجهالة،
واجعل لي خيرا الدنيا والآخرة، وخذ بناصيتي إلى هداك
وانقلني إلى رضاك، فقد ترى مقامي بهذا المشعر الذي
انخفض لك فرغته، وذل لك فأكرمته، وجعلته علما
للناس، فبلغني مناي ونيل رجائي.
اللهم إني أسألك به حق المشعر الحرام أن تحرم شعري
وبشري على النار. و أن ترزقني حياة في طاعتك وبصيرة في
دينك وعملا بفرائضك واتباعا لأمرك و خيرا الدارين، و أن
تحفظني في نفسي ووالدي وولدي وأهلي وإخواني وجيرانني
برحمتك "

۱۲ - در دعا و تضرع به پیشگاه خداوند سبحان سعی فراوان کند
تا آن که خورشید طلوع نماید، و سزاوار است آن شب را احیاء
بدارد، زیرا که درهای رحمت الهی به سوی بندگان در آن شب باز
است، و خداوند عز و جل مفرماید: " من پروردگار شمایم و شما

بندگان من هستید، شما حق مرا ادا کردید، و سزاوار است که من دعای شما را اجابت نمایم."

۱۳ - نماز مغرب و عشاء را در مشعر بخواند، اگر چه تا قبل از نیمه شب به تأخیر افتد، و اگر بیشتر به تأخیر مافتد قبل از مشعر نماز بخواند و جمع کند بین نماز مغرب و عشاء، بدون فاصله بین آنها، با يك اذان و اقامه برای نماز مغرب، و يك اقامه برای نماز عشاء، و از این رو نافله مغرب را پس از نماز عشاء بخواند.

۱۴ - از کوه "قزح" بالا رود، و خداوند متعال را یاد کند، و با پای برهنه بر آن راه برود، بالخصوص اگر ضروره است (بنابر احتیاط).

۱۵ - مستحب است که کمی قبل از طلوع خورشید به سوی منی حرکت را آغاز کرده، ولی از وادی محسر عبور نکند، بلکه بنا بر احتیاط قبل از طلوع فجر وارد وادی محسر نیز نشود، اگر چه اقوی آن است که میتواند داخل وادی محسر شود، ولی اگر با فاصله زیادی قبل از طلوع آفتاب حرکت کند، و از مشعر خارج شود، بنابر احتیاط يك گوسفند بدهد، اگر چه اقوی عدم وجوب کفاره است.

۱۶ - قبل از رسیدن به کوه "ثبیر" هفت بار اعتراف به گناهان و لغزش خود کرده و نسبت به انجام آنها استغفار نماید.

۱۷ - به هنگام کوچ از مشعر به سوی منی خداوند را یاد کرده،
و استغفار نماید.

۱۸ - در وادی محسر به مقدار صد ذراع و یا صد قدم با آرامش
و وقار حرکت کند، و در آن هنگام بگوید:
" اللهم سلم لي عهدي، واقبل توبتي، وأجب دعوتي،
واخلفني فيمن تركت بعدي ".
و بگوید:

" رب اغفر وارحم و تجاوز عما تعلم انك انت الاعز
الاکرم ".
و اگر حرکت به نحو مذکور را ترك کرد، مستحب است برای

جبران به مشعر باز گردد.

۱۹ - بهتر آن است که حدود هفتاد سنگریزه و یا بیشتر که برای
رمی جمرات در منی لازم دارد از مشعر بردارد، و اگر نشد بهتر
است از منی سنگریزه ها را جمع کند، و در غیر این صورت جایز
است از غیر مشعر و منی هر جایی که داخل حرم محسوب میشود
سنگریزه ها را جمع نماید.

- مستحبات در جمع‌آوری سنگریزه‌ها
- ۱ - سنگریزه‌ها را شبانه از مشعر برداشته، و اگر نه از منی بردارد.
 - ۲ - سنگریزه‌ها به رنگ سرمه‌ای باشد.
 - ۳ - سنگریزه‌ها نقطه‌دار باشد.
 - ۴ - سنگریزه‌ها شکسته شده نباشد.
 - ۵ - سنگریزه‌ها سخت نبوده و تا حدودی سست باشد.
 - ۶ - سنگریزه‌ها از قبل جدا شده باشد، و کراهت دارد که سنگ بزرگتری را بشکند و به صورت سنگریزه در آورد.
 - ۷ - سنگریزه‌ها به اندازه بند انگشتان باشد.
 - ۸ - در صورتی که سنگریزه‌ها آلوده است، آنها را با آب شستشو دهد.

مستحبات رمی جمرات

- ۱ - پیاده رمی کند.
- ۲ - با وضو رمی کند، بلکه این احوط است.
- ۳ - با آرامش و وقار به رمی جمرات برود.
- ۴ - جمره عقبه را پشت به قبله رمی کند، به خلاف دو جمره دیگر، که مستحب است رو به قبله آنها را رمی نماید.
- ۵ - حدود ده ذراع و بهتر این است که پانزده ذراع از جمره فاصله بگیرد.
- ۶ - سنگریزه‌ها را در دست چپ گرفته، و یکی یکی با دست راست رمی نماید.
- ۷ - طبق روایت معاویه ابن عمار از حضرت امام صادق علیه السلام در هنگام رمی بگوید.
" اللهم هذه حصیاتی، فأحصهن لی، وارفعهن فی عملي ".
۸ - در صورت ممکن، سنگریزه را بر انگشت ابهام گذارده، با ناخن انگشت سبابه (شهادت) آن را پرتاب کند.
- ۹ - به هنگام انداختن هر سنگریزه بگوید:
" الله أكبر، اللهم ادحر عنی الشیطان، اللهم تصدیقا

بكتابك وعلى سنة نبيك، اللهم اجعله لي حجا مبرورا،
وعملا مقبولا، وسعيا مشكورا، وذنباً مغفورا".
و جاز است به گفتن " الله اكبر " اقتصار نماید.
۱۰ - و چون رمی به پایان رسید و به خانه بازگشت بگوید:
" اللهم بك وثقت، وعليك توكلت، فنعم الرب، ونعم
المولى ونعم النصير ".
مستحبات قربانی

- ۱ - قربانی بسیار فربه باشد.
- ۲ - اگر قربانی شتر و یا گاو است ماده باشد، و اگر گوسفند
است نر باشد، و اگر قوچ است سیاه رنگ و دارای
شاخهای بزرگ باشد.
- ۳ - شتر را در حال ایستاده و در حالی که از سر دستها تا زانوی آن
بسته باشد نحر نماید، و کسی که قربانی میکند در طرف
راست شتر بایستد، و کارد یا نیزه یا خنجر را به گودی
گردنش فرو برد.
- ۴ - خود حاجی قربانی را ذبح و یا نحر کند، و اگر نمیتواند
دست خود را روی دست ذابح و یا نحر کننده بگذارد.

۵ - در نحر شتر و ذبح گاو و یا گوسفند، طبق روایت معاویه بن عمار از حضرت صادق علیه السلام بگوید:

" وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین، ان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین، لا شریک له، وبذلك امرت وانا من المسلمین، اللهم منك ولك بسم الله والله اکبر، اللهم تقبل منی "

۶ - و بهتر آن است که پس از آن نیز بگوید:

" اللهم تقبل منی كما تقبلت من ابراهیم خلیلک، و موسی کلیمک، و محمد حبیبک، صلی الله علیه وآله وعلیهم. "

مستحبات حلق و تقصیر

۱ - نیت حلق و تقصیر را به زبان آورد، و بگوید " حلق مکنم در حج تمتع واجب قربه الی الله " و اگر تقصیر مکنم، بگوید: " تقصیر مکنم... "

۲ - رو به قبله حلق و تقصیر کند و در آن هنگام " بسم الله " بگوید.

۳ - حلق را از طرف راست جلو سر شروع کند.

۴ - طبق روایت معاویه ابن عمار از حضرت صادق علیه السلام

بگویند:

" اللهم أعطني بكل شعرة نورا يوم القيامة "

و بهتر آن است که به آن بیافزاید:

" وحسنات مضاعفات، وكفر عنى السيئات، انك على

كل شيء قدير "

۵ - و بهتر آن است که این دعا را که گذشت با صلوات بر

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم و خاندانش ختم نماید.

۶ - موهای خود را در منی و یا در خیمه‌اش دفن نماید.

مستحبات اعمال مکه مکرمه

۱ - غسل کردن قبل از ورود به مسجد الحرام، و بهتر آن است که

در منی برای ورود به مکه نیز غسل نماید.

۲ - گرفتن ناخنها و شارب.

۳ - ذکر خداوند را به جا آورده، و بر پیامبر اکرم و خاندانش صلی

الله علیه وآله و سلم درود بفرستد.

۴ - در مقابل درب مسجد الحرام ایستاده، و طبق روایت معاویه

ابن عمار از حضرت صادق علیه السلام بگویند:

" اللهم أعني على نسكك، وسلمني له وسلمه لي،

أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الذَّلِيلِ الْمَعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، أَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي، وَأَنْ تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدُ بِدَيْتِكَ، وَالْبَيْتُ بِبَيْتِكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأَوْمُ طَاعَتِكَ، مَتَّبِعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقُدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ الْمَضْطَّرِّ إِلَيْكَ الْمَطِيعِ لِأَمْرِكَ، الْمَشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ لِعَقُوبَتِكَ، أَنْ تَبْلُغَنِي عَفْوِكَ، وَتَجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ".

۵ - رفتن به طرف حجر الاسود، و در صورت ممکن حجر را استلام کرده و بیوسد، و اگر بوسیدن ممکن نبود با دست آن را لمس کرده، و دست خود را بیوسد، و اگر این نیز میسر نشد رو به حجر ایستاده، و با دست به آن اشاره کرده، و دستش را بیوسد، و تکبیر بگوید، و همان دعا که در طواف عمره ذکر شد، بخواند.

۶ - از آب زمزم بنوشد.

۷ - از باب صفا برای سعی به کوه صفا برود.

۸ - استحباب تمام آنچه که در طواف وسیعی در عمره تمتع گذشت در طواف و نماز وسیعی در حج نیز جاری است.

مستحبات منی

- ۱ - به هنگام بازگشت از مکه به منی بگوید:
" اللهم بك وثقت، وبك آمنت، ولك أسلمت، وعليك توكلت، فنعم الرب، ونعم المولى، ونعم النصير ".
۲ - روزها را در منی بماند، و ماندن در منی از آمدن به مکه برای انجام طواف مستحب افضل است.
- ۳ - پس از پانزده نماز - از نماز ظهر روز عید تا نماز صبح روز سیزدهم - تکبیر بگوید، و اگر روز سیزدهم از منی کوچ نکرد، گفتن تکبیر پس از نمازهای مستحب نیز استحباب دارد.
- ۴ - طبق روایت معاویه ابن عمار از حضرت صادق علیه السلام بگوید:
" لا إله إلا الله والله أكبر، الله أكبر و لله الحمد، الله أكبر على ما هدانا، الله أكبر على ما رزقنا من بهيمة الانعام، والحمد لله على ما أبلانا ".
۵ - مستحبات منی

مستحبات و اعمال مسجد خیف

- ۱ - برای کسی که در منی مماند، مستحب است تمام نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف بخواند، و بهتر آن است که نمازها را در محل نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بخواند، و در حدیث آمده است: "خواندن صد رکعت نماز در مسجد خیف، قبل از کوچ از منی معادل هفتاد سال عبادت است".
- ۲ - صد بار بگوید: "سبحان الله"، که طبق روایت، معادل آزاد کردن يك بنده در راه خداست.
- ۳ - صد بار بگوید: "لا إله الا الله"، که طبق روایت، معادل ثواب احیاء نفس است.
- ۴ - صد بار بگوید: "الحمد لله"، که طبق روایت، برابر با انفاق خراج عراقین در راه خدا است.
- ۵ - خواندن شش رکعت نماز، و بهتر آن است که این نمازها را قبل از حرکت از منی بخواند.
مستحبات بازگشت به مکه
- ۱ - غسل برای ورود به مسجد الحرام و ورود به مکه.
- ۲ - وارد شدن به مسجد از باب بنی شیبه، (بنابر گفته مرحوم شهید ره).

۳ - داخل شدن به خانه خدا (کعبه)، زیرا همان گونه که در روایت آمده است، دخول در کعبه به منزله دخول در رحمت الهی، و خروج از آن به منزله خروج از گناهان است، و برای کسانی که سال اول آنهاست اگر مرد هستند این استحباب تأکید شده است، ولی برای زنان این استحباب تأکید نشده است.

مستحبات ورود به کعبه شریفه

أ - قبل از ورود به کعبه غسل کند.

ب - با پای برهنه وارد کعبه شود.

ج - هنگام ورود بگوید:

"اللهم انت قلت في كتابك و من دخله كان آمنا، فآمني
من عذابك عذاب النار".

و برای کسی که سال اول او است سزاوار است که در چهار گوشه کعبه آن دعا را تکرار کند.

د - اگر کسی تقاضای فرزند از خداوند متعال دارد، طبق روایت معاویه ابن عمار از حضرت صادق علیه السلام ظرفی از آب زمزم بر خود بریزد، و سپس داخل بیت الله شود، و چون مقابل درب خانه ایستاد حلقه درب را بگیرد، و بگوید:

" اللهم إن البيت بيتك، والعبد عبدك، وقد قلت من دخله كان آمنا، فأمني من عذابك، واجرني من سخطك ".

ه - سپس وارد بیت شود، و بر سنگ قرمزی که در آنجاست دو رکعت نماز بخواند، و سپس به طرف پایه‌ای که در مقابل حجر است بایستد، و سینه خود را بچسباند و بگوید:

" یا واحد یا أحد یا ماجد یا قریب یا بعید یا عزیز یا حکیم، لا تذرني فردا وأنت خير الوارثين، وهب لي ذرية، إنك سميع الدعاء ".

و - سپس نزدیک به پایه شده، و پشت و شکم را به آن بچسباند، و دعا را تکرار کند.

ز - خواندن دو رکعت نماز در هر زاویه از بیت.

ح - این دعا را بخواند:

" اللهم من تهبها وتعبا واعد واستعد لوفادة إلى مخلوق رجاء رفته وجائزته ونوافله وفواضله فأليك يا سيدي تهيتي وتعبتني وإعدادي واستعدادي، رجاء رفدك ونوافلك وجائزتك، فلا تخيب اليوم رجاءي، يا من لا يخيب عليه سائل، ولا ينقصه نائل، فإني لم آتک اليوم به عمل صالح قدمته، ولا شفاعة مخلوق رجوته، و لكن أتیک مقرا بالظلم

والإساءة على نفسي، فانه لا حجة لي ولا عذر، فأسئلك يا
من هو كذلك أن تصلي على محمد وآله محمد، و أن تعطيني
مسألتني، وتقبلني عشرتي، وتقبلني برغبتني، ولا تردني مجبوها
ممنوعا ولا خائبا، يا عظيم يا عظيم يا عظيم، أرجوك
للعظيم، أسئلك يا عظيم أن تغفر لي الذنب العظيم، لا إله
إلا أنت .

ط - اگر به جهت ازدحام نتواند به هر زاویه برود،
رو به آن بایستد.

ی - در محل نمازش به خداوند متعال التماس کرده، و دعا نماید، و تکبیر بگوید.
ک - در وسط کعبه به سجده افتاده، و طبق روایت
از حضرت صادق علیه السلام بگوید:

" لا یرد غضبک إلا حلمک، ولا یجیر من عذابک إلا
رحمتک، ولا ینجی منک إلا التضرع الیک، فهب لی یا الهی
فرجا بالقدرة التي بها تحيي أموات العباد، وبها تنشر ميت
البلاد، ولا تهلكني يا إلهي حتى تستجيب لي دعائي،
وتعرفني الاجابة، اللهم ارزقني العافية إلى منتهى أجلي، ولا
تثمت بي عدوي، ولا تمكنه من عنقي، من ذا الذي يرفعني

إن وضعنتي، و من ذا الذي يضعني إن رفعتني، وإن أهلكتني
فمن ذا الذي يعرض لك في عبدك، ويسئلك في أمره، فقد
علمت يا الهي انه ليس في حكمك ظلم، ولا في نقيمتك
عجلة، وإنما يعجل من يخاف الفوت، ويحتاج إلى الظلم
الضعيف، وقد تعاليت يا الهي عن ذلك، الهي فلا تجعلني
للبلاء عرضاً، ولا لنقيمتك نصيباً، ومهلني ونفسي وأقلني
عثرتي ولا ترد يدي في نحري ولا تتبعني بلاء على اثر بلاء،
فقد ترى ضعفي وتضرعي اليك، ووحشتي من الناس وانسي
بك، وأعوذ بك اليوم فأعذني، وأستجير بك فأجرني،
وأستعين بك على الضراء فأعني، وأستنصرك فانصرني،
وأتوكل عليك فاكفني، واو من بك فأمني، وأستهديك
فاهدني، واسترحمك فارحمني، وأستغفرك مما تعلم فاغفر
لي، وأسترزقك من فضلك الواسع فارزقني، ولا حول ولا قوة
إلا بالله العلي العظيم."

ل - هنگام خروج از كعبه، سه بار تكبير بگويد.

م - طبق روایت از حضرت امام صادق علیه السلام
این دعا را بخواند:

" اللهم لا تجهد بلاءنا ربنا، ولا تشمت بنا أعداءنا،
فإنك أنت الضار النافع "

ن - به هنگام خروج، از سمت چپ خارج شود، و دو رکعت
نماز بگزارد.

استحباب نوشیدن آب زمزم

نوشیدن آب زمزم و سیراب کردن خود از آن مستحب است،
زیرا خداوند شفا را در آن قرار داده، و امراض را به وسیله آن از
انسان دور مگرداند، و موجب بر آورده شدن حاجات،
و رسیدن به آرزوهاست.

و بهترین خواسته برای بنده مؤمن طلب مغفرت از خداوند
متعال، و تقاضای رسیدن به رحمت الهی، و نجات از عذاب برزخ
و قیامت است.

و نیز مستحب است که از آب زمزم برداشته، و به دوستان خود
هدیه نماید، و خواستن آب زمزم از حجاج استحباب دارد،
و در روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم زمانی که در
مدینه بودند، از کسانی که از مکه مآمدند مسخواستند که از آب
زمزم به آن حضرت هدیه دهند.

و چه بسیار از علما که از آب زمزم برای توفیق در تحصیل علم،

و رفع امراض، و بر آورده شدن حوائج نوشیده، و به آرزوی خود رسیده‌اند.

مستحبات مکه مکرمه

- ۱ - پس از فارغ شدن از طواف حج، برای هر يك از والدین و همسر و فرزندان و نزدیکان و همشهریان خود يك طواف همراه نمازش به جا آورد، و میتواند از طرف همه يك طواف به جا آورد.
- ۲ - در مدتی که حاجی در مکه هست سیصد و شصت طواف به جا آورد، و اگر امکان ندارد سیصد و شصت و چهار شوط طواف کند که برابر پنجاه و دو طواف میشود، و اگر نمیتواند هر اندازه که امکان دارد طواف کند.
- ۳ - زیارت و خواندن نماز و دعا در محل ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم.
این محل در گذشته در یکی از کوچه‌های سوق اللیل قرار گرفته بود، و در وضع فعلی در مقابل میدان روبروی صفا و مروه قرار دارد، که به صورت کتابخانه‌ای تحت اشراف وزارت حج و اوقاف در آمده است.
- ۴ - ختم قرآن در مکه معظمه.
- ۵ - تصمیم بر آمدن مجدد به حج، که این تصمیم موجب طول

عمر است، همان گونه که تصمیم بر نیامدن، موجب کوتاهی عمر میشود.

۶ - آمدن به حطیم که بین درب کعبه و حجر الاسود است، و مکان توبه حضرت آدم علیه السلام میباشد، و در روایت است که این مکان از شریف ترین بقاع ارض است، پس در این مکان نماز بگزارد، و دعا کند، و به پرده کعبه دست آویزد، و در مستحار که در مقابل حطیم کنار رکن یمانی قرار دارد، نیز همین اعمال را انجام دهد.

۷ - آمدن به خانه حضرت خدیجه علیها السلام، که پس از تزویج با رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم آن حضرت با او در آن خانه زندگی مکرده، و در ضمن زادگاه حضرت فاطمه سلام الله علیها میباشد، و نیز محل وفات حضرت خدیجه علیها السلام است، که فعلا به صورت مسجد در آمده است.

۸ - رفتن به مسجد ارقم (راقم)، و نماز خواندن و دعا کردن در آن مسجد.

۹ - رفتن به غار حراء که در جبل النور است، و آن غاری است که رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم قبل از نبوت، در آن مکان خدا را عبادت مکرده، و محل نزول وحی بر آن حضرت است.

۱۰ - رفتن به غار ثور که در جبل الثور است، و آن کوهی است

که رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم در زمان هجرت به مدینه، از شر کفار در آن محل مخفی شدند.

۱۱ - زیارت قبر حضرت خدیجه علیها السلام در

قبرستان حجون:

" السلام عليك يا ام المؤمنين، السلام عليك يا زوجة سيد المرسلين، السلام عليك يا ام فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين، السلام عليك يا أول المؤمنات، السلام عليك يا من أنفقت مالها في نصرة سيد الانبياء، ونصرته ما استطاعت ودافعت عنه الاعداء، السلام عليك يا من سلم عليها جبرئيل، وبلغها السلام من الله الجليل، فهنيئا لك بما أولاك الله من فضل، والسلام عليك ورحمة الله وبركاته "

۱۲ - زیارت قبر حضرت ابو طالب علیه السلام

" السلام عليك يا سيد البطحاء وابن رئيسها، السلام عليك يا وارث الكعبة بعد تأسيسها، السلام عليك يا كافل الرسول وناصره، السلام عليك يا عم المصطفى وأبا المرتضى، السلام عليك يا بيضة البلد، السلام عليك أيها الذاب عن الدين، والباذل نفسه في نصرة سيد المرسلين، السلام عليك وعلى

ولذلك أمير المؤمنين ورحمة الله وبركاته ".
١٣ - زيارت قبر حضرت عبد مناف جد پیامبر اکرم صلی الله علیه
وآله و سلم

" السلام عليك أيها السيد النبيل، السلام عليك أيها
الغصن المثمر من شجرة إبراهيم الخليل، السلام عليك يا
جد خير الورى، السلام عليك يا بن الانبياء الاصفياء، السلام
عليك يا بن الاوصياء الاولياء، السلام عليك يا سيد الحرم،
السلام عليك يا وارث مقام إبراهيم، السلام عليك يا صاحب
بيت الله العظيم، السلام عليك وعلى آباءك الطاهرين ورحمة
الله وبركاته ".

١٤ - زيارت قبر حضرت عبد المطلب عليه السلام، جد پیامبر
اکرم صلی الله علیه وآله و سلم

" السلام عليك يا سيد البطحاء، السلام عليك يا من ناداه
هاتف الغيب بأكرم نداء، السلام عليك يا بن إبراهيم
الخليل، السلام عليك يا وارث الذبيح إسماعيل، السلام عليك
يا من أهلك الله بدعائه أصحاب الفيل، وجعل كيدهم في
تضليل، وأرسل عليهم طيرا أبابيل، ترميهم بحجارة من

سجّل، فجعلهم كعصف مأكول، السلام عليك يا من تضرع
في حاجاته إلى الله، وتوسل في دعائه بنور رسول الله صلى الله
عليه وآله و سلم السلام عليك يا من استجاب الله دعائه،
ونودي في الكعبة، وبشر بالاجابة في دعائه، وأسجد الله
الفيل إكراما وإعظاما له، السلام عليك يا من أنبع الله له الماء
حتى شرب وارتوى في الارض القفراء، السلام عليك يا بن
الذبيح وأبا الذبيح، السلام عليك يا ساقى الحجيج وحافر
زمزم، السلام عليك يا من جعل الله من نسله سيد المرسلين
و خير أهل السموات والارضين، السلام عليك يا من طاف
حول الكعبة وجعله سبعة أشواط، السلام عليك يا من رأى في
المنام سلسلة النور وعلم أنه من أهل الجنة، السلام عليك يا
شبية الحمد، السلام عليك وعلى آباءك وأجدادك وأبناءك
جميعا ورحمة الله وبركاته "

١٥ - زيارت قبر حضرت آمنه بنت وهب، مادر پیامبر اکرم صلی
الله علیه وآله و سلم

" السلام عليك أيتها الطاهرة المطهرة، السلام عليك يا من
خصها الله بأعلى الشرف، السلام عليك يا من سطع من

جبينها نور سيد الانبياء، فأضاءت به الارض والسماء، السلام عليك يا من نزلت لاجلها الملائكة، وضربت لها حجب الجنة، السلام عليك يا من نزلت لخدمتها الحور العين، وسقيناها من شراب الجنة، وبشرناها بولادة خير الانبياء، السلام عليك يا ام رسول الله، السلام عليك يا ام حبيب الله، فهنيئا لك بما آتاك الله من فضل، والسلام عليك وعلى رسول الله صلى الله عليه وآله، ورحمة الله وبركاته."

١٦ - زيارت قبر حضرت قاسم، فرزند پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله و سلم " السلام عليك يا سيدنا يا قاسم بن رسول الله، السلام عليك يا بن نبى الله، السلام عليك يا بن حبيب الله، السلام عليك يا بن المصطفى، السلام عليك وعلى من حولك من المؤمنين والمؤمنات، رضى الله تعالى عنكم وارضاكم احسن الرضا، وجعل الجنة منزلکم ومسکنکم ومأویکم، السلام علیکم ورحمة الله وبركاته.

١٧ - زيارت و نماز خواندن و دعا کردن فراوان در مسجد غدیر خم، که بین راه مدینه و مکه است، و در این محل بر پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله و سلم آیه شریفه:

(يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك وان لم تفعل
فما بلغت رسالته).

نازل گردید، و آن حضرت مأمور به نصب حضرت
امیر المؤمنین علی علیه السلام برای امامت پس از خود، و اخذ بیعت
از مردم برای آن حضرت گردید.

و پس از بیعت، این آیه شریفه بر آن حضرت نازل گردید:

(اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي

ورضيت لكم الإسلام ديناً).

و رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم پس از نزول این آیه فرمود:

"خدا بزرگ است، و ستایش بر او است، که دین خود را کامل

کرد، و نعمت خود را تمام، و از آن راضی گشت، و ولایت

را اختصاص به حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام داد."

مستحبات و داع کعبه

برای وداع کعبه مستحبات فراوانی است که به بعض آنها

اشاره میشود:

۱ - مقداری خرما خریده، و مشت مشت به فقرا صدقه دهد،

تا کفاره احتمالی بعض از تروك احرام که از روی غفلت

انجام داده است، قرار گیرد.

۲ - طواف وداع، که در آن رکن حجر و رکن یمانی را در صورت امکان در هر شوط استلام نماید، و إلا فقط در ابتدا و اختتام طواف استلام کند.

۳ - به مستحار بیاید، و دعای روز ورود به مکه را که اختصاص به این مکان داشت بخواند، و بسیار دعا کند.

۴ - استلام حجر کرده، و شکم خود را به بیت بچسباند.

۵ - حمد و ثنای حق را بجا آورده، و بر پیامبر اکرم و خاندانش صلوات الله عليهم اجمعین درود بفرستد، و بگوید:

" اللهم صل على محمد عبدك ورسولك، ونبيك
و أمينك، وحببيك ونجيك، وخيرتك من خلقك، اللهم
كما بلغ رسالاتك، وجاهد في سبيلك، وصدع بأمرك،
واوذي فيك وفي جنبك حتى آتية اليقين، اللهم اقلبني
منجحا مفلحا مستجابا لي، بأفضل ما يرجع به أحد من
وفدك من المغفرة والبركة والرضوان والعافية، فيما يسعني أن
أطلب أن تعطيني مثل الذي أعطيته أفضل من عبدك،
وتزيدني عليه، اللهم لا تجعله آخر العهد من بيتك، اللهم
إني عبدك و ابن عبدك وابن أمتك، حملتني على دابتك،
وسيرتني في بلادك، حتى ادخلتني حرمك وأمنك، وقد كان

في حسن ظني بك أن تغفر لي ذنوبي، فان كنت قد غفرت
ذنوبي فازدد عني رضى، وقربني اليك زلفى، ولا تباعدني،
وإن كنت لم تغفر لي فمن الآن فاغفر لي قبل أن تنأى عن
بيتك داري، فهذا أوان انصرافي، إن كنت قد أذنت لي غير
راغب عنك ولا عن بيتك، ولا مستبدل بك ولا به، اللهم
احفظني من بين يدي وعن خلفي وعن يميني وعن شمالي،
حتى تبلغني أهلي، فإذا بلغتني أهلي فاكفني مؤنة عيالي،
فإنك ولي ذلك من خلقك ومني .

۶ - به چاه زمزم برود، و از آن بنوشد، ولی به سر نریزد،
و سپس بگوید:

" آئبون تائبون عابدون لربنا حامدون إلى ربنا منقلبون
راغبون، إلى ربنا راجعون إن شاء الله ."

۷ - به مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) رفته، و پشت مقام
دو رکعت نماز بخواند.

۸ - به ملتزم رفته، و شکم را برهنه کند، و به اندازه مدت هفت
و یا هشت شوط در آنجا بماند.

۹ - به طرف حجر الاسود آید و آن را بیوسد، و مسح کرده
و به صورت بکشد.

- ۱۰ - به درب خانه کعبه آمده، و دستش را روی آن قرار دهد، و بگوید:
"المسكين على بابك، فتصدق عليه بالجنة".
- ۱۱ - در مقابل درب مسجد، سجده طولانی به جا آورد، و سپس بر قدمها بایستد، و رو به کعبه بگوید:
"اللهم إني أنقلب على لا إله إلا الله".
- ۱۲ - از باب حناطین خارج شود.

دعاى شب عرفه
" اللهم يا شاهد كل نجوى، و موضع كل شكوى، وعالم
كل خفية، ومنتهى كل حاجة، يا مبتدئا بالنعيم على العباد، يا
كريم العفو، يا حسن التجاوز، يا جواد، يا من لا يوارى منه
ليل داج، ولا بحر عجاج، ولا سماء ذات ابراج، ولا ظلم ذات
ارتياح، يا من الظلمة عنده ضياء، اسئلك بنور وجهك
الكريم، الذي تجليت به للجبل، فجعلته دكا و خر موسى
صعقا، وباسمك الذي رفعت به السموات بلا عمد،
وسطحت به الارض على وجه ماء جمد، وباسمك المخزون
المكنون المكتوب الطاهر الذي اذا دعيت به اجبت، واذا
سئلت به اعطيت، وباسمك السبوح القدوس البرهان الذي
هو نور على كل نور، ونور من نور، يضيء منه كل نور، اذا
بلغ الارض انشقت، واذا بلغ السموات فتحت، واذا بلغ
العرش اهتز، وباسمك الذي ترتعد منه فرائص ملائكتك،
واسئلك به حق جبرئيل و ميكائيل واسرافيل، وبحق محمد
المصطفى صلى الله عليه وآله وعلى جميع الانبياء و جميع

الملائكة، وبالإسم الذي مشى به الخضر على طلل الماء كما
مشى به على جدد الأرض، وبإسمك الذي فلقت به البحر
لموسى، واغرقت فرعون وقومه، وانجيت به موسى بن عمران
و من معه، وبإسمك الذي دعاك موسى بن عمران من جانب
الطور الايمن، فاستجبت له والقيت عليه محبة منك،
وبإسمك الذي به احيى عيسى بن مريم الموتى، وتكلم فى
المهد صبيا، وابرء الاكمه والابرس باذنك، وبإسمك الذى
دعاك به حملة عرشك و جبرئيل و ميكائيل واسرافيل،
وحبيبك محمد صلى الله عليه وآله، وملائكتك المقربون،
وانبيائك المرسلون، وعبادك الصالحون من اهل السموات
والارضين، وبإسمك الذي دعاك به ذوالنون اذ ذهب مغاضبا
فظن ان لن تقدر عليه فنادى فى الظلمات ان لا إله إلا انت
سبحانك، انى كنت من الظالمين، فاستجبت له ونجيته من
الغم، وكذلك تنجي المؤمنين، وبإسمك العظيم الذي دعاك
داوود و خر لك ساجدا، فغفرت له ذنبه، وبإسمك الذي
دعتك به آسية امراة فرعون اذ قالت رب ابن لي عندك بيتا فى
الجنة ونجني من فرعون وعمله ونجني من القوم الظالمين،

فاستجبت لها دعاءها، وباسمك الذي دعاك به ايوب اذ حل به
البلاء، فعافيته وآتيته اهله ومثلهم معهم رحمة من عندك
و ذكرى للعابدين، وباسمك الذي دعاك به يعقوب، فرددت
عليه بصره وقرّة عينه يوسف، وجمعت شمله، وباسمك الذي
دعاك به سليمان، فوهبت له ملكا لا ينبغي لاحد من بعده،
انك انت الوهاب، وباسمك الذي سخرت به البراق لمحمد
صلى الله عليه وآله وسلم، اذ قال تعالى: (سبحان الذي
اسرى بعبده ليلا من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى)،
وقوله: (سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين وانا الى
ربنا لمنقلبون)، وباسمك الذي تنزل به جبرئيل على محمد
صلى الله عليه وآله، وباسمك الذي دعاك به آدم، فغفرت له
ذنبه واسكنته جنتك، واسئلك به حق القرآن العظيم، وبحق
محمد خاتم النبيين، وبحق ابراهيم وبحق فصلك يوم
القضاء، وبحق الموازين اذا نصبت، والصحف اذا نشرت،
وبحق القلم و ما جرى واللوح و ما احصى، وبحق الاسم الذي
كتبته على سرادق العرش قبل خلقك الخلق والدنيا والشمس
والقمر بالفى عام، و اشهد ان لا إله الا الله وحده لا شريك له،

وان محمدا عبده ورسوله، واسئلك باسمك المخزون في
خزائنك الذي استاثرت به في علم الغيب عندك، لم يظهر
عليه احد من خلقك، لا ملك مقرب ولا نبي مرسل ولا عبد
مصطفى، واسئلك باسمك الذي شققت به البحار، وقامت به
الجبال، واختلف به الليل والنهار، وبحق السبع المثاني
والقرآن العظيم، وبحق الكرام الكاتبين، وبحق طه ويس
وكهيعص وحمعسق، وبحق تورية موسى، و انجيل عيسى،
و زبور داوود، وفرقان محمد، صلى الله عليه وآله وعلى جميع
الرسل و باهيا شراھيا.

اللهم اني اسئلك به حق تلك المناجات التي كانت بينك
و بين موسى بن عمران فوق جبل طور سيناء، واسئلك باسمك
الذي علمته ملك الموت لقبض الارواح، واسئلك باسمك
الذي كتب على ورق الزيتون، فحضعت النيران تلك الورقة،
فقلت: (يا نار كوني بردا وسلاما)، واسئلك باسمك الذي
كتبته على سرادق المجد والكرامة، يا من لا يحفيه سائل ولا
ينقصه نائل، يا من به يستغاث واليه يلجأ، اسئلك بمعاقد العز
من عرشك، ومنتھى الرحمة من كتابك، وباسمك الأعظم

وجدك الاعلى، وكلماتك التامات العلى، اللهم رب الرياح
و ما ذرت، والسماء و ما اظلت، والارض و ما اقلت، والشياطين
و ما اضلت، والبحار و ما جرت، وبحق كل حق هو عليك
حق، وبحق الملائكة المقربين والروحانيين والكروبيين
والمسيحين لك بالليل والنهار لا يفترن، وبحق ابراهيم
خليلك، وبحق كل ولى يناديك بين الصفا والمروة،
وتستجيب له دعاءه يا مجيب، اسئلك به حق هذه الاسماء
وبهذه الدعوات ان تغفر لنا ما قدمنا و ما اخرنا و ما اسررنا و ما
اعلنا و ما ابدينا و ما اخفينا و ما انت اعلم به منا، انك على كل
شيء قدير، برحمتك يا ارحم الراحمين.
يا حافظ كل غريب، يا مونس كل وحيد، يا قوة كل
ضعيف، يا ناصر كل مظلوم، يا رازق كل محروم، يا مؤنس
كل مستوحش، يا صاحب كل مسافر، يا عماد كل حاضر،
يا غافر كل ذنب وخطيئة، يا غياث المستغيثين، يا صريخ
المستصرخين، يا كاشف كرب المكروبين، يا فارح هم
المهمومين، يا بديع السموات والارضين، يا منتهى غاية
الطالبين، يا مجيب دعوة المضطرين، يا ارحم الراحمين، يا

رب العالمين، يا ديان يوم الدين، يا اجود الاجودين، يا اكرم
الاکرمين، يا اسمع السامعين، يا ابصر الناظرين، يا اقدر
القادرين، اغفر لي الذنوب التي تغير النعم، واغفر لي الذنوب
التي تورث الندم، واغفر لي الذنوب التي تورث السقم،
واغفر لي الذنوب التي تهتك العصم، واغفر لي الذنوب التي
ترد الدعاء، واغفر لي الذنوب التي تحبس قطر السماء، واغفر
لي الذنوب التي تعجل الفناء، واغفر لي الذنوب التي تجلب
الشقاء، واغفر لي الذنوب التي تظلم الهواء، واغفر لي
الذنوب التي تكشف الغطاء، واغفر لي الذنوب التي لا يغفرها
غيرك يا الله، واحمل عني كل تبعة لاحد من خلقك، واجعل
لي من امري فرجا ومخرجا ويسرا، وانزل يقينك في صدري،
ورجاءك في قلبي، حتى لا ارجو غيرك.
اللهم احفظني، وعافني في مقامي، واصحبني من ليلي
ونهارى و من بين يدي و من خلفي وعن يميني وعن شمالي
و من فوقى و من تحتي، ويسر لي السبيل، واحسن لي
التيسير، ولا تخذلني في العسير، واهدني يا خير دليل، ولا
تكلني الى نفسي فى الامور، ولقنى كل سرور، واقلبني الى

اهلي بالفلاح والنجاح محبورا في العاجل والآجل، انك على كل شيء قدير، وارزقني من فضلك، واوسع علي من طيبات رزقك، واستعملني في طاعتك، واجرني من عذابك ونارك، واقلبني اذا توفيتني الى جنتك برحمتك، اللهم اني أعوذ بك من زوال نعمتك، و من تحويل عافيتك، و من حلول نقمتك، و من نزول عذابك، واعوذ بك من جهد البلاء، و درك الشقاء، و من سوء القضاء وشماتة الاعداء، و من شر ما ينزل من السماء، و من شر ما في الكتاب المنزل.

اللهم لا تجعلني من الاشرار، ولا من اصحاب النار، ولا تحرمني صحبة الاخيار، واحيني حياة طيبة، وتوفني وفاة طيبة تلحقني بالابرار، وارزقني مرافقة الانبياء في مقعد صدق عند مليك مقتدر.

اللهم لك الحمد على حسن بلاءك وصنعك، ولك الحمد على الاسلام، واتباع السنة، يا رب كما هديتهم لدينك، وعلمتهم كتابك، فاهدنا وعلمنا، ولك الحمد على حسن بلاءك، وصنعك عندي خاصة، كما خلقتني فاحسنت خلقي، وعلمتني فاحسنت تعليمي، وهديتني فاحسنت

هدايتي، فلك الحمد على انعامك علي قديما وحديثا، فكم
من كرب يا سيدي قد فرجته، وكم من غم يا سيدي قد
نفسته، وكم من هم يا سيدي قد كشفته، وكم من بلاء يا
سيدي قد صرفته، وكم من عيب يا سيدي قد سترته، فلك
الحمد على كل حال في كل مثنوى وزمان، ومنقلب ومقام،
وعلى هذه الحال وكل حال.

اللهم اجعلني من افضل عبادك نصيبا في هذا اليوم، من
خير تقسمه، او ضر تكشفه، او سوء تصرفه، او بلاء تدفعه،
او خير تسوقه، او رحمة تنشرها، او عافية تلبسها، فانك على
كل شيء قدير، وبيدك خزائن السموات والارض، وانت
الواحد الكريم المعطي الذي لا يرد سائله، ولا يخيب آمله،
ولا ينقص نائله، ولا ينفد ما عنده، بل يزداد كثرة وطيبا وعطاء
وجودا، وارزقني من خزائنك التي لا تفنى، و من رحمتك
الواسعة، ان عطاءك لم يكن محظورا، وانت على كل شيء
قدير، برحمتك يا ارحم الراحمين ."

و نیز قرائت این دعا در شب عرفه مستحب است:
" اللهم من تعباً و تهيأ و أعد و استعد لوفادة إلى مخلوق،
رجاء رفته و طلب نائله و جائزته، فإليك يا رب تعبיתי
و استعدادي، رجاء عفوك، و طلب نائلك و جائزتك، فلا
تخيب دعائي، يا من لا يخيب عليه سائل (السائل) ولا
ينقصه نائل، فإنني لم آتك ثقة به عمل صالح عملته، ولا لوفادة
مخلوق رجوته، اتيتك مقرا على نفسي بالإساءة و الظلم،
معتزفا بأن لا حجة لي ولا عذر، أتيتك ارجو عظيم عفوك،
الذي عفوت (علوت) به عن (على) الخاطئين (الخطائين)،
فلم يمنعك طول عكوفهم على عظيم الجرم، أن عدت
عليهم بالرحمة، فيامن رحمته واسعة و عفوه عظيم، يا عظيم يا
عظيم يا عظيم، لا يرد غضبك إلا حلمك، ولا ينجي من
سخطك إلا التضرع إليك، فهب لي يا إلهي فرجا بالقدرة التي
تحيي بها ميت البلاد، ولا تهلكني غما حتى تستجيب لي،
و تعرفني الإجابة في دعائي، و أذقني طعم العافية إلى منتهى
أجلي و لا تشمت بي عدوي، و لا تسلطه علي، و لا تمكنه

من عنقي .
اللهم (إلهي) إن وضعتني فمن ذا الذي يرفعني، وإن
رفعتني فمن ذا الذي يضعني، وإن اهلكني فمن ذا الذي
يعرض لك في عبدك، أو يسئلك عن امره، وقد علمت انه
ليس في حكمك ظلم، ولا في نعمتك عجلة، وإنما يعجل
من يخاف الفوت، وإنما يحتاج إلى الظلم الضعيف، وقد
تعاليت يا إلهي عن ذلك علوا كبيرا، اللهم إني أعوذ بك
فاعذني، واستجير بك فاجرني، واسترزقك فارزقني، و
اتوكل عليك فاكفني، واستنصرك على عدوي (عدوك)
فانصرني، واستعين بك فاعني، واستغفرك يا إلهي فاغفر لي،
أمين أمين أمين.

بقیه اعمال عرفه

۱ - خواندن دعایی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم)، طبق روایت حضرت صادق (علیه السلام) به حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) آموخت، و فرمود: این دعایی است که انبیاء قبل از من آن را میخوانده‌اند و آن دعا این است: " لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، يحيي ويميت، ويميت ويحيي، وهو حي لا يموت، بيده الخير، وهو على كل شيء قدير، اللهم لك الحمد كما تقول و خير ما تقول و فوق ما يقول القائلون، اللهم لك صلاتي و نسكي و ديني و محياي و مماتي، و لك تراثي، و بك حولي، و منك قوتي، اللهم إني أعوذ بك من الفقر و وساوس الصدور (الصدر خ ل)، و من شتات الامر، و من عذاب القبر، اللهم إني أسئلك خير الرياح، و أسئلك خير الليل و النهار، اللهم اجعل لي في قلبي نورا، و في سمعي و بصري نورا، و في لحمي و عظامي و دمي و عروقي و مقعدي و مقامي و مدخلي و مخرجي نورا، و أعظم لي نورا يا ربي يوم ألقاك، إنك على كل شيء قدير ". "

دعای حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه
 بشر و بشیر فرزندان غالب مگویند: در عرفه خدمت حضرت
 امام حسین (علیه السلام) بودیم، آن حضرت با اهل بیت و فرزندان
 و پیروانش از خیمه خارج شده، و در دامنه کوه، زیر آسمان،
 روی پا ایستاده بود، و در حالی که دستها را مقابل صورت گرفته
 بود، با خشوع و خضوع کامل، خداوند متعال را چنین منخواند:
 الحمد لله الذي ليس لقضاءه دافع، ولا لعطاءه مانع، ولا
 كصنعه صنع صانع، وهو الجواد الواسع، فطر اجناس
 البدائع، واتقن بحكمته الصنائع، لا تخفى عليه الطلائع، ولا
 تضيع عنده الودائع، جازي كل صانع، ورائش كل قانع،
 وراحم كل ضارع، و منزل المنافع، والكتاب الجامع بالنور
 الساطع، وهو للدعوات سامع، وللكربات دافع، وللدرجات
 رافع، وللجبابرة قانع، فلا إله غيره ولا شيء يعدله، وليس
 كمثلته شيء، وهو السميع البصير اللطيف الخبير، وهو على
 كل شيء قدير.
 اللهم اني ارغب اليك، و اشهد بالربوبية لك، مقرا بانك

ربي، وان اليك مردى، ابتداتني بنعمتك قبل ان اكون شيئاً
مذكوراً، وخلقنتني من التراب ثم اسكنتني الاصلاب، آمننا
لريب المنون، واختلاف الدهور والسنين، فلم ازل ظاعنا من
صلب الى رحم في تقادم من الايام الماضية والقرون الخالية،
لم تخرجني لرأفتك بي، ولطفك لي، واحسانك الى في دولة
ائمة الكفر، الذين نقضوا عهدك، وكذبوا رسلك، لكنك
اخرجتني للذي سبق لي من الهدى الذي له يسرتني، وفيه
انشاتني، و من قبل ذلك رؤفت بي، بجميل صنعك وسوابغ
نعمك، فابتدعت خلقي من مني يمني، واسكنتني في
ظلمات ثلاث، بين لحم و دم وجلد، لم تشهدني خلقي، و لم
تجعل الى شيئاً من امري، ثم اخرجتني للذي سبق لي من
الهدى الى الدنيا تاما سويا، وحفظتني في المهد طفلاً صيباً،
ورزقتني من الغذاء لبنا مرياً، وعطفت علي قلوب الحواضن،
وكفلتني الامهات الرواحم، وكلاتني من طوارق الجان،
وسلمتني من الزيادة والنقصان، فتعاليت يا رحيم يا رحمن،
حتى اذا استهللت ناطقا بالكلام، اتممت على سوابغ الانعام،
وربيتني زايداً في كل عام، حتى اذا اكتملت فطرتي،

واعتدلت مرتي، اوجبت علي حجتك بان الهممتي معرفتك،
وروعنتي بعجائب حكمتك، وايقظتني لما ذرات في سماءك
وارضك من بدائع خلقك، ونبهتني لشكرك وذكرك، واوجبت
علي طاعتك وعبادتك، وفهمتني ما جاءت به رسلك،
ويسرت لي تقبل مرضاتك، ومننت علي في جميع ذلك
بعونك ولطفك، ثم اذ خلقتني من خير الثرى، ولم ترض لي يا
الهي نعمة دون اخرى، ورزقتني من انواع المعاش وصنوف
الرياش، بمنك العظيم الاعظم علي، واحسانك القديم الي،
حتى اذا اتممت علي جميع النعم، وصرفت عني كل النقم،
لم يمنعك جهلي وجراتي عليك اذ دللتني الي ما يقربني
اليك، ووقفقتني لما يزلفني لديك، فان دعوتك اجبتني وان
سئلتك اعطيتني، وان اطعتك شكرتني، وان شكرتك زدتني،
كل ذلك اكمال لا نعمك علي، واحسانك الي، فسبحانك
سبحانك من مبدىء معيد حميد مجيد، وتقديست اسمائك،
وعظمت آلاؤك، فاي نعمك يا الهي احصي عددا وذكرا، ام
اي عطاياك اقوم بها شكرا، وهي يا رب اكثر من ان يحصيها
العادون، او يبلغ علما بها الحافظون، ثم ما صرفت ودرات

عني .
اللهم من الضر والضراء اكثر مما ظهر لي من العافية
والسراء، وانا اشهد يا الهي بحقيقة ايماني، وعقد عزمات
يقيني، وخالص صريح توحيدي، وباطن مكنون ضميري،
وعلائق مجاري نور بصري، واسارير صفحة جيبني، وخرق
مسارب نفسي، وخذاريف مارن عرنيني، ومسارب سماخ
سمعي، وما ضمت واطبقت عليه شفتاي، وحركات لفظ
لساني، ومغرز حنك فمي وفكي، ومنابت اضراسي، ومساغ
مطعمي ومشربي، وحمالة ام راسي، وبلوغ فارغ حبائل
عنقي، وما اشتمل عليه تامور صدري، وحمائل حبل وتيني،
ونياط حجاب قلبي، وافلاذ حواشي كبدي، وما حوته
شراسيف اضلاعي، وحقاق مفاصلي، وقبض عواملي،
واطراف اناملي، ولحمي، ودمي، وشعري، وبشري،
وعصبي، وقصبي، وعظامي، ومخي، وعروقي، وجميع
جوارحي، وما انتسج على ذلك ايام رضاعي، وما اقلت
الارض مني، ونومي، ويقظتي، وسكوني، وحركات ركوعي
وسجودي، ان لو حاولت واجتهدت مدى الاعصار

والاحقاب لو عمرتها ان اؤدي شكر واحدة من انعمك ما
استطعت ذلك الا بمنك، الموجب على به شكرك ابدا
جديدا، وثناءا طارفا عتيدا، اجل، ولو حرصت انا والعادون
من انامك ان نحصى مدى انعامك سالفه وآنفه ما حصرناه
عددا، ولا احصيناه امدا، هيهات اني ذلك، وانت المخبر في
كتابك الناطق، والنبا الصادق (وان تعدوا نعمة الله لا
تحصوها)، صدق كتابك اللهم وانباؤك، وبلغت انباؤك
ورسلك ما انزلت عليهم من وحيك، وشرعت لهم وبهم من
دينك، غير اني يا الهي اشهد بجهدك وجدي، ومبلغ طاعتي
ووسعي، واقول مؤمنا موقنا: الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا
فيكون موروثا، و لم يكن له شريك في ملكه فيضاده فيما
ابتدع، ولا ولي من الذل فيرفده فيما صنع، فسبحانه
سبحانه، لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا وتفطرتا، سبحان
الله الواحد الاحد الصمد الذي لم يلد و لم يولد، و لم يكن له
كفوا احد، الحمد لله حمدا يعادل حمد ملائكته المقربين،
وانبيائه المرسلين، و صلى الله على خيرته محمد خاتم النبيين
وآله الطيبين الطاهرين المخلصين و سلم.

سپس شروع به درخواست های خود از خداوند نمود، و در دعا
اهتمام مورزید، و در حالی که مگریست، مگفت:
اللهم اجعلني اخشاك كاني اراك، واسعدني بتقويك، ولا
تشقني بمعصيتك، وأخر لي في قضاءك، وبارك لي في
قدرك، حتى لا احب تعجيل ما اخرت، ولا تأخير ما عجلت.
اللهم اجعل غناى في نفسي، واليقين في قلبي،
والاخلاص في عملي، والنور في بصري، والبصيرة في
ديني، وامتعني بجوارحي، واجعل سمعي وبصري الوارثين
مني، وانصرني على من ظلمني، وارنى فيه ثاري وما ربي،
واقر بذلك عيني.
اللهم اكشف كربتي، وستر عورتى، واغفر لي خطيئتي،
واخسا شيطانى، وفك رهاني، واجعل لي يا الهي الدرجة
العليا في الآخرة والاولى.
اللهم لك الحمد كما خلقتني فجعلتني سميعا بصيرا،
ولك الحمد كما خلقتني فجعلتني خلقا سويا رحمة بي، وقد
كنت عن خلقي غنيا.
رب بما براتني فعدلت فطرتي، رب بما انشأتني

فاحسنت صورتني، رب بما احسنت الي وفي نفسي عافيتني،
رب بما كلاتني ووقفنتني، رب بما انعمت على فهديتني،
رب بما اوليتني و من كل خير اعطيتني، رب بما اطعمتني
وسقيتني، رب بما اغنيتني واقنيتني، رب بما اعنتني
واعززتني، رب بما البستني من سترك الصافي، ويسرت لي
من صنعك الكافي، صل على محمد و آل محمد، واعني على
بوائق الدهور وصروف الليالي والايام، ونجني من احوال الدنيا
وكربات الآخرة، واكفني شر ما يعمل الظالمون في الارض.
اللهم ما اخاف فاكفني، و ما احذر فقني، وفي نفسي
وديني فاحرسني، وفي سفري فاحفظني، وفي اهلي ومالي
فاخلفني، وفيما رزقتني فبارك لي، وفي نفسي فذللي، وفي
أعين الناس فعظمني، و من شر الجن والانس فسلمني،
وبذنوبي فلا تفضحني، وبسريرتي فلا تخزني، وبعملي فلا
تبتلني، ونعمك فلا تسلبني، والى غيرك فلا تكلني.
الهي الى من تكلني، الى قريب فيقطعني، ام الى بعيد
فيتجهمني، ام الى المستضعفين لي، وانت ربي ومليك
امري، اشكو اليك غربتي و بعد داري، وهواني على من ملكته

امري.
الهي فلا تحلل على غضبك، فان لم تكن غضبت على
فلا ابالي سواك، سبحانك غير ان عافيتك اوسع لي، فاسئلك
يا رب بنور وجهك الذي اشرقت له الارض والسموات،
وكشفت به الظلمات، واصلح به امر الاولين والآخرين، ان لا
تميتني على غضبك، ولا تنزل بي سخطك، لك العتبي حتى
ترضى قبل ذلك، لا اله الا انت، رب البلد الحرام، والمشعر
الحرام، والبيت العتيق، الذي احللته البركة، وجعلته للناس
امنا، يا من عفا عن عظيم الذنوب بحلمه، يا من اسبغ
النعماء بفضله، يا من اعطى الجزيل بكرمه، يا عدتي في
شدتي، يا صاحبي في وحدتي، يا غياثي في كربتي، يا وليي
في نعمتي.

يا الهي واله آباءى ابراهيم واسماعيل واسحق ويعقوب
ورب جبرئيل و ميكائيل واسرافيل، ورب محمد خاتم النبيين
وآله المنتجبين، ومنزل التوراة والانجيل والزبور والفرقان،
ومنزل كهيعص وطه ويس والقرآن الحكيم، انت كهفي حين
تعينني المذاهب في سعتها، وتضيق بي الارض برحبها، ولولا

رحمتك لكنت من الهالكين، وانت مقيل عثرتي، ولولا سترك
اياي لكنت من المفضوحين، وانت مؤيدي بالنصر على
اعدائي، ولولا نصرك اياي لكنت من المغلوبين.
يا من خص نفسه بالسمو والرفعة، فاولياءه بعزه يعتزون،
يا من جعلت له الملوك نير المذلة على اعناقهم، فهم من
سطواته خائفون، يعلم خائنة الاعين وما تخفى الصدور،
وغيب ما تاتي به الازمنة والدهور، يا من لا يعلم كيف هو الا
هو، يا من لا يعلم ما هو الا هو، يا من لا يعلمه الا هو، يا من
كبس الارض على الماء، وسد الهواء بالسماء، يا من له اكرم
الاسماء، يا ذا المعروف الذي لا ينقطع ابدا، يا مقيض الركب
ليوسف في البلد القفر، ومخرجه من الجب، وجاعله بعد
العبودية ملكا، يا را ده على يعقوب بعد ان ابيضت عيناه من
الحزن فهو كظيم، يا كاشف الضر والبلوى عن ايوب، ويا
ممسك يدي ابراهيم عن ذبح ابنه بعد كبر سنه وفناء عمره، يا
من استجاب لذكرى فوهب له يحيى، ولم يدعه فردا وحيدا،
يا من اخرج يونس من بطن الحوت، يا من فلق البحر لبني
اسرائيل فانجيتهم، وجعل فرعون وجنوده من المغرقين، يا من

ارسل الرياح مبشرات بين يدي رحمته يا من لم يجعل على من
عصاه من خلقه، يا من استنقذ السحرة من بعد طول
الجحود، وقد غدوا في نعمته يأكلون رزقه ويعبدون غيره،
وقد حادوه ونادوه وكذبوا رسله.
يا الله يا الله يا بديء، يا بديعا لا ند لك، يا دائما لا نفاذ
لك، يا حيا حين لا حي، يا محيي الموتى، يا من هو قائم
على كل نفس بما كسبت، يا من قل له شكري فلم يحرمني،
وعظمت خطيئتي فلم يفضحني، ورآني على المعاصي فلم
يشهرني، يا من حفظني في صغري، يا من رزقني في كبري،
يا من اياديه عندي لا تحصي، ونعمه لا تجازي، يا من
عارضني بالخير والاحسان وعارضته بالاساءة والعصيان، يا من
هداني بالايمان من قبل ان اعرف شكر الامتنان، يا من دعوته
مريضا فشفاني، وعريانا فكساني، وجائعا فاشبعني،
وعطشانا فارواني، وذليلا فاعزني، وجاهلا فعرفني، ووحيداً
فكثرتني، وغائباً فردني، ومقلاً فاعانني، ومنتصراً فنصرني،
وغنيا فلم يسلبني، وامسكت عن جميع ذلك فابتدأني، فلك
الحمد والشكر، يا من اقال عثرتي، ونفس كربتي واجاب

دعوتي، وستر عورتتي، وغفر ذنوبي، وبلغني طلبتي،
ونصرتني على عدوي، وان اعد نعمك ومننك وكرائم منحك
لا احصيها.

يا مولاي، انت الذي مننت، انت الذي انعمت، انت
الذي احسنت، انت الذي اجملت، انت الذي افضلت، انت
الذي اكملت، انت الذي رزقت، انت الذي وفققت، انت
الذي اعطيت، انت الذي اغنيت، انت الذي اقنيت، انت
الذي آويت، انت الذي كفيت، انت الذي هديت، انت
الذي عصمت، انت الذي سترت، انت الذي غفرت، انت
الذي اقلت، انت الذي مكنت، انت الذي اعززت، انت
الذي اعنت، انت الذي عضدت، انت الذي ايدت، انت
الذي نصرت، انت الذي شفيت، انت الذي عافيت، انت
الذي اكرمت، تباركت وتعاليت، فلك الحمد دائما، ولك
الشكر واصبا ابدا.

ثم انا يا الهي المعترف بذنوبي فاغفرها لي، انا الذي
اسأت، انا الذي اخطأت، انا الذي هممت، انا الذي
جهلت، انا الذي غفلت، انا الذي سهوت، انا الذي

اعتمدت، انا الذي تعمدت، انا الذي وعدت وانا الذي
اخلفت، انا الذي نكثت، انا الذي اقررت، انا الذي اعترفت
بنعمتك على وعندي، وابوء بذنوبي فاغفرها لي، يا من لا
تضره ذنوب عباده، وهو الغنى عن طاعتهم، والموفق من
عمل صالحا منهم بمعونته ورحمته، فلك الحمد الهى
وسيدي.

الهى امرتنى فعصيتك، ونهيتنى فارتكبت نهيك،
فاصبحت لاذن برائة لي فاعتذر، ولا ذا قوة فانتصر، فباي شيء
استقبلك يا مولاي، اسمعنى ام ببصري ام بلسانى ام بيدي ام
برجلي، اليس كلها نعمك عندي، وبكلها عصيتك يا
مولاي، فلك الحججة والسبيل على، يا من سترنى من الآباء
والامهات ان يزجروني، ومن العشائر والاخوان ان يعيروني،
ومن السلاطين ان يعاقبوني، ولو اطلعوا يا مولاي على ما
اطلعت عليه مني اذا ما انظروني، ولرفضوني وقطعوني، فها
انا ذا يا الهى بين يديك يا سيدي خاضع ذليل حصير حقير، لا
ذو برائة فاعتذر، ولا ذو وقوة فانتصر، ولا حجة فاحتج بها، ولا
قائل لم اجترح ولم اعمل سوء وما عسى الجحود، ولو

جحدت يا مولاي ينفعني، كيف واني ذلك، وجوارحي كلها
شاهدة علي بما قد عملت، وعلمت يقينا غير ذي شك انك
سائلي من عظام الامور، وانك الحكم العدل الذي لا يجور،
وعدلك مهلكي، ومن كل عدلك مهربي، فان تعذبي يا الهي
فبذنوبي بعد حجتك علي، وان تعف عني فبحلمك وجودك
وكرمك.

لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين، لا اله الا
انت سبحانك اني كنت من المستغفرين، لا اله الا انت
سبحانك اني كنت من الموحدين، لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من الخائفين، لا اله الا انت سبحانك اني كنت من
الوجلين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الراجين، لا اله الا
انت سبحانك اني كنت من الراغبين، لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من المهملين، لا اله الا انت سبحانك اني كنت من
السائلين، لا اله الا انت سبحانك اني كنت من المسبحين،
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من المكبرين، لا اله الا انت
سبحانك ربي ورب آباءي الاولين.
اللهم هذا ثنائي عليك ممجدا، واخلاصي لذكرك

موحدا، واقراري بآلاءك معددا، وان كنت مقرا اني لم احصها
لكثرتها وسبوغها وتظاهرها وتقادمها الى حادث، ما لم تنزل
تتعهدني به معها منذ خلقتني وبرأتني من اول العمر من الاغناء
من الفقر وكشف الضر وتسبب اليسر ودفعت العسر وتفريج
الكرب والعافية في البدن والسلامة في الدين، ولو رفدني على
قدر ذكر نعمتك جميع العالمين من الاولين والآخرين ما
قدرت ولا هم على ذلك، تقدست وتعاليت من رب كريم
عظيم رحيم، لا تحصى آلاؤك، ولا يبلغ ثناؤك، ولا تكافى
نعمائك، صل على محمد وآل محمد، واتمم علينا نعمتك،
واسعدنا بطاعتك، سبحانك لا اله الا انت.

اللهم انك تجيب المضطر وتكشف السوء، وتغيث
المكروب، وتشفي السقيم، وتغني الفقير، وتجبر الكسير،
وترحم الصغير، وتعين الكبير، وليس دونك ظهير، و لا فوقك
قدير، و انت العلي الكبير، يا مطلق المكبل الاسير، يا رازق
الطفل الصغير، يا عصمة الخائف المستجير، يا من لا
شريك له ولا وزير، صل على محمد وآل محمد، واعطني في
هذه العشية، افضل ما اعطيت وانلت احدا من عبادك من نعمة

توليها، وآلاء تجددها، وبلية تصرفها، وكربة تكشفها،
ودعوة تسمعها، وحسنة تتقبلها، وسيئة تتغمدها، انك لطيف
بما تشاء خبير، وعلى كل شيء قدير.

اللهم انك اقرب من دعي، واسرع من اجاب، واكرم من
عفي، واوسع من اعطى، واسمع من سئل، يا رحمن، الدنيا
والآخرة ورحيمهما، ليس كمثلك مسئول ولا سواك مامول،
دعوتك فاجبتني، وسئلتك فاعطيتني، ورغبت اليك
فرحمتني، ووثقت بك فنجيتني، وفزعت اليك فكفيتني.
اللهم فصل على محمد عبدك ورسولك ونبيك، وعلى آله
الطيبين الطاهرين اجمعين، وتمم لنا نعماءك، وهنئنا
عطاءك واكتبنا لك شاكرين، ولآلائك ذاكرين، آمين آمين
رب العالمين.

اللهم يا من ملك فقدر، وقدر فقهر، وعصى فستر
واستغفر فغفر، يا غاية الطالبين الراغبين، ومنتهى امل
الراجين، يا من احاط بكل شيء علما، ووسع المستقلين
رافة ورحمة وحلما.

اللهم انا نتوجه اليك في هذه العشية، التي شرفتها

وعظمتها بمحمد نبيك ورسولك وخيرتك من خلقك،
وامينك على وحيك، البشير النذير، والسراج المنير، الذي
انعمت به على المسلمين، وجعلته رحمة للعالمين.
اللهم فصل على محمد وآل محمد، كما محمد أهل
لذلك منك يا عظيم، فصل عليه وعلى آله المنتجبين الطيبين
الطاهرين اجمعين، وتغمدنا بعفوك عنا، فاليك عجت
الاصوات بصنوف اللغات، فاجعل لنا اللهم في هذه العشية
نصيبا من كل خير تقسمه بين عبادك، ونور تهدي به، ورحمة
تنشرها، وبركة تنزلها، وعافية تجللها، ورزق تبسطه، يا
ارحم الراحمين.

اللهم اقبلنا في هذا الوقت منجحين مفلحين مبرورين
غانمين، ولا تجعلنا من القانطين، ولا تخلنا من رحمتك، ولا
تحرمننا ما نؤمله من فضلك، ولا تجعلنا من رحمتك
محرومين، ولا لفضل ما نؤمله من عطاءك قانطين، ولا تردنا
خائبين، ولا من بابك مطرودين، يا اجود الاجودين واكرم
الاکرمين، اليك اقبلنا موقنين، وليبتك الحرام آمين
قاصدين، فاعنا على مناسكنا، واكمل لنا حجنا، واعف عنا

وعافنا، فقد مددنا اليك ايدينا، فهي بذلة الاعتراف موسومة.
اللهم فاعطنا في هذه العشية ما سئلك، واكفنا ما
استكفيناك، فلا كافي لنا سواك، ولا رب لنا غيرك، نافذ فينا
حكمتك، محيط بنا علمك، عدل فينا قضاؤك، اقض لنا
الخير، واجعلنا من اهل الخير.

اللهم اوجب لنا بجودك عظيم الاجر وكريم الذخر ودوام
اليسر، واغفر لنا ذنوبنا اجمعين، ولا تهلكنا مع الهالكين، ولا
تصرف عنا رأفتك ورحمتك يا ارحم الراحمين.
اللهم اجعلنا في هذا الوقت ممن سئلك فاعطيته، وشكرك
فزدته، وتاب اليك فقبلته، وتنصل اليك من ذنوبه كلها
فغفرتها له، يا ذا الجلال والاكرام.

اللهم ونقنا وسددنا واعصمنا، واقبل تضرعنا يا خير من
سئل، ويا ارحم من استرحم، يا من لا يخفى عليه اغماض
الجفون، ولا لحظ العيون، ولا ما استقر في المكنون، ولا ما
انطوت عليه مضمرات القلوب، الا كل ذلك قد احصاه
علمك ووسعه حلمك، سبحانك وتعاليت عما يقول
الظالمون علوا كبيرا، تسبح لك السموات السبع والارضون

ومن فيهن، وان من شيء الا يسبح بحمده، فلك الحمد
والمجد وعلو الجد، يا ذا الجلال والاكرام والفضل والانعام، و
الايادي الجسام، وانت الجواد الكريم الرؤوف الرحيم.
اللهم اوسع علي من رزقك الحلال، وعافني في بدني
وديني، وآمن خوفي واعتق رقبتني من النار.
اللهم لا تمكربي، ولا تستدرجني، ولا تخدعني، وادء
عني شر فسقة الجن والانس.

سپس آن حضرت سر به آسمان برداشته، و در حالی که اشک بر گونه های شریفش مریخت، صدایش را بلند تر کرده، و می گفت:

يا اسمع السامعين، يا ابصر الناظرين، ويا اسرع الحاسبين، ويا ارحم الراحمين، صل على محمد وآل محمد السادة الميامين، واسئلك اللهم حاجتي التي ان اعطيتها لم يضرني ما منعتني، وان منعتها لم ينفعني ما اعطيتها، اسئلك فكاك رقبتني من النار، لا اله الا انت وحدك لا شريك لك، لك الملك ولك الحمد، وانت على كل شيء قدير، يا رب يا رب.

وآن قدر گفتن " یا رب " را ادامه داد، تا آن که همگان با او در گریستن همراه شدند، و به سر زمین مشعر الحرام رسیدند. و سید ابن طاووس (ره) در اقبال، بعد از کلمه " یا رب " این دعا را نیز افزوده است:

الهي انا الفقير في غناي، فكيف لا اكون فقيرا في فقري،
الهي انا الجاهل في علمي، فكيف لا اكون جهولا في جهلي.
الهي ان اختلاف تدبيرك وسرعة طواء مقاديرك منعا عبادك
العارفين بك عن السكون الى عطاء واليأس منك في بلاء،
الهي مني ما يليق بلؤمي، ومنك ما يليق بكرمك.

الهي وصفت نفسك باللطف والرافة لي قبل وجود
ضعفي، اافمنعني منهما بعد وجود ضعفي.
الهي ان ظهرت المحاسن مني فبفضلك ولك المنة علي،
وان ظهرت المساوي مني فبعذلك ولك الحجة علي.
الهي كيف تكلني وقد تكفلت لي، وكيف اضمم وانت
الناصر لي، ام كيف اخيب وانت الحفي بي، ها انا اتوسل
اليك بفقري اليك، وكيف اتوسل اليك بما هو محال ان يصل
اليك، ام كيف اشكو اليك حالي وهو لا يخفي عليك، ام
كيف اترجم بمقالي وهو منك برز اليك، ام كيف تخيب آمالي
وهي قد وفدت اليك، ام كيف لا تحسن احوالي وبك قامت.
الهي ما الطفك بي مع عظيم جهلي، وما ارحمك بي مع
قبيح فعلي.
الهي ما اقربك مني وابعدني عنك، وما ارافك بي فما
الذي يحجبني عنك.
الهي علمت باختلاف الآثار وتنقلات الاطوار ان مرادك
مني ان تتعرف الي في كل شيء حتى لا اجهلك في شيء.
الهي كلما احرصني لؤمي انطقني كرمك، وكلما آيستني

اوصافي اطمعنتي مننك.
الهي من كانت محاسنه مساوى، فيكيف لا تكون مساويه
مساوى، ومن كانت حقائقه دعاوى، فكيف لا تكون دعاويه
دعاوى.

الهي حكمك النافذ ومشيتك القاهرة لم يتركا لذي مقال
مقالا، ولا لذي حال حالا.

الهي كم من طاعة بنيتها، وحالة شيدتها، هدم اعتمادي
عليها عدلك، بل اقالني منها فضلك.

الهي انك تعلم اني وان لم تدم الطاعة مني فعلا جزما فقد
دامت محبة وعزما، الهي كيف اعزم وانت القاهر، وكيف لا
اعزم وانت الأمر.

الهي تردددي في الآثار يوجب بعد المزار، فاجمعني
عليك بخدمة توصلني اليك، كيف يستدل عليك بما هو في
وجوده مفتقر اليك، ايكون لغيرك من الظهور ما ليس لك
حتى يكون هو المظهر لك، متى غبت حتى تحتاج الى دليل
يدل عليك، ومتى بعدت حتى تكون الآثار هي التي توصل
اليك، عميت عين لا تراك عليها رقيبا، وخسرت صفقة عبد

لم تجعل له من حبك نصيبا.
الهي امرت بالرجوع الى الآثار، فارجعي اليك بكسوة
الانوار وهداية الاستبصار حتى ارجع اليك منها كما دخلت
اليك منها مصون السر عن النظر اليها، ومرفوع الهمة عن
الاعتماد عليها، انك على كل شيء قدير.
الهي هذا ذلي ظاهر بين يديك، وهذا حالي لا يخفى
عليك، منك اطلب الوصول اليك، وبك استدل عليك،
فاهدني بنورك اليك، واقمني بصدق العبودية بين يديك.
الهي علمني من عملك المخزون، وصني بستر
المصون.
الهي حققني بحقائق اهل القرب، واسلك بي مسلك اهل
الجدب.
الهي اغني بتدبيرك لي عن تدبيري، وباختيارك عن
اختياري، واوقفني على مراكز اضطراري.
الهي اخرجني من ذل نفسي، وطهرني من شكّي وشركي
قبل حلول رمسي، بك انتصر فانصرني، وعليك اتوكل فلا
تكلني، واياك اسئل فلا تخيبي، وفي فضلك ارغب فلا

تحرمني، وبجناحك انتسب فلا تبعدني، وبيابك اقف فلا
تطردني.
الهي تقدر رضاك ان يكون له علة منك، فكيف تكون له
علة مني.
الهي انت الغني بذاتك ان يصل اليك النفع منك، فكيف
لا تكون غنيا عني.
الهي ان القضاء والقدر يمنيني، وان الهوى بوثائق الشهوة
اسرني، فكن انت النصير لي حتى تنصرني وتبصرني، واغني
بفضلك حتى استغني بك عن طلبي.
انت الذي اشرفت الانوار في قلوب اولياءك حتى عرفوك
ووجدوك، وانت الذي ازلت الاغيار عن قلوب احباءك حتى لم
يحبوا سواك، ولم يلجئوا الى غيرك، انت المؤمنس لهم حيث
اوحشتهم العوالم، وانت الذي هديتهم حيث استبانتم لهم
المعالم، ماذا وجد من فقدك، وما الذي فقد من وجدك، لقد
خاب من رضى دونك بدلا، ولقد خسر من بغى عنك متحولا،
كيف يرجى سواك وانت ما قطعت الاحسان، وكيف يطلب من
غيرك وانت ما بدلت عادة الامتنان، يا من اذاق احبائه حلاوة

المؤانسة فقاموا بين يديه متملقين، ويا من البس اولياءه
ملا بس هيته فقاموا بين يديه مستغفرين، انت الذاكر قبل
الذاكرين، وانت البادي بالاحسان قبل توجه العابدين، وانت
الجواد بالعطاء قبل طلب الطالبين، وانت الوهاب ثم لما
وهبت لنا من المستقرضين.

الهي اطلبني برحمتك حتى اصل اليك، واجذبني بمنك
حتى اقبل عليك.

الهي ان رجائي لا ينقطع عنك وان عصيتك، كما ان
خوفي لا يزائلني وان اطعتك، فقد دفعتني العوالم اليك، وقد
اوقعني علمي بكرمك عليك.

الهي كيف اخيب وانت املي، ام كيف اهان وعليك
متكلي، الهي كيف استعز وفي الذلة اركزتني، ام كيف لا
استعز واليك نسبتني، الهي كيف لا افتقر وانت الذي في
الفقراء اقممتني، ام كيف افتقر وانت الذي بجودك اغنيتني،
وانت الذي لا اله غيرك، وتعرفت لكل شيء فما جهلك شيء،
وانت الذي تعرفت الي في كل شيء، فرايتك ظاهرا في كل
شيء، وانت الظاهر لكل شيء.

يا من استوى برحمانيته فصار العرش غيبا في ذاته،
محقت الآثار بالآثار، ومحوت الاغيار بمحيطات افلاك
الانوار، يا من احتجب في سرادقات عرشه عن ان تدركه
الابصار، يا من تجلى بكمال بهاءه فتحققت عظمته الاستواء،
كيف تخفى وانت الظاهر، ام كيف تغيب وانت الرقيب
الحاضر، انك على كل شيء قدير، والحمد لله وحده ."

دعای حضرت سجاد علیه السلام در روز عرفه
۳ - خواندن سایر ادعیه مأثوره از معصومین صلوات الله علیهم
اجمعین استحباب دارد، بالخصوص دعایی که از حضرت سجاد
(علیه السلام) در صحیفه سجادیه روایت شده است،
و آن دعا چنین است:

" الحمد لله رب العالمین، اللهم لك الحمد بديع
السموات والارض، ذا الجلال والاکرام، رب الارباب، واله
کل مالوه، وخالق کل مخلوق، ووارث کل شیء، لیس
کمثلہ شیء، ولا یعزب عنه علم شیء، وهو بکل شیء
محیط، وهو علی کل شیء رقیب، أنت الله لا اله الا انت،
الاحد المتوحد، الفرد المتفرد، وانت الله لا اله الا
انت، الکریم المتکرم، العظیم المتعظم، الکریم المتکبر،
وانت الله لا اله الا انت، العلی المتعال، الشدید المحال،
وانت الله لا اله الا انت، الرحمن الرحیم، العلیم الحکیم،
وانت الله اله الا انت، السميع البصیر، القدیم الخبیر، وانت
الله لا اله الا انت، الکریم الاکرم، الدائم الادوم، وانت الله لا

اله الا انت، الاول قبل كل احد، والآخر بعد كل عدد، وانت
الله لا اله الا انت، الداني في علوه، والعالي في دنوه، وانت
الله لا اله الا انت، ذو البهاء والمجد، والكبرياء والحمد،
وانت الله لا اله الا انت، الذي انشأت الاشياء من غير سنخ،
وصورت ما صورت من غير مثال، وابتدعت المبتدعات بلا
احتذاء، انت الذي قدرت كل شيء تقديرا، ويسرت كل شيء
تيسيرا، ودبرت ما دونك تدييرا، انت الذي لم يعنك على
خلقك شريك، ولم يؤازرك في امرك وزير، ولم يكن لك
مشاهد ولا نظير، انت الذي اردت فكان حتما ما اردت،
وقضيت فكان عدلا ما قضيت، وحكمت فكان نصفا ما
حكمت، انت الذي لا يحويك مكان، ولم يقم لسلطانك
سلطان، ولم يعيك برهان ولا بيان، انت الذي احصيت كل
شيء عددا، وجعلت لكل شيء امداء، و قدرت كل شيء
تقديرا، انت الذي قصرت الاوهام عن ذاتيتك، وعجزت
الافهام عن كيفيتك، ولم تدرك الابصار موضع اينيتك، انت
الذي لا تحد فتكون محدودا، ولم تمثل فتكون موجودا، ولم
تلد فتكون مولودا، انت الذي لا ضد معك فيعاندك، ولا عدل

لك فيكاثرك، ولا ند لك فيعارضك، انت الذي ابتدا واخترع
واستحدث وابتدع، واحسن صنع ما صنع، سبحانك ما اجل
شانك، واسنى في الاماكن مكانك، واصدع بالحق فرقانك،
سبحانك من لطيف ما الطفك، ورؤف ما ارافك، وحكيم ما
اعرفك، سبحانك من مليك ما امنعك، وجواد ما اوسعك،
ورفيع ما ارفعك، ذو البهاء والمجد، والكبرياء والحمد،
سبحانك بسطت بالخيرات يدك، وعرفت الهداية من عندك،
فمن التمسك لدين او دنيا وجدك، سبحانك خضع لك من
جرى في علمك، وخشع لعضمتك ما دون عرشك، وانقاد
للتسليم لك كل خلقك، سبحانك لا تحس ولا تجس ولا
تمس، ولا تكاد ولا تماط ولا تنازع، ولا تجارى ولا تمارى ولا
تخادع ولا تماكر، سبحانك سبيلك جدد، وامرك رشد، وانت
حي صمد، سبحانك قولك حكم، وقضاؤك حتم، وارادتك
عزم، سبحانك لا راد لمشيئتك، ولا مبدل لكلماتك،
سبحانك قاهر الارباب، باهر الآيات، فاطر السموات، باري
النسمات، لك الحمد حمدا يدوم بدوامك، ولك الحمد
حمدا خالدا بنعمتك، ولك الحمد حمدا يوازي صنعك،

ولك الحمد حمدا يزيد على رضاك، ولك الحمد حمدا مع حمد كل حامد، وشكرا يقصر عنه شكر كل شاكر، حمدا لا ينبغي الا لك، ولا يتقرب به الا اليك، حمدا يستدام به الاول، ويستدعى به دوام الآخر، حمدا يتضاعف على كرور الازمنة، ويتزايد اضعاف مترادفة، حمدا يعجز عن احصاءه الحفظه، ويزيد على ما احصته في كتابك الكتبة، حمدا يوازن عرشك المجيد، ويعادل كرسيك الرفيع، حمدا يكمل لديك ثوابه، ويستغرق كل جزاء جزاؤه، حمدا ظاهره وفق لباطنه، وباطنه وفق لصدق النية فيه، حمدا لم يحمدك خلق مثله، ولا يعرف احد سواك فضله، حمدا يعان من اجتهد في تعديده، ويؤيد من اغرق نزعا في توفيته، حمدا يجمع ما خلقت من الحمد، وينتظم ما انت خالقه من بعد، حمدا لا حمد اقرب الى قولك منه، ولا احمد ممن يحمدك به، حمدا يوجب بكرمك المزيد بوفوره، وتصله بمزيد بعد مزيد طولاً منك، حمدا يجب لكرم وجهك، ويقابل عز جلالك.

رب صل على محمد وآل محمد المنتجب المصطفى
المكرم المقرب افضل صلواتك، وبارك عليه اتم بركاتك

وترحم عليه امتع رحماتك، رب صل على محمد وآله صلاة
زاكية لا تكون صلاة ازكى منها، وصل عليه صلاة نامية لا
تكون صلاة انمى منها، وصل عليه صلاة راضية لا تكون
صلاة فوقها، رب صل على محمد وآله صلاة ترضيه وتزيد
على رضاه، وصل عليه صلاة ترضيك وتزيد على رضاك له،
وصل عليه صلاة لا ترضى له الا بها، ولا ترى غيره لها اهلا،
رب صل على محمد وآله صلاة تجاوز رضوانك، ويتصل
اتصالها ببقاءك، ولا ينفد كما لا تنفذ كلماتك، رب صل
على محمد وآله صلاة تنتظم صلوات ملائكتك وانبيائك
ورسلك واهل طاعتك، وتشتمل على صلوات عبادك من
جنك وانسك واهل اجابتك، وتجتمع على صلاة كل من
ذرات وبرأت من اصناف خلقك، رب صل عليه وآله صلاة
تحيط بكل صلاة سالفة ومستأنفة، وصل عليه وعلى آله صلاة
مرضية لك ولمن دونك، وتنشئ مع ذلك صلوات تضاعف
معها تلك الصلوات عندها، وتزيدها على كرور الايام زيادة في
تضاعيف لا يعدها غيرك، رب صل على اطائب اهل بيته،
الذين احترتهم لامرك، وجعلتهم خزنة علمك، وحفظة

دينك، وخلفاءك في ارضك وحججك على عبادك،
وطهرتهم من الرجس والدنس تطهيرا بارادتك، وجعلتهم
الوسيلة اليك، والمسلك الى جنتك، رب صل على محمد
وآله صلاة تجزل لهم بها من نحلِكَ وكرامتك، وتكمل لهم
الاشياء من عطايك ونوافلك، وتوفر عليهم الحظ من عوائدك
وفوائدك، رب صل عليه وعليهم صلاة لا امد في اولها، ولا
غاية لامدها، ولا نهاية لآخرها، رب صل عليهم زنة عرشك
وما دونه، وملا سمواتك وما فوقهن، وعدد ارضيك وما تحتهن
وما بينهن، صلاة تقربهم منك زلفى، وتكون لك ولهم رضى،
ومتصلة بنظائرهن ابداء، اللهم انك ايدت دينك في كل اوان
بامام اقمته علما لعبادك، ومنارا في بلادك، بعد ان وصلت
حبله بحبلك، وجعلته الذريعة الى رضوانك، وافترضت
طاعته وحذرت معصيته، وامرت بامثال امره والانتهاه عند
نهيهِ، والا يتقدمه متقدم، ولا يتاخر عنه متاخر، فهو عصمة
اللائذين، وكهف المؤمنين، وعروة المتمسكين، وبهاء
العالمين.
اللهم فاوزع لوليك شكر ما انعمت به عليه، واوزعنا مثله

فيه، وآته من لدنك سلطانا نصيرا، وافتح له فتحا يسيرا، واعنه
بركنك الاعز، واشدد از ره، وقو عضده، وراعه بعينك،
واحمه بحفظك، وانصره بملائكتك، وامدده بجندك الاغلب،
واقم به كتابك وحدودك وشرائعك وسنن رسولك صلواتك
اللهم عليه وآله، واحي به ما اماته الظالمون من معالم دينك،
واجل به صدا الجور عن طريقتك، وابن به الضراء من
سبيلك، وازل به الناكبين عن صراطك، وامحق به بغاة قصبك
عوجا، والن جانبه لاولياءك، وابسط يده على اعدائك، وهب
لنا رأفته ورحمته وتعطفه وتحننه، واجعلنا له سامعين مطيعين،
وفي رضاه ساعين، والى نصرته والمدافعة عنه مكنفين،
واليك والى رسولك صلواتك اللهم عليه وآله بذلك متقربين.
اللهم وصل على اولياءهم المعترفين بمقامهم، المتبعين
منهجهم، المقتفين آثارهم، المستمسكين بعروتهم،
المتمسكين بولايتهم، المؤتمين بامامتهم، المسلمين
لامرهم، المجتهدين في طاعتهم، المنتظرين ايامهم،
المادين اليهم اعينهم، الصلوات المباركات الزاكيات الناميات
الغاديات الرائحات، وسلم عليهم وعلى ارواحهم، واجمع

على التقوى امرهم، واصلح لهم شؤونهم، وتب عليهم، انك
انت التواب الرحيم، وخير الغافرين، واجعلنا معهم في دار
السلام، برحمتك يا ارحم الراحمين.
اللهم هذا يوم عرفة، يوم شرفته وكرمه وعظمته، نشرت فيه
رحمتك، ومننت فيه بعفوك، واجزلت فيه عطيتك، وتفضلت
به على عبادك.

اللهم وانا عبدك الذي انعمت عليه قبل خلقك له، وبعد
خلقك اياه، فجعلته ممن هديته لدينك، ووقفته لحقك،
وعصمته بحبلك، وادخلته في حزبك، وارشدته لموالاته
اوليائك ومعاداة اعدائك، ثم امرته فلم يا تمر، وزجرته فلم
ينزجر، ونهيته عن معصيتك، فخالف امرك الى نهيك، لا
معاندة لك ولا استكبارا عليك، بل دعاه هواه الى ما زيلته والى
ما حذرته، واعانه على ذلك عدوك وعدوه، فاقدم عليه عارفا
بوعيدك، راجيا لعفوك، واثقا بتجاوزك، وكان احق عبادك
مع ما مننت عليه الا يفعل، وها انا ذا بين يديك صاغرا ذليلا،
خاضعا خاشعا، خائفا معترفا بعظيم من الذنوب تحملته،
وجليل من الخطايا اجترمته، مستجيرا بصفحك، لائذا

برحمتك، موقنا انه لا يجيرني منك مجير، ولا يمنعني منك مانع، فعد علي بما تعود به علي من اقترف من تغمذك، وجد علي بما تجود به علي من القى بيده اليك من عفوك، وامن علي بما يتعاطمك لا ان تمن به علي من املك من غفرانك، واجعل لي في هذا اليوم نصيبا انال به حظا من رضوانك، ولا تردني صفرا مما ينقلب به المتعبدون لك من عبادك، واني وان لم اقدم ما قدموه من الصالحات فقد قدمت توحيدك، ونفي الاضداد والانداد والاشباه عنك، واتيتك من الابواب التي امرت ان تؤتى منها، وتقربت اليك بما لا يقرب به احد منك الا بالتقرب به، ثم اتبعت ذلك بالانابة اليك، والتذلل والاستكانة لك، وحسن الظن بك، والثقة بما عندك، وشفعته برجاءك الذي قل ما يخيب عليه راجيك، وسالتك مسالة الحقيير الذليل، البائس الفقير، الخائف المستجير، ومع ذلك خيفة وتضرعا وتعوذا وتلوذا، لا مستطيلا بتكبير المتكبرين، ولا متعاليا بدالة المطيعين، ولا مستطيلا بشفاعة الشافعين، وانا بعد اقل الاقلين، واذل الاذلين، ومثل الذرة او دونها، فيا من لم يعاجل المسيئين، ولا ينده المترفين، ويا من يمن باقالة

العائرين، ويتفضل بانظار الخاطئين، انا المسيء المعترف
الخطيء العائر، انا الذي اقدم عليك مجترئا، انا الذي عصاك
متعمدا، انا الذي استخفى من عبادك وبارزك، انا الذي هاب
عبادك وامنك، انا الذي لم يرهب سطوتك ولم يخف باسك،
انا الجاني على نفسه، انا المرتهن ببيئته، انا القليل الحياء،
انا الطويل العناء، بحق من انتجبت من خلقك، وبمن
اصطفيته لنفسك، بحق من اخترت من بريتك، ومن اجتبيت
لشانك، بحق من وصلت طاعته بطاعتك، ومن جعلت
معصيته كمعصيتك، بحق من قرنت موالاته بموالاتك، ومن
نطت معاداته بمعاداتك، تغمدني في يومي هذا بما تتغمد به
من جار اليك متنصلا، وعاذ باستغفارك تائبًا، وتولني بما
تتولى به اهل طاعتك، والزلفى لديك، والمكانة منك،
وتوحدني بما تتوحد به من وفى بعهدك، واتعب نفسه في
ذاتك، واجهدها في مرضاتك، ولا تؤاخذني بتفريطي في
جنبك، وتعدي طوري في حدودك، ومجاوزه احكامك، ولا
تستدرجني باملاءك لى استدراج من منعني خير ما عنده، ولم
يشركك في حول نعمته، ونبهني من رقدة الغافلين، وسنة

المسرفين، ونعسة المخدولين، وخذ بقلبي الى ما استعملت
به القانتين، واستعبدت به المتعبدين، واستنقذت به
المتهاونين، واعذني مما يباعدني عنك، ويحول بيني وبين
حظي منك، ويصدني عما احاول لديك، وسهل لي مسلك
الخيرات اليك، والمسابقة اليها من حيث امرت، والمشاحة
فيها على ما اردت، ولا تمحني فيمن تمحق من المستخفين
بما اوعدت، ولا تهلكني مع من تهلك من المتعرضين
لمقتك، ولا تبرني فيمن تبر من المنحرفين عن سبلك،
ونجني من غمرات الفتنة، وخلصني من لهوات البلوى،
واجرني من اخذ الاملاء، وحل بيني وبين عدو يضلني، وهوى
يوقني، ومنقصة ترهقني، ولا تعرض عني اعراض من لا
ترضى عنه بعد غضبك، ولا تؤيسني من الامل فيك فيغلب
علي القنوط من رحمتك، ولا تمتحني بما لا طاقة لي به
فتبهظني مما تحملنيه من فضل محبتك، ولا ترسلني من يدك
ارسال من لا خير فيه، ولا حاجة بك اليه، ولا اناة له، ولا ترم
بي رمي من سقط من عين رعايتك، ومن اشمط عليه الخزي
من عندك، بل خذ بيدي من سقطة المتردين، ووهلة

المتعسفين، وزلة المغرورين، وورطة الهالكين، وعافني مما
ابتليت به طبقات عبيدك واماءك، وبلغني مبالغ من عنيت
به، وانعمت عليه ورضيت عنه فاعشته حميدا، وتوفيته
سعيدا، وطوقني طوق الاقلاع عما يحبط الحسنات، ويذهب
بالبركات، واشعر قلبي الازدجار عن قبائح السيئات،
وفواضح الحوبات، ولا تشغلني بما لا ادركه الا بك عما لا
يرضيك عني غيره، وانزع من قلبي حب دنيا دنية تنهى عما
عندك، وتصد عن ابتغاء الوسيلة اليك، وتذهل عن التقرب
منك، وزين لي التفرد بمناجاتك بالليل والنهار، وهب لي
عصمة تدنيني من خشيتك، وتقطعني عن ركوب محارمك،
وتفكني من اسر العظائم، وهب لي التطهير من دنس
العصيان، واذهب عني درن الخطايا، وسر بلني بسر بال
عافيتك، وردني رداء معافاتك، وجللني سوابغ نعماءك،
وظاهر لدي فضلك وطولك، وايدني بتوفيقك وتسديدك،
واعني على صالح النية، ومرضي القول، ومستحسن العمل،
ولا تكلني الى حولي وقوتي دون حولك وقوتك، ولا تخزني
يوم تبعثني للقاءك، ولا تفضحني بين يدي اولياءك، ولا تنسني

ذكرك، ولا تذهب عني شكرك، بل الزمنيه في احوال السهو
عند غفلات الجاهلين لآلاءك، واوزعني ان اثني بما اوليتنيه،
واعترف بما اسديته الي، واجعل رغبتني اليك فوق رغبة
الراغبين، وحمدي اياك فوق حمد الحامدين، ولا تخذلني عند
فاقتي اليك، ولا تهلكني بما اسديته اليك، ولا تجبهني بما
جبهت به المعاندين لك، فاني لك مسلم، اعلم ان الحجة
لك، وانك اولى بالفضل، واعود بالاحسان، واهل التقوى
واهل المغفرة، وانك بان تعفو اولى منك بان تعاقب، وانك
بان تستر اقرب منك الى ان تشهر، فاحيني حياة طيبة تنتظم بما
اريد، وتبلغ ما احب من حيث لا آتى ما تكره، ولا ارتكب ما
نهيت عنه، وامتنني مية من يسعى نوره بين يديه وعن يمينه،
وذللني بين يديك، واعزني عند خلقك، وضعني اذا خلوت
بك، وارفعني بين عبادك، واغنني عنن هو غني عني، وزدني
اليك فاقة وفقرا، واعزني من شماتة الاعداء، ومن حلول
البلاء، ومن الذل والعناء، تغمدني فيما اطلعت عليه مني بما
يتغمد به القادر على البطش لولا حلمه، والآخذ على الجريرة
لولا اناته، واذا اردت بقوم فتنة او سوء فنجني منها لو اذا بك،

واذ لم تقمني مقام فضيحة في دنياك فلا تقمني مثله في
آخرتك، واشفع لي اوائل مننك باواخرها، وقديم فوائدك
بحوادثها، ولا تمدد لي مدا يقسو معه قلبي، ولا تفرعني قارعة
يذهب لها بهاءي، ولا تسمني خسيصة يصغر لها قدري، ولا
نقيصة يجهل من اجلها مكاني، ولا ترعني روعة ابلس بها، ولا
خيفة اوجس دونها، اجعل هيبتي في وعيدك، وحذري من
اعذارك وانذارك، ورهبتني عند تلاوة آياتك، واعمر ليلي
بايقاظي فيه لعبادتك، وتفردني بالتهجد لك، وتجردي
بسكوني اليك، وانزال حوائجي بك، ومنازلتي اياك في فكاك
رقتي من نارك، واجارتي مما فيه اهلها من عذابك، ولا
تذرني في طغياني عامها، ولا في غمرتي ساهيا حتى حين،
ولا تجعلني عظة لمن اعظ، ولا نكالا لمن اعتبر، ولا فتنة لمن
نظر، ولا تمكر بي فيمن تمكر به، ولا تستبدل بي غيري، ولا
تغير لي اسما، ولا تبدل لي جسما، ولا تتخذني هزوا
لخلقك، ولا سخريا لك ولا تبعا الا لمرضاتك، ولا ممتنها الا
بالانتقام لك، واوجدني برد عفوك وروحك وريحانك وجنة
نعيمك، واذقني طعم الفراغ لما تحب بسعة من سعتك،

والاجتهاد فيما يزلف لديك وعندك، واتحفني بتحفة من
تحفاتك، واجعل تجارتي رابحة، وكرتي غير خاسرة،
واحفني مقامك، وشوقني لقاءك، وتب علي توبة نصوحا، لا
تبق معها ذنوبا صغيرة ولا كبيرة، ولا تذر معها علانية ولا
سريرة، وانزع الغل من صدري للمؤمنين، واعطف بقلبي
على الخاشعين، وكن لي كما تكون للصالحين، وحلني
حلية المتقين، واجعل لي لسان صدق في الغابرين، وذكرا
ناميا في الآخرين، وواف بي عرصة الاولين، وتمم سبوغ
نعمتك علي، وظاهر كراماتها لدي، املا من فوائدك يدي،
وسق كرائم مواهبك الي، وجاور بي الاطيبين من اولياءك في
الجنان التي زينتها لاصفياءك، وجللني شرائف نحللك في
المقامات المعدة لا حباءك، واجعل لي عندك مقيلا آوي اليه
مطمئنا، ومثابة اتبواها وافر عيننا، ولا تقايسني بعظيمات
الجرائر، ولا تهلكني يوم تبلي السرائر، وازل عني كل شك
وشبهة، واجعل لي في الحق طريقا من كل رحمة، واجزل لي
قسم المواهب من نوالك، ووفره علي حظوظ الاحسان من
افضالك، واجعل قلبي واثقا بما عندك، وهمي مستفرغا لما

هو لك، واستعملني بما تستعمل به خالصتك، واشرب قلبي
عند ذهول العقول طاعتك، واجمع لي الغنى والعفاف والدعة
والمعافاة والصحة والسعة والطمأنينة والعافية ولا تحبط
حسناتي بما يشوبها من معصيتك، ولا خلواتي بما يعرض لي
من نزغات فتنك، وصن وجهي عن الطلب الى احد من
العالمين، وذبني عن التماس ما عند الفاسقين، ولا تجعلني
للظالمن ظهيرا، ولا لهم على محو كتابك يدا ونصيرا،
وحطني من حيث لا اعلم حياطة تقيني بها، وافتح لي ابواب
توبتك ورحمتك ورأفتك ورزقك الواسع، اني اليك من
الراغبين، واتمم لي انعامك انك خير المنعمين، واجعل باقي
عمري في الحج والعمرة ابتغاء وجهك يا رب العالمين،
وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين، والسلام عليه
وعليهم ابد الأبدين ."

زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه
۴ - یکی از مستحبات روز عرفه زیارت حضرت امام حسین
(علیه السلام) است، و زیارت مخصوصه آن حضرت چنین
است:

" الله اكبر، الله اكبر كبيرا، والحمد لله كثيرا، وسبحان
الله بكرة واصيلا، والحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي
لولا ان هدانا الله، لقد جاءت رسل ربنا بالحق، السلام على
رسول الله صلى الله عليه وآله، السلام على امير المؤمنين،
السلام على فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين، السلام على
الحسن والحسين، السلام على علي بن الحسين، السلام على
محمد بن علي، السلام على جعفر بن محمد، السلام على
موسى بن جعفر، السلام على علي بن موسى، السلام على
محمد بن علي، السلام على علي بن محمد، السلام على
الحسن بن علي، السلام على الخلف الصالح المنتظر،
السلام عليك يا ابا عبد الله، السلام عليك يا بن رسول الله،
عبدك وابن عبدك وابن امتك، الموالى لوليك، المعادى

لعدوك، استجار بمشهدك، وتقرب الى الله بقصدك، الحمد
لله الذي هداني لولايتك، وخصني بزيارتك، وسهل لي
قصدك.

سپس داخل حرم شريف شو و مقابل سر مطهر آن حضرت
بايست و بگو:

السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله، السلام عليك يا
وارث نوح نبي الله، السلام عليك يا وارث إبراهيم خليل الله،
السلام عليك يا وارث موسى كلیم الله، السلام عليك يا
وارث عيسى روح الله، السلام عليك يا وارث محمد حبيب
الله، السلام عليك يا وارث امير المؤمنين، السلام عليك يا
وارث فاطمة الزهراء، السلام عليك يا بن محمد المصطفى،
السلام عليك يا بن علي المرتضى، السلام عليك يا بن فاطمة
الزهراء، السلام عليك يا بن خديجة الكبرى، السلام عليك يا
ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور اشهد انك قد اقامت
الصلاة، وآتيت الزكاة، وامرت بالمعروف، ونهيت عن
المنكر، وأطعت الله حتى أتيتك اليقين، فلعن الله أمة قتلتك،

ولعن الله أمة سمعت بذلك فرضيت به، يا مولاي يا ابا عبد
الله، اشهد الله وملائكته وانبياءه ورسله اني بكم مؤمن
وبايا بكم موقن، بشرائع ديني، وخواتيم عملي، ومنقلبي الى
ربي، فصلوات الله عليكم وعلى ارواحكم وعلى اجسادكم
وعلى شاهدكم وعلى غائبكم وظاهركم وباطنكم، السلام
عليك يا بن خاتم النبيين، وابن سيد الوصيين، وابن امام
المتقين، وابن قائد الغر المحجلين الى جنات النعيم، وكيف
لا تكون كذلك وانت باب الهدى، وامام التقى، والعروة
الوثقى، والحجة على اهل الدنيا، وخامس اصحاب اهل
الكساء، غدتك يد الرحمة، ورضعت من ثدي الايمان،
وربيت في حجر الاسلام، فالنفس غير راضية بفراقك، ولا
شاكة في حياتك، صلوات الله عليك وعلى آباءك وابناءك،
السلام عليك يا صريع العبرة الساكبة، وقرين المصيبة
الراتبة، لعن الله امة استحلّت منك المحارم، وانتهكت فيك
حرمة الاسلام، فقتلت صلى الله عليك مقهورا، واصبح رسول
الله صلى الله عليه وآله بك موتورا، واصبح كتاب الله بفقدك
مهجورا السلام عليك وعلى جدك وابيك، وامك واخيك،

وعلى الأئمة من بنيك، وعلى المستشهدين معك، وعلى
الملائكة الحافين بقبرك، والشاهدين لزوارك، المؤمنين
بالقبول على دعاء شيعتك، والسلام عليك ورحمة الله
وبركاته، بابي انت وامي يا بن رسول الله، بابي انت وامي يا ابا
عبد الله، لقد عظمت الرزية، وجلت المصيبة بك علينا
وعلى جميع اهل السموات والارض، فلعن الله امة اسرجت
والجمت وتهيات لقتالك، يا مولاي يا ابا عبد الله، قصدت
حرمك، واتيت مشهدك، اسئل الله بالشأن الذي لك عنده،
وبالمحل الذي لك لديه، ان يصلي على محمد و آل محمد،
وان تجعلني معكم فى الدنيا والآخرة، بمنه وجوده وكرمه ".
سپس ضريح را ببوس، ونزد سر مطهر آن حضرت دو ركعت
نماز بخوان، و سپس بگو:
" اللهم اني صليت و ركعت وسجدت لك وحدك لا شريك
لك، لان الصلاة والركوع والسجود لا يكون إلا لك، لانك
انت الله لا إله الا انت.
اللهم صل على محمد و آل محمد وابلغهم عنى افضل
التحية والسلام، اللهم وهاتان الركعتان هدية منى الى مولاي

وسيدي وامامي الحسين بن علي عليهما السلام.
اللهم صل على محمد، وتقبل ذلك مني واجزني على
ذلك افضل املي ورجائي فيك، وفي وليك يا ارحم
الراحمين "

سپس به پايين پای آن حضرت برای زیارت حضرت علی اکبر
عليه صلوات الله برو، وبگو:

" السلام عليك يا بن رسول الله، السلام عليك يا بن نبي
الله، السلام عليك يا بن الحسين الشهيد، السلام عليك ايها
الشهيد بن الشهيد، السلام عليك ايها المظلوم ابن المظلوم،
لعن الله امة قتلتك، ولعن الله امة ظلمتك، ولعن الله امة
سمعت بذلك فرضيت به، السلام عليك يا مولاي، السلام
عليك يا ولي الله وابن وليه، لقد عظمت المصيبة، وجلت
الرزية بك علينا وعلى جميع المؤمنين، فلعن الله امة قتلتك،
وابرء الى الله واليك منهم في الدنيا والآخرة "

سپس به طرف قبور شهدا عليهم صلوات الله برو، وآنان را
زیارت کرده، وبگو:

" السلام عليكم يا اولياء الله واحباءه، السلام عليكم يا

اصفياء الله واوداءه، السلام عليكم يا انصار دين الله، وانصار
نبيه، وانصار امير المؤمنين، وانصار فاطمة سيدة نساء
العالمين، السلام عليكم يا انصار ابي محمد الحسن الولى
الناصح، السلام عليكم يا انصار ابي عبد الله الحسين الشهيد
المظلوم، صلوات الله عليهم اجمعين، بابى انتم وامى،
طبتم وطابت الارض التى فيها دفنتم، وفزتتم والله فوزا عظيما،
يا ليتنى كنت معكم فافوز معكم فى الجنان مع الشهداء
والصالحين، وحسن اولئك رفيقا، والسلام عليكم ورحمة الله
وبركاته ."

سپس به قسمت بالاى سر حضرت امام حسين (عليه السلام)
مراجعت نما، وبراى خود و خانواده و والدين و اولاد خود و مؤمنين
دعا كن، و چون فارغ از دعا شدى، به طرف قبر حضرت ابو الفضل
العباس (عليه السلام) رفته، و مقابل قبر آن حضرت بايست و بگو:
" السلام عليك يا ابا الفضل العباس بن امير المؤمنين،
السلام عليك يا بن سيد الوصيين، السلام عليك يا بن اول القوم
اسلاما، و اقدمهم ايمانا، و اقومهم بدين الله، و احوطهم على
الاسلام، اشهد لقد نصحت لله و لرسوله و لاخيك، فنعم الاخ

المواسى، فلعن الله امة قتلك، ولعن الله امة ظلمتك، ولعن
الله امة استحلّت منك المحارم، وانتهكت في قتلك حرمة
الاسلام، فنعم الاخ الصابر المجاهد المحامى الناصر، والاخ
الدافع عن اخيه، والمجيب الى طاعة ربه، الراغب فيما زهد
فيه غيره من الثواب الجزيل، والثناء الجميل، والحقك الله
بدرجة آباءك فى دار النعيم، انه حميد مجيد.

وخود را به قبر بچسبان، وبگو:

اللهم لك تعرضت، ولزيارة اولياءك قصدت، رغبة فى
ثوابك، ورجاء لمغفرتك وجزيل احسانك، فاسئلك ان تصلى
على محمد وآل محمد، وان تجعل رزقى بهم دارا، وعيشى
بهم قارا، وزيارتى بهم مقبولة، وذنبى بهم مغفورا، واقلبنى
بهم مفلحا منجحا مستجابا دعائى، با فضل ما ينقلب به احد
من زواره والقاصدين اليه، برحمتك يا ارحم الراحمين ."

اعمال مدینه منوره
فضیلت زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم.
بدون شك، حج خانه خدا بدون زیارت قبر مطهر پیامبر اکرم
صلی الله علیه وآله و سلم در مدینه منوره، و متبرک شدن با حضور در آن
اعتاب مقدسه عملی ناقص است زیرا زیارت پیامبر اکرم صلی الله
علیه وآله و سلم ذاتا و بالخصوص برای شخص حاجی استحباب دارد،
و تارك آن بر رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم جفا کرده است.
و در حدیث آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم
فرمود: " هر کسی که به حج بیاید و مرا در مدینه زیارت نکند، من
نیز در قیامت به او بی مهر خواهم بود، و هر کس به زیارت من
آید، شفاعت او بر من واجب است، و هر کس شفاعت او بر من
واجب باشد، بهشت بر او واجب خواهد بود ".
و نیز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: " با زیارت رسول
خدا صلی الله علیه وآله و سلم حج خود را به پایان برید، زیرا ترك زیارت

آن حضرت جفا است، و شما موظفید که آن را ترك ننمایید، و هم چنین حجتان را با زیارت قبور اهل بیت پیامبر صلی الله علیهم اجمعین که خداوند مراعات حق آنان و زیارتشان را بر شما واجب کرده است به پایان برید، و در کنار قبور آنان از خداوند طلب روزی کنید."

و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود: "زیارت رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم برابر است با ثواب حجی که با خود آن حضرت انجام شده باشد."

و نیز آن حضرت فرمود: "چون حج بجا آورید آن را با زیارت ما ختم نمایید، زیرا موجب کامل شدن حج است." به نظر می‌رسد که ذکر این مقدار از احادیث برای ترغیب زائران آن حضرت کافی است، امید است که خداوند متعال همگان را به زیارت و شفاعت آن حضرت و خاندان گرامش صلوات الله علیهم اجمعین موفق گرداند.

حد حرم مدینه النبی صلی الله علیه وآله و سلم برای مدینه منوره نیز مانند مکه مکرمه حرم معینی است، و حد حرم مدینه منوره دو کوه "عائر" و "وعیر" در شرق و غرب مدینه است، که این شهر را در بر گرفته است.

و اگر چه در این حرم داشتن احرام واجب نیست، لکن درخت این حرم را خصوصا اگر سبز است نباید قطع نمود، مگر در همان مواردی که قطع درخت در حرم مکه مکرمه نیز جایز است، و هم چنین بنا بر احتیاط (اگر نگوییم بنا بر اقوی) باید از صید در حرم شهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرهیز نمود. مستحبات مدینه منوره

- ۱ - غسل برای ورود به مدینه منوره.
- ۲ - غسل برای ورود به حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و زیارت آن حضرت و داشتن غسل اول نیز کفایت میکند.
- ۳ - خواندن این دعا به هنگام غسل، که از اهل بیت علیهم السلام روایت شده است:

" اللهم طهر قلبي، و اشرح صدري، و اجر علي لساني
مدحتك و الثناء عليك، اللهم اجعله لي طهورا و شفاء و نورا
انك على كل شيء قدير "

- ۴ - و این دعا را نیز پس از فراغ بخواند:
- " اللهم طهر قلبي، و زك عملي، و اجعل ما عندك خيرا
لي، اللهم اجعلني من التوابين و اجعلني من المتطهرين "
- ۵ - ورود به مسجد شریف نبوی از باب جبرئیل.

٦ - اذن دخول خواستن، به اين گونه: كه در مقابل درب حرم با حالت خضوع و خشوع ايستاده، و بگويد:
" اللهم انى قد وقفت على باب من ابواب بيوت نبيك صلواتك عليه وآله، وقد منعت الناس ان يدخلوا الا باذنه، فقلت: (يا ايها الذين آمنوا لا تدخلوا بيوت النبي الا ان يؤذن لكم)، اللهم انى اعتقد حرمة صاحب هذا المشهد الشريف في غيبته، كما اعتقدها في حضرته، واعلم ان رسولك وخلفاءك عليهم السلام احياء عندك يرزقون، يرون مقامي ويسمعون كلامي ويردون سلامي، وانك حجت عن سمعي كلامهم، وفتحت باب فهمي بلذيت مناجاتهم، وانى استاذنك يا رب اولاء، واستاذن رسولك صلى الله عليه وآله ثانيا، واستاذن خليفتك الامام المفروض على طاعته الحجة بن الحسن المهدي عليه السلام والملائكة الموكلين بهذه البقعة المباركة ثالثا، أَدْخِلْ يا رسول الله، أَدْخِلْ يا حجة الله، أَدْخِلْ يا ملائكة الله المقربين المقيمين في هذا المشهد، فأذن لي يا مولاي في الدخول افضل ما اذنت لاحد من اولياءك، فان لم اكن اهلا لذلك فانت اهل لذلك "

۷ - به هنگام ورود به حرم پای راست را مقدم داشته،
و با آرامش و وقار، و خضوع و خشوع وارد حرم مطهر
شود، و بگوید:

" بسم الله وفي سبيل الله، وعلى ملة رسول الله صلى الله
عليه وآله، رب أدخلني مدخل صدق وأخرجني مخرج صدق
واجعل لي من لدنك سلطانا نصيرا، اللهم اغفر لي
وارحمي، وتب علي، انك انت التواب الرحيم "

۸ - صد بار " الله اكبر " بگوید.

۹ - دو ركعت نماز تحیت در مسجد پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله
و سلم بخواند.

۱۰ - به طرف قبر مطهر پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله و سلم بیاید،
و در صورت ممکن سلام داده و آن را ببوسد، و به طرف
حجره پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله و سلم در قسمتی که سر
مطهر آن حضرت است روی آورده، و رو به حجره
شریفه (نه رو به قبله) بایستد.

١١ - زيارت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم طبق این روایت:

" السلام عليك يا رسول الله، السلام عليك يا نبي الله، السلام عليك يا محمد بن عبد الله، السلام عليك يا خاتم النبيين، اشهد انك قد بلغت الرسالة، واقمت الصلوة، وآتيت الزكوة، وامرت بالمعروف، ونهيت عن المنكر، وعبدت الله مخلصا حتى اتيك اليقين، فصلوات الله عليك ورحمته وعلى اهل بيتك الطاهرين ."

" اللهم صل على محمد كما حمل وحيك وبلغ رسالاتك، وصل على محمد كما احل حلالك، وحرم حرامك، وعلم كتابك، وصل على محمد كما اقام الصلوة، وآتى الزكوة، ودعا الى دينك، وصل على محمد كما صدق بوعدك، واشفق من وعيدك، وصل على محمد كما غفرت به الذنوب، وسترت به العيوب، وفرجت به الكرب، وصل على

محمد كما دفعت به الشقاء، وكشفت به الغماء، واجبت به الدعاء، ونجيت به من البلاء، وصل على محمد كما رحمت به العباد، واحييت به البلاد، وقصمت به الجابرة، واهلكت به الفراعنة، وصل على محمد كما اضعفت به الاموال، واحرزت به من الاهوال، وكسرت به الاصنام، ورحمت به الانام، وصل على محمد كما بعثته بخير الاديان، واعززت به الايمان، وتبرت به الاوثان، وعظمت به البيت الحرام، وصل على محمد واهل بيته الطاهرين الاخيار وسلم تسليما".

زيارت رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم به روايت ديگر:
" السلام عليك يا رسول الله، السلام عليك يا نبي الله، السلام عليك يا محمد بن عبد الله، السلام عليك يا خاتم النبيين، اشهد انك قد بلغت الرسالة، واقمت الصلاة وآتيت الزكاة، وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر، وعبدت الله مخلصا حتى اتيك اليقين، فصلوات الله عليك ورحمته وعلى اهل بيتك الطاهرين".

سپس مگویی:

السلام عليك يا رسول الله، السلام عليك يا نبي الله،
السلام عليك يا خليل الله، السلام عليك يا صفي الله، السلام
عليك يا رحمة الله، السلام عليك يا خيرة الله، السلام عليك يا
حبيب الله، السلام عليك يا نجيب الله، السلام عليك يا خاتم
النبیین، السلام عليك يا سيد المرسلین، السلام عليك يا قائما
بالقسط، السلام عليك يا فاتح الخير، السلام عليك يا معدن
الوحي والتنزيل، السلام عليك يا مبلغا عن الله، السلام عليك
ايها السراج المنير، السلام عليك يا مبشر، السلام عليك يا
نذير، السلام عليك يا منذر، السلام عليك يا نور الله الذي
يستضاء به، السلام عليك وعلى اهل بيتك الطيبين الطاهرين
الهادين المهديين، السلام عليك وعلى جدك عبد المطلب،
وعلى ابيك عبد الله، وعلى امك آمنة بنت وهب، السلام على
عمك حمزة سيد الشهداء، السلام على عمك وكفيك
ابي طالب، السلام على ابن عمك جعفر الطيار في جنان
الخلد، السلام عليك يا محمد، السلام عليك يا احمد،
السلام عليك يا حجة الله على الاولين والآخرين، والسابق
إلى طاعة رب العالمين، والمهيمن على رسله، والخاتم

لانياءه، والشاهد على خلقه، الشفيح إليه، والمكين لديه،
والمطاع في ملكوته الاحمد من الاوصاف، المحمد
لسائر الاشراف، الكريم عند الرب، والمكلم من وراء
الحجب، الفائز بالسباق، والفائت عن اللحاق، تسليم
عارف بحقك، معترف بالتقصير في قيامه بواجبك، غير
منكر ما انتهى إليه من فضلك، موقن بالمزيادات من ربك،
مؤمن بالكتاب المنزل عليك، محلل حلالك، محرم
حرامك، اشهد يا رسول الله مع كل شاهد وأتحمّلها عن
كل جاحد، انك قد بلغت رسالات ربك، ونصحت
لامتك، وجاهدت في سبيل ربك، وصدعت بامرّه،
واحتملت الاذى في جنبه، ودعوت الى سبيله بالحكمة
والموعظة الحسنة الجميلة، واديت الحق الذي كان عليك،
وانك قد رؤفت بالمؤمنين، وغلظت على الكافرين، وعبدت
الله مخلصا حتى اتيك اليقين، فبلغ الله بك أشرف محل
المكرمين وأعلى منازل المقرّبين، وأرفع درجات
المرسلين، حيث لا يلحقك لاحق، ولا يفوقك فائق،
ولا يسبقك سابق، ولا يطمعك طامع، الحمد لله الذي استنقذنا

بك من الهلكة، وهدانا بك من الضلالة، ونورنا بك من
الظلمة، فجزاك الله يا رسول الله من مبعوث أفضل ما جازى نبيا
عن أمته، ورسولا عمن أرسل إليه، بابي انت وامى يا رسول الله
زرتك عارفا بالهدى الذي أنت عليه، بابي انت وامى ونفسى
واهلي ومالى وولدي، انا اصلى عليك كما صلى الله عليك،
وصلى عليك ملائكته وانبيأؤه ورسله، صلاة متتابعة وافرة
متواصلة، لا انقطاع لها ولا امد ولا اجل، صلى الله عليك
وعلى اهل بيتك الطيبين الطاهرين، كما انتم اهله".
سپس دستهايت را باز كن وبگو:

" اللهم اجعل جوامع صلواتك، ونوامي بركاتك، وفواضل
خيراتك، وشرائف تحياتك، وتسليماتك وكراماتك ورحماتك
وصلوات ملائكتك المقربين، وانبياءك المرسلين، وائمتك
المسبحين وعبادك الصالحين، واهل السموات والارضين،
ومن سبح لك يا رب العالمين، من الاولين والآخرين، وعلى
محمد عبدك ورسولك وشاهدك ونيك ونذيرك وأمينك
ومكينك ونجيك وحبيبك وخليلك وصفيك وصفوتك

وخاصتك ورحمتك وخير خيترك من خلقك، نبي الرحمة،
وخازن المغفرة، وقائد الخير والبركة، ومنقذ العباد من الهلكة
بإذنك، وداعيتهم إلى دينك القيم يا مرك، أول النبيين ميثاقا
وآخرهم مبعثا، اللهم صل عليه وعلى أهل بيته واصحابه
واتباعه، صلاة ترضاهم لهم، وبلغهم منا تحية كثيرة وسلاما،
وآتنا من لدنك في موالاتهم فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا،
انك ذو الفضل العظيم".

١٢ - و نیز مستحب است كه بالاى سر آن حضرت رو به قبله
ايستاده و بگوئى:

" السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته، السلام
عليك يا ابا القاسم، السلام عليك يا سيد الاولين والآخرين،
السلام عليك يا زين القيامة، السلام عليك يا شفيع القيامة،
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له، واشهد انك عبده
ورسوله، بلغت الرسالة، واديت الامانة، ونصحت امتك،
وجاهدت في سبيل ربك، حتى اتيتك اليقين، صلى الله عليك
وعلى اهل بيتك، طبت حيا وطبت ميتا، صلى الله عليك
وعلى اخيك ووصيك وابن عمك امير المؤمنين، وعلى ابنتك

سيدة نساء العالمين، وعلى ولديك الحسن والحسين، افضل الصلاة والسلام، واطيب التحية واطهر الصلاة، وعلينا منكم السلام، ورحمة الله وبركاته "

برای خود و مؤمنین و والدین خود در دعا جدیدت نمای.
۱۳ - نزد اسطوانه پیش رو که در طرف راست قبر قرار گرفته، در حالی که رو به قبله، و قبر مطهر در طرف چپ او، و شانه راست او مقابل منبر شریف است بایستد، زیرا این جایگاه محل سر مطهر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم است، و بگوید:
" اشهد ان لا إله الا الله وحده لا شريك له، و اشهد ان محمدا عبده ورسوله، و اشهد انك رسول الله، وانك محمد بن عبد الله، و اشهد انك قد بلغت رسالات ربك، ونصحت لامتك، وجاهدت في سبيل الله، وعبدت الله حتى اتيك اليقين بالحكمة والموعظة الحسنة، واديت الذي عليك من الحق، وانك قد رؤفت بالمؤمنين، وغلظت على الكافرين، فبلغ الله بك افضل شرف محل المكرمين، الحمد لله الذي استنقذنا بك من الشرك والضلالة، اللهم فاجعل صلواتك و صلوات ملائكتك المقربين وانباءك المرسلين وعبادك الصالحين،

و اهل السموات والارضين، و من سبح لك يا رب العالمين من
الاولين والآخرين، على محمد عبدك ورسولك ونبيك وامينك
ونجيك وحببيك وصفيك وخاصتك وصفوتك وخيرتك من
خلقك، اللهم اعطه الدرجة الرفيعة، وآته الوسيلة من الجنة،
وابعثه مقاما محمودا يغطه به الاولون والآخرون، اللهم انك
قلت: (ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاءوك فاستغفروا الله
واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيمًا)، واني اتيت
نبيك مستغفرا تائبًا من ذنوبي، ويا محمد اني اتوجه بك الى
الله ربي وربك ليغفر لي ذنوبي "

١٤ - و نیز مستحب است مجددًا رو به قبر مطهر آورده،
و در صورت امکان دستها را روی قبر گذارده و بگوید:
" اسئل الله الذي اجتبيك واختارك وهديك وهدى بك، ان
يصلى عليك وعلى اهل بيتك الطاهرين "

(ان الله وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين آمنوا
صلوا عليه وسلموا تسليما).

و سپس در صورت امکان در حالی که دستها را به دیواره حجره

گذارده است، بگوید:

" اتيتك يا رسول الله مهاجرا اليك، قاضيا لما اوجبه الله علي من قصدك، واذ لم الحقك حيا فقد قصدتك بعد موتك، عالما ان حرمتك ميتا كحرمتك حيا، فكن لي بذلك عند الله شاهدا "

۱۵ - و مستحب است كه كف دستهای خود را به صورت كشيده، و بگویی:

" اللهم اجعل ذلك بيعة مرضية لديك، وعهدا مؤكدا عندك، تحييني ما احيتني عليه، وعلى الوفاء بشرائطه وحدوده وحقوقه واحكامه، وتميتني اذا امتني عليه، وتبعثني اذا بعثني عليه "

۱۶ - و مستحب است بالای سر آن حضرت از طرف والدین و خانواده و دوستان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سلام برسانی، و بگویی:

" السلام عليك يا نبي الله، من أبي وأمي وولدي وخاصتي وجميع اهل بلدي، حرهم وعبدتهم وابيضهم واسودهم و من ...

و هر کس را که میخواهی نام ببری

زيارت ديگر پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله وسلم
۱۷ - مستحب است رو به قبله، و رو به قبر مطهر، آن حضرت
را چنین زیارت کنی:

" السلام عليك يا نبي الله ورسوله، السلام عليك يا صفوة
الله وخيرته من خلقه، السلام عليك يا امين الله وحجته،
السلام عليك يا خاتم النبيين وسيد المرسلين، السلام عليك
ايها البشير النذير، السلام عليك ايها الداعي الى الله والسراج
المنير، السلام عليك وعلى اهل بيتك الذين اذهب الله عنهم
الرجس وطهرهم تطهيرا، اشهد انك يا رسول الله اتيت بالحق
وقلت بالصدق، الحمد لله الذي وفقني للايمان والتصديق،
ومن علي بطاعتك واتباع سبيلك، وجعلني من امتك
والمجيبين لدعوتك، وهداني الى معرفتك ومعرفة الائمة من
ذريتك، اتقرب الى الله بما يرضيك ابرا الى الله مما يسخطك،
مواليا لاوليائك معاديا لاعدائك، جئتك يا رسول الله زائرا
وقصدتك راغبا متوسلا الى الله سبحانه، وانت صاحب
الوسيلة، والمنزلة الجليلة، والشفاعة المقبولة، والدعوة

المسموعة، فاشفع لي الى الله تعالى فى الغفران والرحمة والتوفيق والعصمة، فقد غمرت الذنوب، وشملت العيوب، واثقل الظهر، وتضاعف الوزر، وقد اخبرتنا وخبرك الصديق، انه تعالى قال وقوله الحق: (ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاءوك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيمًا)، وقد جئتك يا رسول الله، مستغفرا من ذنوبي، تائبًا من معاصي وسيئاتي، واني اتوجه الى الله ربي وربك، ليغفر لي ذنوبي، فاشفع لي يا شفيع الامة، واجرنى يا نبي الرحمة، صلى الله عليك وعلى آلك الطاهرين ."

١٨ - زيارت ديگر براى رسول خدا صلى الله عليه وآله و سلم طبق

روایت حضرت رضا عليه السلام با سند صحيح:

"السلام على رسول الله، السلام عليك ورحمة الله

وبركاته، السلام عليك يا محمد بن عبد الله، السلام عليك يا

خيرة الله، السلام عليك يا حبيب الله، السلام عليك يا صفوة

الله، السلام عليك يا امين الله، السلام عليك يا حجة الله،

اشهد انك رسول الله، واشهد انك محمد بن عبد الله، واشهد

انك قد نصحت لامتك، وجاهدت في سبيل ربك، وعبدته

حتى اتيك اليقين، فجزاك الله افضل ما جزى نبيا عن امته،
اللهم صل على محمد وآل محمد، افضل ما صليت على
ابراهيم وآل ابراهيم، انك حميد مجيد".

۱۹ - سپس رو به قبله کرده، و طبق روایت حضرت سجاد
علیه السلام پس از زیارت آن حضرت، بگو:
" اللهم اليك الجأت امري، والى قبر نبيك محمد صلى
الله عليه وآله عبدك ورسولك اسندت ظهري، والقبلة التي
رضيت لمحمد صلى الله عليه وآله استقبلت، اللهم اني
اصبحت لا املك لِنفسي خيرا ما ارجو لها، ولا ادفع عنها شر
ما احذر عليها، واصبحت الامور بيدك، ولا فقير افقر مني،
اني لما انزلت الي من خير فقير، اللهم ارددني منك بخير ولا
راد لفضلك، اللهم اني اعوذ بك من ان تبدل اسمي، وتغير
جسمي، او تزيل نعمتك عني، اللهم زيني بالتقوى، وجملني
بالنعم، واغمرني بالعافية، وارزقني شكر العافية".

۲۰ - يازده بار سوره قدر را بخوان، وحاجات خود را
طلب کن، که بر آورده مشود ان شاء الله.

۲۱ - دو رکعت نماز زیارت بخوان، و ثوابش را به پیامبر اکرم

صلى الله عليه وآله وسلم هديه كن.

٢٢ - پس از نماز بگو:

" اللهم اني صليت و ركعت وسجدت لك وحدك لا شريك لك، لأن الصلوة والركوع والسجود لا تكون إلا لك، لأنك انت الله الذي لا اله الا انت، اللهم وهاتان الركعتان هدية مني الى سيدي ومولاي رسول الله، فتقبلها مني با حسن قبولك، واجرنى على ذلك با فضل املي ورجائي فيك وفي رسولك يا ولي المؤمنين "

دعاى بعد از زيارت و نماز آن

٢٣ - مستحب است پس از زيارت و نماز آن بگوئى:

" اللهم انك قلت لنبيك محمد صلى الله عليه وآله: (ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاءوك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيمًا)، ولم احضر زمان رسولك عليه وآله السلام، وقد زرته راغبا تائبا من سييء عملي، ومستغفرا لك من ذنوبي، ومقرا لك بها، وانت اعلم بها مني، ومتوجها اليك بنبيك نبي الرحمة، صلواتك عليه وآله، فاجعلني اللهم بمحمد واهل بيته عندك وجيها في الدنيا

والآخرة ومن المقربين، يا محمد يا رسول الله، بابي انت
وامى يا نبي الله، يا سيد خلق الله، اني اتوجه بك الى الله ربك
وربي، ليغفر لي ذنوبي، ويتقبل مني عملي، ويقضي لي
حوائجي، فكن لي شفيعا عند ربك وربي، فنعم المسؤول
المولى ربي، ونعم الشفيع انت يا محمد، عليك وعلى اهل
بيتك السلام، اللهم واوجب لي منك المغفرة والرحمة،
والرزق الواسع الطيب النافع، كما اوجبت لمن اتى نبيك
محمدا صلواتك عليه وآله، وهو حي، فاقر له بذنوبه،
واستغفر له رسولك عليه السلام، فغفرت له برحمتك يا ارحم
الراحمين. اللهم وقد أملتك ورجوتك وقمت بين يديك،
ورغبت إليك عمن سواك، وقد أملت جزيل ثوابك، وإني
لمقر غير منكر، وتائب إليك مما اقترفت، وعائد إليك في
هذا المقام مما قدمت من الاعمال التي تقدمت إلي فيها،
ونهيتهني عنها، وأوعدت عليها العقاب، وأعوذ بكرم وجهك
أن تقيمني مقام الخزي والذل يوم تهتك فيه الاستار، وتبدو
فيه الاسرار والفضائح، وترعد فيه الفرائض، يوم الحسرة
والندامة، يوم الآفكة، يوم الآزفة، يوم التغابن، يوم الفصل،

يوم الجزاء، يوما كان مقداره خمسين ألف سنة، يوم النفخة،
يوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة، يوم النشر، يوم العرض، يوم
يقوم الناس لرب العالمين، يوم يفر المرء من أخيه وأمه وأبيه
وصاحبه وبنيه، يوم تشقق الارض وأكفاف السماء، يوم
تأتي كل نفس تجادل عن نفسها، يوم يردون إلى الله فينبئهم
بما عملوا، يوم لا يغني مولى عن مولى شيئا ولا هم ينصرون،
إلا من رحم الله إنه هو العزيز الرحيم، يوم يردون إلى عالم
الغيب والشهادة، يوم يردون إلى الله موليهم الحق، يوم
يخرجون من الاجداث سراعا كأنهم إلى نصب يوفضون،
وكانهم جراد منتشر مهطعين إلى الداع إلى الله، يوم الواقعة،
يوم ترج الارض رجا، يوم تكون السماء كالمهل، وتكون
الجبال كالعهن، ولا يسئل حميم حميما، يوم الشاهد
والمشهد، يوم تكون الملكة صفا صفا، اللهم ارحم موقفي
في ذلك اليوم بموقفي في هذا اليوم، ولا تخزني في ذلك
الموقف بما جنيت على نفسي، واجعل يا رب في ذلك
اليوم مع أوليائك منطلقني، وفي زمرة محمد وأهل بيته عليهم
السلام محشري، واجعل حوضه موردي، وفي الغر الكرام

مصدري، وأعطني كتابي بيمينني حتى أفوز بحسناتي،
وتبيض به وجهي، وتيسر به حسابي، وترجح به ميزاني،
وأمضي مع الفائزين من عبادك الصالحين إلى رضوانك
وجنانك يا إله العالمين، اللهم إني أعوذ بك من أن
تفضحني في ذلك اليوم بين يدي الخلائق بجريرتي، أو أن
ألقى الخزي والندامة بخطيئتي، أو أن تظهر فيه سيئاتي على
حسناتي، أو أن تنوه بين الخلائق باسمي، يا كريم يا
كريم، العفو العفو، الستر الستر، اللهم وأعوذ بك من أن
يكون في ذلك اليوم في مواقف الاشرار موقفي أو في مقام
الاشقياء مقامي، وإذا ميزت بين خلقك فسقت كلا
بأعمالهم زمرا إلى منازلهم، فسقني برحمتك في عبادك
الصالحين، وفي زمرة أولياءك المتقين، إلى جناتك يا
رب العالمين .

زیارت پیامبر اکرم از راه دور
۲۴ - زیارت رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم از دور نیز مستحب
است، و در حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم آمده است که:
اگر نتوانستید مرا از نزدیک زیارت کنید، از دور به من سلام
بفرستید، که به من برسد.

و در بحار الانوار است که بزنی گفت: به حضرت رضا
علیه السلام عرض کردم: کیفیت درود بر پیامبر پس از نماز واجب
چگونه است؟ حضرت فرمود: بگو:

" السلام عليك يا رسول الله، ورحمة الله وبركاته، السلام
عليك يا محمد بن عبد الله، السلام عليك يا خيرة الله، السلام
عليك يا حبيب الله، السلام عليك يا صفوة الله، السلام عليك
يا امين الله، اشهد انك رسول الله، و اشهد انك محمد بن
عبد الله، و اشهد انك قد نصحت لامتك، و جاهدت في سبيل
ربك، و عبدته مخلصا حتى اتيتك اليقين، فجزاك الله يا رسول
الله افضل ما جزى نبيا عن امته، اللهم صلى على محمد وآل
محمد، افضل ما صليت على ابراهيم وآل ابراهيم، انك حميد
مجيد "

۲۵ - زیارت دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم از راه دور، طبق روایت مرحوم علامه سید محسن عاملی در مفتاح الجنات:
" السلام علی رسول الله، امین الله علی و حیه، و عزائم امره، الخاتم لما سبق والفتاح لما استقبل، والمهیمین علی ذلك كله ورحمة الله وبرکاته، السلام علی صاحب السکینة، السلام علی المدفون بالمدينة، السلام علی المنصور المؤید والرسول المسدد، السلام علی ابی القاسم محمد ورحمة الله وبرکاته ".

۲۶ - و مستحب است به قدری که متواند در مسجد النبی نماز بگذارد، زیرا نماز در آن مسجد خصوصا بین قبر و منبر برابر با ده هزار نماز در مساجد دیگر است، زیرا در حدیث صحیح آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: در بین قبر و منبر من باغی از باغهای بهشت است.
و حد روضه منوره، طولا از قبر مطهر تا منبر آن حضرت، و عرضا از منبر تا ستون چهارم است، که امروزه با سنگهای مرمر سفید این ستونها پوشیده شده، و از سایر ستون ها ممتاز شده اند.

٢٧ - دعای در روضه شریفه:

" اللهم ان هذه روضة من رياض جنتك، وشعبة من شعب رحمتك، التي ذكرها رسولك وابان عن فضلها، وشرف التعبد لك فيها، فقد بلغتنيها في سلامة نفسي، فلك الحمد يا سيدي على عظيم نعمتك على في ذلك، وعلى ما رزقتني من طاعتك، وطلب مرضاتك، وتعظيم حرمة نبيك، بزيارة قبره والتسليم عليه، والتردد في مشاهدته ومواقفه، فلك الحمد يا مولاي، حمدا ينتظم به محامد حملة عرشك، وسكان سمواتك لك، ويقصر عنه حمد من مضى، ويفضل حمد من بقي من خلقك لك، ولك الحمد يا مولاي، حمد من عرف الحمد لك، والتوفيق للحمد منك، حمدا يملا ما خلقت ويبلغ حيث ما اردت، ولا يحجب عنك ولا ينقضي دونك، ويبلغ اقصى رضاك ولا يبلغ آخره اوائل محامد خلقك لك، ولك الحمد ما عرفت الحمد، واعتقد الحمد، وجعل ابتداء الكلام الحمد، يا باقى العز والعظمة، ودائم السلطان والقدرة وشديد البطش والقوة، ونافذ الامر والارادة، وواسع الرحمة والمغفرة، ورب الدنيا والآخرة، كم من نعمة لك علي يقصر عن ايسرها حمدي، ولا يبلغ ادناها شكري، وكم من صنائع

منك الي لا يحيط بكثيرها وهمي، ولا يقيدها فكري، اللهم
صل على نبيك المصطفى، بين البرية طفلا وخيرها شابا
وكهلا اطهر المطهرين شيمة، و اجود المستمرين ديمة،
واعظم الخلق جرثومة، الذي اوضحت به الدلالات، واقمت
به الرسالات، وختمت به النبوات، وفتحت به الخيرات، و
اظهرته مظهرا، وابتعثته نبيا وهاديا امينا مهديا، وداعيا اليك،
ودالا عليك، وحجة بين يديك، اللهم صل على المعصومين
من عترته والطيبين من اسرته، وشرف لديق به منازلهم،
وعظم عندك مراتبهم، واجعل في الرفيق الاعلى مجالسهم،
وارفع الي قرب رسولك درجاتهم، و تتم بلقائه سرورهم،
ووفر بمكانه انسهم".

۲۸ - نماز در جاىگاه نماز رسول خدا صلى الله عليه وآله و سلم
مستحب است.

۲۹ - خواندن دو ركعت نماز نزد اسطوانه ابو لبابه، كه معروف

به اسطوانه توبه (۱) است.

و پس از نماز نزد این ستون، این دعا را بخوان:

" بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم لا تهني بالفقر، ولا
تذلني بالدين، ولا تردني الى الهلكة، واعصمني كي اعتصم،
واصلحني كي انصلح، واهدني كي اهتدي، اللهم اعني على
اجتهاد نفسي، ولا تعذبني بسوء ظني ولا تهلكني وانت
رجاءي، و انت اهل ان تغفر لي وقد اخطأت، وانت اهل ان
تعفو عني وقد اقررت، وانت اهل ان تقيل وقد عثرت، وانت
اهل ان تحسن وقد اسأت، وانت اهل التقوى واهل المغفرة،
فوفقني لما تحب وترضى، ويسر لي اليسير، وجنبي كل
عسير، اللهم اغنني بالحلال عن الحرام، وبالطاعات عن

(۱) ابو لبابه یکی از صحابه رسول خدا (صلی الله علیه وآله و سلم) بود، که
بشیر ابن عبد المنذر نام داشت، گفته شده است که او از فرمان رسول
خدا (صلی الله علیه وآله و سلم) در جنگ تبوك تخلف کرد، و سپس
پشیمان شد، و خود را با ریسمانی به ستون مسجد بست، و قسم یاد کرد
که چیزی نخورد و نیاشامد، مگر آن که خداوند توبه او را بپذیرد، و یا
بمیرد. هفت روز چنین گذشت، تا بیهوش شد، سپس خداوند از او
گذشت، و این آیه شریفه نازل شد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم) تشریف آوردند، و او را از آن
ستون باز کردند و بشارت دادند که خداوند او را بخشوده است. از این
جهت این ستون به ستون توبه و ستون ابو لبابه معروف شد.

المعاصي، وبالغنى عن الفقر، وبالجنة عن النار، وبالأبرار
عن الفجار، يا من ليس كمثلته شيء، وهو السميع البصير
وانت على كل شيء قدير ."

سپس حاجات خود را بطلب، و از گناهانت استغفار کن،
که ان شاء الله حاجتت بر آورده خواهد شد.

۳۰ - مستحب است اگر چه انسان در مدینه منوره مسافر است،

سه روز را برای قضاء حوائج روزه بگیرد، و سزاوار است
روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را برای این امر انتخاب کند.

۳۱ - مستحب است شب و روز چهارشنبه نزد ستون ابو لبابه نماز

بخواند، و شب و روز پنجشنبه نزد ستونی جنب ستونی که حضرت

رسول صلی الله علیه وآله و سلم در کنار آن اقامه نماز مفرمود، نماز

بگزارد، و شب و روز جمعه نزد ستونی که پهلوی محل اقامه نماز

آن حضرت است نماز بخواند، و دعا کند، و حوائج دنیوی

واخروی خود را از خداوند متعال بخواهد. و این دعا را

حتما بخواند:

" اللهم ما كانت اليك من حاجة شرعت انا في طلبها او

التماس او لم اشرع، سالتكها او لم اسالكها، فاني اتوجه

اليك بنبيك محمد صلی الله علیه وآله نبي الرحمة، في قضاء

حوائجي صغيرها وكبيرها، اللهم اني اسئلك بعزتك وقوتك
وقدرتك، وجميع ما احاط به علمك، ان تصلي علي محمد
وآل محمد، صلى الله عليه وآله، وان تفعل بي كذا و كذا ".
زيارت حضرت صديقه طاهره فاطمه زهرا سلام الله عليها
۳۳ - پس از آن كه زيارت حضرت رسول صلى الله عليه وآله و سلم
به پايان رسيد، زيارت پاره تن پاك او، حضرت فاطمه زهراء
عليها السلام از مستحبات مؤكده است، كه فضيلتي كثير و ثوابي
فراوان دارد، و از بين احاديثي كه در اين باره وارد شده است به ذكر
يك حديث اكتفا مشود.

شيخ طوسي (ره) در تهذيب فرموده است: احاديث وارده
در فضيلت زيارت آن حضرت بيش از حد شمارش است، و از جمله
روايتي است كه با سند معتبر از يزيد بن عبد الملك، از پدرش،
از جدش نقل شده است كه گفت: بر حضرت فاطمه زهرا
عليها السلام وارد شدم، آن حضرت سبقت در سلام جست،
و فرمود: به دنبال چه مگردي؟ عرض كردم: در جستجوي
بركتم، حضرت فاطمه زهرا سلام الله عليها فرمود: پدرم مرا خبر
داد، و مطلب هم همين است، هر كس بر او و بر من سه بار درود
بفرستد، بهشت بر او واجب مشود، عرض كردم: در زمان

حیات او و شما؟ حضرت فرمود: آری، و بعد از فوت ما نیز. و به درستی که علما در این که قبر شریف آن حضرت کجاست اختلاف کرده‌اند، گروهی آن را در بقیع بدانند، و بعضی مگویند که آن حضرت در روضه شریفه بین قبر و منبر، و برخی مگویند آن حضرت در خانه خودش که متصل به حجره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، به خاک سپرده شده است، و امروزه با توسعه مسجد شریف نبوی منزل آن حضرت در قسمت آخر ضریح مطهر نسبت به قبله قرار گرفته است، و الآن نیز صندوق کوچکی در داخل پنجره‌ها و ضریح بزرگ در قسمت شمال شرقی وجود دارد، که به قبر آن حضرت معروف است، و سزاوار است بنا بر اخباری که در این باره وارد شده است، در آن مکان نیز آن حضرت را زیارت کنند.

زیارت اول حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها
" السلام عليك يا بنت رسول الله، السلام عليك يا بنت
خليل الله، السلام عليك يا بنت نبي الله، السلام عليك يا بنت
حبيب الله، السلام عليك يا بنت صفی الله، السلام عليك يا
بنت امين الله، السلام عليك يا بنت خير خلق الله، السلام

عليك يا بنت افضل انبياء الله ورسله، وملائكته، السلام عليك
يا بنت خير البرية، السلام عليك يا سيدة نساء العالمين،
السلام عليك يا زوجة ولي الله و خير الخلق بعد رسول الله،
السلام عليك يا ام الحسن والحسين سيدي شباب اهل الجنة،
السلام عليك ايتها الشهيدة الصديقة، السلام عليك ايتها
الرضية المرضية، السلام عليك ايتها الفاضلة الزكية، السلام
عليك ايتها الحورية الانسية، السلام عليك يا فاطمة بنت
رسول الله، السلام عليك وعلى بعلك وبنيك ورحمة الله
وبركاته، صلى الله عليك وعلى روحك وبدنك، اشهد انك
مضيت على بينة من ربك، وان من شرك فقد سر رسول الله،
ومن جفاك فقد جفا رسول الله، ومن قطعك فقد قطع رسول
الله، لانك بضعة منه، وروحه التي بين جنبيه، كما قال عليه
افضل سلام الله وافضل صلواته، اشهد الله ورسوله اني راض
عمن رضيت عنه، ساخط عمن سخطت عليه، متبرئ ممن
تبرأت منه، موال لمن واليت، معاد لمن عاديت، مبغض لمن
ابغضت، محب لمن احببت، وكفى بالله شهيدا وحسيبا
وجازيا ومثيبا " .

" اللهم صل وسلم على عبدك ورسولك محمد بن عبد الله خاتم النبيين، وخير الخلق اجمعين، وصل على وصيه علي بن ابي طالب امير المؤمنين، وامام المسلمين، وخير الوصيين، وصل على فاطمة بنت محمد سيدة نساء العالمين، وصل على سيدي شباب اهل الجنة، الحسن والحسين، وصل على زين العابدين علي بن الحسين، وصل على محمد بن علي باقر علم النبيين، وصل على الصادق عن الله جعفر بن محمد، وصل على كاظم الغيظ في الله موسى بن جعفر، وصل على الرضا علي بن موسى، وصل على النبي محمد بن علي، وصل على النقي علي بن محمد، وصل على الزكي الحسن بن علي، وصل على الحجة القائم بن الحسن بن علي، اللهم احى به العدل، وامت به الجور، وزين ببقاءه الارض، واظهر به دينك وسنة نبيك، حتى لا يستخفي بشيء من الحق مخافة احد من الخلق، واجعلنا من اشياعه واتباعه، والمقبولين في زمرة اوليائه، يا ارحم الراحمين، اللهم صل على محمد واهل بيته، الذين اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا "

سپس بگو:
" و صلى الله عليك، وعلى أبيك محمد رسول الله، وعلى
بعلك أمير المؤمنين، وعلى أبنائك الأئمة الطاهرين وسلم
تسليما كثيرا ".
زيارت ديگر حضرت زهرا عليها السلام
سپس طبق روایت حضرت باقر عليه السلام بگو:
" يا ممتحنة امتحنك الله الذي خلقك قبل ان يخلقك
فوجدك لما امتحنك صابرة وزعمنا انا لك اولياء ومصdqون
وصابرون لكل ما اتانا به ابوك. واتانا به وصيه فانا نسئلك ان
كنا صدقناك إلا الحققتنا بتصدقنا لهما لنبشر انفسنا بانا قد
طهرنا بولايتك ".
و سپس مگوئی:
" السلام عليك يا سيدة نساء العالمين السلام عليك يا
والدة الحجج على الناس اجمعين السلام عليك ايها
المظلومة الممنوعة حقها ".
و سپس بگو:
" اللهم صل على امتك وابنة نبيك وزوجة وصي نبيك

صلوة تزلفها فوق زلفى عبادك المكرمين من أهل السموات
وأهل الأرضين".

در روایت است که هر کس آن حضرت را به این زیارت
بخواند، و از خداوند طلب مغفرت نماید، خداوند او را مآمرزد.
۳۴ - پس از زیارت مستحب است دو رکعت نماز بخواند،
و ثوابش را به آن حضرت هدیه کند.

دعای بعد از زیارت

۳۵ - سپس بعد از نماز زیارت این دعا را مسخوانی:
" اللهم انى اتوجه اليك بنبينا محمد صلى الله عليه وآله،
وباهل بيته صلواتك عليهم، واسئلك بحقك العظيم الذي لا
يعلم كنهه سواك، واسئلك بحق من حقه عندك عظيم،
وباسماءك الحسنى التي امرتني ان ادعوك بها، واسئلك
باسمك الاعظم الذي امرت به ابراهيم عليه السلام، ان يدعو
به الطير فاجابته، وباسمك العظيم الذي قلت للنار كونى بردا
وسلاما على ابراهيم، فكانت بردا وسلاما، وبا حب الاسماء
اليك واشرفها واعظمها لديك، واسرعها اجابة وانجحها
طلبية، وبما انت اهله ومستحقه ومستوجبه واتوسل اليك
وارغب اليك، واتضرع والى عليك، واسئلك بكتبك التي

انزلتها على انبياءك ورسلك صلواتك عليهم، من التوراة والانجيل والزبور والقرآن العظيم، فان فيها اسمك الاعظم، وبما فيها من اسماءك العظمى، ان تصلى على محمد وآل محمد، وان تفرج عن آل محمد وشيعتهم ومحبيهم وعني، وتفتح ابواب السماء لدعائي، وترفعه في عليين، وتأذن لي في هذا اليوم وفي هذه الساعة بفرجي واعطاء املي وسؤلي في الدنيا والآخرة، يا من لا يعلم احد كيف هو وقدرته الا هو، يا من سد الهواء بالسماء، وكبس الارض على الماء، واختار لنفسه احسن الاسماء، يا من سمى نفسه بالاسم الذي تقضى به حاجة من يدعوه، اسئلك بحق ذلك الاسم، فلا شفيع اقوى لي منه، ان تصلي على محمد وآل محمد، وان تقضى لي حوائجي، وتسمع بمحمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين، وعلي بن الحسين، ومحمد بن علي، وجعفر بن محمد، وموسى بن جعفر وعلي بن موسى، ومحمد بن علي وعلي بن محمد، والحسن بن علي والحجة المنتظر لاذنك، صلواتك وسلامك ورحمتك وبركاتك عليهم صوتي ليشفعوا لي اليك، وتشفعهم في، ولا تردني خائباً، بحق لا اله الا

انت "

سپس حوائج خود را بخوان، که ان شاء الله بر آورده خواهد شد.

بقیه مستحبات مسجد النبی

پس از فارغ شدن از زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم و فرزند گرامش حضرت زهرا سلام الله علیها سزاوار است نزد منبر آن حضرت بیایی، منبری که آن حضرت بر فراز آن مننشست، و معارف بلند اسلامی و مواعظ و ارشادات ارزشمند خود را برای امت اسلامی مطرح مفرمود، و در واقع این منبر کرسی تدریس دانشگاه بزرگ اسلامی بود، که صحابه گرانقدری را پروراند، پس چون نزد منبر آمدی، دو دستگیره اناری شکل آن را در دستانت نگهدار، و صورت و چشمانت را به آن و به منبر بکش، که موجب شفای چشم میشود، و با توجه به این که منبر مذکور در حال حاضر وجود ندارد، و منبر فعلی به حسب ظاهر در همان محل گذارده شده، بد نیست که آنچه را در باره منبر اصلی گفته شده است، به رجاء مطلوبیت در باره منبر فعلی نیز انجام بدهند، و در آن جا حمد و ثنای الهی را به جا آورده، و حوائج خود را از خداوند بخواند.

نماز و دعا در مقام جبرئیل
مستحب است در مقام جبرئیل که برای اذن از پیامبر در آن جا
مایستاد نماز بگزارد، و پس از نماز، این دعا را بخواند:
" یا من خلق السموات، وملاها جنودا من المسبحین له
من ملائکته، والممجدین لقدرته وعظمته، وافرغ علی ابدانهم
حلل الکرامات، وانطق السنتهم بضروب اللغات، والبسهم
شعار التقوی، وقلدهم قلائد النهی، وجعلهم اوفر اجناس
خلقه معرفة بوحدانیه و قدرته وجلالته وعظمته، واکملهم
علما به، واشدهم فرقا، وادومهم له طاعة وخضوعا واستکانة
وخشوعا، یا من فضل الامین جبرئیل بخصائصه ودرجاته
ومنازله، واختاره لوحیه وسفارته وعهده وامانته، وانزال کتبه
واوامره علی انبیائه ورسله، وجعله واسطة بین نفسه و بینهم،
اسئلك ان تصلي علی محمد وآل محمد، وعلی جمیع
ملائکتک وسکان سمواتک، اعلم خلقتک بک، واخوف
خلقتک لک، واقرب خلقتک منک، واعمل خلقتک بطاعتک،
الذین لا یغشیهم نوم العیون، ولا سهو العقول، ولا فتره

الابدان، المكرمين بجوارك، والمؤمنين على وحيك،
المحتنين الآفات، والموقين السيئات، اللهم واخصص الروح
الامين، صلواتك عليه باضعافها منك، وعلى ملائكتك
المقربين وطبقات الكروبيين والروحانيين، وزد في مراتبه
عندك، وحقوقه التي له على اهل الارض، بما كان ينزل به من
شرائع دينك، وما بينته على السنة انبياءك، من محلاتك
ومحرماتك، اللهم اكثر صلواتك على جبرئيل، فانه قدوة
الانبياء، وهادي الاصفياء وسادس اصحاب الكساء، اللهم
اجعل وقوفي في مقامه هذا سببا لنزول رحمتك علي،
وتجاوزك عني، ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان، ان آمنوا
بربكم فآمنوا، ربنا فاغفر لنا ذنوبنا، وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع
الابرار، ربنا وآتانا ما وعدتنا على رسلك، ولا تخزنا يوم القيمة،
انك لا تخلف الميعاد، اي جواد اي كريم، اي قريب اي
بعيد، اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد، وان توفقني
لطاقتك، ولا تزيل عني نعمتك، وان ترزقني الجنة برحمتك،
وتوسع علي من فضلك، وتغنيني عن شرار خلقك، وتلهمني
شكرك وذكرك، ولا تخيب يا رب دعائي، ولا تقطع رجائي،

بمحمد وآله "

سپس مگویی:

" واسئلك بانك انت الله ليس كمثلك شيء، ان تعصمني
عن المهالك، وان تسلمني من آفات الدنيا والآخرة، ووعثاء
السفر وسوء المنقلب، وان تردني سالما الى وطني، بعد حج
مقبول وسعي مشكور وعمل متقبل، ولا تجعله آخر العهد من
حرمك وحرم رسولك، صلى الله عليه وآله "

وآنگاه بگو:

" اي جواد اي كريم، اي قريب اي بعيد، اسئلك ان تصلي

علي محمد واهل بيته، وان ترد علي نعمتك "

۳۷ - در صورت امکان اعتكاف در مسجد نبوی مستحب است،

و نیز مستحب است که در ایام اعتكاف جز در موارد ضرورت

با کسی سخن نگوید: و اگر میتواند شب چهارشنبه و روزش را

نزد ستونی که پهلوی سر رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم است،

و شب پنجشنبه و روزش را نزد استوانه ابو لبابه، و شب جمعه

و روزش نزد ستون اقامه نماز آن حضرت بماند.

زیارت ائمه بقیع

۳۸ - از مستحبات مؤکده پس از زیارت رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم و حضرت زهرا سلام؟؟ الله علیها زیارت ائمه بقیع علیهم صلوات الله است، که این امامان عبارتند از:

۱ - حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام

۲ - حضرت علی بن الحسین امام سجاد علیه السلام

۳ - حضرت محمد بن علی امام باقر علیه السلام

۴ - حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

سپس فاطمه بنت اسد، و حضرت زهرا سلام الله علیها را

- که بنابر قولی در بقیع مدفون است - زیارت مکنی.

۳۹ - غسل زیارت و خواندن این دعا در زمان غسل

استحباب دارد:

" بسم الله و بالله، اللهم اجعله لي نورا و طهورا و حرزا
و شفاء من كل داء و آفة و عاهة، اللهم طهر به قلبي و اشرح به
صدري و يسر به امري "

۴۰ - مستحب است که زائر بهترین لباس نظیف خود را بپوشد،
و به بهترین عطر خود را خوشبو کند، و با آرامش و وقار به زیارت
آنان برود، و چون نزدیک آن بارگاه شد بایستد،

و چنین استیذان کند:
" یا موالی یا ابناء رسول الله، عبدکم وابن امتکم، الذلیل
بین ایدیکم، والمضعف فی علو قدرکم، والمعترف
بحقکم، جاءکم مستجیرا بکم، قاصدا الی حرمکم، متقربا
الی مقامکم، متوسلا الی الله تعالی بکم، أَدْخِلْ یا موالی،
أَدْخِلْ یا اولیاء الله، أَدْخِلْ یا ملائکة الله المحدقین بهذا
الحرم، المقیمین بهذا المشهد " .

۴۱ - سپس قدم راست را پیش گذار، وبا خشوع و خضوع
وارد شو، وبگو:

" الله اکبر کبیرا، والحمد لله کثیرا، وسبحان الله بکرة
واصیلا، والحمد لله الفرد الصمد، الماجد الاحد، المتفضل
المنان، المتطول الحنان، الذی من بطوله، وسهل زیارة
ساداتی باحسانه، ولم یجعلنی عن زیارتهم ممنوعا، بل تطول
ومنح " .

و پشت به قبله و رو به آن قبور مطهر بنحوان:
" السلام علیکم ائمة الهدی، السلام علیکم اهل التقوی،
السلام علیکم ایها الحجج علی اهل الدنیا، السلام علیکم

ايها القوام في البرية بالقسط، السلام عليكم اهل الصفوة،
السلام عليكم آل رسول الله، السلام عليكم اهل النجوى،
اشهد انكم قد بلغت ونصحتم وصبرتم في ذات الله، وكذبتم
واسيىء اليكم فغفرتكم، واشهد انكم الائمة الراشدون
المهتدون، وان طاعتكم مفروضة، وان قولكم الصدق، وانكم
دعوتكم فلم تجابوا، وامرتم فلم تطاعوا، وانكم دعائم الدين
واركان الارض، لم تزالوا بعين الله، ينسخكم من اصلاب كل
مطهر، وينقلكم من ارحام المطهرات، لم تدنسكم الجاهلية
الجهلاء، ولم تشرك فيكم فتن الالهواء، طبتم وطاب منبتكم،
من بكم علينا ديان الدين، فجعلكم في بيوت اذن الله ان ترفع
ويذكر فيها اسمه، وجعل صلاتنا عليكم رحمة لنا وكفارة
لذنوبنا، اذ اختاركم الله لنا، وطيب خلقنا بما من علينا من
ولايتكم، وكنا عنده مسمين بعلمكم، معترفين بتصديقنا
اياكم، وهذا مقام من اسرف واخطا واستكان واقر بما جنى،
ورجى بمقامه الخلاص، وان يستنقذه بكم مستنقذ الهلكى من
الردى، فكونوا لي شفعاء، فقد وفدت اليكم اذ رغب عنكم
اهل الدنيا، واتخذوا آيات الله هزوا، واستكبروا عنها، يا من هو

قائم لا يسهو، ودائم لا يلهو، ومحيط بكل شيء، لك المن
بما وفقنتني، وعرفتني بما اقمنتني عليه، اذ صد عنه عبادك
وجهلوا معرفته، واستخفوا بحقه، ومالوا الى سواه، فكانت
المنة منك علي مع اقوام خصصتهم بما خصصتني به، فلك
الحمد اذ كنت عندك في مقامي هذا مذكورا مكتوبا، فلا
تحرمني ما رجوت، ولا تخيبي فيما دعوت، بحرمة محمد
وآله الطاهرين، وصلى الله على محمد وآل محمد."

٤٢ - زيارت ديگر ائمه بقیع علیهم السلام

" السلام علیکم یا خزان علم الله وحفظة سره وتراجمة
وحیه ائتیکم یا بنی رسول الله عارفا بحکمکم مستبصرا
بشأنکم معاد یا لأعدائکم مواليا لأولیائکم، بأبی انتم وامي
صلی الله علی ارواحکم وابدانکم.
اللهم انی أتولی آخرهم كما تولیت أولهم، وأبرأ من کل
ولیجة دونهم، آمنت بالله وکفرت بالجبت والطاغوت واللات
والعزی وکل ند یدعی من دون الله."

٤٣ - سپس هشت رکعت نماز (چهار دو رکعتی) برای زیارت
ائمه بقیع علیهم صلوات الله مسخواری، و ثواب هر دو رکعت آن را
به یکی از امامان هدیه میکنی، و دعای پس از نماز زیارت

رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم را پس از هر دو رکعت مسخواری.
زیارت فاطمه بنت اسد

۴۴ - زیارت فاطمه بنت اسد والده حضرت امیر المؤمنین علی
علیه السلام نیز که در کنار ائمه بقیع مدفون است مستحب است،
پس برای زیارت آن حضرت بگو:

" السلام علی نبی الله، السلام علی رسول الله، السلام علی
محمد سید المرسلین، السلام علی محمد سید الاولین،
السلام علی محمد سید الآخرین، السلام علی من بعثه الله
رحمة للعالمین، السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته،
السلام علی فاطمة بنت اسد الهاشمية، السلام علیک ایتها
الصديقة المرضیة، السلام علیک ایتها التقیة النقیة، السلام
علیک ایتها الکریمة الرضیة، السلام علیک یا کافلة محمد
خاتم النبیین، السلام علیک یا والدة سید الوصیین، السلام
علیک یا من ظهرت شفقتها علی رسول الله خاتم النبیین،
السلام علیک یا من تربیتها لولی الله الامین، السلام علیک
وعلی روحک وبدنک الطاهر، السلام علیک وعلی ولدک،

ورحمة الله وبركاته، اشهد انك أحسنت الكفالة، واديت
الامانة، واجتهدت في مرضات الله، وبالغت في حفظ رسول
الله، عارفة بحقه، مؤمنة بصدقه، معترفة بنبوته مستبصرة
بنعمته، كافلة بتربيته، مشفقة على نفسه، واقفة على خدمته،
مختارة رضاه، مؤثرة هواه، واشهد انك مضيت على الايمان
والتمسك باشرف الاديان، راضية مرضية، طاهرة زكية، تقية
نقية، فرضى الله عنك وارضاك، وجعل الجنة منزلتك
ومأويك، اللهم صل على محمد وآل محمد، وانفعني
بزيارتها، وثبني على محبتها، ولا تحرمني شفاعتها وشفاعة
الائمة من ذريتها، وارزقني مرافقتها، واحشرني معها ومع
اولادها الطاهرين، اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارتي
اياها، وارزقني العود اليها ابدًا ما ابقيتني، واذا توفيتني
فاحشرني في زمرتها، وادخلني في شفاعتها، برحمتك يا
ارحم الراحمين، اللهم بحقها عندك ومنزلتها لديك، اغفر لي
ولوالدي ولجميع المؤمنين والمؤمنات، وآتنا في الدنيا حسنة
وفي الآخرة حسنة، وقنا برحمتك عذاب النار".
سپس دو ركعت نماز زیارت بخوان، وهر چه دوست داری بخواه.

زيارت ابراهيم، فرزند پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله و سلم
" السلام على رسول الله، السلام على نبي الله، السلام على
حبيب الله، السلام على صفي الله، السلام على نجي الله،
السلام على محمد بن عبد الله، سيد الانبياء وخاتم المرسلين،
وخيرة الله من خلقه في ارضه وسماؤه، السلام على جميع
انبياءه ورسله، السلام على الشهداء والسعداء
والصالحين، السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين، السلام
عليك ايها الروح الزاكية، السلام عليك ايها النفس الشريفة،
السلام عليك ايها السلالة الطاهرة، السلام عليك ايها
النسمة الزاكية، السلام عليك يا بن خير الورى، السلام عليك
يا بن النبي المجتبي، السلام عليك يا بن المبعوث الى كافة
الورى، السلام عليك يا بن البشير النذير، السلام عليك يا بن
السراج المنير، السلام عليك يا بن المؤيد بالقرآن، السلام
عليك يا بن المرسل الى الإنس والجان، السلام عليك يا بن
صاحب الراية والعلامة، السلام عليك يا بن الشفيع يوم القيمة،
السلام عليك يا بن من حباه الله بالكرامة، السلام عليك ورحمة

الله وبركاته، اشهد انك قد اختار الله لك دار انعامه قبل ان يكتب عليك احكامه، او يكلفك حلاله وحرامه، فنقلك اليه طيبا زاكيا مرضيا طاهرا من كل نجس، مقدسا من كل دنس، وبوأك جنة المأوى، ورفعك الى الدرجات العلى، وصلى الله عليك صلاة تقر بها عين رسوله، وتبلغه اكبر مأموله، اللهم اجعل افضل صلواتك وازكيها، وانمى بركاتك واوفيتها، على رسولك ونبيك وخيرتك من خلقك، محمد خاتم النبيين، وعلى من نسل من اولاده الطيبين، وعلى من خلف من عترته الطاهرين، برحمتك يا ارحم الراحمين، اللهم اني اسئلك بحق محمد صفيك، وابراهيم نجل نبيك ان تجعل سعبي بهم مشكورا، وذنبي بهم مغفورا، وحياتي بهم سعيدة، وعاقبتي بهم حميدة، وحوائجي بهم مقضية، وافعالي بهم مرضية، واموري بهم مسعودة، وشئوني بهم محمودة، اللهم واحسن لي التوفيق، ونفس عني كل هم وضيق، اللهم جنبني عقابك، وامنحني ثوابك، واسكني جنانك، وارزقني رضوانك وامانك، واشرك لي في صالح دعائي والدي وولدي وجميع المؤمنين والمؤمنات، الأحياء منهم والاموات، انك ولي

الباقيات الصالحات، آمین رب العالمین".

سپس حوائج خود را طلب کن، و دو رکعت نماز زیارت بخوان
 مساجد و مشاهد مشرفه اطراف مدینه منوره

۴۶ - بازدید از مساجد و مشاهد مشرفه اطراف مدینه منوره
 مستحب است، و سزاوار است این بازدید از مسجد قبا آغاز شود.
 مسجد قبا

مسجد قبا مسجدی است که از ابتدا بر پایه تقوی بنیان گذاری
 شده است. زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به
 مدینه منوره هجرت کرد، قبل از ورود به مدینه در قریه قبا
 نزول اجلال فرمود، و حدود بیست و چند شب در آن مکان به انتظار
 پسر عمش حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام ماندند، و قبل از آن
 که مسجد نبوی را احداث فرمایند، این مسجد را بنا کردند،
 و در شأن این مسجد این آیه شریفه نازل شده است:
 " لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم
 فیه، فیه رجال یحبون ان یتطهروا والله یحب المتطهرین".

دعا و نماز در این مسجد مستحب است، و از پیامبر اکرم صلی الله
 علیه و آله و سلم روایت شده است، که فرمود: هر کسی در خانه خود

تطهیر کند، و به مسجد قبا بیاید، و دو رکعت نماز گزارد، برابر يك عمره او را پاداش دهند.

این مسجد اکنون در کنار شهر مدینه واقع شده است، و پشت آن خانه‌ای است که منسوب به حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام است، و در مقابل آن قبلا چاهی بود که آبی زلال داشت، و گفته میشود در این چاه انگشتی و یا آب دهان رسول خدا افتاده، و بدین وسیله آب چاه گوارا و زلال گردیده است، و از این رو آن چاه را " بئر الخاتم " و " بئر التفلة " نامیده‌اند.

مسجد فضیخ

سپس به مسجد فضیخ مآبی، و در آن نماز منخوانی، و دعا مکنی.

مشربه أم ابراهیم

سپس به مشربه ام ابراهیم همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم که ماریه قبطیه نام داشت برو، و در آنجا که منزل و محل نماز پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم است، نماز بخوان.

مساجد أحد

سپس به جانب احد برو، و در اولین مسجد که معروف به "مسجد الحره" است نماز بگزار، و خداوند متعال را برای حاجات بخوان.

زیارت حضرت حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم سپس به زیارت قبر عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم حضرت حمزة ابن ابی طالب در احد برو، و نزد قبرش بایست، و بگو:

"السلام عليك يا عم رسول الله، صلی الله علیه وآله،
السلام عليك يا خير الشهداء، السلام عليك يا اسد الله واسد
رسوله، اشهد انك قد جاهدت في الله عز وجل، وجدت
بنفسك، ونصحت رسول الله، وكنت فيما عند الله سبحانه
راغبا، بابي انت وامي، اتيتك متقربا الى الله عز وجل
بزيارتك، ومتقربا الى رسول الله صلی الله علیه وآله بذلك،
راغبا اليك في الشفاعة، ابتغي بزيارتك خلاص نفسي متعوذا
بك من نار استحققتها مثلي بما جنيت على نفسي، هاربا من
ذنوبي التي احتطبتها على ظهري، فزعا اليك رجاء رحمة
ربي، اتيتك من شقة بعيدة، طالبا فكاك رقبتني من النار، وقد

اوقرت ظهري ذنوبي، واتيت ما اسخط ربي، ولم اجد احدا
افزع اليه خيرا لي منكم اهل بيت الرحمة، فكن لي شفيعا يوم
فقري وحاجتي، فقد سرت اليك محزوننا، واتيتك مكروبا،
وسكبت عبرتي عندك باكيا، وصرت اليك مفردا، وانت ممن
امرني الله بصلته، وحثني على بره، ودلني على فضله،
وهداني لحبه، ورغبني في الوفاة اليه، والهمني طلب
الحوائج عنده، انتم اهل بيت لا يشقى من توليكم، ولا يخيب
من اتاكم، ولا يخسر من يهويكم، ولا يسعد من عاداكم ".
وچون از زيارت فارغ شدى، دو ركعت نماز بگزار، واين دعا
را بخوان:

" اللهم صل على محمد وآله محمد، اللهم اني تعرضت
لرحمتك بلزوقي لقبر عم نبيك صلى الله عليه وآله، ليجيرني
من نقمتك وسخطك ومقتك في يوم تكثر فيه الاصوات،
وتشغل كل نفس بما قدمت، وتجادل عن نفسها، فان
ترحمنى اليوم فلا خوف علي ولا حزن، وان تعاقب فمولى له
القدرة على عبده، ولا تخيبني بعد اليوم، ولا تصرفني بغير
حاجتي، فقد لصقت بقبر عم نبيك، وتقربت به اليك ابتغاء

مرضاتك ورجاء رحمتك، فتقبل مني، وعد بحلمك على جهلي، وبرأفتك على جناية نفسي، فقد عظم جرمي، وما اخاف ان تظلمني، ولكن اخاف سوء الحساب، فانظر اليوم قلبي على قبر عم نبيك، فبهما فكني من النار، ولا تخيب سعبي، ولا يهونن عليك ابتهالي، ولا تحجين عنك صوتي، ولا تقلبني بغير حوائجي، يا غياث كل مكروب ومحزون، ويا مفرجا عن الملهوف الحيران الغريق المشرف على الهلكة، فصل على محمد وآل محمد، وانظر الي نظرة لا اشقى بعدها ابدا، وارحم تضرعي وعبرتي وانفرادي، فقد رجوت رضاك، وتحريت الخير الذي لا يعطيه احد سواك، فلا ترد املي، اللهم ان تعاقب فمولي له القدرة على عبده وجزاءه بسوء فعله، فلا اخيبن اليوم، ولا تصرفني بغير حاجتي، ولا تخيبن شخوصي ووفادتي، فقد انفدت نفقتي، واتعبت بدني، وقطعت المفازات، وخلفت الاهل والمال وما حولتني، وآثرت ما عندك على نفسي، ولذت بقبر عم نبيك صلى الله عليه وآله، وتقربت به ابتغاء مرضاتك، فعد بحلمك على جهلي، وبرافتك على ذنبي، فقد عظم جرمي، برحمتك يا كريم يا كريم "

سپس به طرف قبور شهدای احد رحمهم الله برو، و در کنار
قبورشان بایست و بگو:

" السلام علیکم یا أهل الدیار، أنتم لنا فرط وانا بکم
لاحقون. السلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار "

سپس به مسجدی که در زمین وسیع کنار کوه که در طرف
راستت در وقت آمدن به احد قرار دارد برو، زیرا پیامبر اکرم صلی الله
علیه وآله و سلم در روز احد از این محل برای قتال با مشرکین خارج
شدند و خداوند متعال ایشان را یاری نمود.
مسجد احزاب

سپس به مسجد احزاب برو، و در آن مکان نماز گزار، و دعا
بخوان، زیرا در این مکان خداوند دعای رسول خدا صلی الله علیه وآله
و سلم را در حمله احزاب در جنگ خندق زمانی که مسلمین به ستوه
آمدند مستجاب کرد. زمانی که آن حضرت پروردگارش را چنین
ندا مکرد:

" یا صریخ المکروبین و یا مجیب دعوة المضطربین و یا
مغیث الملهوفین اکشف همی و کربی و غمی فقد تری حالی
و حال اصحابی "

و این همان " مسجد فتح " است، که دعای رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم در آن برای نصرت امیر المؤمنین علیه السلام بر عمر بن عبدود مستجاب شد، و با کشتن او کفار به هزیمت رفتند، و این مسجد نیز همان " مسجد رد شمس " است، که برای حضرت علی علیه السلام خورشید بازگشت، تا آن حضرت نماز عصرش را که به خاطر خوابیدن رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم بر زانویش به تأخیر افتاده بود، در وقتش بخواند.

مسجد ذو قبلتین

سپس به مسجد ذو قبلتین و مسجد امیر المؤمنین علیه السلام و مسجد سلمان مروی، و نماز مگزاری، و به دعا و تضرع در پیشگاه خداوند متعال میپردازد.

زیارت انصار رسول الله

" السلام علی رسول الله، السلام علی نبی الله، السلام علی محمد بن عبد الله، السلام علی اهل بیته الطاهرین، السلام علیکم ایها الشهداء المؤمنون، السلام علیکم یا اهل بیت الایمان والتوحید، السلام علیکم یا انصار دین الله وانصار

رسوله عليه وآله السلام، سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار، اشهد ان الله اختاركم لدينه، واصطفاكم لرسوله، و اشهد انكم قد جاهدتم فى الله حق جهاده، وذبيتتم عن دين الله وعن نبيه، وجدتم بانفسكم دونه، و اشهد انكم قتلتم على منهاج رسول الله، فجزاكم الله عن نبيه وعن الاسلام واهله افضل الجزاء، وعرفنا وجوهكم فى محل رضوانه، و موضع اكرامه مع النبيين والصديقين والشهداء والصالحين، وحسن اولئك رفيقا، اشهد انكم حزب الله، وان من حاربكم فقد حارب الله، وانكم لمن المقربين الفائزين، الذين هم احياء عند ربهم يرزقون، فعلى من قتلكم لعنة الله والملائكة والناس اجمعين، اتيتكم يا اهل التوحيد زائرا وبحقكم عارفا، وبزيارتكم الى الله متقربا، وبما سبق من شريف الاعمال، ومرضى الافعال عالما، فعليكم سلام الله ورحمته وبركاته، وعلى من قتلكم لعنة الله وغضبه وسخطه، اللهم انفعني بزيارتهم، وثبني على قصدهم، وتوفني على ما توفيتهم عليه، واجمع بينى وبينهم فى مستقر دار رحمتك، اشهد انكم لنا فرط، ونحن بكم لاحقون ."

٤٧ - وداع پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم
و چون قصد وداع با رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم را کردی،
غسل کن، و لباس طاهر بپوش، و به زیارت آن حضرت مشرف
شو، و زیارتی را که گذشت بخوان، و با این عبارات با آن حضرت
وداع کن:

" السلام عليك يا رسول الله، استودعك الله واسترعيك
واقراء عليك السلام، آمنت بالله وبما جئت به ودلت عليه،
اللهم لا تجعله آخر العهد منى لزيارة قبر نبيك، فان توفيتني
قبل ذلك فاني اشهد في مماتي على ما شهدت عليه في
حياتي، ان لا إله الا انت، وان محمدا عبدك ورسولك، صلي
الله عليه وآله ."

و بگو: " صلی الله علیه و آله، السلام عليك،
لا جعله الله آخر تسليمی عليك ".
سپس بگو:

" السلام عليك يا رسول الله، السلام عليك ايها البشير
النذير، السلام عليك أيها السراج المنير، السلام عليك ايها
السفير بين الله و بين خلقه، اشهد يا رسول الله انك كنت نورا

فى الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة، لم تنجسك
الجاهلية بأنجاسها، و لم تلبسك من مدلهمات ثيابها، و اشهد
يا رسول الله انى مؤمن بك وبالائمة من اهل بيتك، اعلام
الهدى، والعروة الوثقى، والحجة على اهل الدنيا، اللهم
لا تجعله آخر العهد من زيارة نبيك عليه السلام، وان توفيتني
فانى اشهد فى مماتي على ماشهد عليه فى حياتي، انك انت
الله لا إله الا انت، وحدك لا شريك لك، وان محمدا عبدك
ورسولك، وان الأئمة من اهل بيته، اولياؤك وانصارك
وحججك على خلقك، وخلفاؤك فى عبادك واعلامك فى
بلادك، وخزان علمك، وحفظة شرك، وتراجمة وحيك،
اللهم صل على محمد و آل محمد، وبلغ روح نبيك محمد
وآله، فى ساعتى هذه وفى كل ساعة تحية منى وسلاما،
السلام عليك يا رسول الله ورحمة الله وبركاته ".
وداع ديكر پیامبر اكرم صلى الله عليه وآله و سلم
" اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارة قبر نبيك، فان
توفيتني قبل ذلك، فإنى اشهد فى مماتي على ما اشهد عليه
فى حياتي، أن لا إله الا انت، وان محمدا عبدك ورسولك

وانك قد اخترته من خلقك، ثم اخترت من اهل بيته الأئمة
الطاهرين، الذين اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا،
فاحشرنا معهم، وفي زمرتهم، وتحت لواءهم، ولا تفرق بيننا
وبينهم في الدنيا والآخرة، يا ارحم الراحمين، السلام عليك،
لا جعله الله آخر تسليمي عليك".

٤٨ - وداع با ائمه بقیع علیهم السلام
و پس از وداع با قبر رسول خدا صلی الله علیه وعلیه وآله و سلم قبور
ائمه بقیع علیهم السلام زیارت کن، و با آنان وداع نماي و بگو.
" السلام علیکم ائمة الهدی ورحمة الله وبرکاته،
استودعکم الله واقراء علیکم السلام، آمنا بالله وبالرسول وبما
جئتم به ودللتم علیه، اللهم فاكتبنا مع الشاهدين ".
و سپس مسکوبی:
" ولا تجعله آخر العهد من زیارتهم برحمتک یا ارحم
الراحمین السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ".